

۴۲۸

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۷ تا ۲۳ شهریور ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۸۹۴

زن زندگی آزادی
مرد میهن آبادی
#مهسا_امینی



اقتدار؟!!

نه! نه! نه!

پریشانی و هراسی...



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم

کیهان شماره ۱۸۹۴ (۴۲۸)

جمعه ۱۷ تا ۲۳ شهریور ماه ۱۴۰۲

۸ تا ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳



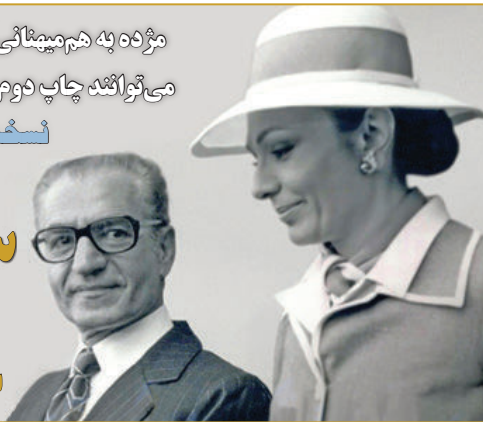
مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی‌زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۴۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیهان

*** فهرست مطالب ***

۴ سرقال - یك انقلاب از ۴۴ سال پیش اعلام شده! / الاهه بقراط

۴-۵ اقتدار؟! نه! پریشانی و هراس... / روشنگر آسترکی

۶-۱۱ گفتگوی «سیاست بین‌المللی» با شاهزاده رضا پهلوی ... / ...

۱۱ شلم شوربا... / خیراندیش (احمد/حرار)

۱۲-۱۴ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۲۹) ... / دکتر هوشنگ نیاوندی

۱۴-۱۵ اقدامات «طالبانی» جمهوری اسلامی: توقف مجوز کاشت ناخن و مژه و... / ...

۱۶-۱۷ اگر «رضاخان» خواستار قدرت نبود و «رضاشاه» نمی‌شد ... / حقیقت‌جو

۱۸-۱۹ پیکر جواد روحی مخفیانه و تحت تدابیر شدید امنیتی در روستای پدری ... / ...

۱۹ شاهزاده رضا پهلوی: درد ایران ملی است؛ درمان آن نیز ملی است! ... / ...

۲۰-۲۱ کنفرانس سازمان حقوق بشر ایران: چالش‌ها و راهکارهای عدالت ... / احمد رأفت

۲۲ اسپیکل: مرگ مرموز در زندان‌های ایران ... / ...

۲۳ تداوم فشارهای امنیتی و قضایی بر شهروندان در آستانه سالروز اعتراضات ... / ...

۲۴-۲۵ «اگر دیوارهای سنگی شهر پاریس نبودند یقیناً ... / کتابیون حلاجان

۲۶-۲۷ برکناری رئیس کل بیمه مرکزی ایران در پی هک شدن اطلاعات ۱۹ شرکت بیمه ... / ...

۲۷ پیام پایوران ارتش شاهنشاهی به نیروهای مسلح: در جبهه‌ی صلح و سرفرازی ایران... / ...

۲۸-۲۹ هشدار درباره مهاجرت استارت‌آپ‌ها از کشور ... / ...

۲۹ رونیترز: طبق گزارش محرمانه آژانس مذاکره با جمهوری اسلامی در مورد... / ...

۳۰-۳۱ کاهش ۵۰ درصدی سفارشی‌آلتیه‌های عکاسی و فیلمبرداری ... / ...

۳۱ دولت بایدن تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی را نادیده گرفته ... / ...

۳۲ انتقاد از مدیران «بنیاد نوبل» به دلیل دعوت از رژیم‌های ایران، روسیه و بلاروس ... / ...

۳۲-۳۳ کنگره آمریکا خواهان توضیح رئیس ستاد فرماندهی راهبردی ایالات متحده ... / ...

۳۳ نیویورک تایمز: دولت سوئد بیش از ۵۰۰ روز است گروگان گرفته شدن ... / ...

۳۴-۳۵ پیمان شانگهای و بریکس؛ «خبردرمانی» و توهم «شکست آمریکا» ... / ...

۳۵ وزیر خارجه کره جنوبی: تلاش برای حل مشکل انتقال دارایی‌های بلوکه شده ... / ...

۳۶-۳۷ افزایش تجمعات صنفی در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی ... / ...

۳۷ خبرگزاری «تسنیم»: اعضای تیم حامی «جریان سلطنت طلب» ... / ...

۳۸ تجمع سراسری بازنشستگان کشوری در استان‌های مختلف ایران ... / ...

۳۹ هزبنه‌های سرسام‌آور مدرسه و تحصیل در آستانه مهرماه ۱۴۰۲ ... / ...

۴۰-۴۱ افزایش ۶۱ درصدی بدهی دولت و شرکت‌های دولتی ... / ...

۴۱ «مروزنما»: مرگ در تبعید فخرمانی راستین؛ حسن رهنوردی درگذشت ... / ...

۴۲-۴۳ آزار شهروندان به بهانه «بی‌حجابی»؛ «پلیکیشن ناظر» در خدمت خبرچینی و... / ...

۴۳ هواپیماهای کمکی «یاک ۱۳۰» بجای «سوخو ۳۵» ... / ...

۴۴-۴۵ یک سوم فروشگاه‌های لوازم اتومبیل تعطیل شدند ... / ...

۴۵ آسوشیتدپرس: جمهوری اسلامی از صدور ویزا برای مقامات آژانس ... / ...

۴۶-۴۷ ناایمنی در معادن بار دیگر حادثه آفرید؛ شش جانباخته در پی انفجار ... / ...

۴۷ سفیر اسرائیل در سازمان ملل: خطر ناک‌ترین رژیم جهان در آستانه دستیابی به... / ...

۴۸-۴۹ درخواست برای تحقیقات مستقل درباره جان‌باختن جواد روحی ... / ...

۴۹ تبادل سفیر بین جمهوری اسلامی و عربستان ... / ...

۵۰ درگیری‌های خونین کرد و عرب و ترکمن در کرکوک بر سر یک ساختمان ... / ...

۵۱ وضعیت وخیم پناهجویان در اردوگاه‌های پناهندگی ترکیه ... / ...

۵۲-۵۳ گزارش روزنامه «فرانکفورتر آلگماننه» از بحران آب در ایران ... / ...

۵۳ بنیاد نوبل دعوت از نمایندگان رژیم‌های روسیه، بلاروس و جمهوری اسلامی را... / ...

۵۴ نازیلامعروفیان، خبرنگار، در یک فابل صوتی گفته که در زندان به‌وی تعرض... / ...

۵۵ گزارش تحقیقی دوسازمان حقوق بشری درباره جنایات جمهوری اسلامی در... / ...

۵۶-۵۷ وزارت نیرو با هدف درآمدزایی، جنگل‌ها و منابع طبیعی کشور را... / ...

۵۷ فریدون عباسی دوانی: هر قدر به مهرماه نزدیک می‌شویم توپنه دشمن... / ...

۵۸-۵۹ کلاس‌های بی‌استاد؛ تداوم سرکوب در دانشگاه‌ها و فرافکنی «خودی» ها... / ...

۵۹ جوزپ بورل تأیید کرد: شهر وندسوندی که توسط جمهوری اسلامی به... / ...

۶۰-۶۱ اختصاصی کیهان لندن: وزیر اطلاعات اسرائیل در مجلس اعیان برتانیای... / ...

۶۱ آسوشیتدپرس: یک شرکت کشتیرانی یونانی جریمه ۲/۴ میلیون دلاری به دلیل... / ...

۶۲-۶۳ جبران «هزینه تحریم» از جیب مردم؛ از مالیات‌های متنوع تا جریمه‌های... / ...

۶۳ اطلاعیه مشترک سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات: به‌شبه «سازماندهی»... / ...

۶۴-۶۵ فرار متهم به جاسوسی برای جمهوری اسلامی از زندان لندن... / ...

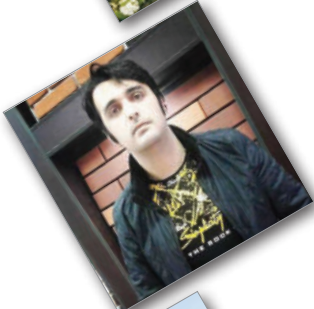
۶۵ پرواز هواپیمای باری «پویا ایر» متعلق به سپاه پاسداران بر فراز کریمه... / ...

۶۶ تداوم موج سرکوب‌ها در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی... / ...

۶۷ روایت‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی درباره «ختی کردن طرح خرابکاری»... / ...

۶۸ پشت‌جلد - عکس هفته / همبستگی جهانی با انقلاب ملی ایران /

بازنشر
بازنشر



اقتدار؟! نه! پریشانی و هراس

وقوع یک انقلاب از
۴۴ سال پیش اعلام شده!

هر کدام از انقلاب‌های معروف جهان را که در نظر بگیرید، مخالفان آنها پس از چند سال کم و کمتر شده و نظام انقلابی با تثبیت خود یا دهه‌ها در ثبات و آرامش مبتنی بر سرکوب و سانسور ماند مانند انقلاب روسیه و چین و یا به علت سازگاری با روح زمان به سرنوشت آن ملل تبدیل شد مانند انقلاب آمریکا و فرانسه. تنها انقلابی که به دلیل ناسازگاری نه تنها با روح زمان بلکه با سرشت و کرامت انسان هرگز از تزلزل و حالت انقلابی به مرحله ثبات و آرامش، حتی با سرکوب و



سانسور، نرسید، انقلاب اسلامی ۵۷ در ایران است. مخالفان انقلاب ۵۷ هرچه زمان گذشت، بیش و بیشتر شدند! اگر در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری، اقلیتی دگراندیش به دلایل سیاسی و اینکه چون نظام مورد علاقه‌شان سرنگون شده بود و یا چون نظام مورد علاقه‌شان بر سر کار نیامده بود، مخالف این رژیم بودند، همراه با قلع و قمع وحشیانه‌ی آنان، به تدریج، دیگر مردم عادی بودند که به دلیل جنگ و پیامدهای آن، به دلایل آموزشی و فرهنگی، به دلایل اقتصادی و معیشتی و به دلیل زیر پا گذاشتن انواع حقوق خود روز به روز به صف مخالفان نظام می‌پیوستند.

در این میان، نه فقط وقوع خود انقلاب ارتجاعی ۵۷ یک سانحه‌ی فاجیع بود بلکه تداوم انقلابیگری سیاسی و ایدئولوژیک آن نیز در شکل نظام جمهوری اسلامی مرتب تلاش برای عقب راندن جامعه و از دست رفتن منابع و ثروتی بود که می‌بایست هزینه پیشرفت و رفاه می‌شد آنهم تا حدی که وقتی نسل‌های جوان به عقب نگاه می‌کنند ببینند و متقاعد شوند که در جایی بالاتر و بالاتر نسبت به پدران و مادرانشان در سال ۵۷ ایستاده‌اند! قضیه اما درست برعکس است! از سوی دیگر، با وجود هورا و ماله کشی و «علاج» انواع اصلاحطلبان و معتدلیان و تحولخواهان داخلی و صادراتی که با بازی با کلمات و تحریف مفاهیم و رویدادهای واقعی به دنبال تثبیت انقلاب ارتجاعی و مشروعه ۵۷ در برابر پادشاهی و پهلوی بودند تا زمان بگذرد و «جمهوری» با یا بدون پسوند «اسلامی» به سرنوشت ایران تبدیل شود اما جامعه گوشش بدهکار نبود و راه دیگری را می‌رفت تا بتواند با پلی بین گذشته و آینده از جهنم جمهوری اسلامی نجات پیدا کند.

اکنون انقلابی را که پس از سرکوب ۸۸ طی چند سال تا پاییز ۹۶ در ذهن جامعه روی داده و هر سال گسترش یافته و آگاهی نسل‌های جوان از یکسو نسبت به حقوق خود و از سوی دیگر نسبت به ناتوانی و ناکارآمدی و ناهمساز بودن نظام جمهوری اسلامی با جهان را، با هیچ سرکوبی نمی‌توان خنثی کرد به ویژه آنکه این رژیم بی‌تردید در سرکوب نیز ناتوان و ناکارآمد خواهد شد!

وقوع این انقلاب ناگزیر و لازم که عین انقلاب مشروطه، ملی و مترقی است و در هم تنیده با میراث پهلوی رو به آینده دارد، نه امسال و پارسال بلکه از همان ۵۷ اعلام شده بود! انقلابی که به دست جوانان و زنان ایران متحد پیروز خواهد شد.



● این حجم از بگیر و ببند و سرکوب بیش از آنکه هراس‌افکنی در میان مردم باشد، نشان از پریشانی و هراس جمهوری اسلامی از شهروندانی دارد که با دست خالی و ایستاده بر اراده ملی برای براندازی ساختار حکومت در تلاش هستند.

نقش‌آفرینی برای اهداف اتاق‌های فکر اصلاح‌طلب- اصولگرا خارج شده و در کنار مردم و در برابر جناحین حکومت قرار گرفته، در اعتراضات سال گذشته نقشی برجسته در همراهی با اعتراضات مردمی ایفا کرد. دانشجویان فضای دانشگاه‌ها را به صحنه اعتراضات تبدیل کردند و دست‌کم در ۱۴۴ دانشگاه کشور تجمعات اعتراضی و تظاهرات و تحصن برگزار شد؛ اعتراضاتی که پس از سال‌ها دیگر به سود یکی از «بال‌های نظام» پیش‌غمی‌رفت بلکه مبارزات مردمی را که با یکپارچگی و همبستگی از سراسر ایران جنبش ملی را پیش می‌بردند تکمیل می‌کرد.

با توجه به اینکه جنبش دانشجویی یکی از بازوهای مؤثر در اعتراضات سال گذشته بود، سرکوب دانشجویان از نخستین روزهای مهر سال گذشته آغاز شد و همچنان ادامه دارد. هرچند تعداد دقیق دانشجویانی که طی سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ اخراج، تعلیق، بازداشت، احضار و یا پرونده‌سازی در کمیته‌های انضباطی روبرو شدند مشخص نیست اما به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا) از ۲۶ شهریور تا ۲۴ آذر، ۶۳۷ دانشجو در جریان اعتراضات بازداشت شدند. کانون بین‌المللی دانشجویان ایران هم تعداد بازداشت‌شدگان را بیش از ۶۵۰ دانشجو اعلام کرد. این آمار مربوط به مواردیست که گزارش شده‌اند و گمان می‌رود شمار زیادی از بازداشت‌ها به ویژه در دانشگاه‌های کوچک یا شهرستان‌ها گزارش نشده باشد. از سوی دیگر صدها دانشجو در سراسر کشور در ماه‌های گذشته به مدت یک تا چهار ترم از تحصیل تعلیق شدند و برخی از آنها حتی به واحدهای دانشگاهی در شهرهای دیگر تبعید شدند. برخی دانشجویان نیز با حکم کمیته انضباطی، در زمان تعلیق از حضور در دانشگاه منع و به بیان دیگر «ممنوع‌الورود» شدند.

دو هفته مانده به سالروز اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، جمهوری اسلامی سرکوب شهروندان را به اشکال مختلف به اوج رسانده است. مزدوران و نیروهای لباس‌شخصی به ویژه به بهانه «مبارزه با بی‌حجابی» در سطح خیابان‌ها و اماکن عمومی جاسازی شده‌اند تا بتوانند در صورت بروز تجمعات، در نخستین دقیق سرکوب حداکثری را به کار گرفته و از ایجاد موج خروشان اعتراضات در خیابان‌ها جلوگیری کنند. وحشت‌آفرینی و تهدید هرچند از مهم‌ترین تاکتیک‌های این روزهای جمهوری اسلامی است اما اینهمه، نمایشی روشن از استیصال، آشفتگی، هراس و عدم مشروعیت حکومت است. موج سرکوب شهروندان در آستانه سالروز اعتراضات جنبش ملی شدت گرفته و نهادهای امنیتی و قضایی گروه‌ها و اقشار مختلف مردم را زیر ضرب احضار، تهدید و بازداشت قرار داده‌اند. دادخواهان، دانشجویان، هنرمندان، فعالان مدنی و صنفی و سیاسی، و همچنین شهروندانی که در اعتراضات سال گذشته بازداشت شده‌اند از جمله شهروندانی هستند که این روزها زیر فشار نهادهای امنیتی قرار دارند. جمهوری اسلامی تلاش دارد با پرونده‌سازی، احضار و تهدید، صدور حکم زندان و همچنین بازداشت شهروندان فعال در عرصه‌های سیاسی و مدنی و صنفی، ایجاد هرگونه هماهنگی و سازماندهی برای تشکیل هسته‌های اولیه اعتراضات و تجمعات را غیرممکن کند.

در ادامه سناریوی نهادهای امنیتی، رصد و کنترل مناطقی که پتانسیل شکل‌گیری تجمعات را دارند در دستور کار قرار گرفته است.

از تضعیف بازوهای اعتراضی تا کنترل خیابان
جنبش دانشجویی ایران که از اواسط دهه ۹۰ خورشیدی به روشنی نشان داد از خدمت جریان اصلاح‌طلب و

جمهوری اسلامی علیه شهروندان است. این اشتباه محاسباتی اتاق‌های فکر اصلاح‌طلب- اصولگرا اما نشان از استیصالی دارد که حتی دیگر در طراحی پروژه‌هایی برای حفظ نظام هم به زیان خود حکومت عمل می‌کند.

این حجم از بگیر و ببند و سرکوب بیش از آنکه هراس‌افکنی در میان مردم باشد، نشان از پریشانی و هراس جمهوری اسلامی از شهروندانی دارد که با دست خالی، و ایستاده بر اراده ملی برای براندازی ساختار حکومت در تلاش هستند. روندی که در هفته‌های گذشته در ایران در جریان بوده نشان می‌دهد حکومتی که همه امکانات مالی، نظامی، امنیتی و اطلاعاتی کشور را در اختیار دارد، به نقطه‌ای از ضعف و ناتوانی رسیده که تنها هنر و ابزارش تهدید مردم به «خشونت» و «سرکوب» است و دیگر هیچ!

در طول یک سال گذشته تلاش زیادی از سوی بال اصلاح‌طلب حکومت در داخل و خارج کشور صورت گرفت تا بتواند سوار بر موج جنبش ملی شده و مردم را به سوی خود هدایت کند و عبور از جمهوری اسلامی را به «عبور از خامنه‌ای و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» تقلیل داده و ساختاری در درون ساختار جمهوری اسلامی ترسیم کند. چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب در داخل خود را همراه مردم نشان دادند اما همچنان خط قرمز پررنگی با «براندازی» ترسیم کردند و بازی بیست‌وپنج ساله اصلاحات را با عناوینی چون «تحولخواهی» ادامه دادند. بخشی از نیروهای صادراتی اصلاح‌طلب نیز در خارج نیز تلاش کردند تا با تضعیف جریان‌های و چهره‌های قدرتمند برانداز، هزینه «انقلاب» را برای شهروندان درون کشور «جبران‌ناپذیر» جلوه دهند و خشونت‌های که زاییده جمهوری اسلامی است را به شهروندانی نسبت دهند که با دست خالی و با جان و تن در برابر گلوله مأموران حکومتی، آزادی میهن را خواستارند. این تلاش‌ها و سناریوها اما یکی پس از دیگری با هوشیاری و آگاهی مردم درون کشور شکست خورد و بر باد رفت. مردم نشان دادند که خواسته‌هایشان را دیگر به هیچ شکلی در ساختار جمهوری اسلامی و با توسل به هیچ جریان و چهره‌ای در حکومت، یا وابسته به حکومت، جستجو نمی‌کنند و ایستاده‌اند تا با «تغییر»، حکومتی بر پایه دموکراسی و با هدف سعادت ملی برای همه شهروندان بنا بگذارند. آنها از سال گذشته با همبستگی، صحنه‌ای از اتحاد ملی در کشور به نمایش گذاشته‌اند و نشان داده‌اند توان به عقب راندن جمهوری اسلامی را دارند.

امروز حکومتی که پس از هر تحرک اعتراضی مردم، ضعیف‌تر و ناتوان‌تر شده و به شدت با اختلافات و ریزش درونی نیز روبروست، در برابر «قدرت مردم» قرار گرفته و شهروندان نیز دریافته‌اند با تکیه بر همین قدرت می‌توانند پیروزی را سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر به دست بیاورند.

واقعیت اینست که موج جنبش ملی از سال‌ها پیش در ایران آغاز شده و با آگاهی و چشم‌اندازی روشن و واقع‌گرایانه رو به آینده دارد. حتی اگر برآیند همه تلاش‌های جمهوری اسلامی در هفته‌های گذشته، جلوگیری از برگزاری اعتراضاتی در اواخر شهریورماه و همزمان با سالگرد اعتراضات سال گذشته باشد، اما این موج فرو نخواهد نشست. موجی که سرانجام ریشه جمهوری اسلامی و همه وابستگی‌های ساختاری و ایدئولوژیک آن را خواهد کند و نقطه پایان بر انقلاب ۵۷ و پیامدهای آن خواهد گذاشت تا کشور را بار دیگر در مسیر توسعه و ترقی و رفاه عمومی قرار دهد.

روشنگ آسترکی

افراد که با عناوینی چون لباس‌شخصی، آمر به معروف، بسیجی و... شناخته می‌شوند جزو «جمعیت ناچیز» طرفدار حکومت هستند و یا به دلیل فقر، خام مزدوری برای



جمهوری اسلامی شده‌اند. اگرچه در سال‌های گذشته نیز همواره لباس‌شخصی‌ها و بسیجی‌ها نقش ویژه‌ای در سرکوب شهروندان معترض داشته‌اند اما طی ماه‌های گذشته افراد زیادتری به استخدام جمهوری اسلامی درآمده‌اند تا در نقش «مخبر» و جاسوس و سرکوبگر فعال باشند. اکثر این افراد در حال حاضر مأموریت خود را به عنوان «آمران به معروف» و «حجاب‌بان» در خیابان‌ها و پارک‌ها و متروها و دیگر اماکن عمومی آغاز کرده‌اند. همچنین اپلیکیشنی به نام «ناظر» در اختیار این افراد گذاشته شده تا تحرکات اجتماعی را با ارسال موقعیت مکانی و اطلاعات شهروندان به مراکز امنیتی انتظامی مخابره کنند. همه این اقدامات در حال حاضر به بهانه مبارزه با پوشش اختیاری در جریان است اما در اصل مقدمه‌ای برای «کنترل خیابان» و جلوگیری از تشکیل «جمعیت میلیونی» معترضان است.

آن روی سکه‌ی نمایش اقتدار و نفوذ

جمهوری اسلامی سال‌هاست لاف «اقتدار» و «نفوذ» در منطقه» برای مخاطبان داخلی و خارجی خود می‌زند. حالا با توجه به از دست دادن مشروعیت در داخل و مردمی که سال‌هاست همت کرده‌اند تا برای آزادی و آبادی کشور، ریشه‌ی این حکومت تباهکار و فاسد و خشونت‌طلب را قطع کنند، اتاق‌های فکر جمهوری اسلامی نمایشی از «اقتدار» و «نفوذ» برای شهروندان در داخل طراحی کرده‌اند. جمهوری اسلامی تلاش دارد با سرکوب و هراس‌آفرینی مردم را از حضور در خیابان بترساند و یا هزینه شرکت در اعتراضات را آنقدر سنگین نشان دهد که بخشی از جامعه در نهایت با محاسبه هزینه-فایده مانند «قشر خاکستری» منفعل بماند. بازداشت‌ها و سرکوب‌ها و حذف‌های هفته‌های گذشته، دستگیری بیش از ۲۰ هزار شهروند معترض در پاییز گذشته و اعدام هفت جوان برومند به جرم شرکت در اعتراضات جنبش ملی، بخش‌هایی از نمایش «اقتدار» و «نفوذ»

هراس جمهوری اسلامی اما از دانشگاه‌ها به حدی شدید است که سرکوب اساتید را نیز در دستور کار قرار داده و از سال گذشته تا کنون ده‌ها استاد دانشگاه حکم تعلیق،

اخراج و یا بازنشستگی اجباری دریافت کردند. حذف اساتید از دانشگاه‌ها در تابستان امسال اوج گرفت و گزارش‌ها نشان می‌دهد بیش از ۵۲ استاد تنها در چند هفته گذشته از نظام آموزش عالی کشور حذف شدند. وجه مشترک همه این اساتید اظهارات آنها طی یک سال گذشته بوده که به صورت حمایت از شهروندان و دانشجویان معترض، و یا انتقاد از سرکوب مردم در خیابان و دانشجویان در دانشگاه، در شبکه‌های اجتماعی یا سر کلاس درس و یا با امضای بیانیه صورت گرفته است.

در طول ماه‌های گذشته موقعیت نیروهای «خودی» و بسیجی در دانشگاه‌ها مستحکم‌تر از قبل شده و شماری از نیروهای انقلابی و ارزشی تحت عنوان استاد در دانشگاه‌ها استخدام شده‌اند.

روند مشابهی در آموزش و پرورش در جریان است و ده‌ها آموزگار در هفته‌های گذشته با تعلیق و اخراج و بازنشستگی روبرو شدند. جنبش دانش‌آموزی در اعتراضات سال گذشته به شدت فعال بود و اعتراضات گسترده و بی‌سابقه‌ای را رقم زد.

از سوی دیگر منابع «کیهان لندن» از امنیتی شدن فضای واحدهای صنعتی و تولیدی بزرگ کشور در آستانه سالگرد جنبش ملی خبر می‌دهند. نیروهای حراست درون این واحدها و همچنین نهادهای امنیتی-اطلاعاتی فعالان صنفی را تحت نظر قرار داده و با رصد فعالیت کارگران، برخی از آنها را درباره برگزاری هرگونه اعتراض، تحصن یا اعتصاب در هفته‌های آینده تهدید کرده‌اند.

همچنین کنترل خیابان به عنوان کانون اصلی اعتراضات مردم، با تاکتیک‌های مختلف از سوی جمهوری اسلامی در جریان است. نیروهای رسمی نظامی و انتظامی به بهانه «مبارزه با بی‌حجابی» بار دیگر به چهارراه‌ها و میدانی اصلی بازگشته‌اند اما با توجه به هراس حکومت از «میلیونی» شدن جمعیت و همچنین هراس از ریزش نیروهای انتظامی، سرکوبگران و مزدوران دیگری نیز به کار گرفته شده‌اند. این

گفتگوی «سیاست بین‌المللی» با شاهزاده رضا پهلوی؛ جمهوری اسلامی در فشار و تنگنا



● میشل توپن روزنامه‌نگار و مدیر پیشین دفتر کانال اروپایی «آرته» در پاریس گفتگوی مفصلی با شاهزاده رضا پهلوی به عنوان اصلی‌ترین شخصیت مخالف جمهوری اسلامی انجام داده است.

● رضا پهلوی: هدف من از سفر به اسرائیل تشویق گفتگو و تلاش برای همزیستی مسالمت‌آمیز و تکرار پیام صلح بود.

● ما باید روی مردم ایران شرط‌بندی کنیم و به آنها اعتماد داشته باشیم. ایرانی‌ها بهترین ارتش ما هستند، ارتشی صلح‌آمیز، در برابر قدرت آیت‌الله‌ها!

● اعتصاب سراسری در ایران می‌تواند صرفاً با سرمایه‌هایی که متعلق به خود ایرانیان است تامین شود. پول‌هایی که مال مردم ماست. دارایی‌های مسدودشده ایران در یک صندوق بین‌المللی برای حمایت از این اعتصابات اختصاص یابد.

● نه ارتش و نه پلیس دشمن نیستند. این رژیم است که آنها را به دشمن مردم تبدیل کرده.

● این جنبش بیانگر سنتز همه ارزش‌های مردم ایران است که هیچکدام از خیزش‌های قبلی نتوانسته بودند آنها را تجسم ببخشند.

به تازگی در فصلنامه فرانسوی «سیاست بین‌المللی» (شماره ۱۸۰ / تابستان ۲۰۲۳) گفتگوی مفصل میشل توپن با شاهزاده رضا پهلوی درباره وضعیت کنونی و آینده ایران منتشر شده که کیهان لندن متن آن را به فارسی ترجمه کرده و در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد.

میشل توپن روزنامه‌نگار و مدیر پیشین دفتر کانال اروپایی «آرته» در پاریس و سردبیر سابق مجله «لومپور دوموند» است و همچنین در «آی‌۲۴ نیوز» تحلیل‌های سیاسی می‌نویسد. از او چند کتاب از جمله «مب و قرآن» درباره زندگی محمود احمدی نژاد (۲۰۰۸)، «تاریخ س‌ری انقلاب ایران» (در همکاری با رامین پراهم / ۲۰۰۹) و «زمان انتخاب» (مصاحبه با رضا پهلوی / ۲۰۰۹) منتشر شده است. وی با شاهزاده رضا پهلوی به عنوان اصلی‌ترین شخصیت مخالف جمهوری اسلامی گفتگو کرده است.

میشل توپن - در آوریل ۲۰۲۳ شما یک سفر تاریخی به اسرائیل داشتید. هم نخست وزیر نتانیا‌هو و هم رئیس جمهور هرتزوغ با شما دیدار داشتند. جمهوری اسلامی همواره حق موجودیت اسرائیل را به چالش کشیده. با سفر شما، این نخستین بار از سال ۱۹۷۹ بود که یک شخصیت ایرانی از این کشور بازدید می‌کرد. اهداف این سفر چه بود و انتظار دارید مراحل بعدی چه باشد؟

رضا پهلوی - من و هموطنانم از دیرباز با اسرائیلی‌ها و یهودیان سراسر جهان ابراز همدلی کرده‌ایم. برعکس جمهوری اسلامی که یهودستیزی را در کانون ایدئولوژی خود قرار داده و صحت وقوع هولوکاست را نیز زیر سوال می‌برد. این سفر باید انجام می‌شد. انقلاب «زن، زندگی، آزادی» که در ایران در جریان است و حمایت‌های اسرائیل و جوامع یهودیان جهان، شرایط را مساعدتر کرده است. اسرائیل یک دموکراسی است و مردم ایران نیز برای برقراری دموکراسی مبارزه می‌کنند. به این ترتیب دموکرات‌های منطقه نیاز به

گفتگو و حمایت از یکدیگر دارند. من و همسر من با هم به آنجا سفر کردیم و از استقبال گرم آنها بسیار تحت تأثیر قرار گرفتیم. ما در مراسم یادبود قربانیان هولوکاست شرکت کردیم و توانستیم از دیوار ندبه بازدید کنیم. یادآوری می‌کنم که طبق کتاب مقدس، این دیوار دومین مکان مقدس است که پس از آنکه کوروش کبیر یهودیان اسیر در بابل را آزاد کرد، بازسازی شد. بر اساس «کتاب عزرا»، کوروش اعلام کرد که از طرف خدا مأموریت یافته تا با فراهم کردن همه نیازمندی‌ها به یهودیان کمک کند که معبد خود را بازسازی کنند. بعدها، خشایارشا با استر، یک زن یهودی، ازدواج و او را ملکه ایران کرد و به توصیه او توسط وزیرش برای جلوگیری از نابودی یهودیان اقدام شد. این سلسله رویدادها منشأ جشن پوریم است که هنوز توسط یهودیان با شادی فراوان جشن گرفته می‌شود. بعد از آن، پیکر استر و مردخای در همدان ایران به خاک سپرده شد. این رویداد و پیشینه تاریخی مسئولیت‌های روشنی بر عهده ما می‌گذارد: تشویق گفتگو و تلاش برای همزیستی مسالمت‌آمیز.

همین پیام نیز تلاش برای یافتن جایگزینی بجای جنگ بود که در سفر من به اسرائیل با نخست وزیر بنیامین نتانیا‌هو در میان گذاشتم. دنیا محکوم به انتخاب بین مپب [ایران هسته‌ای] یا مپباران [جنگ] نیست. در عوض، مسیر جنبش و اعتراضات مردم وجود دارد که تنها راهی است که قادر به تغییر اوضاع و تنش‌زدایی در منطقه خواهد بود. باید بگویم که نخست وزیر و همسرش سارا به گرمی از ما استقبال کردند و توجه بی‌دریغ خود را به ما نشان دادند. همین امر در مورد رئیس جمهور آیزاک هرتزوغ نیز صدق می‌کند. با او نیز توانستم این پیام صلح و همزیستی را تکرار کنم. پس از پیمان ابراهیم (۱) بسیاری از ایرانیان و اسرائیلی‌ها روای پیمان کوروش را در سر دارند. امیدوارم و دعا می‌کنم که این سفر سنگ بنای نخست را گذاشته باشد.

- آیا این اولین سفر شما به اسرائیل بود و آیا چشمان شما را به موضوعات جدیدی باز کرد که قبلاً در مورد این کشور نمی‌دانستید؟ تلخ‌ترین لحظه دیدار شما در این سفر چه بود؟
- تلخ‌ترین و در عین حال سنگین‌ترین لحظه برای من دیدار از یادبود هولوکاست بود. هیچ فرد عاقلی نمی‌تواند انکار کند که هولوکاست اتفاق افتاده؛ کلمات از توصیف آنچه در طول دیدار از این یادبود احساس کردم قاصرند. ژرژ کیهان وکیل مشهور فرانسوی که اخیراً درگذشت، هولوکاست را «غیرقابل تصورترین فاجعه در اندیشه بشر» دانسته است. این یک واقعیت بسیار وحشتناک و غیرقابل تصور است که نفرت سبب شود تا از دستگاه و اداراتی برای نابودی سازمانیافته‌ی مردم استفاده کرد. این رویدادها باعث شکل‌گرفتن مفاهیمی مانند جنایت علیه بشریت و همچنین این ایده شد که در انسانیت همه ما بهم پیوسته‌ایم. بنابراین، وظیفه ما این است که به نسل‌های جوان بیاموزیم که باید بدون استننا بطور مداوم با نفرت مبارزه کنیم.

- بازتاب این دیدار در داخل ایران چه بود؟
- هزاران نفر از سراسر جهان به من گفته‌اند که این سفر پیامی قدرتمند به رژیم می‌فرستد. این سفر یک یادآوری درباره این حقیقت است که با وجود تلاش جمهوری اسلامی برای ایجاد درگیری و تنش، ایرانیان همواره برای برقراری پل‌های ارتباطی با ملت‌های دیگر تلاش خواهند کرد.

- قبل از سفر به اسرائیل، به کنفرانس بین‌المللی امنیتی مونیخ دعوت شدید. شما بدون شک شناخته‌شده‌ترین مخالف رژیم اسلامی ایران هستید. نه تنها در خارج کشور، بلکه بر اساس یک نظرسنجی که توسط مؤسسه «گمان» منتشر شده نیز شما در داخل کشور محبوب‌ترین ←

→ **هستید. ۳۳ درصد از کسانی که مورد سوال قرار گرفته‌اند مایلند شما در یک گذار دموکراتیک نقش ایفا کنید. آیا شما رهبر اپوزیسیون دموکراتیک هستید؟ نقش خود را چگونه می‌بینید؟**

-نقش من همیشه روشن بوده و به ایفای آن ادامه خواهم داد: من برای متحد کردن مردم ایران حول ارزش‌های دموکراتیک و سکولار عمل می‌کنم. من تلاش می‌کنم از ویژگی‌ها و پیشینه تاریخی شخصی خودم برای تقویت صدای آنها استفاده کنم و همه نیروهای دموکراتیک را تشویق کنم تا گرد هم آیند. من تا جایی که بتوانم و تازوی که ایران آزاد شود و ایرانیان از طریق رفتارندوم به قانون اساسی دموکراتیک رأی دهند، به کار خود ادامه خواهم داد. در آن روز، ماموریت من انجام شده است.

– اسرائیل تنها کشوری در جهان است که حق موجودیت آن توسط حکومت دیگری، یعنی جمهوری اسلامی، با سخنان تحریک‌آمیز بطور مداوم انکار می‌شود. اسرائیلی‌ها با هر گرایشی مصمم هستند که از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کنند. چندین سناریو نیز برای این کار روی میز است. در صورت انجام عملیات نظامی اسرائیل شما چه واکنشی نشان خواهید داد؟

– من به صراحت هر سناریویی را که شامل جنگ باشد محکوم کرده و می‌کنم. جنگ راه حل نیست و فقط بدبختی دیگری را به بدبختی‌های موجود اضافه می‌کند. من به شدت با جنگ، بیش از همه به عنوان یک اصل و پرنسیپ مخالفم. برای من تمامیت ارضی ایران و حاکمیت ملی امری غیرقابل مذاکره است. این برخلاف نگرش رژیم اسلامی است که آب‌های سرزمینی دریای خزر را به روسیه می‌بخشد و با چین معاهدات نابرابر امضا می‌کند. من آنقدر به تمامیت مرزهای کشورم دلبسته‌ام که در سال ۱۳۵۹ در سن ۱۹ سالگی تلگرافی به ستاد کل خمینی فرستادم تا به عنوان خلبان جنگنده آموزش‌دیده بطور داوطلب در جنگ خدمت کنم. من مشتاق دفاع از ایران در برابر تجاوزات صدام حسین بودم اما تلگراف من بی‌پاسخ ماند.

از سوی دیگر، من در مورد اثربخشی و موفقیت یک عملیات نظامی تردید دارم. بسیاری از تاسیسات هسته‌ای در اعماق زمین ساخته شده‌اند و بنابراین از حمله در امان هستند. بعلاوه، چنین عملیاتی مانع ادامه بی‌ثباتی رژیم از طریق فرستادن تسلیحات و پول به گروه‌های تروریستی نخواهد شد. خود اسرائیلی‌ها برای جنگ احتمالی در پنج جبهه آماده می‌شوند: حزب‌الله لبنان، نیروی قدس سپاه پاسداران در سوریه، حماس و جهاد اسلامی در غزه و ناآرامی‌های فلسطینی‌ها در کرانه باختری، و حتی شورش‌های مردم عرب. در خود اسرائیل نیز باید دورنمای جنگ را در برابر تغییر رژیم در ایران تنظیم کرد. ما باید روی مردم ایران شرط‌بندی کنیم و به آنها اعتماد داشته باشیم. ایرانی‌ها بهترین ارتش ما هستند، ارتشی صلح‌آمیز، در برابر قدرت آیت‌الله‌ها!

امروز شکاف‌های زیادی در این رژیم وجود دارد. «اصلاح طلبان» (۲) آشکارا نظام را به چالش می‌کشند. ارتش متعارف در سرکوب شرکت نمی‌کند. روحانیون قم دودستگی دارند: بسیاری از روحانیون نگرانند که مساجد از مردم خالی شود چرا که اکنون اسلام را با جمهوری اسلامی و در نتیجه با ظلم و ستم یکی می‌دانند. و حتی درباره ریزش نیروی سیاسی- عقیدتی رژیم، سپاه پاسداران، افشاگری می‌شود. من دائم با رهبران سیاسی، مذهبی و نظامی در تماس هستم. از زمان شروع جنبش آزادیخواهی در سپتامبر گذشته، تعداد بیشتری

از آنها با من یا کارکنان من تماس گرفته‌اند. اما بدتر از بی‌اثر بودن حمله نظامی، تأثیر فاجعه‌بار آن بر جنبش دموکراتیک بطور کلی است که فرصتی برای رژیم خواهد بود تا سرکوب را افزایش دهد و همه کسانی را که ممکن است بپا خیزند ساکت کند.

-امپراتوری فرانسه با سلطه‌جویی نظامی ناپلئون در روسیه جان سالم به در نبرد؛ ارایش سوم با شکست نظامی از بین رفت؛ صرف نظر از سرنگونی سلطنت‌های روسیه و آلمان و اتریش- مجارستان در پایان جنگ جهانی اول. حالا اگر جمهوری اسلامی همچنان بر سر برنامه‌های اتمی خود اصرار کرده و با تحریکات خود سبب یک جنگ شود آیا حکم مرگ خود را امضا نمی‌کند؟

-ما نمی‌توانیم یک درگیری احتمالی در قرن ۲۱ را با جنگ در قرن‌های گذشته مقایسه کنیم. چشم‌انداز ژئوپلیتیک آنها یکسان نیست. به هر حال، ایران نباید مورد حمله نظامی قرار گیرد. جامعه جهانی نباید به رژیم اسلامی این فرصت را بدهد که خود را مدافع تمامیت ارضی ایران نشان دهد. باز هم می‌گویم ما باید به مردم ایران اعتماد کنیم. ایرانیان شجاع‌ترین سربازان علیه جمهوری اسلامی هستند. آنها این را در زندگی روزانه ثابت می‌کنند.

-شما هر حمله احتمالی اسرائیل به ایران را رد می‌کنید، اما اگر برعکس بود چه؟! اگر جمهوری اسلامی از طریق حزب‌الله که در حال حاضر ۱۵۰ هزار موشک به سمت شهرهای اسرائیل نشانه رفته دست به حمله بزند، آیا از پاسخ اسرائیل در دفاع از خود حمایت می‌کنید؟

-هر دولتی حق دارد از خود دفاع کند. اما در اینجا نیز بهترین راه برای جلوگیری از چنین درگیری و تشدید تنش در منطقه، منزوی کردن جمهوری اسلامی و حمایت از مردم ایران است. وقتی می‌دانید راهکاری مسالمت‌آمیز وجود دارد، چرا به جنگ بروید؟! هموطنان من چندین سال است که بهای سنگینی را پرداخته‌اند. آنها شایسته اعتماد هستند. من اضافه می‌کنم که تغییر رژیم در ایران به حمایت از سازمان‌های تروریستی مانند حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی فلسطین و حماس پایان می‌دهد. نیروی هوایی اسرائیل مرتب کاروان‌های تسلیحاتی را که توسط رژیم به حزب‌الله فرستاده شده و از سوریه عبور می‌کند، بمباران می‌کند. حزب‌الله ذخایر تسلیحاتی خود را از جمهوری اسلامی دارد. پس از جنگ ۲۰۰۶ علیه اسرائیل، به لطف جمهوری اسلامی بود که حزب‌الله توانست زرادخانه خود را بازسازی کند. بدون جمهوری اسلامی، حزب‌الله وجود نخواهد داشت! ما چه می‌خواهیم؟ صرفاً برای اینکه حزب‌الله را تضعیف کنیم در انتظار درگیری‌های جدید باشیم یا اینکه امکان هر درگیری را برای همیشه از بین ببریم؟!

– آیا برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ارتباط با برنامه هسته‌ای که در سال ۲۰۱۵ به دست آمد، یک تحول مثبت بود؟ آیا ممکن است چنین توافق به «گشایش» در کشور و در نهایت آزاد شدن آن منجر شود؟

-دولت اوپاما همان قمار را انجام داد که دولت کلینتون زمانی که ایالات متحده چین را در سازمان تجارت جهانی پذیرفت: آنها فکر می‌کردند که همکاری اقتصادی در نهایت منجر به همکاری سیاسی نیز می‌شود. چنین رویکردی که با همکاری و آزادی اقتصادی می‌توان به همکاری و آزادی سیاسی نیز رسید در واقع بر این ایده مبتنی است که می‌توان دیکتاتورها را رام کرد ولی شکست این ایده غیرقابل انکار است. همچنین مایه تاسف است

که در سال ۲۰۱۵ قدرت‌های پنج بعلاوه یک (۳) پذیرفتند که فقط درباره مشکلاتی مذاکره کنند که از سوی جمهوری اسلامی ارائه شده بود. در نتیجه، دیپلمات‌های مسئول مذاکرات فقط به غنی‌سازی اورانیوم و برنامه اتمی پرداختند. حتی امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه نیز زمانی به مسائل دیگر برای بهبود در این توافق اشاره کرد از جمله پرداخت به برنامه‌های موشکی بالستیک و نفوذ و مداخلات جمهوری اسلامی در منطقه.

مهم‌تر از همه این است که جمهوری اسلامی به عنوان ضامن منافع ملی ایران و ایرانیان عمل نمی‌کند. رژیم فاسد و توسعه‌طلبی است که به دنبال منافع نظام و وابستگی به حکومت است. وقتی برجام امضا شد، جمهوری اسلامی از نزدیک به صد میلیارد دلار درآمد باآورده اقتصادی بهره برد... بدون اینکه مردم ایران شاهد بهبود شرایط زندگی خود باشند. برعکس، این پول برای تأمین مالی و تقویت دستگاه‌های امنیتی و مداخلات خارجی در سوریه، لبنان، یمن و جاهای دیگر استفاده شد.

– آیا تعهد نظامی جمهوری اسلامی به روسیه و روابط اقتصادی رو به رشد با چین را می‌توان تضمینی دانست که برای حفاظت از رژیم و بقای بلندمدت آن طراحی شده؟

– جمهوری اسلامی ایران را به قرن نوزدهم و دوران «معاهدات نابرابر» فرو می‌برد. در آن زمان، حاکمان کشور تسلیم فساد شدند و منافع شخصی را به زیان منافع ملی و مدرنیته کردن کشور در اولویت قرار دادند. یادآوری می‌کنم که حاکمان وقت نفت را برای استعمار شرکت‌های بریتانیایی دو دستی به آنها تقدیم کرده بودند.

رژیم اسلامی همسو با روسیه، مذاکره مجدد درباره حقوق دریایی کشور در دریای خزر را بدون پرداخت غرامت پذیرفت. آنها همچنین راه تهیه پهباد برای جنگ علیه اوکراین را انتخاب کرده‌اند، هواپیماهای بدون سرنشینی که برای بمباران زیرساخت‌های غیرنظامی استفاده می‌شوند. بنابراین، رژیم اسلامی در ارتکاب جنایات جنگی روسیه در اروپا نیز شریک است.

جمهوری اسلامی در «همکاری استراتژیک» ۲۵ ساله با چین، با اعطای تخفیف ویژه به پکن برای نفت ایران و قراردادی کردن این تخفیف‌ها برای سال‌های آینده، منابع ایران را می‌فروشد. و این همه ماجرا نیست: جمهوری اسلامی رسماً حضور ۵۰۰۰ نیروی چینی در خلیج فارس را تأیید کرده و در ازای آن فناوری‌های «کنترل اجتماعی» از جمله ابزارهای سانسور اینترنت را دریافت می‌کند.

-طبق نظرسنجی انجام شده توسط موسسه «گمان» ۷۵ درصد از هموطنان شما مخالف دیکتاتوری آخوندی هستند. با اینهمه شما انعطاف و باقی ماندن چنین رژیم غیرمردمی را چگونه توضیح می‌دهید؟

– رژیم از بدو تأسیس در بحران بوده. بدون جنگ با عراق نمی‌توانست دوام بیاورد. طرفدار جنگ و صدها هزار کشته بجای صلح و رفاه بود. این حکومت همچنین از سرکوب خونین، تروریسم جهانی و اعدام مخالفان سیاسی در خارج کشور هم پروایی نداشته. همین رژیم است که لبنان را بی ثبات کرده، در سوریه قتل عام انجام داده و حاکمیت عراق را تضعیف کرده است. حتی بررسی‌ها نشان می‌دهد که رژیم در قاچاق بین‌المللی مواد مخدر نقش فعال دارد! با وجود این، غرب همچنان با پیشنهاد گفتگو به آنها راه نجات نشان می‌دهد. اما از رژیمی با چنین سابقه ای چه انتظاری می‌توان داشت؟ درواقع، باید توجه داشته باشیم که رژیم واقعاً تضعیف شده و تنها توسط اقلیت کوچکی از

→ افراط‌گرایان در ایران حمایت می‌شود.

در این میان، جامعه بین‌المللی و به ویژه اروپا نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. اول از همه، آنها باید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست سازمان‌های تروریستی اروپا قرار دهند تا به قطع کمک مالی به یک تشکیلات خشونت‌پرور و مافیایی کمک کنند.

اتفاقاً فقط افسران ارشد سپاه از منابع مالی آن بهره می‌برند. پرسنل عادی اما زندگی معمولی دارند و و گاهی مجبور به شغل دوم هم می‌شوند. وفاداری آنها بر اساس موقعیتی است که به آنها داده می‌شود و حقوقی است که دریافت می‌کنند. در هر صورت، من فکر می‌کنم یک اعتصاب عمومی ضروری است. اعتصابات سراسری شدیدتر به رژیم ضربه خواهد زد.

- اعتصاب سراسری برای سرنگونی رژیم؟ در آینده نزدیک؟
- اعتصاب سراسری سقوط رژیم را تسریع می‌کند. این مسلم است. اما اعتصاب در کشوری با اقتصاد رو به اضمحلال برای کارگران دشوار است. نادیده گرفتن کار به معنای کنار گذاشتن همان حقوق بسیار ناچیز است که دریافت می‌کنند. به همین دلیل است که مطرح کرده‌ام و مایلم مصادره دارایی‌های مسدود شده رژیم و هدایت آن به یک صندوق بین‌المللی برای حمایت از اعتصاب‌کنندگان انجام شود. اعتصاب سراسری در ایران می‌تواند صرفاً با سرمایه‌هایی که متعلق به خود ایرانیان است تامین شود. پول‌هایی که مال مردم ماست. ما از هیچ دولت خارجی یا منابع خصوصی خارجی یک سنت هم نمی‌خواهیم.

- در سال ۲۰۰۹ «جنبش سبز» مردم را به این باور رساند که «زمان انتخاب» رسیده است. چهارده سال بعد، با وجود جنبش‌های پی در پی (۲۰۱۷، ۲۰۱۹، ۲۰۲۲) رژیم اما همچنان پابرجاست. چه چیزی طی این چهارده سال تغییر کرده که به شما این امید را می‌دهد که جمهوری اسلامی رو به پایان است؟

- در سال ۲۰۰۹، زمانی که موسوی «اصلاح‌طلب» گویا بیشترین آرا را در انتخابات ریاست جمهوری به دست آورد، رژیم احمدی نژاد افراطی را بر کرسی ریاست جمهوری نشاند. ایرانی‌ها از اینکه دیدند جمهوری اسلامی طبق قوانین خودش هم بازی نمی‌کند شوکه شدند. برای مدت طولانی، آنها به این باور رسیده بودند که قانون اساسی کلید تغییر است و انتخابات تنها راه دستیابی به آن است. پیام این بود که وضعیت به افراد یا احزاب سیاسی دو جناح «اصلاح طلب» و «محافظه‌کار» بستگی دارد. اما در واقعیت این چارچوب قانون اساسی و نظام اسلامی است که ناقص و معیوب است. ضمن اینکه مخالفت‌ها در آن زمان عمدتاً از مناطق شهری بود.

برعکس، خیزش‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ انگیزه‌های اجتماعی داشتند. بی‌تفاوتی رژیم نسبت به افزایش بی‌امان هزینه‌های زندگی منجر به شورش در فقیرترین بخش‌های جمعیت ایران شد. این به نوبه خود باعث شد رژیم پایگاه اجتماعی خود را از دست بدهد. در حقیقت، هشت سال ریاست جمهوری ظاهراً «میان‌رو» حسن روحانی تنها به تقویت رژیم و ضرر منافع ملی منجر شد. می‌خواهم تأکید کنم که ایرانی‌ها از پیامدهای اقتصادی توافق هسته‌ای وین هیچ سودی نبردند. ده‌ها میلیارد دلاری که در زمان لغو تحریم‌ها آزاد شد، بلافاصله دوباره در عملیات تجاوزکارانه خارجی و نیز جنگ سوریه سرمایه‌گذاری شد بجای اینکه صرف بهبود شرایط اقتصادی در ایران شود. حالا از سپتامبر ۲۰۲۲ جامعه ایران در حال خیزش است.

رژیم موفق شده تمام اقشار مردم را علیه خود متحد کند: زنانی که از نظر قوانین جمهوری اسلامی شهروند درجه دو تلقی می‌شوند؛ اقلیت‌های قومی که به خاطر ویژگی‌های خود مورد تحقیر قرار می‌گیرند؛ اصلاح‌طلبانی که با حسن نیت دیگر به اصلاحات اعتقادی ندارند؛ طبقه متوسط که با تورم سالانه بیش از ۷۰ درصد فقیر شده است؛ جوانانی که نمی‌توانند کار پیدا کنند؛ این لیست می‌تواند ادامه داشته باشد. فساد فراگیر در هر سطحی در کشور وجود دارد؛ همچنین آسیب‌های محیط زیست را باید افزود و اینهم ناگفته نماند که بیماری کووید ۱۹ به دلیل مدیریت فاجعه‌بار، جان صدها هزار نفر را در ایران گرفت (اگرچه ارقام واقعی ابتلا و مرگ و میر توسط حکومت پنهان نگه داشته شده است). ایرانیان بطور فزاینده آگاه شده‌اند که تنها راه حل عملی، ریشه‌کن کردن شرّ، یعنی جمهوری اسلامی، و استقرار یک نظام دموکراتیک و سکولار بجای آن است.

- چه چیزی جنبش «زن، زندگی، آزادی» را از خیزش‌های قبلی متمایز می‌کند؟

- انقلاب «زن، زندگی، آزادی» اوج یک روند طولانی سیاسی و اجتماعی است. خیزش‌های دیگر مقدمه این جنبش بودند. در پاییز ۲۰۱۹ بود که با خیزش علیه افزایش قیمت بنزین، اعتراضات گسترده شد. سال ۲۰۱۹ یک جنبش محوری بود زیرا پس از آن، ایرانیان دیگر بر اساس وابستگی اجتماعی یا شغلی خود بسیج نمی‌شوند. آنها اکنون برای همه خواسته‌های خود حتی آنهایی که مستقیم به آنها مربوط نمی‌شود، اعتراض می‌کنند. بسیج مردان در حمایت از حقوق زنان نمونه‌ی روشن آن است. و این نگرش در مورد تمام مشکلات و آسیب‌هایی که کشور از آنها رنج می‌برد صدق می‌کند. حتی تلاش‌های بیپرده برای نجات «پیروز» (۴) یکی از آخرین یوزپلنگ‌های ایران به یک آرمان ملی تبدیل شد! اما بیا باید لحظه‌ای به جامعه‌شناسی جنبش «زن، زندگی، آزادی» نگاه کنیم؛ جنبشی که پس از قتل مهسا (ژینا) امینی (۵) از مقابل بیمارستانی در شمال تهران که او در آن بستری بود آغاز شد و سپس در شهر محل زندگی او، سقز، گسترش یافت. همزمان با خاکسپاری پیکر او، زنان با تشویق مردان روسری خود را در شهرهای مختلف ایران برداشتند. مردان دریافته‌اند که آزادی آنها نیز به آزادی زنان و دختران‌شان بستگی دارد. این حرکت به سرعت به عنوان پیام همبستگی در سراسر ایران گسترش یافت. جوانان و نوجوانان و دختران یازده دوازده ساله را دیدیم که با شعار «بسیجی برو گمشو!» علیه یک فرمانده نیروی انتظامی که برای تبلیغ جمهوری اسلامی به مدرسه‌شان رفته بود، اعتراض کردند.

تصادفی نیست که این خیزش به سرعت ابعاد انقلابی به خود گرفته. جمهوری اسلامی همه مردم را از خود بیگانه کرده و جوانان ایران، که آینده‌ی کشورند، می‌دانند دشمنی دارند که هر فرصتی برای تغییر در اختیارش قرار گرفته ولی از آن استفاده نکرده است. این جنبش بیانگر سنتز همه ارزش‌های مردم ایران است که هیچکدام از خیزش‌های قبلی نتوانسته بودند آنها را تجسم ببخشند.

- در مواجهه با خطراتی که از داخل و خارج کشور را تهدید می‌کند، آیا این خطر وجود ندارد که جمهوری اسلامی در سرکوب و ستم علیه مردم ایران از اینهم فراتر رود؟ آیا بدون توجه به خونریزی و هزینه‌های جانی، مانند رژیم سوریه، بقای خود را در اولویت قرار خواهد داد؟
- بشار اسد یک ظالم است، اما او در ارتکاب جنایت علیه مردم سوریه تنها نیست. فاجعه سوریه تا حد زیادی ناشی از

دخالت‌های جمهوری اسلامی است. از سال ۲۰۱۱، حمایت استراتژیک و لجستیک به دمشق ارائه کرده. کارشناسان تخمین می‌زنند که این حمایت بین ۵ تا ۱۵ میلیارد دلار در سال به عنوان کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم (سلاح، مهمات، مواد غذایی و غیره) برآورد می‌شود. تصور کنید که این برای اقتصادی که یک دهم فرانسه است چه معنایی دارد. ده‌ها هزار نفر از نیروهای اعزامی سپاه پاسداران، حزب‌الله و شبه‌نظامیان شیعه افغان هنوز در سوریه فعال هستند. شواهد بیشتر در مورد دخالت تهران اینکه بین دوازده تا پانزده فرمانده جمهوری اسلامی در خاک سوریه کشته شده‌اند. جمهوری اسلامی از سال ۱۹۷۹ مردم ایران را به قتل رسانده و این دستورالعمل مرگبار را به هر جای خاورمیانه صادر کرده است. مخالفان در زندان‌ها مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، زنان تا حد مرگ ضرب و جرح می‌شوند، دختران دانش‌آموز با گاز مسموم می‌شوند؛ در حال حاضر نیز همین روند در جریان است.

- شما در مورد انقلاب‌های قرن بیستم صحبت کردید. بطور کلی دو مدل وجود دارد. یکی، الگوی بلشویکی که از انقلاب فرانسه الهام گرفته و توسط خمینی نیز در ایران اتخاذ شد که در نهایت منجر به ترور و نظام وحشت می‌شود. دیگری، مدل ماندلا یا گورباچف که از طریق مذاکره و بدون آزار و اذیت گسترده حامیان رژیم، منجر به تغییر رژیم می‌شود. ما می‌دانیم که شما بیشتر به ماندلا نزدیک هستید تا لنین. اما آیا رژیم اسلامی با قساوت و تبهکاری خود، فرصت و امکان انتخاب پرهیز از خشونت را به شما می‌دهد؟

-دموکراسی و آزادی را نمی‌توان بر اساس خشونت بنا کرد. خشونت هیچ پایه‌ای برای صلح مدنی ایجاد نمی‌کند. گاندی و ماندلا می‌خواستند مردم‌شان راه صلح را پیدا کنند. لنین و خمینی این کار را نکردند و حتی می‌توان گفت که ایدئولوژی‌های وحشیانه آنها مخالف صلح در جوامع آنها بود. از زمان ظهور جمهوری اسلامی، خشونت در جامعه ایران فراگیر شده. نه تنها در آزار و اذیت مردم، بلکه در سخنان‌شان. در کدام کشور دموکراتیک رهبران‌شان خواستار حذف کشور دیگری از روی نقشه جهان می‌شوند؟! و اساساً به چه منظور؟ صلح هم زبانی است که برای متحد کردن هرچه بیشتر مردم طراحی شده و هم روشی است که بر ترویج ایده‌های دموکراتیک و سکولار تمرکز دارد. اگر ایرانیان امروز ریسک می‌کنند و بدون استفاده از پوشش و ماسک دست به اعتراض می‌زنند به این دلیل است که تصمیم گرفته‌اند تا زمانی که به پیروزی برسند، متحد باشند و همبستگی نشان دهند. با توجه به این موضوع، رژیم هیچ کاری نمی‌تواند بکند. دستگیری، شکنجه و اعدام این جنبش را از بین نبرده بلکه شکل‌های دیگری به خود گرفته و خودش را با شرایط منطبق کرده. رژیم نیز همچنان هر روز باید این خشم را تحمل کند. تا کنون تلاش می‌کرد که ایرانیان را در برابر یکدیگر قرار دهد؛ اما آن روزها تمام شد. حالا خامنه‌ای و نزدیکان او از این می‌ترسند که خود نظام در حال شکاف و ریزش است. به همین دلیل صد نفر از افسران ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برکنار شدند...

- برای گذار از یک دیکتاتوری مذهبی به یک دموکراسی پارلمانی و سکولار چه گام‌های مشخصی نیاز است؟

- اول و مهمتر از همه، نیروهای امنیتی باید از رژیم نافرمانی کنند و مقامات را مجبور به رها کردن کشور کنند، وگرنه با خطر دستگیری مواجه خواهند شد. تمام نیروهای سیاسی دموکرات و سکولار باید با تشکیل یک دولت

ملی واحد که شامل همه اجزای جامعه ایران باشد، موافقت کنند. این دولت سه مأموریت اساسی خواهد داشت:

اولاً، باید انتخاباتی را برای مجلس مؤسسانی که مسئول ارائه پیش‌نویس قانون اساسی مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ است، سازماندهی کند. از این نظر، یک ایده به ویژه به خواست من نزدیک است: تاریخ به ما نشان می‌دهد که چگونه نبود یک دادگاه عالی می‌تواند کشور را به سمت استبداد سوق دهد. با چنین بدنه‌ای می‌شد از بحران ۱۹۵۳ [امرداد ۱۳۳۲] بین پدرم به عنوان شاه و نخست‌وزیرش دکتر مصدق اجتناب کرد. مثلاً فرانسه دارای سه حوزه قضائی عالی است: دادگاه عالی کیفری، شورای عالی دولتی، شورای قانون اساسی. رویه‌هایی وجود دارد که شهروندان را قادر می‌سازد در مواقعی که تصمیماتی مغایر با قانون به نظر می‌رسد یا زمانی که قانونی با قانون اساسی مطابقت نداشته باشد، به این مراجع قضائی شکایت کنند. آمریکایی‌ها این نقش‌ها را گروه‌بندی کرده و به دیوان عالی ایالات متحده سپرده‌اند. با تقویت اجرای قانون، دموکراسی را تقویت خواهیم کرد. هیچ دولتی نمی‌تواند قوانینی را وضع کند که با تفکیک قوا، کنترل اقدامات دولت و حقوق شهروندان در تضاد باشد. این برای دموکراتیک شدن کشور ما اساسی است.

در مرحله بعد، دولت ملی متحد باید اقدامات اضطراری برای تضمین ثبات در داخل کشور انجام دهد. این اقدامات عبارتند از: حقوق برابر برای همه شهروندان، کاهش تورم، تلاش‌های ضد فساد، ادغام مجدد نیروهای امنیتی در یک دستگاه دولتی منظم و متعارف، آزادی همه زندانیان سیاسی، ممنوعیت صریح انواع شکنجه، و تعلیق تمام احکام اعدام در انتظار اجرا و لغو کامل مجازات اعدام.

همزمان این دولت انتقالی باید برای بازسازی اعتماد با جامعه بین‌المللی نیز تلاش کند. این امر مستلزم تعلیق برنامه هسته‌ای نظامی و بازگشت جدی به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. همانطور که سایر بازیگران مسئول در جامعه بین‌المللی انجام داده‌اند.

با این روند، من معتقدم که ایران می‌تواند در کمتر از دو سال قانون اساسی تضمین‌کننده دموکراسی سکولار داشته باشد. اما باید جلوتر برویم. دموکراسی به انتخابات و اعمال قدرت توسط اکثریت محدود می‌شود. اپوزیسیون باید حقوق خود را داشته باشد، باید بتواند قانون پیشنهاد کند، زمان سخنرانی برابر در رسانه‌ها داشته باشد و بتواند در صورت اختلال در عملکرد دولت از کمیسیون‌های تحقیق درخواست بررسی کند. همچنین باید بتواند پیش‌نویس قانون را به یک دیوان عالی ارائه کند که مسئول بررسی انطباق آن با قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر خواهد بود.

– در اروپای شرقی، گذار دموکراتیک اغلب شامل تشکیل دولت موقت متشکل از همان کادرهای کمونیست بود که مدت‌ها در خدمت نظام سابق بودند اما رژیم هم در آن زمان اصلاح شده بود. آیا ایران باید یا می‌تواند از این نوع حکومت به عنوان پله‌ای برای مرحله بعد استفاده کند؟

– دموکراسی مستلزم مشارکت همه بازیگرانی است که به آن اعتقاد دارند. بسیاری از ایرانیان با این باور و با حسن نیت به جنبش اصلاحات پیوسته بودند که فکر می‌کردند فرصتی برای آزاد شدن ایران از رژیم است. پیام من به آنها همیشه این بوده است: ما ارزش‌های بیشتری نسبت به مناسبات شما با آپاراتچی‌های رژیم داریم. پس بیایید با هم کار کنیم! بسیاری از همکاران من تا همین اواخر در ایران زندگی می‌کردند و برخی از نزدیک با اصلاح‌طلبان در ارتباط

هستند؛ بنابراین می‌دانم که این پیام شنیده شده. پس برای اصلاح‌طلبانی که ترجیح داده‌اند از رژیم فاصله بگیرند، کاملاً طبیعی است که در یک دولت متحد ملی شرکت کنند. من به شخصه امیدوارم این کار را انجام دهند.

– آیا نیروهای در داخل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا ارتش وجود دارند که آماده همراهی با فرآیند گذار باشند؟

– بسیاری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌دانند که رژیم آنها را در یک چرخه معیوب گرفتار کرده و وقتی متوجه شدند رژیم از آنها سوء استفاده می‌کند و قرار نیست به وعده‌های خود مبنی بر صلح و رفاه عمل کند، توهمات آنها نیز از بین رفت. خانواده‌های پاسداران سابق که در جنگ علیه عراق مجروح شده بودند یا پدر یا پسر را از دست داده‌اند، پس از جنگ به حال خود رها شدند و هیچ قدرانی از جانب رژیم ندیدند. برای آنها هم باید عدالت اجرا شود.

– یکی از مشکلات اصلی در ایران فساد است. چگونه می‌توان با آن مبارزه کرد؟

– فساد در جمهوری اسلامی همه‌گیر است. مبارزه با این طاعون ضروریست زیرا به جامعه ما آسیب می‌رساند و جمعیت را فقیر می‌کند.

در فرانسه، ریاست کمیته مالی مجلس ملی بر عهده یکی از اعضای اپوزیسیون است. من فکر می‌کنم این یک اقدام مناسب است چرا که این امر به جلوگیری از فساد و ارتقای شفافیت در مدیریت بودجه عمومی کمک می‌کند. علاوه بر این، در فرانسه دیوان عالی محاسبات و در آلمان اداره عالی حسابرسی و در ایالات متحده آمریکا اداره پاسخگویی دولت وجود دارد. در ایران نیز ما باید از همین مدل برای اطمینان از شفافیت در استفاده از بودجه عمومی استفاده کنیم. به این ترتیب، شهروندان متوجه خواهند شد که پول آنها برای چه چیزی مصرف می‌شود. این امر اساسی است زیرا منابع طبیعی ایران مانند نفت و گاز موضوع حاکمیت ملی است. یعنی آنها باید در مالکیت همه ملت باشند نه دستگاه چاپ اسکناس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی! بانک مرکزی ایران باید مستقل باشد تا نتواند گروگان سیاست‌های اقتصادی بیهوده‌ای باشد که باعث تورم و همچنین حامی‌پروری می‌شود. سیاست پولی بطور مستقیم بر سطح اعتماد به اقتصاد به منظور تشویق سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. تضمین ثبات به معنای تضمین رفاه و قدرت خرید است. همچنین به این معنی است که یک دولت باید در سیاست‌های اقتصادی خود محتاط باشد.

در نهایت، ما باید سیستم قضائی کشور را اصلاح کنیم تا استقلال آن تضمین شود و قوانینی را تصویب کنیم که چارچوبی برای فعالیت هر بازیگر در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراهم کند.

با داشتن قوانین شفاف در هر سطح از قدرت اقتصادی، می‌توانیم فساد را مهار کرده و اطمینان حاصل کنیم که ایران با استانداردهای بین‌المللی تعیین‌شده توسط گروه ویژه اقدام مالی (FATF) (۶) هماهنگ است.

– به نظر شما دولت باید نقش عمده‌ای در اقتصاد داشته باشد؟ آیا باید ذخایر نفت دولتی باشد؟

– دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ حاکمیت قانون دارد و ویژگی‌های نقش آن توسط قانون اساسی مشخص خواهد شد. دولتی که منتخب و دموکراتیک و پاسخگو در برابر رای‌دهندگان خود است، سیاست اقتصادی خود را ارائه خواهد کرد. با این حال، همانطور که گفتم، بیش از همه

چیز تاکید می‌کنم که نفت، گاز، جنگل‌ها و همه منابع طبیعی ایران باید در مالکیت و خدمت ملت باشد. فروش انرژی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. من مدل‌های مختلفی را بررسی کرده‌ام: از بانک نورگز (V) تا صندوق‌های اموال دولتی خلیج فارس (A). در مورد ایران، من معتقدم که فروش منابع باید امکان بازسازی حاکمیت کشور را فراهم کند. به ویژه، این به معنای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و حمایت از صنایع ملی است تا بتوان آن را دوباره به اقتصاد جهانی پیوند زد.

– آیا این تصور واقع‌بینانه است که روسیه و چین اجازه دهند ایران از حوزه نفوذ آنها خارج شود؟

– ایران دیگر نباید مطیع قدرت‌های خارجی باشد، همانطور که دیگر نباید در امور داخلی سایر کشورهای مستقل دخالت کند. بدون شک روسیه و چین از قدرت‌های بزرگ جهانی هستند. آرزوی من حفظ روابط متوازن بر اساس احترام متقابل به حاکمیت یکدیگر است. هیچ دلیلی وجود ندارد که یک ایران دموکراتیک ارتباط خود را با چین، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده منابع طبیعی کشور ما، قطع کند. همچنین نباید از هماهنگی تولید نفت با روسیه پرهیز کنیم، همانطور که عربستان سعودی از قبل گاهی انجام می‌دهد.

– آیا روابط کنونی ایران، روسیه و چین شما را وادار می‌کند که نوعی بی‌طرفی را در مناسبات بین غرب و قدرت‌های آسیایی در نظر بگیرید؟

– ایران باید آن سیاست خارجی را اتخاذ کند که مانند کشورهای دیگر در خدمت منافع خودش باشد. موقعیت جغرافیایی کشور من، همراه با دارایی‌های آن، به این معنی است که این کشور قرار است نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا کند. ما همیشه هم با شرق و هم با غرب معامله کرده‌ایم. از نظر دیپلماتیک، ایران باید به یک قدرت تثبیت‌کننده تبدیل شود نه عامل بی‌ثباتی در منطقه.

ما اغلب در بازی قدرت‌های بزرگ به گروگان گرفته شده‌ایم که ربطی به «بی‌طرفی آگاهانه» نداشته است. منظورم این است که ایرانیان به هویت خود می‌بالند و هرگونه انقیاد را غیرقابل تحمل می‌دانند. ایران نوین به قوانین بین‌المللی احترام می‌گذارد، در حالی که انتظار دارد همسایگانش نیز به حاکمیت آن احترام بگذارند.

– نیروهای سرکوبگر کنونی- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیجیان- در یک گذار دموکراتیک چه نقشی خواهند داشت؟ ارتش چه نقشی ایفا خواهد کرد؟

– نقش ارتش محافظت از مرزهای یک کشور است و نقش پلیس و نیروهای انتظامی حفظ نظم عمومی و امنیت شخصی شهروندان است. رژیم اسلامی این نیروها را به ابزار ایدئولوژی خود تبدیل کرده، بسیج بر رعایت احکام شریعت در جامعه نظارت می‌کند و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم در درگیری‌های خارج کشور برای صدور ایدئولوژی اسلامگرا مداخله می‌کند.

مقاومت بدون خشونت و نافرمانی مدنی بهترین راه برای جذب نیروهای امنیتی است. این نیروها بخشی از مردم و در نتیجه بخشی از راه حل موقت هستند. این روش‌های مسالمت‌آمیز روشن خواهد کرد که نه ارتش و نه پلیس دشمن نیستند. این رژیم است که آنها را به دشمن مردم تبدیل کرده. این بهترین راه برای ادغام آنها در دولت آینده و در خدمت منافع عمومی است.

ما نمی‌توانیم تک تک کارمندان دولت را در نیروهای مسلح محاکمه کنیم! این فکر اصلاً منطقی نیست. با

فرماندهان ارشد و زبردستان آنها نباید یکسان رفتار کرد. اولی‌ها آزادی تصمیم‌گیری دارند، در حالی که دومی‌ها موظف به اجرا هستند. طبق الگوی محاکمه نورنبرگ، مقامات ارشد که بیشترین مسئولیت جنایات رژیم را بر عهده دارند، باید محاکمه شوند.

تا آنجا که به نیروهای انتظامی ارشد مربوط می‌شود، دوران انتقالی باید آنها را در روند آشتی ملی مشارکت دهد. مشابه آنچه در آفریقای جنوبی انجام شد. یک کمیسیون «حقیقت و آشتی» باید برای تشویق گفتگوهای ملی ایجاد شود. قربانیان حق دارند حقیقت را در مورد آنچه خودشان یا عزیزانشان متحمل شده‌اند بدانند. اگر کارمندان دولت مطمئن شوند که امنیت دارند آنوقت بیشتر درباره آنچه گذشته شهادت خواهند داد.

از نظر اقتصادی، چگونه می‌توان از یک اقتصاد مافیایی مبتنی بر مبانی دینی و مدیریت انحصاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سوی اقتصاد بازار حرکت کرد؟ آیا می‌توانید چند اقدام ملموس را ذکر کنید؟

نیازی به اختراع مجدد چرخ نیست! تاریخ اخیر چندین نمونه در اختیار ما قرار می‌دهد که هر کدام کم و بیش موفق هستند. در مورد روسیه، از یکسو، شکست خصوصی‌سازی، اما، از سوی دیگر، ادغام موفقیت‌آمیز اقتصادهای اقماری شوروی سابق در اروپا. حتی اگر ایران واجد شرایط زمینه‌های ساختاری اروپا نباشد، کشور من دارای ذخایر نفتی قابل توجه، نیروهای روشنفکر و ماهر و آموزش‌دیده از جمله در مهاجرت است که به خوبی بر مدیریت اقتصاد بازار مسلط‌اند. دولت مستقر مسئول اجرای سیاست‌هایی خواهد بود که اقتصاد را متحول کند. با این حال، من نسبت به دو موضوع اطمینان دارم: یکی، تحول ممکن نخواهد بود مگر اینکه فرهنگ شفافیت و نفی کامل فساد وجود داشته باشد. دیگری، مردم ایران اقتصاد دستوری را رد می‌کنند! درست همانطور که شروین حاجی پور خواننده «برای» (۹) در آهنگی که به سرود جنبش «زن، زندگی، آزادی» تبدیل شده، به تصویر کشیده است.

اسلام و سایر ادیان چگونه در یک ایران دموکراتیک جای می‌گیرند؟

مسئله اسلام شیعه مذهب اکثریت است، اما همه ادیان باید در ایران جایگاه خود را داشته باشند. هر کس باید آزادی عمل به هر دینی که انتخاب می‌کند داشته باشد و یا اصلاً دینی نداشته باشد، بدون اینکه دچار مشکل شود. ادیان جایگاه مهمی دارند زیرا به نیاز ایمان و تعالی برخی انسان‌ها پاسخ می‌دهند، اما برای حکومت کردن نیستند! یک رژیم سکولار جدایی دین و دولت را تضمین می‌کند و در عین حال حق ایمان یا دین نداشتن را برای همه تضمین می‌کند. به این معنا، سکولاریسم سیاست از دین، به ویژه از دین اسلام نیز که از زمان انقلاب اسلامی در حکومت قرار گرفته، محافظت خواهد کرد. (۱۰)

آیا با ایجاد یک کشور گُرد مستقل که کردهای پراکنده بین عراق، سوریه، ترکیه و ایران را گُرد هم می‌آورد، موافق هستید؟

ایرانیان گُرد بخشی از تاریخ ایران هستند. ملکه ماندانا، مادر کوروش کبیر، ماد بود - یعنی کرد! بارها و بارها در تاریخ، کردها دلبستگی خود را به وحدت ملی ایران نشان داده‌اند. آنها بخشی از کشور ما و کاملاً ایرانی هستند. برعکس، رژیم اسلامی با حمله به فرهنگ و سنت‌های دیرینه آنان، آنها را به حاشیه رانده؛ همه اقلیت‌ها را مورد حمله قرار داده و تفاوت‌های فرهنگی آنها را نادیده گرفته

آنهم در حالی که هویت ایرانی از زمان هخامنشیان همواره چند قومیتی و چند فرهنگی بوده است! استقلال راه حل نیست! اگر ایران واقعاً آن قانون اساسی را تصویب و اجرا کند که آزادی، دموکراسی و برابری را برای همه شهروندان تأمین و تضمین کند، آنگاه هیچ اقلیتی مورد آزار و اذیت قرار نخواهد گرفت. همه گروه‌ها محترم و در حفظ فرهنگ خود آزاد خواهند بود. زبان فارسی زبان مشترک ما خواهد بود، اما سایر زبان‌های محلی می‌توانند تکلم و تدریس شوند. آیا این چیزی نیست که ما به آن آزادی می‌گوییم؟

در زمان پدر شما، ایران متحد اصلی ایالات متحده (به همراه اسرائیل و عربستان سعودی) در خاورمیانه محسوب می‌شد. از آن زمان تا کنون دنیا بسیار تغییر کرده. آیا ایران نوین می‌تواند بدون تبدیل شدن به یک دست‌نشانده غربی، دموکراسی غربی را الگو قرار دهد؟

انتخاب یک مدل دموکراتیک همچنین به معنای اولویت دادن به حاکمیت و رفاه بلندمدت است. من هیچ سیستمی جز دموکراسی نمی‌شناسم که در درازمدت از منافع یک کشور و رفاه شهروندانش بهتر محافظت کند.

علاوه بر این، چه فایده‌ای دارد که کشور من تبدیل به یک دولت دست‌نشانده شود؟ آیا از یک سپر امنیتی بهره‌مند خواهید شد؟! من اینطور فکر نمی‌کنم. آنهم در حالی که به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها مصمم به تمرکز بر اقیانوس آرام هستند. فرصت‌های شغلی بیشتری خواهیم داشت؛ اما وقتی وضعیت ایران از نظر سیاسی و اقتصادی باز شود، یک بازار نوظهور و خارق‌العاده را آزاد خواهد کرد که در حال حاضر از آن استفاده نشده. اقتصاد ایران به برکت منابع طبیعی و سرمایه انسانی ما می‌تواند سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کند و این اقتصاد جهانی را تقویت خواهد کرد.

در پاسخ به تهدیدات جمهوری اسلامی، اسرائیل و چند کشور عربی پیمان ابراهیم را امضا کردند. آیا فکر می‌کنید این توافقنامه‌ها پس از ناپدید شدن این تهدیدات همچنان به قوت خود باقی خواهند ماند؟

پیمان ابراهیم چیزی بیش از یک اتحاد علیه جمهوری اسلامی است. اکنون مبادلات فرهنگی و اقتصادی بین کشورهای عربی امضاکننده و اسرائیل جریان دارد. روند سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری قابل توجه به ویژه بین امارات متحده عربی و اسرائیل وجود دارد. الان در کشورهای عربی کنیسه ساخته می‌شود! من این را پیشرفت منطقه از نظر مدارا و ثبات ژئوپلیتیک می‌دانم.

آیا یک ایران دموکراتیک درخواست خواهد کرد که به پیمان ابراهیم بپیوندد؟ چه نوع مشارکت اقتصادی و فرهنگی می‌تواند توسعه یابد؟

همانطور که در ابتدای مصاحبه گفتم، ما می‌توانیم «پیمان کوروش» را با اسرائیل داشته باشیم. اسرائیل در خاورمیانه در بسیاری از زمینه‌ها، به ویژه علم، سوابق اثبات شده‌ای دارد. فناوری‌های جدید بخش مهمی از اقتصاد اسرائیل هستند و ایران می‌تواند در تعدادی از پروژه‌ها با این کشور همکاری کند. یکی دیگر از موضوعات مورد علاقه مشترک دو کشور، مبارزه با کمبود آب است. چیزهای زیادی هست که ایرانیان می‌توانند از اسرائیلی‌ها که در این زمینه‌ها پیشرفت قابل توجهی داشته‌اند یاد بگیرند. در زمینه فرهنگ، هنرمندان ایرانی خارج کشور و هنرمندان اسرائیلی در حال حاضر با یکدیگر همکاری می‌کنند. خوشحال می‌شوم اگر این پروژه‌ها را در ایران نیز ببینم. مسئولیت ایران این نیست که یک کشور درون‌نگر باشد،

بلکه برعکس، می‌بایست به فکر تبدیل شدن به موتور اقتصادی و فرهنگی منطقه و جهان باشد. فرصت‌های مشارکت اقتصادی ما به اسرائیل و پادشاهی‌های عربی محدود نمی‌شود. به عنوان مثال، جمهوری‌های قفقاز نیز با کشور من پیوندهای تاریخی عمیق دارند.

آیا شما طرفدار ظهور یک اتحاد خاورمیانه‌ای هستید که اسرائیل، ایران و کشورهای عربی را مشابه اتحادیه اروپا گرد می‌آورد؟

شکی نیست که صلح تنها در صورتی می‌تواند به منطقه بازگردد که کشورها حول پروژه‌های بزرگ جمع شوند. اتحادیه اروپا با یک سیاست مشترک انرژی، یک بازار مشترک، یک اتحادیه گمرکی و یک سیاست مشترک کشاورزی آغاز شد. آمریکای شمالی همچنین یک توافقنامه تجارت آزاد دارد که کانادا، ایالات متحده و مکزیک را بهم پیوند می‌دهد. چنین پروژه‌ای در خاورمیانه امکان‌پذیر و حتی مطلوب است، زیرا منطقه را از درگیری دور نگه می‌دارد و به مردمان این منطقه کمک می‌کند تا یکدیگر را بهتر بشناسند. همچنین منجر به گسترش آزادی‌های سیاسی و ثبات بیشتر خواهد شد.

ما باید یک معماری جدید برای امنیت منطقه‌ای داشته باشیم. در اینجا نیز تاریخ الگوهای جالبی از همزیستی مسالمت‌آمیز بین کشورهای با نظام‌های سیاسی متفاوت به ما ارائه می‌دهد. به عنوان مثال، من به توافقنامه هلسینکی و «دکالوگ» که روابط «همسایه خوب» را تضمین می‌کند، فکر می‌کنم.

در مورد تغییر استراتژیک کشورهای عربی که عادی ساختن روابط با اسرائیل را انتخاب کردند، بدون اینکه ابتدا خواستار حل مسئله فلسطین شوند، چه فکر می‌کنید؟

جمهوری اسلامی در ناکام ماندن مسئله فلسطین نقش تعیین‌کننده داشته و دارد. حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله عمدتاً توسط تهران تأمین مالی می‌شوند. شعار هموطنانم در تظاهرات سال‌های اخیر را یادآوری می‌کنم: «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران!»

با وجود تلاش‌های بی‌پایان کلبنتون رئیس جمهوری اسبق ایالات متحده اما این کشور به عنوان میانجی بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها شکست خورده است. آیا وارثان کوروش کبیر در جایگاه بهتری قرار دارند تا بازیگران این مناقشه را پای میز مذاکره و صلح بنشانند؟

ایران محل تلاقی تمدن‌هاست، با تاریخی که چندین هزار سال را در بر می‌گیرد. این کشور در برابر تمام تمدن‌های بزرگ دوران گذشته نبرد کرده است: یونانی‌ها، رومی‌ها، مصری‌ها، اعراب و مغول‌ها. ایرانیان نیز در کنار اعراب از اسلام استقبال کردند. این دین از طریق تماس با امپراتوری ایران و پذیرفتن صنعتگران، معماران، دانشمندان، پزشکان و شاعران آن بود که به تمدن تبدیل شد.

فرهنگ ایرانی همواره در اسلام آمیخته شده و حتی امروزه نیز جایگاه مهمی در جهان اسلام دارد. با وجود این، ایرانیان با قوم یهود نیز دارای اشتراکات تاریخی باستانی هستند. برخلاف جمهوری اسلامی که تمام توان خود را برای جلوگیری از صلح انجام داده، ایران آزاد می‌تواند اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را حول یک پروژه سازنده برای یک نتیجه «برد-برد» گرد آورد.

با متحدان جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی شبه‌نظامی آن که در کنار سایر اهداف، با اسرائیل

نیز می‌جنگند، چه خواهید کرد؟ با حزب‌الله و جهاد اسلامی چه خواهید کرد؟

- کمک مالی ایران به این سازمان‌ها بلافاصله و بدون قید و شرط متوقف خواهد شد. ایران آزاد حامی تروریسم نخواهد بود و این هزینه‌ها را که مغایر با منافع ملی ما است همراه با سایر حمایت‌های کنونی فوراً متوقف خواهد کرد.

- آیا تاکنون به این فکر کرده‌اید که سیاست را کنار بگذارید؟ - هرگز! من می‌توانستم با این نتیجه‌گیری که انقلاب ۱۹۷۹ مانع از ایفای هر نقشی توسط من شد از درگیر شدن با سیاست امتناع کنم. اما، این هرگز برای من یک گزینه نبود. شاید ایرانی‌ها در سال ۱۹۷۹ به خانواده من پشت کرده باشند، اما این بدان معنا نیست که ما نیز به آنها پشت کرده‌ایم. این وظیفه من است که همیشه در کنار آنها باشم. من می‌دانم که آنها هرگز فاجعه هولناکی را که خمینی به آنها تحمیل کرد، نمی‌خواستند. بهترین خاطرات من در ایران است و بیش از همه اینها، من یک شهروند ایرانی هستم. من بخشی از مردم ایران هستم و با هم برابریم. من می‌خواهم در کشورم در کنار هموطنانم با فرهنگ و سنت‌هایم آزادانه زندگی کنم. تنها آرزوی من کمک به رسیدن کشورم به دموکراسی است. من همیشه مدافع آزادی‌های اساسی در ایران خواهم بود. همین نتیجه به تنهایی مرا راضی می‌کند!

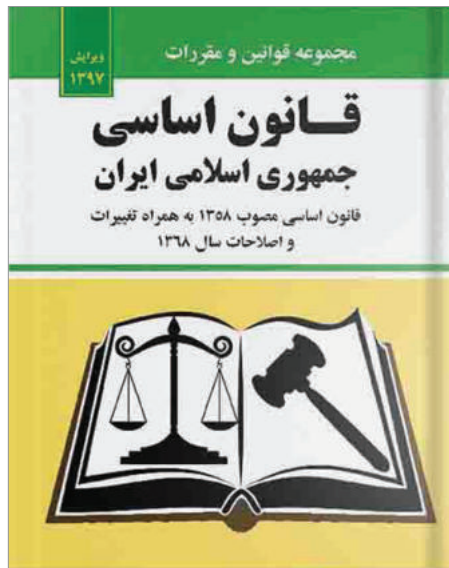
زیرنویس:

- (۱) پیمان ابراهیم عبارت از معاهده صلحی است که اسرائیل در اوت ۲۰۲۰ با امارات متحده عربی و سپس در ماه سپتامبر همان سال با بحرین امضا کرد. پس از آن، توافقی‌های عادی شدن مناسب با مراکش و سودان در اکتبر و دسامبر ۲۰۲۰ صورت گرفت.
- (۲) اصلاح‌طلبی به معنی گشایش اقتصادی و آزادی‌های جزئی در ایران بدون زیر سوال بردن نظام جمهوری اسلامی و نظریه ولایت فقیه که قدرت کامل را به رهبر جمهوری اسلامی داده و به عنوان پایه و اساس این رژیم دینی عمل می‌کند.
- (۳) پنج عضو دائمی شورای امنیت شامل ایالات متحده، روسیه، چین، بریتانیا و فرانسه به اضافه آلمان.
- (۴) یوزپلنگ آسیایی که بیماری و مرگ وی احساسات مردم ایران را در فاصله ماه مه ۲۰۲۲ تا فوریه ۲۰۲۳ برانگیخت.
- (۵) زن ۲۲ ساله‌ای که در بازداشت پلیس امنیت اخلاقی و گشت ارشاد اسلامی بر اثر ضرب و جرح جان باخت. قتل وی خیزی را شکل داد که از سپتامبر ۲۰۲۲ در ایران جریان یافته است.
- (۶) گروه ویژه اقدام مالی (FATF) ارگان جهانی ناظر بر پولشویی و تامین مالی تروریسم است. در فوریه ۲۰۲۳ این ارگان بار دیگر جمهوری اسلامی را در کنار دو کشور کره شمالی و برمه در لیست سیاه خود قرار داد.
- (۷) بانک مرکزی نروژ که همچنین صندوق دارایی‌های دولتی این کشور را مدیریت می‌کند.
- (۸) به عنوان مثال، مبادله و سازمان سرمایه‌گذاری ابوظبی در امارات متحده عربی و صندوق سرمایه‌گذاری عمومی در عربستان سعودی.
- (۹) این آهنگ به مثابه کیفرخواستی است علیه تمام ناخوشی‌ها و آسیب‌های جامعه مدرن ایران از جمله «اقتصاد دستوری».
- (۱۰) گزارش مارس ۲۰۲۲ مؤسسه «گمان» نشان می‌دهد که نزدیک به ۷۰ درصد از جمعیت ایران، نظام سیاسی مبتنی بر احکام شریعت را رد می‌کنند.

شلم شوربا

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۲۸) مهر ۱۳۸۳



در متن تجدید نظر شده قانون اساسی، اختیارات «رهبر» افزایش یافت و مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمناً به مجلس اختصاصی او تبدیل شد. در اصل صد و یکم قانون اساسی، جزو وظایف و اختیارات رهبر آمده است: «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام». اما نه در این اصل و نه در اصل صد و دوازدهم، مطلقاً ذکری یا اشاره‌ای حاکی از این که مجمع تشخیص مصلحت مرجع قانونگذاری یا تفسیر قانون اساسی محسوب می‌شود به‌میان نیامده است. با وجود این، بر اساس «دستور کتبی رهبر» و درخواست رئیس مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام اخیراً اصل ۴۴ قانون اساسی را تفسیر، یا به‌عبارت دقیقتر «تفسیر به رأی» کرده است.

و اما شلم شوربا سیاسی - مذهبی در نظام ولایت فقیه از این هم فراتر می‌رود. روزنامه جمهوری اسلامی، که سید علی خامنه‌ای بنیانگذار و مدیر مسؤول آن بوده و همچنان به «بیت رهبری» وابسته است در سرمقاله‌ای با اشاره به تصمیم مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌نویسد: «اکنون اصل ۴۴ قانون اساسی محتوای خود را از دست داده و... سؤال این است که آیا دستکاری محتوای قانون اساسی مجاز است؟ قطعاً پاسخ این سؤال منفی است... این دستکاری با اصل ۹۸ قانون اساسی که تفسیر قانون اساسی را منحصرراً در اختیار شورای نگهبان می‌داند مغایر است. کاری که مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره اصل ۴۴ قانون اساسی انجام داده خارج از وظایف این مجمع بوده و... اصولاً ورود مجمع تشخیص مصلحت نظام به این مقوله و جاهد قانونی ندارد.» روزنامه منتسب به رهبر و بیت رهبری اظهار عقیده می‌کند: «با توجه به این واقعیتها، انتظار این است که مجمع تشخیص مصلحت تا دیر نشده در تصمیم اخیر خود تجدید نظر نماید و البته اعضای محترم مجمع توجه داشته باشند که اصل ۴۴ قانون اساسی مرخص‌شدنی نیست!»

در تزویر و ریا چون وا شد
 مملکت نیز شلم شوربا شد

شلم شوربا مخفف شلغم شوربا و اصطلاحاً به معنی درهم ریختگی و بی حساب و کتابی است. هیرونیموس بوش نقاش هلندی قرن شانزدهم، شلم شوربا را جنبه هنری داد. در تابلوهای او هر چیزی می‌توانست در هر جا قرار بگیرد. هیچ قانون و قاعده‌ای برای این که پدیده‌ها در جای طبیعی خودشان قرار داشته باشند، در نقاشی هیرونیموس بوش وجود نداشت. مثلاً سگی به‌جای دم، شاخه درختی داشت و از دم یک ماهی کله انسانی بیرون می‌آمد که عوض چشم یا گوش علفی بر آن روئیده بود.

اکنون در ایران شاهد شلم شوربا مذهبی - سیاسی هستیم. شاگردان مکتبی که امام خمینی بنیاد نهاد هم مذهب و هم سیاست را به ملغمه‌ای تبدیل کرده‌اند که بیا و تماشا کن.

در قانون اساسی مصوب مجلس خیرگان (سال ۱۳۵۸) اصل شصت و دوم آمده بود: «مجلس شورای ملی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد». وقتی این مصوبه را به نظر حضرت امام رساندند به دست مبارک روی کلمه «ملی» خط کشید و نوشت «اسلامی».

از همان وقت این بحث به میان آمد که مجلس شورای اسلامی چگونه مجلسی است. آیا «پارلمان» به معنای شناخته شده در عرف بین‌المللی و تعریف شده در حقوق اساسی است یا مرجع قانونگذاری مذهبی؟ در عمل معلوم شد که هم این است هم آن، در عین حال نه این است و نه آن!

پیش‌نویس قانون اساسی را حقوقدانها نوشته و در نوشتن آن از قوانین اساسی اروپا و آمریکا الهام گرفته بودند. حضرت امام به‌جای مجلس مؤسسان، که مورد نظر تحصیلکرده‌ها بود مجلس خیرگان تشکیل داد و اختیار آن را به‌دست «علمای اعلام» سپرد و آنها با آردی که روشنفکران خمیر کرده بودند یک نان حوزوی پختند. از جمله، شورای نگهبان قانون اساسی را که تقلیدی بود از شورایی به همین نام در قانون اساسی فرانسه (و به‌موجب آن گروهی از حقوقدانان، در مواردی که ظن مغایرت مصوبات مجلس ملی با اصول قانون اساسی وجود داشته باشد نسبت به ایضا یا الغای آن داوری می‌کنند) تبدیل کردند به مجمعی مرکب از شش فقیه و شش حقوقدان «به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی (اسلامی) با آنها».

کم کم این شورای نگهبان به جای ناظر تبدیل شد به قیم. در نتیجه، اکثر مصوبات مجلس با ایرادهای شرعی و عرفی شورای نگهبان روبرو می‌شد و چون مجلس ایرادها را وارد نمی‌دانست اختلاف بالا می‌گرفت و این بکش، آن بکش. حضرت امام، به‌شیوه مرحوم دخو، تدبیری اندیشید و یک میانجی تراشید به نام مجمع تشخیص مصلحت که البته اسمی و ذکری از آن در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ نبود. بعد از مرگ امام، مجلس خیرگان دوم، در سال ۱۳۶۸، ضمن تجدید نظر در اصول قانون اساسی، اصل یکصد و دوازدهم را برداشت و به‌جای آن، مجمع تشخیص مصلحت را گذاشت. اصل ۱۱۲ در قانون اساسی ۱۳۵۸ مقرر می‌داشت که «رهبر یا اعضای شورای رهبری در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی هستند». خدا بیامرز! شد!

فرماندهان نظامی طرح «نجات ملی» را آماده کرده و فقط منتظر اشاره‌ای از طرف شاه بودند

شاه با خارج شدن از ایران دیگر هیچ برگ برنده‌ای در دست نداشت

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۲۹)

دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پرفسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه ماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

فرهاد سپهبدی سفیر ایران در مراکش هم همواره به کاخ می‌آمد. به‌خوبی می‌دانست که دولت تازه از این کار خشنود نیست و اگر بختیار نتواند بر سر کار بماند و یا انقلاب پیروز شود، این رویه برایش گران تمام خواهد شد.

پرفسور صفویان، پزشک رسمی شاهنشاه که به خود یک سال در پاریس مرخصی مطالعاتی داده بود، دو بار به دیدار شاه و شهبانو آمد. هنوز نمی‌دانستند که محمدرضا شاه به‌شدت بیمار است. این رفت و آمدها به‌عنوان دیدارهای دوستانه و عادی شمرده می‌شد. رفتار پزشک در مورد کارهای حرفه‌ایش محرمانه بود. بنابراین کسی متوجه چیزی نشد.

برای پاسخ‌گویی به درخواستهای فزاینده رسانه‌های گروهی بین‌المللی، دو پادشاه در کنار یکدیگر عکسهایی در باغ کاخ گرفتند. شاه با چند روزنامه‌نگار آشنا در میان گروه مطبوعاتیان، از جمله «پیر سالینجر» خوش و بش کرد. فقط یک مصاحبه، و آن هم با «دیلی تلگراف» لندن، یکی از کم‌شمار رسانه‌های غربی که در طول بحران از او پشتیبانی کرده بود، انجام داد. با یک روزنامه‌نگار ایرانی مقیم پاریس، فریدون صاحب‌جمع، که به او اطمینان داشت نیز ملاقاتی دوستانه کرد که شرح آن بعدها به‌چاپ رسید.

ملك حسن شاه را تشویق به نگارش خاطراتش، و بیان آنچه گذشته بود، از زبان خودش و برای آگاهی آیندگان کرد. برای تاریخ، از این پیشنهاد را پذیرفت، اما چون شجاع‌الدین شفا مشاور همیشگی‌اش در این زمینه‌ها آنجا نبود، نمی‌دانست چه کند. پادشاه مراکش به او پیشنهاد کرد کتابش را برای چاپ به انتشارات «آلین میشل» که «هانری بونیه» مدیر انتشارات آن را به‌خوبی می‌شناخت، بسپارد.

«بونیه» به رباط احضار و به شاه معرفی شد. میان آن دو مرد رابطه‌ای اعتمادآمیز برقرار شد. به این ترتیب، نگارش کتابی با عنوان «پاسخ به تاریخ» آغاز شد. درخواست دیدار شاه از سوی شخصیت‌های ایرانی که از انقلابی که در راه بود می‌گریختند، با واسطه سفیر یا رئیس کل تشریفات، هر روز افزوده می‌شد. اما شاه هیچ یک را نپذیرفت. می‌گفت خسته است و می‌خواهد اندکی خود را کنار بکشد. ولی چند تن از دوستان شهبانو به آنجا آمدند و او را دیدند. شاه تقریباً

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع‌آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

محمدرضا پهلوی، هنوز شاه بود. اما در مصر، امید خود را برای رفتن به آمریکا و قانع کردن آمریکاییان به رها کردن سیاستی که در پیش گرفته بودند، و بازیافتن قدرت، به‌کلی از دست داد. از چندین سال پیش، نشانه‌های بسیاری نمودار این سیاست تازه بود، که گرچه ظاهراً دولت دموکرات وقت آمریکا به‌اجرا گذاشت، از مدتها پیش از آن تدوین و پرورده شده بود. دشمنی آمریکاییان با شاه، تازگی نداشت.

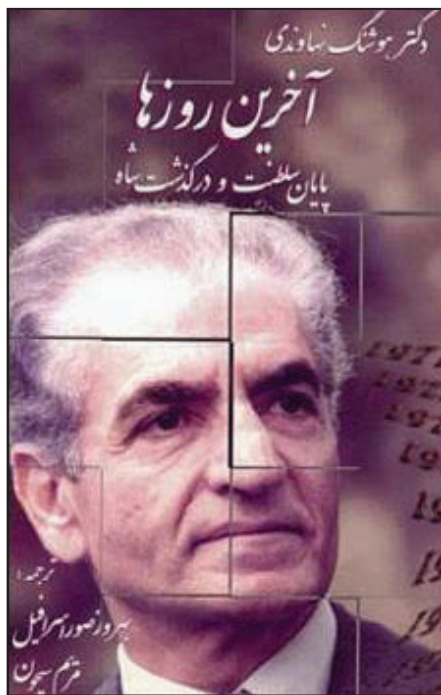
شاه که از ایران رفته بود، دیگر هیچ برگ برنده‌ای در دست نداشت. دیگر نه می‌توانست بر تمام نیروهای ارتش تکیه کند، نه بر بخشی از جامعه که هوادار او باقی مانده بود، اما خود شاه جلو ابراز وجود و بیان خواستش را گرفته بود. او همچنان شاه بود، ولی رها شده... حتی نمی‌دانست به کجا برود. به هنگام اقامت در مراکش بود که پی برد پایان سیاسی‌اش فرا رسیده، که دیگر نقشی برای بازی کردن ندارد و پرده نمایش فرو افتاده است.

محمدرضا شاه در مراکش

هنگامی که روز ۲۲ ژانویه، بوئینگ پادشاه بر باند فرودگاه مراکش نشست، سلطان حسن دوم از او استقبال کرد. ولی نه تشریفات نظامی در کار بود و نه دوربینی. حتی به مطبوعات محلی سفارش شده بود که در مورد این رویداد کاملاً خصوصی سر و صدا نکنند و بگذارند همه چیز محرمانه برگزار شود.

زوج سلطنتی را در کاخ «جبران الکبیر» که در آبادی‌ای بیرون از شهر مراکش قرار داشت و دید بسیار زیبایی بر کوهسار اطلس داشت، جای دادند. مکانی دور افتاده بود و حفاظت از آن آسان.

ملك حسن دوم به پا درمیانی اردشیر زاهدی پذیرفته بود که شاه به‌خاطر دوستی‌ای که در میانشان بود، به آنجا برود. این دو مرد، به یکدیگر دلبستگی داشتند، ولی رفتار ملك نشانه‌ای از سپاسگزاری بود. ایران، از سالها پیش به کشور او یاریهای بسیار کرده بود. با این حال، این پذیرایی موقت و «فقط برای چند روز» بود. مقامات مراکشی به پیرامونین شاه فهمانده بودند که انتظار رفتن او را می‌کشند: «امیدواریم



که طرح رفتن اعلیحضرت به ایالات متحده، همان گونه که مایلند انجام گیرد.»

در ابتدا، زندگی شاه کمابیش آرام بود. زوج سلطنتی بعد از چند روز به رباط رفتند و در کاخ دارالسلام از املاک خاندان سلطنتی مراکش اقامت گزیدند. در آنجا شاه در باغ کاخ پیاده‌رویهای طولانی می‌کرد، روزنامه‌ها و مجلات بین‌المللی را به‌سرعت از نظر می‌گذراند. چندکتاب تازه خواند و آغاز به فراگیری گلف، یکی از کم‌شمار ورزشهایی که پیشتر به آن نپرداخته بود، کرد.

اردشیر زاهدی که شاپور بختیار او را از سفارت واشنگتن برکنار کرده بود هم مرتب به دارالسلام می‌آمد. از آن پس، او نقش مهمی در رویدادهای زندگی شاه بازی کرد.

➔ به آنها اعتنایی نمی‌کرد، و در هنگامی که آنان آنجا بودند، غذایش را تنها می‌خورد.

شاپور بختیار فقط یک بار به او تلفن کرد و در مکالمه‌ای بسیار کوتاه، جویای سلامتی او شد. در مورد مسائل داخل کشور، هیچ کلامی میانشان رد و بدل نشد.

در همین زمان بود که شاه رابطه نوشتاری با «ثریا» ملکه پیشین برقرار کرد. پیرامونیان می‌گفتند ثریا تنها زنی بود که او عاشقانه دوستش داشت. از روزی که از هم جدا شدند، فقط یک بار، ده سال پیش از آن، در پاریس یکدیگر را دیده بودند. گویا نامه هم به همدیگر نوشته بودند. از این پس هر دو نامه‌هایی را که می‌نوشتند، به افراد مورد اعتماد خود می‌دادند (به اطلاع من، سه نفر) که به دیگری برساند. هرگز آنها را پست نمی‌کردند. به من گفتند که محمدرضا شاه، با این کار گونه‌ای آرامش روحی می‌یافت.

ارتشیان هم مرتب تلفن می‌زدند و پافشاری می‌کردند که به آنان اجازه دهد نظم را برقرار کنند. زمانی که تاریخ بازگشت روح‌الله خمینی تعیین شد، تلفن‌ها لحنی نگران‌کننده یافت. قوه‌باغی رئیس ستاد کل ارتش، ساکت بود. داشت با هویزر و رهبران انقلاب گفتگو می‌کرد. ولی سه فرمانده دیگر، بدره‌ای (نیروی زمینی)، ربیعی (نیروی هوایی) که افسر گرد بسیار برجسته‌ای بود و حبیب‌اللهی (نیروی دریایی) و همینطور خسرو داد فرمانده لشکر هوانیروز و رحیمی (فرمانده نظامی پایتخت و سرپرست شهربانی کل) ابراز ناراحتی و نگرانی شدید می‌کردند و در انتظار دستور بودند. شاه این پیامها را می‌گرفت، اما سکوت می‌کرد. هیچ کس نمی‌دانست آیا از آن رو بود که نمی‌خواست خونی ریخته شود، یا دیگر توان کوچکترین تصمیم‌گیری را نداشت؟

در تهران، این افسران و چند تن دیگر که مطبوعات بین‌المللی آنها را «جناح تندرو ارتش» لقب داده بودند، طرح «نجات ملی» را آماده کردند. این طرح بر آن پایه بود که مخالفان بنیادگرا را به شدت سرکوب کنند و دولتی نظامی به ریاست تیمسار بدره‌ای تشکیل دهند. در حقیقت کودتایی بود که بختیار را هم برکنار می‌کرد. البته با بهای انسانی سنگین – همانند آنچه بعدها ارتشیان در الجزایر در سرکوبی اسلام‌گرایان افراطی کردند – ولی بدون شک ترازنامه نهایی، بسیار سبکتر از صدها هزار قربانی انقلاب می‌شد.

فردای ورود خمینی به تهران، اول فوریه، به بدره‌ای تلفن کردم و گفتم که از رویدادها نگرانم. من در جریان برنامه سری آنها نبودم ولی احساس می‌کردم چیزی در حال شکل گرفتن است. بدره‌ای گفت: «همه چیز آماده است و من از این مردک و حامیانش بیمی ندارم. فقط منتظر یک واژه، یک اشاره از سوی شاه هستم. اقدام من کاملاً در چارچوب قانون خواهد بود.» اما آن واژه یا اشاره، هرگز نیامد.

ماهها بود که شاه، جلو هرگونه تظاهرات و ابراز عقیده‌ای از سوی هر کسی را که می‌خواست به هواداری او یا علیه فراگرد انقلاب اقدام کند، گرفته بود. می‌گفت نمی‌خواهد ایرانیان با هم درگیر شوند و خونی بریزد. البته نمی‌گفت، ولی شاید هم بیم داشت که دامنه و اندازه تظاهرات موافقان با تظاهرات مخالفان قابل مقایسه نباشد.

از روز ۱۶ ژانویه این نیروی آزاد شده به جنبش آمد. نشریات کوچکی نیمه زیرزمینی آشکار شد و اندیشه‌های ضد انقلابی در آنها بازتاب یافت. تنها یک نشریه مهم، «خواندنیها» که از بیست سال پیش از هر دولتی که بر سر کار آمده بود، انتقاد کرده بود، از این گرایش جانبداری کرد، و این در حالی که همه روزنامه‌های مهم، زیر مهار کمیته‌های انقلابی قرار گرفته بودند. دکتر مهدی بهار، نویسنده، محقق و منقد سیاسی، رساله‌ای علیه خطرات بنیادگرایی چاپ

کرد که هزاران نسخه آن به فروش رفت، تکثیر و پخش شد، گردهمایی‌هایی کوچک برای سازمان دادن مقاومت برگزار شد، و نیروها و شبکه‌هایی شکل گرفت.

کمیته‌ای کوچک، با بهره‌گرفتن از هرج و مرجی که حاکم شده بود، مجموعه ورزشی امجدیه را که در محله‌ای پر از ازدحام واقع بود، در اختیار گرفت و آن را به ستاد ضد انقلاب تبدیل کرد. در عرض فقط چند روز، سه گردهمایی عمومی برگزار شد. شبکه انجمنهای محلی پایتخت که خوب ریشه داشتند، باشگاه بزرگ ورزشی «تاج» و یک باشگاه کم‌اهمیت‌تر، چند شرکت تعاونی کشاورزی حومه‌های دور و نزدیک پایتخت، یک سندیکای کارگری و چندین محفل دانشگاهی پشتیبانی خود را از این جنبش ابراز کردند. یک کمیته هماهنگی با ده عضو، به ریاست محمدرضا تقی‌زاده روزنامه‌نگار جوان و عضو انجمن شهر تهران به وجود آمد و تصمیم گرفت روز ۲۵ ژانویه، تظاهراتی خیابانی برگزار کند. گروهی به نمایندگی کمیته، فوراً نزد بختیار گسیل شد. او مخالفت جدی خود را نشان داد و گفت: «شما اختلافات را بیشتر خواهید کرد، دو هزار نفر هم نخواهید توانست گردآوردید.» و به آنها گفت که از او نه انتظار یاری داشته باشند و نه پشتیبانی. خود او بعدها نوشت: «از من خواستند به این تظاهرات یاری کنم و من رد کردم.» او از کمیته تظاهرات خواست از دادن هر گونه شعاری به هواداری از شاه، خودداری کند و به دفاع از قانون اساسی بسنده نمایند. به دستور بختیار، اعلامیه‌هایی نیز از رادیو – تلویزیون ملی پخش می‌شد که مردم را از شرکت در آن تظاهرات برحذر می‌داشت!

تظاهرات طرفداران قانون اساسی

روز جمعه ۲۵ ژانویه، ستونهای تظاهرکنندگان از دوازده نقطه پایتخت به حرکت درآمد. بزرگترین گروه از مجموعه امجدیه آمد. همه، به سوی میدان بهارستان، در برابر مجلس که محلی نمادین بود، رفتند. جمعیت بسیار زیاد بود. نشریات بزرگ، با آن که در مهار کمیته‌های انقلابی بودند، فردای آن روز شمار تظاهرکنندگان را ۱۵۰ هزار تا ۳۰۰ هزار تن برآورد کردند. یک گروه حدود ۵۰ هزار نفری از کارگران کارخانه‌های غرب پایتخت آمده بودند که به دستور نخست وزیر، از پیوستنشان به دیگران جلوگیری شد. انبوهی شگفت‌انگیز از پرچمهای کوچک و بزرگ ایران، کیلومترها از خیابانهای اصلی تهران را پوشانده بود. اگر این تظاهرات به هواداری از خمینی بود، بی‌گمان می‌گفتند نیم میلیون نفر در آن شرکت کرده‌اند. در میدان بهارستان، حجت‌الاسلام بهبهانی، واعظ مشهور تهران (که فردای سقوط شاه او را اعدام انقلابی کردند) رشته سخن را به دست گرفت و از مردم خواست از وطن خویش دفاع کنند. قطعه‌نامه را محمدرضا تقی‌زاده خواند.

در همین هنگام بود که یکی از تظاهرکنندگان جوان فریاد زد «جاوید شاه». چند تن دیگر نیز پس از او همین را گفتند، و ناگهان این فریاد چون موجی گسترده، همه‌گیر شد. بسیاری از هیجان می‌گریستند. آن تظاهرات به نمایشی ملی به سود شاه غایب تبدیل شد.

نخست وزیر که به‌وسیله تنی چند از دوستانش از گستردگی تظاهرات آگاه شده بود، فوراً با هلیکوپتر رفت که جریان را از آسمان ببیند. اوایل بعد از ظهر، راهپیمایی کارگران غرب پایتخت توانست خود را به نخست‌وزیری برساند. بختیار نمایندگان آنها را پذیرفت، اما فقط به این که بگوید از گستردگی تظاهرات شگفت‌زده شده، بسنده کرد و از آنان خواست آرامش‌شان را حفظ کنند و پراکنده شوند.

همان شب، کمیته هماهنگی برای بررسی درسهایی که از آن تظاهرات گرفته شده بود، گرد هم آمد و اعضایش بر آن شدند تظاهرات دیگری، البته پانزده روز بعد، برپا کنند و

امیدوار بودند بتوانند همان شمار از مردم را در آن شرکت دهند که چند روز پیش از آن، هواداران خمینی گرد آورده بودند.

پس فردا، ۲۷ ژانویه، در منزل با دریاسالار اردلان که رئیس صنایع تسلیحاتی ارتش بود، و دریادار دیهیمی معاون عملیاتی فرماندهی کل نیروی دریایی ناهار می‌خوردیم. سرتیپ معین‌زاده رئیس اداره اطلاعات نیروی زمینی هم قرار بود ساعتی بعد به ما بپیوندد. پیرامون وضع سیاسی مملکت، ورود پیش‌بینی شده خمینی، و تأثیر نمایش نیروی روز پیش گفتگو می‌کردیم. تلفن زنگ زد. در آن سو، شهبانو بود. از سوی خود و دوستانم به او ادای احترام کردم و از حال اعلیحضرت پرسیدم. او از اوضاع داخل کشور پرسید و من بسیار چکیده آن را شرح دادم و به‌ویژه به تظاهرات روز جمعه تأکید کردم. شهبانو از گستردگی تظاهرات و شمار شرکت‌کنندگان در آن، و نیز شعارهایی که داده شده بود – و مطبوعات خارجی تقریباً آن را نادیده گرفته بودند – شگفت‌زده شد. از او خواستم آن سخنان را برای شاه بازگو کند. با مهر همیشگی خود از من سپاسگزاری کرد و خواست که سلام او را به افسران حاضر برسانم. آنها نیز از شمار و انبوه تظاهرکنندگان و شعارهایی که جمعیت داده بود، شگفت‌زده بودند. آیا شاهد زیر و رو شدن افکار عمومی بودیم؟

بعدها، در نخستین دیداری که در مکزیک با شاه داشتم، پیرامون آن تظاهرات و فریادهای «جاوید شاه» سخن گفتم که چگونه به خروشی همگانی و پایان‌ناپذیر تبدیل شد. بسیار متأثر شد، به فکر فرو رفت. چند لحظه هیچ نگفت، سپس این جمله دردناک را به زبان آورد: «شاید در مورد احساسات ملت نسبت به خود اشتباه کردم. بی‌گمان...» و سپس زمانی دراز، با اندوهی بی‌پایان به من نگریست.

ورود خمینی به تهران

روز اول فوریه ۱۹۷۹، پس از تردیدهای بسیار، آیت‌الله خمینی به تهران آمد. همه گواهیهای به‌چاپ رسیده، حتی آنها که مربوط به پیرامونیان اوست، می‌گویند که خمینی از ارتش، از حادثه‌های ناگهانی، و این که دستگیرش کنند بیم داشت. اما همه چیز آن گونه که پیرامونیانش می‌خواستند، انجام گرفت. او عملاً رئیس نیرومند آینده کشور به حساب می‌آمد. واقعاً مسخره بود، اما حتی چند تنی از مأمورین رسمی آمریکا با کمیته استقبال از او، همکاری می‌کردند. بختیار به ایراد بیانات پر حرارت خود پیرامون اندیشه‌های دموکراتیکش ادامه می‌داد و در پنهان با پیرامونیان خمینی برای به‌دست آوردن عنایت آنان سرگرم گفتگو بود. بدون حمایت ارتش، او هیچ بود. اما از ارتش بیم داشت. حتی بیش از انقلابیون چپ و راست که موقتاً متحد بودند. درست همانند کرنسکی آخرین نخست‌وزیر روسیه قبل از انقلاب بلشویکی که لنین را عملاً بر حکومت ژنرالهای هوادار «تزار» ترجیح داد و گریخت.

در این بلبشو، به‌ابتکار سرلشکر علی نشاط فرمانده گارد شاهنشاهی (که اندکی پس از پیروزی انقلاب، به قتل رسید) نیروهای زیر فرمانش رژه بسیار چشمگیری در خیابانهای پایتخت انجام دادند و توانایی سلاحها و زره‌پوشهای خود را به نمایش گذاشتند. در بسیاری از محلات، مردمی که بر سر راه آنان گردآمده بودند، برایشان به گرمی دست می‌زدند، در پاره‌ای محله‌ها به آنان سنگ پرتاب می‌کردند. تظاهرات ضد انقلابی هم در بسیاری از شهرها صورت گرفت که هواداران و مخالفان خمینی در آنها به زد و خوردهای خشونت‌بار با همدیگر پرداختند.



اقدامات «طالبانی»

جمهوری اسلامی؛

توقف مجوز

کاشت ناخن و

مژه و کارشکنی

در اشتغال

آرایشگران!

● روزنامه «شرق»: صدور مجوز فعالیت برای بخشی از زنان آرایشگر متوقف شده و سازمان فنی و حرفه‌ای بی‌سر و صدا فرآیند دریافت مجوز کاشت ناخن و مژه را از پرتال خود حذف کرده است.

● آرایشگران زن می‌گویند وزارت کار که باید مسئول اشتغال باشد با اقدام اخیر خود ظاهراً در حال محدود کردن بخشی از زنان در بازار کار است.

● بیشتر نیز موضوع ممنوعیت کاشت ناخن و مژه در لایحه «حجاب و عفاف» مطرح شده بود.

لایحه «حجاب و عفاف» در حالی هنوز از سوی شورای نگهبان تأیید نشده که ابعاد محدودکننده این لایحه به اشکال مختلف در حال اجراست. محدودیت تازه برای آرایشگران زنانه در زمینه کاشت ناخن و مژه یکی از اقدامات «طالبانی» جدید است که به نظر می‌رسد مقدمه‌ای بر اجرای این لایحه است.

روزنامه «شرق» در گزارشی اعلام کرده که صدور مجوز فعالیت برای بخشی از زنان آرایشگر متوقف شده و سازمان فنی و حرفه‌ای بی‌سر و صدا فرآیند دریافت مجوز کاشت ناخن و مژه را از پرتال خود حذف کرده است. بیشتر ممنوعیت برخی امور زیبایی زنان از جمله کاشت ناخن و مژه در لایحه حجاب مطرح شده اما با تکذیب‌هایی روبرو شده بود.

بر اساس این گزارش که توسط مریم شکرانی نوشته شده است، سازمان فنی و حرفه‌ای کشور که زیرمجموعه وزارت کار است، بی‌سر و صدا بخشی از زنان آرایشگر را در بازار کار با محدودیت همراه کرده است. پیش از این استانداردهای آموزشی در رشته ناخن و مژه تحت عنوان سند حرفه در پرتال سازمان فنی و حرفه‌ای کشور بارگذاری شده بود و به تبع آن آموزشگاه‌های آزاد نسبت به تعریف دوره، اخذ شهریه و اجرای دوره اقدام می‌کردند اما حالا این استانداردها یکباره و بدون اطلاع قبلی به استان‌ها، از پرتال سازمان فنی و حرفه‌ای کشور حذف شده و کارآموزانی که دوره آموزش خود را به پایان رسانده‌اند، امکان معرفی به آزمون ←

شدنشان را داد.

در پایان جلسه شورای عالی ارتش، بگو - مگوی شدیدی میان تیمسار بدره‌ای فرمانده نیروی زمینی، فردوست و قره‌باغی درگرفت. بدره‌ای گفت: «غیر قابل پذیرش است که

تنها مانده بود مسأله انتقال قدرت. برای این کار از میانجی‌گران، و به‌ویژه میانجی‌گران آمریکایی سود جستند.

روز ۵ فوریه، شخص‌کذایی که در ساختمان دبیرستانی در پایتخت جای گرفته بود، مهدی بازرگان را به‌عنوان نخست



خمینی در بهشت زهرا در سال ۱۳۵۷

ارتش در برابر خمینی خود را تسلیم کند»، و سپس فریاد زد که جلو سقوط سریع کشور در هرج و مرجی خونین را خواهد گرفت.

سوار هلیکوپتر شد و به دفتر فرماندهی‌اش بازگشت. از درون هلیکوپتر با بی‌سیم به سپهد و شمشگیر معاون فرمانده نیروی زمینی دستور داد فوراً فرماندهان نیروی زمینی را گرد آورد و مقدمات به حرکت درآوردن واحدها را فراهم سازد. از هلیکوپتر پیاده شد، به سوی دفترش رفت و در آنجا از پشت با گلوله‌های مسلسل کشته شد؛ سرتیپ بیگلری یکی از معاونینش و برادر فرمانده دانشکده افسری نیز که در کنارش بود، از پای درآمد. در ساعات پس از کشته شدن بدره‌ای، گمان همه این بود که او و بیگلری به‌دست یک افسر آمریکایی، از مستشاران نیروی زمینی کشته شده‌اند. شایعه‌ای که هرگز بررسی‌ای در موردش انجام نشد. تیمسار و شمشگیر نیز چندی بعد دستگیر، شکنجه و کشته شد. او در زندان، نامه کوتاهی در مورد چگونگی کشته شدن فرمانده خود نوشت و توسط فیروز مجللی روزنامه‌نگار و از دوستان نزدیکش به بیرون رساند. هنگامی که من و این دوست مشترک در پاریس دوران تبعید را می‌گذرانیدیم، من بخت خواندن این تکه کاغذ تأثرانگیز را یافتم.

اعلامیه بی‌طرفی، یا بهتر است بگویم بی‌طرف کردن ارتش، هر نیم ساعت یک بار از رادیو دولتی پخش می‌شد. بختیار که صبح آن روز در سنا سخنانی گفته و خود را با «سالوادور آلنده» مقایسه کرده و اعلام نموده بود اسلحه به‌دست از خود دفاع خواهد کرد، کاخ نخست‌وزیری را ترک گفت، سوار بر هلیکوپتر از محل دور شد. دو روز بعد دستگیرش کردند. چند روز در همان زندان هویدا و برخی دیگر از بلندپایگان کشور بود. سپس آزادش کردند و چند هفته بعد به فرانسه رفت. پس از آن که در «نوی» (حومه پاریس)، در ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۰ از یک سوء قصد جان به‌در برد، مأموران جمهوری اسلامی در ۶ اوت ۱۹۹۱، در خانه‌اش با وحشیگری و شقاوت بسیار سرش را بریدند.

(ادامه دارد)

وزیر خود انتخاب کرد. او یک دانشگاهی بازنشسته، صاحب صنعتی ثروتمند، همکار پیشین مصدق و همچنین اسلامی - البته ملایم - بود. «شورای انقلاب» نیز به‌عنوان اندامی فرادولتی آشکار شد. وزارتخانه‌های گوناگون همبستگی خود را با نخست‌وزیر اعلام کردند. ولی بختیار هنوز رئیس هیأت وزیران بود و چند وزیر هم به دفتر کار خود در وزارتخانه‌های خالی می‌رفتند.

روز ۱۱ فوریه، حدود ظهر، یک شورای عالی وابسته به ارتش که از بیست و هفت امیر تشکیل شده بود، بی‌طرفی ارتش را اعلام کرد و سر‌بازخانه‌ها را در حمایت مردم قرار داد. مبتکر و مدیر این عملیات، ارتشبد حسین فردوست، همراه، دوست و همکلاس دبستان شاه بود. او از نیرومندترین افراد کشور به‌حساب می‌آمد. ریاست «سازمان بازرسی شاهنشاهی» و «دفتر ویژه» هماهنگی و اطلاعات سازمانهای امنیتی را برعهده داشت. مردی بود که همواره در «سایه» مانده، و رفتار و عادات شگفت‌انگیزی داشت. پس از انقلاب، پایه‌گذار «ساواما»، دستگاه امنیتی رژیم انقلابی شد. او همچنان بسیار مرموز، پس از دستیابی خمینی به قدرت، نقش مهمی بازی کرد. پنج سال بعد خبر درگذشت او را بی هیچ توضیحی در موردش، اعلام کردند. آیا او مأمور دستگاه‌های اطلاعاتی غرب بود، یا آن گونه که برخی از مسؤولان اطلاعاتی دنیای غرب بعداً به من گفتند، یک مأمور شوروی که در اطراف شاه قرار داده شده بود؟ یا مأمور دوجانبه و حتی سه‌جانبه؟ به‌گفته همین منابع، بعد از پخش خبر مرگش او را به شوروی بردند. رازی که اهمیت آن در مقایسه با حقایق تاریخی که بی‌گمان روزی بررسی و آشکار خواهد شد، چندان نیست. ولی تردیدی در خیانت فردوست باقی نمی‌گذارد.

سازمان‌دهنده دیگر نمایش انتقال قدرت، قره‌باغی رئیس ستاد کل ارتش بود. او نه تنها کارهای لازم برای خنثی کردن ارتش را برعهده گرفت، بلکه به‌جای آن که افسران و سر‌بازان را در سر‌بازخانه‌ها نگاه‌دارد و حفظ‌شان کند، دستور پراکنده

مشکی با کیفیت نیز از وظایف وزارت صنعت، معدن و تجارت در این لایحه است.
به نظر می‌رسد دولت و جریانی در مجلس شورای اسلامی چه در ساختار لایحه «حجاب و عفاف» و چه در خارج از آن، تلاش دارند سلیقه و نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را پیاده کنند و حذف ناگهانی صدور مجوز کاشت ناخن و مژه نیز در ادامه همین تلاش‌ها باشد.
گروه تروریستی و اسلامگرای طالبان نیز پس از استقرار دوباره در این کشور و تشکیل دولت در تابستان ۲۰۲۱ محدودسازی زنان را در دستور کار قرار داد. یکی از اقدامات طالبان برخورد با آرایشگاه‌های زنانه بود. تیرماه امسال نیز طالبان در دستوری تازه فعالیت تمامی آرایشگاه‌های زنانه در افغانستان را متوقف کرد. مسئولان اتاق پیشه‌وران در کابل ضمن تأیید این خبر گفته بود با اجرای این طرح، شمار زیادی از زنان افغان بیکار خواهند شد.



در گزارش «شرق» درباره محدودکردن مشاغل مرتبط با آرایشگری توسط جمهوری اسلامی در ایران نیز سیمین محمدباقری رئیس انجمن صنفی آموزشگاه‌های مراقبت و زیبایی تهران گفته بود که با ممنوعیت‌های مختلف برای آرایشگران زن، بسیاری از فعالان این صنف به‌صورت زیرزمینی و غیرمجاز فعالیت می‌کنند و فشارهای بیشتر بخش قانونمند و شفاف این صنف را هم به فعالیت‌های زیرزمینی سوق می‌دهد.
سیمین محمدباقری افزوده که کاشت مژه و ناخن حداقل ۱۵ رشته جانبی را پوشش می‌دهد و با این اقدام یک‌شبه و ناگهانی سازمان فنی‌وحرفه‌ای کشور، شمار زیادی از زنان بی‌کار می‌شوند یا ناچار هستند با چشم‌پوشی از حقوق قانونی خود در بازار کار به‌صورت زیرزمینی فعالیت کنند.
این مقام صنفی تأکید کرده که «جالب است که وزارت کار و زیرمجموعه‌های آن که باید مشوق کارآفرینی و اشتغال باشند، دست‌به‌کار شده‌اند تا تیشه به ریشه برخی مشاغل بزنند!»

«اعتماد» ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ جزییاتی از این لایحه را بر اساس «شنیده‌ها» منتشر و اعلام کرد مجلس به‌دنبال تصویب ممنوعیت کاشت ناخن و مژه برای زنان و حتی ممنوعیت ورود زنان دارای مژه و ناخن مصنوعی به اماکن عمومی مانند ورزشگاه‌ها است.
این رسانه با اشاره به بندهایی از لایحه «حجاب و عفاف» نوشت که نمایندگان مجلس در این لایحه پیشنهاد‌های زیادی مطرح کرده‌اند، «از جمله اینکه استفاده از چادر به‌عنوان حجاب برتر برای کلیه دانشجویان، معلمان و بانوان شاغل در آموزش و پرورش اعم از اداری و آموزشی الزامی شود و کاشت ناخن و مژه برای آنان ممنوع باشد».
بخشی از جزییات منتشر شده از سوی روزنامه «اعتماد» هفته گذشته از سوی امیرحسین بانکی‌پور رئیس کمیسیون قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در مجلس تأیید شد.

به گفته این نماینده مجلس و بر اساس لایحه تنظیم شده، برهنگی، بی‌حجابی و بدپوششی در غیر حریم خصوصی در فضای حقیقی و مجازی و تبلیغ و ترویج برهنگی، بی‌حجابی و بدپوششی که موجب برهم زدن آرامش خانواده و آسیب‌هایی مانند گسترش طلاق می‌شود، ممنوع است.
نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «یکی از ارکان مهم در زمینه حجاب و عفاف، آموزش و پرورش است که سال‌ها از آن غفلت کردیم»، برخی از وظایف اختصاصی این مجموعه را «الگوی پوشش مناسب اسلامی متناسب با شرایط سنی و اقلیمی برای دانش‌آموزان، معلمان و کارشناسان در مشورت با کارگروه مد و لباس، رعایت شرایط حجاب و عفاف در گزینش (در شروع خدمت و در طول سنوات) و نمره انضباط و اخلاق بر اساس فعالیت‌های تربیتی و اخلاقی در سابقه تحصیلی» عنوان کرد.
تسهیل تولید منسوجات با کیفیت و ارزان پوشاک اسلامی و حمایت از کارخانه‌های تولید لباس اسلامی بویژه چادر

→ صلاحیت حرفه‌ای را ندارند و بلا تکلیف مانده‌اند.
این گزارش یادآوری کرده که اعمال محدودیت‌های گسترده برای فعالیت آرایشگران زن در ایران مسبوق به سابقه است و پیش از این تشکلهای صنفی کاشت ناخن و مژه، تتوی بدن، سولاریوم، ماساژ، کراتین مو، فیبروز ابرو و حتی اپیلاسیون و خدمات کاهش وزن و پاک‌سازی عمیق پوست را هم ممنوع کرده بودند اما حالا اعمال این ممنوعیت‌ها به مجلس و دولت رسیده است.
به گزارش «شرق» آرایشگران زن می‌گویند وزارت کار که باید مسئول اشتغال باشد با اقدام اخیر خود ظاهراً در حال محدودکردن بخشی از زنان در بازار کار است.
از سوی دیگر فشارها و محدودیت‌ها بر آرایشگران زن باعث شده است که جمعیت آرایشگران زیرزمینی حدود ۲۰ برابر آرایشگران دارای مجوز باشد. بجز این، در حال حاضر شمار زیادی از آرایشگاه‌های زنانه تعطیل شده‌اند و آمارهای اتحادیه آرایشگران زنانه تهران و مشهد حاکی از آن است که در پنج، شش سال اخیر حدود یک‌سوم آرایشگاه‌های زنانه تعطیل شده‌اند.

گزارش «شرق» تأکید کرده که بر اساس گزارش سازمان تعزیرات تا سال ۱۳۹۶ در تهران حدود ۲۱ هزار آرایشگر فعالیت می‌کردند که تنها حدود هزار نفر آنها مجوز رسمی فعالیت داشته‌اند.

این گزارش در حالی منتشر شده که پیشتر نیز موضوع ممنوعیت کاشت ناخن و مژه در لایحه «حجاب و عفاف» مطرح شده بود. این لایحه از سوی قوه قضاییه تدوین و در اوایل بهار پس از تصویب در هیئت دولت برای بررسی راهی مجلس شورای اسلامی شد.

در مجلس شورای اسلامی جریانی شامل نمایندگان اصولگرا بررسی این لایحه را به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس سپرده و سپس رفتن آن زیر اصل ۸۵ قانون اساسی را مطرح کردند. اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در نشست علنی روز یکشنبه ۲۲ امرداد، با بررسی لایحه بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی موافقت کردند.

بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند که در اینصورت بررسی و تصویب قانون به دور از چشم افکار عمومی انجام می‌شود.

ت زیادی همراه شد اما جریان غالب در مجلس شورای اسلامی با پشتیبانی سردار پاسدار محمد قالیباف از بررسی آن در صحن علنی جلوگیری کرد. اگرچه مدتی بعد سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد که این شورا لایحه را دریافت نکرده و بررسی آن در کمیسیون مربوطه هنوز به پایان نرسیده و پس از آن نیز نخست باید به صحن مجلس برود.

نمایندگان حامی طرح و حجاب اجباری همه توان خود را به کار گرفتند که دست‌کم اجرای آزمایشی این طرح تا آغاز سالگرد اعتراضات ۱۴۰۱ آغاز شود. این طرح با بستن فضای اجتماعی و اعطای اختیاراتی گسترده به نیروی انتظامی و لباس شخصی‌ها برای برخورد با شهروندان در سطح جامعه و همچنین تشدید برخوردهای قضایی به بهانه حجاب حتی علیه دختران زیر ۱۸ سال، علیه شهروندان و حقوق شهروندی و روند زندگی اجتماعی مردم تنظیم شده است.

متن کامل این لایحه هنوز منتشر نشده است اما روزنامه

اگر «رضاخان» خواستار قدرت نبود و «رضاشاه» نمی شد چه بر سر ایران می آمد؟!



و شایسته سرزنش شد به سبب نحوه خودکامه اداره قدرت بود که به استبداد سیاسی و زورگویی انجامید. موثرترین راه پیشگیری رواج فساد، سوء استفاده از قدرت و فرهنگ بت‌سازی، دموکراسی و آزادی است و نه گریز از قدرت! تجربه خوان کارلوس پادشاه پیشین اسپانیا شاهد درستی این باور است. پس از اینکه خوان کارلوس نقش موثری در پایه گذاری دموکراسی و آزادی سیاسی ایفا کرد، زمانی که از طرف رسانه‌های آزاد اسپانیا به فساد مالی متهم شد، مجبور به استعفاء از پادشاهی شد و قدرت را به پسر خود واگذار کرد.

همانطور که الهه بقرات نویسنده و روزنامه‌نگار و سردبیر کیهان لندن می‌نویسد «پیروزی در مبارزه برای جایگزینی قدرت استبدادی با قدرت دموکراتیک، بدون رهبری قابل اعتماد و شفاف» ممکن نیست. و «نقش اراده قدرت با بیان اینکه «من» و «ما» به دنبال قدرت نیستیم، از بین نمی‌رود!» [iv] تمامی تئوری‌های جنبش‌های اجتماعی، به روایت هومن خلیلی فعال مدنی و سیاسی و عضو «حزب ایران نوین» نیز بر این باورند که «همبستگی حول یک مرجعیت سیاسی یا همان رهبر... به عنوان یکی از عوامل کلیدی در پیروزی جنبش‌های انقلابی تلقی می‌شود. برای مثال، در تجربه جنبش ۵۷ ایران، مرجعیت سیاسی روح‌الله خمینی با ارتباط مستقیم با مفاهیم دینی و ایده‌آل‌های اسلامی، توانست جنبش‌های مختلف ایران را تحت پرچم همبستگی امتی یکپارچه‌سازی کند و با جلب حمایت اجتماعی، به عبور از حکومت شاهنشاهی پهلوی رسید.» [v] به این نتیجه‌گیری‌های درست باید افزود که اراده قدرت و مرجعیت سیاسی بدون سازماندهی نمی‌تواند شکل بگیرد و موثر باشد. به عنوان مثال، مرجعیت سیاسی خمینی بدون شبکه‌های مذهبی که در تمام نقاط کشور وجود داشت و در واقع واسطه خمینی و جامعه بود هرگز قدرت

در اسپانیا کمک کنم نه اتحادی برای دموکراسی در اسپانیا ممکن می‌شد و نه دموکراسی به این زودی‌ها در اسپانیا برقرار می‌گشت.

در هر دو مورد به گمان زیاد همان می‌شد که در افغانستان رخ داد. محمد ظاهر آخرین پادشاه افغانستان وقتی در سال ۲۰۰۲ میلادی به افغانستان بازگشت تصریح کرد که در اندیشه احیای سلطنت در این کشور نیست. وی گفت: «اینجانب به فکر احیای سلطنت نیستم. آرزوی من فقط خدمت به ملت رنج‌دیده افغانستان است.» به باور مختار پدram روزنامه‌نگار افغانی «وقت‌گذرانی محمد ظاهر به عنوان یک پادشاه و زمامدار و ۴۰ سال غفلت ظاهرشاه به نظر من یک فاجعه بشری رقم زد.» [i]

خرزنگاری از یک سیاستمدار کهنه‌کار اروپائی که سالیانی دراز در قدرت بود پرسید آیا درست است که «قدرت انسان را فاسد می‌کند؟» سیاستمدار در پاسخ گفت «نداشتن قدرت انسان را بیشتر فاسد می‌کند!» این پاسخ را می‌شود به این تعبیر کرد که با نبود قدرت کسانی هستند که می‌کوشند با چاپلوسی، تعارف و دروغ از قدرتمندان به نفع خود سوء استفاده کنند. نمونه‌های این افراد در اطرافیان محمدرضا شاه نیز [ii] وجود داشتند که با تملق و بت‌سازی شاه را در مقام دیکتاتور تثبیت کردند تا خودشان هر کاری دلشان خواست بکنند. به این ترتیب شاه تصمیم‌گیر نهائی شد و اگر کسی با سیاست دولت مخالف می‌بود طبیعتاً به مخالفت با شخص شاه تعبیر می‌شد! [iii]

واقعیت اما اینست که قدرت به خودی خود نه مایه فساد است و نه مانع آن. بسته به هدف و انگیزه می‌تواند هم شایسته ستایش باشد و هم سزاوار سرزنش. از آنجا که هدف رضاشاه در کسب و اعمال قدرت پیشرفت و آبادی ایران بود، به گواهی تاریخ اراده او به قدرت سزاوار ستایش است. اگر در اواخر پادشاهی وی، اعمال قدرت او به فساد منجر

● قدرت به خودی خود نه مایه فساد است و نه مانع آن. بسته به هدف و انگیزه می‌تواند هم شایسته ستایش باشد و هم سزاوار سرزنش. از آنجا که هدف رضاشاه در کسب و اعمال قدرت پیشرفت و آبادی ایران بود، به گواهی تاریخ اراده او به قدرت سزاوار ستایش است. اگر در اواخر پادشاهی وی، اعمال قدرت او به فساد منجر و شایسته سرزنش شد به سبب نحوه خودکامه اداره قدرت بود که به استبداد سیاسی و زورگویی انجامید. موثرترین راه پیشگیری رواج فساد، سوء استفاده از قدرت و فرهنگ بت‌سازی، دموکراسی و آزادی است و نه گریز از قدرت! تجربه خوان کارلوس پادشاه پیشین اسپانیا شاهد درستی این باور است. پس از اینکه خوان کارلوس نقش موثری در پایه گذاری دموکراسی و آزادی سیاسی ایفا کرد، زمانی که از طرف رسانه‌های آزاد اسپانیا به فساد مالی متهم شد، مجبور به استعفاء از پادشاهی شد و قدرت را به پسر خود واگذار کرد.

حقیقت جو - کمتر کسانی باور دارند که اگر رضاخان قدرت را به دست نمی‌گرفت و رضاشاه نمی‌شد ایران می‌توانست از روال بی‌سامانی دوران قاجار نجات یافته و با شتابی بی‌همتا در کمتر از بیست سال به کشوری مدرن در زمان خود تبدیل شود. اگر رضاخان می‌گفت من دنبال مقام و قدرت سیاسی نیستم و هدف من فقط مانند یک شهروند و سیاستمدار کمک به مردم ایران است در آن زمان هیچکدام از این پیشرفت‌ها رخ نمی‌داد و شاید حتی ایران یکپارچه نیز دیگر وجود نمی‌داشت.

همچنین اگر پادشاه سابق اسپانیا، خوان کارلوس، بعد از مرگ فرانکو می‌گفت خواست من پادشاهی و قدرت سیاسی نیست فقط می‌خواهم به عنوان یک شهروند و سیاستمدار به اتحاد احزاب دموکرات و پا گرفتن دموکراسی

کسی با عنوان رهبر انقلاب و ولی فقیه برای آنها تصمیم بگیرد به تنگ آمده و بیزارند. اگر این هم‌میهنان به شاهزاده امید دارند برای این است که می‌دانند همانطور که او بارها گفته است انگیزه او تمرکز قدرت در دست تعدادی محدود و سلب آزادی و حق تعیین سرنوشت از مردم نیست. اعتماد مردم به شاهزاده به دلیل اطمینان به پیشینه خاندان پهلوی است که در نقش رهبری سیاسی کشور توان و اراده خود را در راستای پیشرفت جامعه به اثبات رسانده است. اگر این هم‌میهنان شاهزاده را تنها امید می‌پندارند برای این است که اعتماد به شاهزاده سرمایه اجتماعی است که آن را نمی‌توان به آسانی، در کوتاه‌مدت با ایجاد اتحاد و همبستگی‌های بدون پیشینه (Ad hoc) توسط افراد یا سازمانه‌ای ناآشنا و ناآزموده به دست آورد.

اگر شاهزاده در راستای کسب قدرت تلاش کند مردم با آغوش باز از آن استقبال خواهند کرد چون به عنوان وارث قانونی خاندان پهلوی می‌دانند که شاهزاده از این قدرت در راستای آزادی و پیشرفت میهن استفاده خواهد کرد. در واقع تعداد زیادی از ایرانیان، در داخل و خارج کشور، با نامیدن شاهزاده به عنوان «شاه» یا «رضاشاه دوم» تصمیم خود را در واگذاری این قدرت بیان کرده‌اند. عدم توجه به این تصمیم به معنی بی‌ارزش انگاشتن و یا پشت زدن به اراده این هم‌میهنان است. شاهزاده برای تحقق بخشیدن به امید آنها نیاز به تشکیلات و سازماندهی گسترده و با نفوذ در عرصه‌های اجتماعی دارد. هیچ جنبش انقلابی در تاریخ بدون سازماندهی و تشکیلات و شبکه‌های ارتباطی گسترده به پیروزی دست نیافته است. با اتکاء به این شبکه‌ها و تشکیلات است که رهبری می‌تواند با آگاهی جامع به اوضاع و اطلاعات از گوشه و کنار میهن برای جنبش تصمیم‌گیری کند و تصمیمات خود را به صورت هماهنگ در تمام عرصه‌های اجتماعی به اجرا در آورد. برای این منظور نیاز به حضور در داخل کشور نیست همانطور که خمینی بعد از سالیان دراز دوری و با اتکاء به رهبری تشکیلات وسیعی که در درون مرز در اختیار داشت و صدور فراخوان‌ها و پیام‌ها از بیرون مرز موفق شد برای رژیم ولایت فقیه را بر سر مردم ایران‌زمین بیاورد.

اگر وجود می‌داشت در این چهل و چهار سال و به ویژه بعد از جنبش مهسا رخ داده بود. اوضاع بحرانی جامعه و خطر بروز تحولات خودسر، خشونت‌بار و تجزیه‌طلب بیش از آن است که بتوان در انتظار ایجاد چنین مرجعیتی نشست. پیشینه پادشاهی پهلوی به عنوان تنها قدرت سیاسی که توانسته بود با اتکاء به قدرت سیاسی بر خرافات مذهبی و تشکیلات گسترده طایفه حاکم چیره شود و کشور را در راه پیشرفت و جامعه‌های مدرن هدایت کند بطوری که جمهوری اسلامی هم با تمام ابزار نتواند آن را خنثی کند، مبنای اعتماد و طرفداری از وارث قانونی این پادشاهی در ایران است. مواضع شاهزاده در دفاع از دموکراسی، آزادی و حق انتخاب مردم در سرنوشت خود به این اعتماد بیش از پیش افزوده است.

ولی پرسش مهم این است که آیا شاهزاده به گفته‌ی الهه بقرات به نقش تاریخی خود به عنوان رهبری «در مبارزه سرنوشت‌ساز بین «جمهوری اسلامی» و «ایران» آگاه است؟ یا همانطور که در این چند دهه مشاهده شده است، می‌خواهد «به عنوان شخصیت همراه مردم و برای ایران و کسی که «به دنبال قدرت و مقام» نیست مطرح شود؟ [viii] شاهزاده در یکی از گفتگوهای رسانه‌ای خود وعده داده بود که «به هر مقیاسی که هم‌میهنانم نقش مرا مفید و مؤثر می‌دانند باید بدانید هرچه دارم در توانم برای آزادی کشور» انجام خواهم داد. [viii] شاهزاده بی‌گمان ندای هم‌میهنان را که در تمامی مراسم عمومی ایرانیان که او شرکت می‌کند و در اکثر یادداشت‌های رسانه‌ای و گزارش‌های تحلیلی طنین‌انداز است و او را به ایفای این نقش تاریخی دعوت می‌کنند باید شنیده باشد. [ix]

شاهزاده حتما می‌شود که بسیاری از هم‌میهنان رو در رو به او می‌گویند که «شاهزاده تو تنها امید ما هستی». منظور از بیان این امید این نیست که مسئولیت تصمیم‌گیری‌ها را به گردن شاهزاده ببندازند و خود در کناری نشسته نظاره کنند و یا حکومت فردی و بت‌سازی را اشاعه دهند و گوسفندوار دنبال چوپان راه بیافتند. این مردم همانطور که نشان داده‌اند آماده هر نوع مسئولیت‌پذیری، فداکاری و جانفشانی برای نجات میهن هستند. این مردم از اینکه

→ ایجاد همبستگی و حمایت اجتماعی لازم برای عبور از حکومت پهلوی را نمی‌داشت. تصمیم‌گیری‌های خمینی به عنوان مرجعیت سیاسی و رهبری همه بر مبنای اطلاعاتی که او از طریق این شبکه دریافت می‌کرد و با آگاهی از شرایط موجود انجام می‌گرفت. خمینی لازم نبود خودش در ایران حضور داشته باشد و این عدم حضور خود را بهانه‌ای برای پرهیز از فراخوان دادن و رهبری مبارزات مردم بداند. نقش اساسی مرجعیت و رهبری جنبش در واقع آگاهی از مجموعه عوامل در سطح کشوری است که تنها با دریافت اخبار و اطلاعات از گوشه و کنار کشور ممکن است. برای این منظور مرجعیت سیاسی باید مجهز به تشکیلات و شبکه‌های ارتباطی در تمام کشور باشد. همچنین فراخوان‌های مرجعیت بدون وجود این تشکیلات و شبکه‌ها ضمانت اجرایی نداشته و بیهوده است.

گذشته از تمرکز اطلاعات و پشتوانه اجرایی و تاثیرگذاری سیاسی، رهبری جنبش نیازمند مشورت و تصمیم‌گیری جمعی است. در انقلاب ۵۷، خمینی بدون کمک فکری اطرافیان که ارتباط گسترده با محافل مذهبی و اطلاعات دقیق از وضعیت جنبش در ایران داشتند و اطرافیان که به نحوه ارتباطات و اطلاع‌رسانی بین‌المللی آشنا بودند، مانند بنی صدر، قطب زاده و یزدی، هرگز نمی‌توانست شخصا تصمیم‌گیری‌های موفق بگیرد. جنبش انقلابی در ایران اکنون فاقد چنین توانی برای تصمیم‌گیری‌های جمعی و شورائی است.

این کمبودها اکنون به روشنی در مورد سالگرد مهسا به چشم می‌خورد. هیچ مرجعی وجود ندارد که با اطلاع از اوضاع کشور، مانند میزان آمادگی مردم برای شرکت در تظاهرات و آمادگی نیروهای سرکوب برای مقابله با جنبش، بتواند تصمیمات واقع‌بینانه در سالگرد جنبش زن، زندگی و آزادی بگیرد. حرف‌هایی مانند اینکه «با هم بایستید» و «هوای همدیگر را داشته باشید»، «شرکت میلیونی مردم در مبارزات مدنی و خیابانی لازمه موفقیت جنبش است» و... بدون توضیح اینکه به چه ترتیبی و با کدام سازماندهی این شرکت می‌تواند شکل گیرد، یا تکرار لزوم وحدت سازمان‌های سیاسی و کلیدی بودن آن بدون اینکه آنها در در داخل حضور داشته باشند تا اتحاد آنها بتواند تاثیری در همبستگی مردم در کشور داشته باشد، کمکی به تصمیم‌گیری مردم نمی‌کند.

در دورانی که کشور دچار بحران‌های اقتصادی، اخلاقی و سیاسی است و مردم در شدیدترین آشفتگی روانی و بحرانی بسر می‌برند، این مرجعیت به گفته ماکس وبر باید فردی افرادی کاریسماتیک باشند که مردم به وجود مشخصات توانائی ویژه و استثنائی در آنها باورمند هستند [vi] از سوی دیگر، این مرجعیت باید شبکه‌های اجتماعی و تشکیلات گسترده‌ای در اختیار داشته باشد تا بتواند جنبش انقلابی را با حمایت عملی مردم به پیروزی رهبری کند.

به باور هومن خلیلی، شاهزاده رضا پهلوی تمامی عوامل مورد نیاز را به عنوان مرجعیت سیاسی برای عبور از حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی و برای رسیدن به یک حکومت دموکراتیک دارد. شاهزاده به گفته خلیلی «توانایی جذب همبستگی ملی را با تأکید بر ارتباط مؤثر با ارزش‌ها و ایده‌آل‌های اجتماعی، دموکراتیک و آزادانه، و ارتباط مردمی‌قوی به عنوان مرجعیت سیاسی» دارا است.

شواهد موجود نشان می‌دهند که شاهزاده در پهنه سیاسی ایران تنها کسی است که مشخصات مرجعیت سیاسی و رهبری جنبش را دارد. فرصت برای اینکه اپوزیسیونی متحد شکل بگیرد، اعتماد مردم را جلب کند و مرجعیت و رهبری آن مورد پذیرش جامعه باشد وجود ندارد.

[i] رادیو فردا ۱۳۸۷

[ii] نگاه کنید به مصاحبه امیر افشاروزیر تشریفات دربار

با بابک کلهر - اکتبر ۱۴ ۲۰۱۹

[iii] خلاصه‌ای از گفتگوهای شاهزاده (خط قرمز) - گفتگو

مهدی فلاحتی با شاهزاده رضا پهلوی - Jun ۱۲, ۲۰۱۸,

اتاق خبر با پوریا زراعتی گفتگو با شاهزاده رضا پهلوی -

Nov ۱, ۲۰۱۸ - بخش نخست مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی

با تلویزیون اندیشه - Nov ۲, ۲۰۱۲. در تأیید نظر شاهزاده

در مورد علت مخالفت مردمی با سلطنت محمدرضا

شاه، ماکس وبر، یکی از بنیانگذاران جامعه‌شناسی مدرن

شکست کوشش در جایگزینی صدراعظم در دوران قاجار

با بوروکراسی اداری را به این سبب می‌داند که با این کار

باور به قدرت کاریسماتیک شاه به لرزه افتاده بود. From

Max Weber, Essays in Sociology (۱۹۵۸), P. ۲۴۳. در

ادامه مطلب وبر نظر قابل ملاحظه‌ای در مورد برتری نظام

پادشاهی مشروطه پارلمانی (از نوع انگلیسی و نه قاره‌ای)

به جمهوری در مشروعیت دادن به نظام دموکراتیک ارائه

می‌دهد. همانجا ص. ۴-۲۶۳

[iv] الهه بقرات؛ «دموکراسی بدون اراده قدرت به دست

نمی‌آید!»؛ کیهان لندن - اول سپتامبر ۲۰۲۳ و «اراده قدرت؛

برای تأمین دموکراسی باید دموکرات‌ها به قدرت برسند»

کیهان لندن فوریه ۲۰۰۷.

[v] هومن خلیلی؛ «همبستگی و نقش مرجعیت سیاسی

در پیروزی جنبش‌های انقلابی» - کیهان لندن ۲۵ اوت .

۲۰۲۳،

[vi] ماکس وبر؛ «جامعه‌شناسی قدرت کاریسماتیک»

ص. ۲۴۵

[vii] همانجا

[viii] گفتگوی رضا پهلوی در برنامه افق صدای آمریکا

- Oct ۲, ۲۰۱۲

[ix] از آنهاست که «سوراخ دعا را گم کرده‌اند» و ضد

سلطنت و دربار شعار می‌دهند و سخن‌پراکنی می‌کنند

باید پرسید آیا یکبار هم شده از خود پرسیده و به دیگران

گفته باشند چه کسانی خواهان احیای آن سلطنتی هستند

که مد نظر آنهاست و با آن دشمنی می‌کنند؟ دشمنی این

افراد با سلطنت خیالی خود یادآور داستان دن کیشوت

نوشته سروانتس است که به آسیاب بادی حمله می‌کرد

و عاشق معشوقی خیالی به نام دلسینا بود که ساخته و

پرداخته ذهن او بود و در اثر مطالعه زیاد و خواب کم دچار

آشفتگی و هذیان‌گویی شده بود!

پیکر جواد روحی مخفیانه و تحت تدابیر شدید امنیتی در روستای پدری به خاک سپرده شد



جواد روحی

پاسخگو باشند.»
بهداری زندان نوشهر بامداد جمعه دهم شهریور در اطلاعیه‌ای ادعاهایی را درباره چگونگی بدحال شدن و به کما رفتن جواد روحی مطرح کرده که در نهایت این توضیحات مبهم، نوعی فرافکنی و سلب مسئولیت ارزیابی می‌شود.
در این اطلاعیه آمده که «روز چهارشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۲ مددجو جواد روحی با پای خودش به بهداری مراجعه و عنوان کرد بی‌حال است. پس از گرفتن علام حیاتی جواد روحی و مشورت با پزشک زندان برای جواد روحی قرص دیکلوفناک و قرص سرماخوردگی تجویز شد. همچنین در پی اعلام شرح حال به پزشک زندان در ساعت بیست وی دستور اکسیژن‌تراپی برای مددجو صادر کرد و روحی ۱۵ دقیقه زیر اکسیژن بود و مجدد به خوابگاه مراجعه کرد.»
این اطلاعیه افزوده که «با توجه به سابقه مراجعه مددجو به بهداری، معاینه وی و انجام اقدامات پزشکی و درمانی در مورد او به هم‌بندی‌هایش توصیه شد در صورت بروز هرگونه مشکلی مجدداً مسئولان پزشکی و درمانی را در جریان بگذارند. ساعت ۳:۳۰ دقیقه بامداد ۹ شهریور در تماس مجدد با بهداری عنوان می‌شود حال روحی بد شده که اینبار در مراجعه به خوابگاه مشاهده می‌شود مددجو تشنج کرده است. اقدامات تخصصی پزشکی و درمانی روی روحی انجام و در حین انجام اقدامات با اورژانس برای انتقال مددجو به بیمارستان هماهنگی صورت می‌گیرد.»
بهداری زندان نوشهر افزوده که «با حضور عوامل اورژانس در زندان، مددجو به ماشین منتقل شده و هماهنگی لازم با سوپروایزر بیمارستان نوشهر انجام می‌شود که متأسفانه با وجود رسیدن بیمار به بیمارستان و انجام اقدامات پزشکی معمول وی جانش را از دست می‌دهد.»
در انتهای این اطلاعیه ادعا شده که جواد روحی پیش از بازداشت و از سال ۹۵ نیز چند بار سابقه تشنج داشته و در پرونده او «مسمومیت با ترامادول» و همچنین «اقدام به خودکشی» وجود داشته است.

مداربسته زندان بازبینی و بررسی شوند و وسایل شخصی متوفی از جمله یادداشت‌ها و داروهای وی مستندسازی شود.»
روابط عمومی زندان نوشهر اعلام کرده که پیکر جواد روحی «برای بررسی علت تامه فوت و معاینات سم‌شناسی به پزشکی قانونی ارسال شده و نسبت به کالبدشکافی و نمونه‌گیری اقدام شده است.»
در واکنش به «مرگ مشکوک» جواد روحی در زندان، سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای خواستار برگزاری «تحقیق و تفحص» و انجام «تحقیقات مستقل» درباره علت مرگ این زندانی سیاسی شد.
سازمان عفو بین‌الملل تأکید کرده که جمهوری اسلامی جواد روحی را با مجموعه‌ای از «جرایم بین‌المللی» از جمله «ناپدیدسازی قهری»، «انفرادی» و «شکنجه»، قربانی کرده‌اند تا او وادار به «اعتراف اجباری» شود.
پس از صدور اتهامات سنگین و حکم سه بار اعدام علیه جواد روحی، سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ی دیگری عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را متهم کرده بود که جواد روحی را در سلول‌های انفرادی زیر انواع شکنجه‌های جسمی و روحی، از جمله شلاق، تهدید به تجاوز و اعدام ساختگی قرار داده بودند.
در بیانیه قبلی سازمان عفو بین‌الملل همچنین آمده بود که وکیل جواد روحی در دادگاه تأکید کرده بود که این ویدئو ثابت نمی‌کند که او در تحریک یا مشارکت در آتش‌سوزی گسترده دست داشته و «اعترافات» او تحت فشار و با اجبار به دست آمده است و صدور احکام اعدام برای چنین جرایمی، آشکارا «حق حیات» را بر اساس «قوانین بین‌المللی» نقض می‌کند.
سازمان حقوق بشر ایران نیز خواستار بررسی علل جان‌باختن جواد روحی توسط کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل شد.
محمود امیری مقدم مدیر این سازمان گفته که «مرگ جواد روحی باید به عنوان یک قتل فراقضایی در زندان توسط کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل بررسی شود. علی‌خامنه‌ای و همه افراد و نهادهای سرکوبی که در دستگیری، شکنجه و حبس او نقش داشته‌اند، در قبال مرگ این معترض مسئولند و باید

● پیکر جواد روحی با حضور مأموران امنیتی از شهرستان نوشهر به روستای پدری او در کلیکان آمل منتقل و پیش از طلوع آفتاب و بدون حضور اقوام و دوستان به خاک سپرده شد.
● کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان: پیش از خاکسپاری جواد روحی، چند نفر امنیتی در خانه پدر او مستقر شده و خانواده را تهدید کردند که در صورت گفتگو با رسانه‌ها پیکر او را با خود می‌برند.
● سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای خواستار برگزاری «تحقیق و تفحص» و انجام «تحقیقات مستقل» درباره علت مرگ این زندانی سیاسی شد.
پیکر جواد روحی از بازداشت‌شدگان اعتراضات سال گذشته که روز گذشته در زندان نوشهر به طرز مشکوکی جان باخت، ساعاتی پیش تحت تدابیر شدید امنیتی در روستای پدری او در کلیکان آمل به خاک سپرده شد.
منابع حقوق بشری در ایران گزارش دادند پیکر جواد روحی پس از اخذ تعهد از خانواده به آنها تحویل داده شده و با حضور مأموران امنیتی از شهر نوشهر به روستای پدری او به کلیکان آمل منتقل و پیش از طلوع آفتاب و بدون حضور اقوام و دوستان به خاک سپرده شده است. خانواده جواد روحی اجازه برگزاری مراسم خاکسپاری برای فرزند خود را نداشته‌اند.
«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» نیز گزارش داده که ۱۵ مأمور امنیتی خانواده درجه یک جواد روحی را برای خاکسپاری همراهی کرده و اجازه ندادند غیر از چند عضو درجه یک، فرد دیگری در این مراسم مخفیانه حضور داشته باشد.
این گزارش تأکید کرده که پیش از خاکسپاری جواد روحی، چند نفر امنیتی در منزل جواد روحی مستقر شده و خانواده را تهدید می‌کنند که در صورت گفتگو با رسانه‌ها یا اظهار نظر در اینبار پیکر او را با خود می‌برند.
«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» در ادامه نوشته مطلع شده که اعضای خانواده یک روز پیشتر با جواد روحی ملاقات داشته و او در وضعیت جسمی و روحی مناسبی بوده است، اما در کمال ناباوری صبح روز بعد با آنان تماس گرفته شده و خواستند که برای تحویل پیکرش مراجعه کنند.
این گزارش افزوده که بعد از مراجعه خانواده به بیمارستان، علت مرگ جواد روحی «ایست قلبی» عنوان شده. این در حالیست که دادستان نوشهر می‌گوید که نتیجه پزشکی قانونی هنوز اعلام نشده و علت مرگ هنوز مشخص نیست.
جواد روحی از شهروندان بازداشت شده در اعتراضات سال گذشته در نوشهر که پیشتر در دادگاه با اتهامات واهی آتش زدن قرآن و کیوسک نیروی انتظامی به «سه بار اعدام» محکوم شده بود، در نخستین ساعات بامداد روز پنجشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۲ به طرز مشکوکی در زندان جان باخت.
خبرگزاری «میزان» مرکز رسانه قوه قضاییه مدعی شده که جواد روحی ساعت ۳:۴۵ بامداد پنجشنبه، ۹ شهریور به دلیل نامشخص دچار تشنج شده و به کما رفته و پس از انتقال به بیمارستان «شهید بهشتی» نوشهر جان باخته است.
روابط عمومی زندان نوشهر اعلام کرده که «درباره فوت جواد روحی دستور قضایی، پرونده تشکیل و به شعبه اول بازپرسی ارجاع شده است و دادستان نوشهر به همراه بازپرس، با حضور در زندان از هم‌بندانی متوفی در مورد وی سوال کرده‌اند.»
همچنین «با دستور قضایی مقرر شده است دوربین‌های

شاهزاده رضا پهلوی:

درد ایران ملی است؛ درمان آن نیز ملی است!

یکصدا ندا سر دهید: ما ملت کبیریم، ایران رو پس می‌گیریم!



ثروت توسط مشت‌فروشی شده، و یا تبعیض مذهبی به صورت مضاعف آزارت می‌دهد؛ و تک‌تک شما شهروندان ایران که وطن برای‌تان تبدیل به زندان شده است؛

راه‌هایی و آسایش شما، برچیده‌شدن بساط این رژیم اهریمنی از ایران عزیزمان است. درد ایران ابعاد ملی دارد، و درمان آن نیز ملی است.

سالگرد قتل دختر ایران، جاویدنام مهسا امینی، فرصت مهمی‌ست تا شما، میلیون‌ها ایرانی دغدغه‌مند از هر قشر و گروه، متحد با هم، موج نوینی از انقلاب ملی ما را کلید بزنید. به دستگاه سرکوب هشدار می‌دهم که مسئولیت هر گونه خشونت علیه ملت ایران با شما و آمران شماست. به ساعت عدالت بیندیشید و از عواقب سرکوب ملت رنج‌دیده بفرساید. ملت ایران، ملتی‌ست متمدن و صلح‌جو. اما دفاع مشروع و حفاظت از جان و امنیت خود و دیگران در برابر رژیمی که چون گرگ درنده به جان مردم می‌افتد، حق بدیهی و مسلم شهروندان است.

ملت سرفراز ایران!
با همبستگی شکوهمند ملی و نمایش آن در درون و بیرون کشور است که می‌توان این رژیم ضحاک‌ی را به زیر کشید. بدانید که نیروی سرکوب زمانی آمران خود را تنها می‌گذارد که شما ملت را در جمعیتی بزرگ و در بالاترین سطح همبستگی ببیند. تفرقه‌انگیزان را از خود دور کنید و یک‌صدا ندا سر دهید:

ما ملت کبیریم/ایران رو پس می‌گیریم!

مشابه بازداشت‌شدگان اعتراضات سال گذشته، او را مرتکب به «قتل» یکی از مأموران یا مزدوران جمهوری اسلامی نشان دهند! جمهوری اسلامی نه تنها در پی اعتراضات گسترده سال گذشته بیش از ۲۰ هزار نفر را بازداشت و ده‌ها نفر را با اتهامات واهی به «اعدام» محکوم کرد، بلکه شمار زیادی از زندانیان و بازداشت‌شدگان به شکل مشکوکی جان باختند.

شاهزاده رضا پهلوی امروز ۱۶ شهریور (۷ سپتامبر) در آستانه نخستین سالگرد خیزش ملی ایرانیان برای آزادی و نجات ایران از شر جمهوری اسلامی در یک پیام ویدئویی اعلام کرد:

«هم‌میهنان، آزادی و آبادی کشورمان ایران زمانی به دست می‌آید که جمعیتی آگاه، مصمم، فداکار و متحد از ایرانیان به درک درد و درمان مشترک برسند.

تو کارگری که ماه‌هاست حقوق دریافت نکرده‌ای؛ تو کارمند و بازنشسته‌ای که حقوقت کفاف خرجت را نمی‌دهد؛

تو دانشجو و استاد دانشگاهی که از دانشگاه اخراج و زندانی می‌شوی؛

تو نظامی میهن‌دوستی که تضعیف جایگاه نیروی دفاعی کشور به دست سران آلوده، فاسد و جنایتکار، آزارت می‌دهد؛ تو نیروی پلیسی که جمهوری اسلامی لباست را به لباس سرکوب بدل کرده؛

تو کنشگر و حافظ محیط زیست که فرسایش هرروزه‌ی ایران، نابودی جنگل‌ها، و خشک‌شدن دریاچه‌ها و تالاب‌هایش را به چشم می‌بینی و رنج می‌بری؛

تو نویسنده و هنرمندی که آزادی و فعالیت بدون سانسور برایت تبدیل به یک رویا شده؛

تو ورزشکاری که از دخالت و فشار نهادهای نظامی و امنیتی، و تبعیض و تحقیر به ستوه آمده‌ای؛

تو دین‌داری که دینت دستمایه کسب قدرت و اندوختن

راندنگی که در مرکز شهر قرار داشت شدیم و لوازم موجود در آن را به پایین پرتاب کردیم و پس از آن مقرر مأموران راهنمایی و راندنگی آتش زده شد.»

اتهام «محاربه» و «فساد فی الارض» علیه این شهروندان جوان و محکومیت او به «سه بار اعدام» در حالی بوده که بازجوها و پرونده‌سازان امنیتی حتی نتوانسته بودند مانند پرونده‌های

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که سال‌هاست گزارش‌هایی از خوراندن شدن قرص‌های مشکوک در زندان به زندانیان سیاسی و توزیع ترامادول و دیگر داروهای مخدر در میان بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی منتشر شده است. با توجه به متن اطلاعیه بهداری زندان نوشهر به نظر می‌رسد جواد روحی نیز از جمله قربانیان داروهای مشکوکی باشد که از سوی مسئولان زندان به زندانیان سیاسی خوراندن می‌شود. جواد روحی معترض ۳۵ ساله و از بازداشت‌شدگان خیزش ملی سال گذشته به اتهام «آتش زدن مقر راهنمایی و راندنگی» به «سه بار اعدام» محکوم شده بود. او در پی اعتراضات ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۱ در شهر نوشهر بازداشت و در روند اعتراف‌گیری اجباری به اتهام «محاربه» و «فساد فی الارض» به «سه بار اعدام» محکوم شد.

جرائم مورد استناد در دادگاه برای اتهامات سنگین جواد روحی اعترافات زیر شکنجه او به «سوزاندن قرآن و ساخت کوکتل مولوتف و پرتاب آن به داخل مقر راهنمایی راندنگی میدان آزادی نوشهر که باعث حریق و صدمات جدی به مکان پلیس شده» بوده است.

این در حالیست که یک منبع مطلع نزدیک به خانواده روحی به خبرگزاری «هرانا» گفته بود: «تمامی اعترافات که در دوران بازجویی از جواد اخذ شده، تحت آزار و اذیت و فشار اعمال شده بر وی صورت گرفته است. تنها مستندات پرونده علیه وی که منجر به صدور حکم اعدام برایش شده است، اعترافات اجباری اخذ شده از او در دوران بازجویی و همچنین فیلمی از صحنه اعتراضات است؛ ویدئویی که به هیچ‌عنوان چهره فردی که در آن اقدام به آتش زدن قرآن می‌کند مشخص نیست، اما دادگاه اقدام مذکور را منتسب به جواد دانسته و او را «مرتد» خوانده است.»

مجید کاوه وکیل جواد روحی اسفند سال گذشته از فقدان ادله اثباتی در پرونده وی خبر داده و گفته بود که هیچ مدرک و دلیلی در ارتباط با اتهامات منتسب به او وجود نداشته است. از سوی دیگر سند منتشر شده درباره اتهامات واهی بکار رفته درباره جواد روحی، ویدئویی از تجمع مردم در شهر نوشهر است که او در کنار خیابان و در میانه تجمع در حال رقصیدن است. کاربران در توئیتر از روز گذشته هشتگ #جوادروحی را بیش از ۱۵۲ هزار بار نشر داده و بارها ویدئوی رقص او در شامگاه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۱ در شهرستان نوشهر را منتشر کرده‌اند.

از سوی دیگر پرونده‌سازی علیه جواد روحی به حدی ناشیانه و غیرواقعی بوده که شعبه نهم دیوان عالی کشور با درخواست فرجام‌خواهی جواد روحی موافقت و پرونده او را برای بررسی دوباره به شعبه دادگاه هم‌عرض در دادگاه انقلاب ساری ارجاع داده بود. جواد روحی در حالی روز گذشته به طرز مشکوکی جان باخت که در انتظار رأی این دادگاه بود.

روز گذشته و ساعاتی پس از درگذشت جواد روحی برخی رسانه‌های حکومتی از جمله «همشهری» با انتشار دوباره «اعترافات اجباری و زیر فشار» جواد روحی تلاش کردند خبر درگذشت مشکوک او در زندان را کم‌رنگ جلوه دهند.

«همشهری» نوشته که جواد روحی نسبت به اقدامات خود و نقش‌آفرینی جدی در اغتشاشات اعتراف کرده و حادثه را اینگونه شرح داده بود: «چند روز قبل از اغتشاشات از شهرستان آمل به نوشهر آمدم. در روز ۲۰ آذرماه ۱۴۰۱ متوجه شدم جمعیت به سمت میدان آزادی نوشهر می‌آیند. در آن لحظه

من داخل مغازه موبایل فروشی بودم که به جمع پیوستم.» «همشهری» در ادامه بازنشر اعترافات اجباری جواد روحی نوشته که «یکی از خانم‌های حاضر در صحنه، قرآن کریم را به من داده بود، من هم قرآن را داخل آتش انداختم و سوزاندم. جواد روحی درباره آتش زدن مقر پلیس راهنمایی و راندنگی گفته بود: به اتفاق چند نفر وارد مقر مأمورین راهنمایی و

کنفرانس سازمان حقوق بشر ایران: چالش‌ها و راهکارهای عدالت در دوران گذار



به جامعه بازگرداند؟ چه تفاوتی میان مجازات و انتقام وجود دارد؟ اینها پرسش‌هایی هستند که پاسخ به آنها دشوار است و مرتبط با قانون، فرهنگ، سیاست و جامعه هستند. جوامع در حال گذار از یک نظام استبدادی به دموکراسی یا گذار از جنگ به صلح، باید با دقت در پی یافتن پاسخ به این پرسش‌ها باشند.

رها بحرینی که یکی از شرکت کنندگان در پنل دوم بود به سیستم استبدادی جمهوری اسلامی اشاره کرد که به گفته این پژوهشگر «اساس نظام قضایی را در ایران از بین برده است.» رها بحرینی در ادامه افزود: «کمیسیون‌های حقیقت‌یاب برای اجرای روند عدالت انتقالی باید طی یک روند دموکراتیک و بر اساس قانون تصویب شده تشکیل شوند.»

شهرام خلدی که از کانادا برای شرکت در این کنفرانس به اسلو آمده بود معتقد است «با در نظر گرفتن فلاکت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی که در ۴۴ سال گذشته گریبانگیر ایران بوده است، شاید بزرگترین چالشی که پیش روی هر دولتی که کفالت امور را در دوران گذار بر عهده خواهد گرفت، مسئله دادگستری باشد.» این استاد دانشگاه هشدار داد «پس از گذار از جمهوری اسلامی، انتقامجویی مردم عادی علیه عوامل دستگاه ستمگری که بر ایران مانند نیرویی اشغال‌گر در ۴۴ سال گذشته فرمانروایی کرده است، محدود به شماری از اعضای دستگاه‌های امنیتی یا دادگاه‌های انقلاب نخواهد بود و به احتمال بسیار زیاد، شامل هر کس، در هر پست و مقامی که مردم را از حقوق بنیادی آنها محروم کرده است نیز ممکن است، بشود.»

محمد مقیمی به «جایگاه شورای حقوقدانان در دوران گذار» اشاره کرد و افزود: «گذار از حکومت‌های استبدادی همواره به دو صورت انجام گرفته است؛ گذار مسالمت‌آمیز و گذار از طریق انقلاب یا کودتا. گذار از حکومت استبدادی از طریق انقلاب، زمانی روی می‌دهد که به علل گوناگون، امکان اصلاح از بین رفته باشد. در حال حاضر هم در کشور ایران، نمی‌توان انتظار اصلاح حکومت را داشت و به همین دلیل، جامعه به سمت انقلاب حرکت کرده است. اگرچه انقلاب مطلوب نیست اما در شرایط فعلی ایران ناگزیر است.» وی در ادامه افزود «موضوع حقوق در دوران گذار به

برقراری آرامش در جامعه است و اگر این سازوکار، به‌خوبی انجام نشود، جامعه هیچ‌گاه به آرامش نخواهد رسید. سومین سازوکار، ایجاد برنامه‌های مختلف برای جبران خسارت قربانیان نقض حقوق بشر است که می‌تواند طبق شرایط، متنوع و متعدد باشد، از پرداخت غرامت به قربانیان و بازماندگان جنایات گرفته تا استفاده از امکانات اجتماعی نظیر اولویت در استخدام برای قربانیان.» به گفته شیرین عبادی یکی دیگر از مهم‌ترین کارکردهای عدالت انتقالی «اسکان افرادی است که مجبور به ترک خانه یا ترک وطن شده‌اند و چهارمین ساز و کار، تشکیل کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، برای دانستن آنچه که در گذشته روی داده و همچنین برای بررسی علل وقوع آن رویدادها است.»

پیام اخوان که سابقه همکاری با دادگاه بین‌المللی بررسی جنایات جنگی در یوگسلاوی سابق به عنوان دادستان را در کارنامه خود دارد، در این نشست در رابطه با «عدالت انتقالی» گفت: «به دنبال خیزش انقلابی زینا در ایران، موضوع عدالت انتقالی، به مطالبه‌ای عمومی تبدیل شده است. اما منظور ما از عدالت انتقالی چیست؟ با در نظر گرفتن واقعیت‌های اساسی که نیاز به پاسخگویی در قبال جنایات جنگی را برمی‌انگیزند، بهترین پاسخ این است: تصور کنید یکی از اعضای خانواده شما در زندان شکنجه شده یا به قتل رسیده است. بدون شک، شما دچار خشم و دردی طاقت‌فرسا شده و پیش از هرچیز به دنبال دلیل آن رویداد خواهید گشت و خواستار اجرای عدالت خواهید شد. حال تصور کنید بجای یک نفر، ده‌ها هزار یا حتی صدها هزار نفر قربانی شده باشند یا تصور کنید تمام اعضای یک جامعه، به دلیل اعتقادات مذهبی یا نژادشان قتل عام شده و تحت آزار و اذیت قرار گرفته و مجبور به ترک وطن شده باشند یا بطور سیستماتیک، اموالشان مصادره شده و حق کار و حق تحصیل از آنها سلب شده باشد. در چنین شرایطی، چطور ممکن است، به عدالت رسید؟ چطور می‌توان عدالت را اجرا کرد؟ در وضعیتی که نهادهای مسئول مجازات جنایتکاران، خود مسئول ارتکاب این فجایع بوده‌اند. چطور می‌توان عدالت را برقرار کرد؟ یک جامعه چگونه می‌تواند پس از خشونت‌ها و جنایات‌ها، سلامت خود را بازیابد؟ چگونه ارزش‌های انسانی نظیر اعتماد و اطمینان را می‌توان دوباره

● جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد نیز جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی در نشست روز شنبه این کنفرانس سخنرانی کوتاهی داشت.

● در روز اول این کنفرانس که عصر روز یکشنبه ۱۲ شهریور به کار خود پایان خواهد داد، سخنرانان در سه پنل به پرسش‌ها و مشکلات دوران گذار و ویژگی‌های عدالت انتقالی پرداختند که تنها به موضوع دادخواهی قربانیان و بازماندگان آنها محدود نمی‌شود و گستره‌ای از مسائل از جمله بازسازی اعتماد در جامعه و اطمینان به ساختار سیاسی و دستگاه عدالت و قانونگذاری را در بر می‌گیرد.

● در دومین روز این کنفرانس سه پنل در مورد عدالت محیط زیستی، عدالت اقتصادی و مقابله با اطلاعات نادرست در دوران گذار نیز برگزار شد.

احمد رأفت - شنبه ۱۱ شهریور در اسلو، پایتخت نروژ، سازمان حقوق بشر ایران میزبان سومین کنفرانس «عدالت در دوران گذار: چالش‌ها و راهکارها» بود.

در روز اول این کنفرانس که عصر روز یکشنبه ۱۲ شهریور به کار خود پایان خواهد داد، در سه پنل محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران، شیرین عبادی حقوقدان و برنده جایزه نوبل صلح، پیام اخوان حقوقدان بین‌المللی، رها بحرینی پژوهشگر ایران در سازمان عفو بین‌الملل، شهرام خلدی استاد دانشگاه در کانادا، محمد مقیمی کارشناس حقوق بشر، معین خزعلی حقوقدان، فرهاد ثابتان استاد اقتصاد دانشگاه در آمریکا، افروز مغزی پژوهشگر در دانشگاه ارلانگن آلمان و لادن بازرگان از «شورای انقلابی دادخواهان» رشته سخن را به دست گرفتند. جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد نیز جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی در نشست روز شنبه سخنرانی کوتاهی داشت.

محمود امیری مقدم در صحبت‌های آغازین خود گفت «از منظر ما عدالت شامل آشکار کردن تمامی ابعاد جنایات ۴۴ سال گذشته، محاکمه‌ی منصفانه همه آمران و عاملان جنایت، دادخواهی برای قربانیان و تغییرات ساختاری در سیستم سیاسی و قضایی می‌شود. آمران و عاملان جنایت هم شامل تمام کسانی می‌شود که در ارتکاب جنایت نقش داشته‌اند؛ از رهبر جمهوری اسلامی و دیگر سران حکومت گرفته تا پایین‌ترین رده‌هایی که در ارتکاب جنایت مشارکت داشته‌اند. هدف نهایی باید ترمیم جامعه و بستن راه برای تکرار این جنایات باشد.» شیرین عبادی اشاره کرد که «عدالت انتقالی مجموعه اقدامات قضایی و غیرقضایی بدون خشونت و طراحی آینده‌ای صلح‌آمیز، باثبات، دموکراتیک و امکان توسعه پایدار، بدون امکان تولید یا بازتولید استبداد در آینده است.» شیرین عبادی، درباره ساز و کارهای عدالت انتقالی گفت: «عدالت انتقالی، نسبت به سایر مفاهیم دیگر، یک مفهوم جدید در علم حقوق است و منظور از آن، مجموعه اقدامات قضایی و غیرقضایی، برای عبور بدون خشونت و همچنین، طراحی آینده‌ای صلح‌آمیز، با ثبات و دموکراتیک و امکان توسعه پایدار، بدون امکان تولید یا بازتولید استبداد، در آینده است. در پروسه عدالت انتقالی به گفته این حقوقدان «اولین سازوکار این است که مخالفان سیاسی زندانی فوراً آزاد شوند و پرونده قضایی آنها بسته شود. دومین سازوکار، پیگردهای کیفری و مجازات مرتکبین نقض حقوق بشر است که فایده آن

اثر می‌گذارند. در ارتباط با تصویر کلی از اتفاقاتی که ممکن است در دوران گذار برای محیط زیست بیفتد می‌توان به نابودی اکوسیستم‌ها و تنوع زیستی، آلودگی‌ها، اختلال در حفاظت محیط زیست و جابجایی جمعیت» اشاره کرد.

سام خسروی فرد در این کنفرانس برای حفظ محیط زیست در دوران گذار چهار راهکار پیشنهاد کرد که اولین آنها افزایش آگاهی عمومی و آموزش غیررسمی و بطور کلی بالا بردن دانش محیط زیستی مردم که اینجا نقش رسانه‌ها بسیار پررنگ می‌شود. افزایش مشارکت مردمی و درگیر کردن آنان با مسائل محیط زیست، یکی دیگر از این راهکارها است. تلاش‌های ملی و بین‌المللی محیط زیستی برای تدوین سیاست‌های آگاهانه محیط زیستی و اجرای آنها یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی سام خسروی فرد است. چهارمین راهکار تهیه سیاست‌های محیط زیستی جایگزین است. در این رابطه گروه‌های مخالف و به ویژه تبعیدی‌ها می‌توانند نقش مهمی را ایفا کنند. این پژوهشگر معتقد است که «تهیه و تدوین چارچوب‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی مبتنی بر توسعه پایدار باید پیش از وقوع گذار انجام شود.»

حسین رئیسی وکیل حقوق بشر و استاد حقوق و پژوهش‌های حقوقی دانشگاه اتاوا در کانادا در کنفرانس «عدالت در دوران گذار؛ چالش‌ها و راهکارها» گفت: «کشورها برای عقب‌ماندن از یکدیگر، سرعت توسعه را افزایش داده‌اند و در جاهایی که توسعه پایدار و همه‌جانبه در نظر گرفته نشود، افرادی آسیب می‌بینند. عدالت محیط زیستی یعنی شهروندان کم‌برخوردار که در این مسیر آسیب می‌بینند، باید به‌نوعی خسارت‌شان جبران شود.»

این حقوقدان مسئله دادخواهی در بحث عدالت محیط زیستی را حائز اهمیت فراوان خواند و گفت: «دادخواهی محیط زیستی معمولا دادخواهی جمعی است.» حسین رئیسی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «تسهیل‌کنندگان امر گذار باید از موضوع اهمیت محیط زیست و آسیب‌های مربوط به آن آگاه باشند. باید پیش‌بینی کرد که در این حوزه با چه چیزی مواجه خواهیم شد و باید برای دوران گذار برنامه‌ریزی کنیم زیرا اگر زمین و محیط زیست را از دست بدهیم، در کجا می‌خواهیم دوران گذار را پیش ببریم؟»

در پنل عدالت اقتصادی، فرهاد ثابتان استاد اقتصاد در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا گفت: «در حکومت‌های اقتدارگرا و تمامیت‌خواه بسیاری از نارضایتی‌ها، که با سرکوب و خشونت مواجه می‌شود، ناشی از مشکلات اقتصادی است. تنش اجتماعی، که از تبعیضات نهادینه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد و آن را دامن می‌زند، بالطبع به نقض حقوق انسانی منجر می‌شود و یا به نقض بیشتر این حقوق، که از نارضایتی‌های سیاسی نشأت گرفته، می‌افزاید. خط مشی اقتصادی در عدالت انتقالی به مراتب فراتر از ذکر آمار و ارقام است. آنچه روند عدالت انتقالی را هموار و شکوفا می‌کند تمرکز بر کاهش نابرابری، توزیع عادلانه ثروت، و تخصیص منابع اقتصادی به توازن بین برقراری عدالت برای قربانیان بی‌عدالتی و پیشبرد اهداف توسعه و پیشرفت کلی اقتصادی است. از این رو موفقیت در عدالت انتقالی نه تنها مستلزم جبران خطاها و فجایع گذشته است بلکه پی‌ریزی آینده‌ای عادلانه برای کامیابی و رفاه اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد.»

شیرین عبادی، حقوقدان و برنده جایزه نوبل صلح، و آرش سرکوهی، مشاور حقوق بشر پارلمان آلمان دیگر سخنرانان پنل عدالت اقتصادی بودند. در پنل مقابله با اطلاعات نادرست در دوران گذار شهرام القاسی استاد جامعه‌شناسی فرهنگ و ارتباطات، رویا کریمی مجد و مولود حاجی‌زاده، هر دو روزنامه‌نگار، و عمار ملکی مدیر موسسه نظرسنجی «گمان» حضور داشتند.

روز شنبه ۱۱ شهریور در شهر اسلو توسط سازمان حقوق بشر ایران آغاز شده بود، یکشنبه ۱۲ شهریور با سخنرانی سرجان درمانویچ وزیر خارجه سابق مونتنگرو در رابطه با تجربه کشورهای بالکان در گذار به دموکراسی و اشغال مختلف گذار از حکومت‌های دیکتاتوری در جهان، پایان یافت. در دومین روز این کنفرانس سه پنل در مورد عدالت محیط



زیستی، عدالت اقتصادی و مقابله با اطلاعات نادرست در دوران گذار نیز برگزار شد.

یکی از پنل‌های قابل توجه این کنفرانس دو روزه گفتگو در رابطه با عدالت محیط زیستی بود که در آن نیک‌آهنگ کوثر پژوهشگر و فعال مدنی حوزه آب، سام خسروی فرد پژوهشگر محیط زیست و حسین رئیسی حقوقدان شرکت داشتند. نیک‌آهنگ کوثر گفت «اگر درباره آینده ایران حرف می‌زنیم، نادیده گرفتن وضعیت آب و نان مردم و همچنین تغییرات شدید محیط زیستی، نشانه بی‌توجهی ما به واقعیت‌های سرزمینی است.» این کارشناس حوزه آب در ادامه افزود «وقتی بیشتر فعالان نمی‌دانند که بهره‌مندی از محیط زیست سالم یک حق بشری است، وقتی اکثر سیاست‌یون حتی بحث تبدیل آب و بهداشت به حقوق بشر در سال ۲۰۱۰ را نشنیده‌اند، باید نگران بود زیرا عدالت انتقالی بدون مدیریت عادلانه آب میسر نیست.»

نیک‌آهنگ کوثر در این کنفرانس بر یک واقعیت بسیار مهم انگشت گذاشت: «ساخت سد کارون ۳ یکی از بزرگترین مهاجرت‌های اجباری بعد از جنگ ایران و عراق را رقم زده است. بیشتر روستائیان از روستاهای حوزه کارون به شهر ایزد مهاجرت کردند بنابراین وقتی امروز از کشته شدن مردم ایزد حرف می‌زنیم، یادمان می‌رود که بسیاری از مهاجران اجباری جایی جز ایزد نیافتند، کاری برای‌شان نبود و فقر تحمیل شده به وسیله دولت و سپاه و سدسازان روزگارشان را نه تنها برای آن زمان که برای دهه‌ها سیاه کرده است. اینها کسانی بودند که ده‌ها سال نان ما را با تولید گندم تامین کردند اما وقتی بی‌آب شدند، ما فراموششان کردیم.»

سام خسروی فرد پژوهشگر محیط زیست یادآوری کرد که «برخوردار از آب و محیط زیست سالم رکنی اساسی از حقوق بشر است. سابقه توجه به این مسئله به ۱۹۷۲ میلادی و نخستین کنفرانس جهانی محیط زیست در استکهلم باز می‌گردد.» این پژوهشگر محیط زیست در اشاره به دوران گذار افزود: «البته که حقوق بشر و محیط زیست مسئله مهمی‌ست اما در دوران گذار یا در شرایط متشنج سیاسی و اجتماعی وضعیت متفاوت است. محیط زیست بیشتر آسیب می‌بیند و گاه آسیب‌ها جبران‌ناپذیرند و بر زندگی ما انسان‌ها

این جهت اهمیت دارد که حقوق، قدرت سیاسی را چارچوب‌بندی می‌کند و حقوقدانان در گذار از یک حکومت مستبد به دموکراسی، نقش بسزایی دارند اما اگر گذار از یک حکومت استبدادی، دموکراتیک نباشد و این گذار با انقلاب یا کودتا انجام شود، حقوقدانان منفعل شده و شرایط برای آنها بسیار سخت و بغرنج خواهد شد.»

معین خزاعلی یادآوری کرد که «هرچند یکی از اصلی‌ترین جنبه‌های عدالت انتقالی به موضوع دادخواهی قربانیان نقض حقوق بشر بازمی‌گردد، اما به این مسئله محدود نمانده و اهداف دیگری را نیز برای بازگرداندن جامعه به آرامش و حاکمیت قانون دنبال می‌کند. در این روند، تلاش برای بازگرداندن اعتماد شهروندان به حاکمیت و استقرار قانون از مسیر اصلاح دستگاه قضایی و بازگرداندن اعتماد عمومی به نهاد عدالت می‌گذرد.»

فرهاد ثابتان که از اعضای جامعه بهائیان ایران است گفت: «مطالبه بهائیان این است که مثل سایر شهروندان با آنها برخورد شود. نه از حقوق محروم باشند و نه امتیاز خاصی به ایشان داده شود. در حالی که در جمهوری اسلامی خود بهائی بودن جرم است.» به باور این استاد دانشگاه «ترسیم شفاف حقوق اقلیت‌ها نه فقط به عنوان زیرمجموعه‌ای از حقوق کلی شهروندی، بلکه فراتر از آن، ساز و کاری است برای پیشگیری از تکرار این فجایع در آینده.»

لادن بازرگان که یکی از شاکیان دادگاه حمید نوری در استکهلم است و برادرش بیژن بازرگان در تابستان ۶۷ در زندان گوهردشت اعدام شد، گفت «برای جلوگیری از تکرار جنایت، ضرورت دارد در مسیر دادخواهی و برقراری عدالت قدم برداریم و کسانی را که در قدرت بوده یا هستند، پاسخگو کنیم. تجربه عدالت انتقالی در کشورهای دیگر نشان می‌دهد، عدالت انتقالی هرگز عدالت مطلق نیست، بلکه مصالحه‌ای است که از درگیری و بی‌عدالتی گذشته ناشی می‌شود. عدالت انتقالی تلاشی است برای رسیدن به آشتی ملی، پس از طی کردن مراحل تصدیق آسیب وارده، عذرخواهی و پرداخت خسارت.»

عدالت محیط زیستی و اقتصادی در دومین روز کنفرانس «عدالت در دوران گذار: چالش‌ها و راهکارها»

کنفرانس «عدالت در دوران گذار: چالش‌ها و راهکارها» که

اشپیگل: مرگ مرموز در زندان‌های ایران خبرگزاری فرانسه: حکومت سرکوب‌ها را تشدید کرده است



سرکوب اعتراضات در تهران / پاییز ۱۴۰۱

دادگاه احضار یا بازداشت شدند. رویا برومند مدیر اجرایی مرکز «عبدالرحمن برومند» مستقر در ایالات متحده نیز می‌گوید که «اعضای خانواده قربانیان بطور سیستماتیک هدف قرار گرفته‌اند... آنها دستگیر شده‌اند، دائم احضار و بازجویی می‌شوند، یا به خانه‌هایشان یورش می‌برند.»

برومند گفت که سرکوب «همانگ با هدف جلوگیری از انتشار اخبار، فیلم‌ها و تصاویر قربانیان، مراسم بزرگداشت و سایر تجمعات و جلوگیری از بسیج عمومی مجدد در داخل و خارج از ایران است.»

خبرگزاری فرانسه می‌نویسد این اعتراضات با برداشت روسری توسط زنان و سردادن شعارهایی علیه علی خامنه‌ای، در تظاهرات خیابانی، تابوهایی را شکست که از ۴۳ سال قبل، پس از انقلاب اسلامی در ایران تحمیل شده بود.

سازمان عفو بین‌الملل در گزارش جداگانه‌ای اعلام کرده که رژیم ایران سرکوب زنان بی‌حجاب توسط «گشت ارشاد» و همچنین رصد آنها با دوربین‌های نظارتی تشدید شده است. با اینهمه بر اساس تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده برخی زنان همچنان بدون حجاب در خیابان‌ها رفت و آمد می‌کنند.

در همین حال، سازمان حقوق بشر ایران که مقر آن در نروژ است، می‌گوید که در سال جاری ۴۸۶ نفر در ایران هدف فضای «ایجاد رعب و وحشت در جامعه و جلوگیری از تظاهرات بیشتر» قرار گرفته و کشته شده‌اند.

در حالی که هفت مرد در پرونده‌های مربوط به اعتراضات اعدام شده‌اند و اجرای این احکام اعتراض بین‌المللی را برانگیخته است، اما اکثر اعدام‌شدگان در ارتباط با پرونده‌های قاچاق مواد مخدر و قتل هستند؛ افرادی که «قربانیان کم‌هزینه ماشین کشتار جمهوری اسلامی» به شمار می‌روند.

ماشالله کرمی پدر محمدمهدی کرمی از معترضان که دی‌ماه ۱۴۰۱ اعدام شد ۳۱ امرداد توسط مأموران امنیتی در تهران بازداشت شد. همچنین گزارش‌هایی مبنی بر دستگیری‌هایی در استان‌های کردستان ایران منتشر شده است.

فعالان در خارج از ایران می‌گویند که مقامات رژیم به شدت از شعله‌ور شدن دوباره اعتراضات در سالگرد خیزش سراسری نگران‌اند و برای همین سرکوب‌ها را شدت بخشیده‌اند. مهدی یراحی خواننده سرشناس، پس از انتشار ترانه «روسری‌تو» بازداشت شد.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داد که ۱۱ نفر از فعالان حقوق زن در استان گیلان بازداشت شده‌اند. در همین حال، عفو بین‌الملل از بازداشت خودسرانه اعضای خانواده‌های کشته‌شدگان خبر داد. جمهوری اسلامی با فشار بر این خانواده‌ها می‌خواهد آنها را وادار به سکوت در مورد سرنوشت عزیزانشان کند.

هادی قائمی مدیر اجرایی مرکز حقوق بشر در ایران در نیویورک (CHRI) به خبرگزاری فرانسه گفت: «این دستگیری‌ها تلاش آشکار از سوی مقامات ایران برای ایجاد ترس در بین مردم در آستانه سالگرد جنبش و برای جلوگیری از اعتراضات بیشتر است.»

قائمی هشدار داد که «سکوت جامعه بین‌المللی» در برابر سرکوب، خطر «چراغ سبز نشان دادن به دستگاه امنیتی حکومت برای ادامه سرکوب جامعه مدنی» را در پی دارد.

عفو بین‌الملل در گزارشی اعلام کرد که خانواده‌های قربانیان کشته شده در سرکوب در سراسر ایران در ماه‌های اخیر مورد بازجویی‌های توهین‌آمیز، دستگیری و بازداشت خودسرانه و یا احضار و محکومیت ناعادلانه قرار گرفته‌اند. دیانا الطحاوی معاون مدیر منطقه‌ای عفو بین‌الملل در خاورمیانه و شمال آفریقا، با متهم کردن مقامات رژیم ایران به «تلاش شوم برای سرپوش گذاشتن بر جنایات خود» گفت: «ظلم مقامات ایرانی حد و مرزی ندارد.»

در نمونه‌های جدید، نیروهای امنیتی سه نفر از اعضای نزدیک خانواده حنا که با ضرب گلوله در اعتراضات کشته شده بود بازداشت کردند. یکی دیگر از کسانی که در هفته‌های اخیر بازداشت شده سارو مستاجر شهروند اهل شهر سقز است.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل گفت که تنها در هشت روز ماه اوت ۲۱ نفر از اعضای خانواده قربانیان در ایران به

● سازمان دیده‌بان حقوق بشر به نقل از یک منبع آگاه اعلام کرد که جواد روحی به مدت ۴۸ ساعت در معرض دمای زیر صفر بوده است. علاوه بر این، تکه‌های یخ روی بیضه‌ها و سایر قسمت‌های بدنش قرار داده شد. دیده‌بان حقوق بشر گفت: «مهاجمان همچنین با باتوم او را مورد ضرب و جرح قرار دادند و بدنش از جمله کف پاهایش را در حالی که به یک میله بسته بودند شلاق زدند.»

● هادی قائمی مدیر اجرایی مرکز حقوق بشر در ایران در نیویورک (CHRI) به خبرگزاری فرانسه گفت: «این دستگیری‌ها تلاش آشکار از سوی مقامات ایران برای ایجاد ترس در بین مردم در آستانه سالگرد جنبش و برای جلوگیری از اعتراضات بیشتر است.»

● قائمی هشدار داد که «سکوت جامعه بین‌المللی» در برابر سرکوب، خطر «چراغ سبز نشان دادن به دستگاه امنیتی حکومت برای ادامه سرکوب جامعه مدنی» را در پی دارد.

سرکوب گسترده فعالان سیاسی و مدنی و موج بازداشت‌های فردی و گروهی در ایران از جمله خانواده جانباختگان اعتراضات و مرگ مرموز بازداشت‌شدگان در زندان‌ها در آستانه سالگرد خیزش ضدحکومتی در ایران بازتاب بین‌المللی داشته است.

مجله آلمانی «اشپیگل» مرگ مرموز بازداشت‌شدگان و فعالان سیاسی در زندان‌ها را مورد توجه قرار داده است. در گزارش این رسانه آمده سازمان دیده‌بان حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای خواستار تحقیق درباره مرگ مشکوک جواد روحی معترض زندانی در شهرستان نوشهر شده است. وی محکوم به اعدام بود اما منابع حکومتی ادعا کردند علت بستری شدن وی در بیمارستان «مصرف شیشه و کراک و زخم در اندام وی بود.»

تارا سپهری‌فر کارشناس دیده‌بان حقوق بشر در ایران می‌گوید: «هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم مقامات ایرانی تحقیقات شفاف انجام خواهند داد... بنابراین یک تحقیق بین‌المللی ضروری است.»

این سازمان به نقل از یک منبع آگاه اعلام کرد روحی به مدت ۴۸ ساعت در معرض دمای زیر صفر بوده است. علاوه بر این، تکه‌های یخ روی بیضه‌ها و سایر قسمت‌های بدنش قرار داده شد. دیده‌بان حقوق بشر گفت: «مهاجمان همچنین با باتوم او را مورد ضرب و جرح قرار دادند و بدنش از جمله کف پاهایش را در حالی که به یک میله بسته بودند شلاق زدند.»

آنچه در اشپیگل درباره مرگ مرموز زندانیان در بازداشتگاه‌ها منتشر شده بازتابی از مسائلی است که در داخل ایران نیز مطرح شده است.

خبرگزاری «فرانس ۲۴» به نقل از فعالان مدنی گزارش می‌دهد پادستگیری شخصیت‌های برجسته، مبارزان و بستگان جانباختگان اعتراضات سرکوب‌ها در ایران شدت گرفته است. درگذشت مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» در تهران به دلیل عدم رعایت پوشش اجباری ماه‌ها اعتراض را پی داشت. معترضان خواستار سرنوشتی جمهوری اسلامی هستند.

هرچند پس از سرکوب گسترده در سال ۱۴۰۱ و بازداشت هزاران نفر از مردم و کشته شدن صدها نفر با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی اعتراضات تا حدی فروکش کرد اما

تداوم فشارهای امنیتی و قضایی بر شهروندان در آستانه سالروز اعتراضات دایی مهسا امینی بازداشت شد



● الهام نجف مادر امیرحسین رحیمی نوجوان ۱۵ ساله که در اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ بازداشت شده بود، در یک استوری اینستاگرامی از فشار روحی و روانی توسط «بسیجی‌ها» به پسرش خبر داده است.
● ظهر امروز سه‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۲ مأموران وزارت اطلاعات صفا عاالی دایی کوچک مهسا امینی را بازداشت کردند.

با نزدیک شدن به سالروز آغاز اعتراضات جنبش ملی سال گذشته، فشارهای امنیتی و قضایی بر شهروندان افزایش یافته و آمار بازداشت‌شدگانی که از میان فعالان مدنی، سیاسی، دانشجویی و دادخواهان هستند افزایش داشته است. صفا عاالی دایی مهسا امینی از جمله اعضای خانواده‌های دادخواه است که امروز توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شد. با نزدیک شدن به سالروز قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز اعتراضات جنبش ملی، جمهوری اسلامی با انواع سرکوب و فشارهای قضایی و امنیتی در تلاش است از بروز تجمعات و اعتراضات خیابانی جلوگیری کند. یکی از گروه‌هایی که طی هفته‌های گذشته با سرکوب گسترده و بی‌سابقه‌ای روبرو بودند خانواده‌های دادخواه هستند.

الهام نجف مادر امیرحسین رحیمی نوجوان ۱۵ ساله که در اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ بازداشت شده بود، در یک استوری اینستاگرامی از فشار روحی و روانی توسط «بسیجی‌ها» به پسرش خبر داده است.

وی در این پست اینستاگرامی نوشته: «با روح و روان بچه من بازی نکنید. خیلی بهتون فشار اومده نتونستید بلایی سر این بچه بیارید هربار جلوشو می‌گیرید زور می‌زنید بتسونیدش. فیلم و عکس‌های شکنجه کردنش رو بهش نشون دادید که ثابت کنید به مشت حرومزاده‌اید؟ که بتسونیدش امسال بیرون نره، نه نمیره اصلا.»

مادر امیرحسین رحیمی در ادامه نوشته: «همسمن‌های اون نباید برن، ما جاشون میریم، من جای بچه‌ام می‌رم زندگی‌ای که از بچه‌های ما تباه کردید رو ما پس می‌گیریم.»

مهرداد آقاقلی پدر یلدا آقاقلی از جانب‌باختگان اعتراضات سال گذشته نیز با انتشار یک ویدئو از دخترش در اینستاگرام نوشته «ببخشید پست استوری زیاد می‌ذارم دیگه همه می‌دونید داستان چیه، نمی‌خوام دست کسی الکی بپونه بدم که بیان سراغم هر کاری دوست دارن انجام بدن، من بعد یلدا دیگه ترسی از چیزی ندارم ولی دوست دارم مَهره کار این بچه هارو ببینم، بعدش برم پیش دخترم.»

فشار بر خانواده‌های دادخواه تنها شامل احضار و تهدید و جلوگیری از فعالیت آنها در شبکه‌های اجتماعی نیست و شمار زیادی از اعضای خانواده دادخواهان نیز بازداشت و به اسارت گرفته شده‌اند.

وبسایت حقوق بشری «هنگاو» گزارش داده ظهر امروز سه‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۲ مأموران وزارت اطلاعات صفا عاالی دایی کوچک مهسا (ژینا) امینی را بازداشت کردند. بر اساس این گزارش نیروهای حکومتی با پنج اتومبیل پر از نیرو بدون ارائه هرگونه برگه قضایی به منزل این شهروند در محله «چَم ولی‌خان» هجوم برده و وی را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند.

تا زمان تنظیم این خبر اطلاع دقیقی از دلایل بازداشت و

اتهامات وارده علیه صفا عاالی و همچنین محل نگهداریش در دسترس نیست.

گزارش منابع حقوق بشری نشان می‌دهد فرزانه برزعه‌کار مادر عرفان رضایی از کشته‌شدگان خیزش انقلابی روز ۱۲ شهریور در مراسم بزرگداشت جواد روحی در روستای کلیکان استان مازندران، توسط مأموران امنیتی بازداشت شده و تاکنون خبری از شرایط و محل نگهداری او در دست نیست.

وبسایت حقوق بشری «هنگاو» روز پنجشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۲ در گزارشی تحقیقی اعلام کرد از ابتدای سال جاری خورشیدی تا پایان امرداد و طی پنج ماه دست‌کم ۷۰ تن از اعضای خانواده‌های دادخواه بازداشت شده‌اند و فشار بر این خانواده‌ها در آستانه سالگرد خیزش ملی شتاب گرفته است.

گزارش «هنگاو» نشان می‌دهد در این بازه زمانی دست‌کم ۹ کودک زیر ۱۸ ساله و ۳۱ عضو زن خانواده‌های دادخواه توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شدند.

در این گزارش آمده بود که ماشالله کرمی پدر دادخواه سریدار ایران مهدی کرمی در کرج، چهار عضو خانواده دادخواه جانفشان ایران حنا حنا کیا در نوشهر، دو برادر دادخواه جانفشان ایران میلاد زارع در بابل، مادر دادخواه جانفشان ایران محمدجواد زاهدی در ساری، همسر و خواهر دادخواه جانفشان ایران شیرین علیزاده در اصفهان از جمله اعضای خانواده‌های دادخواه هستند که در روزهای گذشته و با موج جدید فشار بر خانواده‌های دادخواه بازداشت شده‌اند.

در بخشی از این گزارش آمده بود که نهادهای حکومتی به خانواده‌های دادخواه هشدار داده‌اند که از برگزاری مراسم ویژه زادروز و سالگرد جان باختن فرزندان خودداری کنند. همچنین ده‌ها تن از خانواده‌های دادخواه طی روزهای اخیر توسط نهادهای امنیتی احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته‌اند که در سالگرد اعتراضات نباید هیچ فعالیتی داشته باشند و مردم را به حضور در خیابان‌ها دعوت کنند. در برخی موارد نیز، تلفن همراه این خانواده‌ها ضبط و حق فعالیت در فضای مجازی از آنها سلب شد.

فاطمه حیدری خواهر جواد حیدری از جانب‌باختگان جنبش ملی در قزوین نیز از فشار بر خانواده‌اش در آستانه سالگرد

جان باختن برادرش خبر داده است. لایلا مهدوی مادر سیاوش محمودی نیز در روز دوم شهریور پس از تفتیش خانه‌اش در تهران و توقیف تلفن همراهش، به دادرسی اوین احضار شد. خانواده کیان پیرفلک کودک جانب‌باخته در اعتراضات سال گذشته ایذه نیز همگی زیر فشارهای شدید امنیتی هستند. این خانواده از خردادماه امسال و پس از کشته شدن پویا مولایی، پسرعموی مادر کیان پیرفلک، در زادروز کیان به دست نیروهای حکومتی، با حصر کامل روبرو شدند. بطوریکه حساب کاربری پدر و عموی کیان در شبکه‌های اجتماعی به روز نشده و از ماه‌نیر مولایی‌راد مادر کیان نیز هیچ خبری در دست نیست.

بازداشت‌ها در میان فعالان مدنی و سیاسی نیز ادامه دارد برخی آنها را از بازداشت دست‌کم ۲۶۴ شهروند در سراسر ایران توسط نیروهای حکومتی طی ماه آگوست -امرداد- خبر می‌دهند. این آمار نسبت به آمار بازداشت‌ها در ژوئیه -تیرماه- با افزایش ۱۷ درصدی روبرو شده است.

گزارش دیگری از احضار بیش از ۳۰ فعال مدنی در شهرستان سازند و شهر آستانه در استان مرکزی به مراجع قضایی خبر می‌دهند. اتهام برخی از این افراد «تحریک موثر» نیروهای مسلح به «عصیان و فرار» است. پرونده این شهروندان بازداشت‌شده به «شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی دادگستری شهرستان سازند» فرستاده شده و ۹ تن از این افراد روز یک‌شنبه ابلاغیه‌ای دریافت کرده‌اند که بر اساس آن، جلسه رسیدگی به آن «هشت صبح ۱۹ شهریور» در «ساختمان شماره یک دادگستری» این شهرستان برگزار خواهد شد.

در هفته‌های گذشته شمار زیادی از فعالان مدنی و سیاسی در شهرهای مختلف بازداشت شده‌اند. این بازداشت‌ها هر چند اقدامی سرکوبگرانه به شمار می‌روند اما در آنسو نشان از هراس مقامات جمهوری اسلامی از حضور شهروندان در تجمعات اعتراضی طی روزهای آینده و در سالروز اعتراضات است. اینهمه در حالیست که برخی از خانواده‌های دادخواه مربوط به اعتراضات سال‌های گذشته مانند منوچهر بختیاری و ناهید شیر پیشه پدر و مادر پویا بختیاری جانب‌باخته‌ی آبان ۱۳۹۸ از مدت‌ها پیش به زندان افتاده‌اند.

«اگر دیوارهای سنگی شهر پاریس نبودند یقیناً سرنوشت من تغییر می‌کرد»



یکی از آثار محمود شکراللهی

اولین کتاب شعرم اختصاص داده بودند. دوستان عزیزم عتیق رحیمی، که این کتاب را به زبان فارسی عتیقی برگردانده، و عباس بختیاری، آهنگساز و نوازنده‌ی توانمند دف، مرا در این شب که شعرهایی را به زبان فرانسه می‌خواندم همراهی می‌کردند. شبی فراموش نشدنی از آمیزش زبان فرانسه و زبان فارسی و موسیقی اعجازانگیز و اصیل ایرانی. هرچند همیشه عتیق مرا به انتشار نوشته‌هایم به زبان مادری تشویق می‌کرد اما نطفه‌ی فکر انتشار آنها در ذهنم در این شب شعرخوانی شکل گرفت. باید زمانش می‌رسید که عباس بختیاری مرا به هادی خوجینیان (انتشارات مهری) معرفی کرد و امروز سه نوشته توسط نشر مهری در انگلستان به چاپ رسیده است و از این بابت بسیار خوشحالم. چرا که این نوشته‌ها را در زبانی که در این دوران طولانی مرا به ایران پیوند زده است، می‌بینم. شاید سرنوشت من زیست در شاعرانگی‌های زبان فرانسه بوده اما هرگز نتوانستم از زبان فارسی جدا بشوم. تنها همین زبان فارسی است که فاصله من و ایران را پر کرده است.

- «مرض زندگی» اولین کتاب شماست که به فارسی منتشر شده و متأثر از دیداری است که شما با نویسنده فرانسوی مارگاریت دوراس داشتید.

- فکر می‌کنم برای هر نویسنده‌ای مشکل باشد تا درباره‌ی نوشته‌هایش صحبت کند. وقتی کتابی به چاپ رسید از نویسنده‌اش جدا می‌شود و دیگر ربطی به او ندارد. موجود مستقلی می‌شود که به هر کوی و برزن بی‌اجازه‌ی خالق‌اش سر می‌کشد. می‌تواند با خواننده تباری کند و خالق‌اش را به باد انتقاد بگیرد. شاید هم انتقام آنچه می‌خواسته باشد و نشده را از او بگیرد. نویسنده خود اگر پس از مدتی خواننده‌ی نوشته‌اش شود معمولاً با آن احساس غریبی و بیگانگی می‌کند چرا که هر نوشته‌ای محصول دورانیست که با گذشت زمان نویسنده از آن فاصله می‌گیرد. با گذشت زمان، نویسنده تغییر می‌کند اما متن کتاب چاپ شده نه. اینجاست که میان کتاب و نویسنده‌اش ←

● محمود شکراللهی شاعر، نویسنده، کارگردان و بازیگر است. او سال‌های طولانی است که در فرانسه و در شهر پاریس اقامت دارد. از وی سه رمان، دو مجموعه قصه و چهار کتاب شعر تا کنون در انتشارات «لو سوپیرایل» به چاپ رسیده است. او تمام آثار خود را به زبان فرانسه نوشته و می‌گوید «به زبان فرانسه می‌نویسم زیرا شعر زندگی را به زبان فرانسه هر روز زندگی می‌کنم.»

کتایون حلاجان - «سه پنجره. شاید بسته شاید باز. از اینجایی که من نگاه می‌کنم هیچ فرقی نمی‌کند. در میان پنجره‌ی اول از سمت چپ، یک پالتوی سیاه در باد تکان می‌خورد. در پنجره‌ی اول از سمت راست، یک نیم‌تنه بی‌حرکت بیرون را نگاه می‌کند. نیم‌تنه می‌تواند نیم‌تنه‌ی مردی باشد یا نیم‌تنه‌ی یک زن. هیچ فرقی نمی‌کند. چون هرگز او را نخواهیم دید.»*
«ژوزف می‌داند که صبح‌ها با بزرگترین خطرهای شروع می‌شوند. وقتی ساکنان از تهدیدهای شبانه رها می‌شوند، خواستار نظم و امنیت‌اند. آنها صادق‌اند. به راحتی درد دل می‌کنند. ظهر اما شور صحبگاهی محو می‌شود و از بعد ازظهر، اضطراب شب به کلمات فرو می‌ریزد.»**

«خیره در چشمان‌تان نگاه می‌کند و می‌گوید: «شما نیز به آن مبتلا هستید و از آن خواهید مرد» با خونسردی از او می‌پرسید: «چه وقت؟» می‌گوید: اصلاً مهم نیست. می‌تواند هر لحظه فرا رسد. الان، فردا یا...»***

«مرض زندگی» اولین رمان کوتاه محمود شکراللهی است که به فارسی ترجمه شده و توسط انتشارات مهری به چاپ رسیده است. این کتاب الهام نویسنده از دیدار با مارگاریت دوراس نویسنده فرانسوی و کتاب «مرض مرگ» اوست.

محمود شکراللهی شاعر، نویسنده، کارگردان و بازیگر است. او سال‌های طولانی است که در فرانسه و در شهر پاریس اقامت دارد. از وی سه رمان، دو مجموعه قصه و چهار کتاب شعر تا کنون در انتشارات «لو سوپیرایل» به چاپ رسیده است. او تمام آثار خود را به زبان فرانسه نوشته و می‌گوید «به زبان فرانسه می‌نویسم زیرا شعر زندگی را به زبان فرانسه هر روز زندگی می‌کنم. نوشتن در زبان فرانسه به همان اندازه برای من که در پاریس زندگی می‌کنم طبیعی‌ست که نوشتن به فارسی برای نویسنده ایرانی که در ایران زندگی می‌کند. رابطه با زبان مادری مقوله‌ی دیگریست که بحث عمیقی می‌طلبد.»

رمان «مرض زندگی» و «فریاد» و یک مجموعه داستان کوتاه با عنوان «ساعت آبی» از این نویسنده توسط انتشارات مهری به فارسی ترجمه شده و به چاپ رسیده است. این ترجمه‌ها سرآغاز ورود نویسنده به زبان فارسی است.

محمود شکراللهی روایت می‌کند که «من هرگز به زیبایی پاریس عادت نکرده‌ام. آنچه مرا مجذوب این شهر می‌کند، از همان روز اول، دیوارهای سنگی و قدیمی آن است. دیوارهایی که ما را به قدم زدن و زندگی کردن در تاریخ دعوت می‌کنند. بعدها فهمیدم که در تاریخ زندگی کردن مسئولیت شهروندی را بزرگتر و تعهد به سرنوشت آیندگان را ریشه‌دارتر می‌کند. آدمی را محرم اسراری می‌کند که پشت این دیوارهای ضخیم، در دل این سنگ‌های حجیم پنهان شده‌اند. اسراری که شعر زندگی‌اند و روزمرگی‌های شاعرانه‌ی این شهر را می‌سازند. امروز به جرأت می‌توانم بگویم که اگر این دیوارها نبودند یقیناً سرنوشت من تغییر

می‌کرد.»
وی ادامه می‌دهد: «در محله‌ای زندگی می‌کنم که یک طرفش به خانه‌ی ویکتور هوگو راه می‌برد و طرف دیگرش به آتلیه‌ی کامیل کلودل. پیاده‌روی‌های روزانه‌ام کنار رودخانه‌ی سن و خیابان‌های اطراف کلیسای نتردام است. گهگاهی وقتی در کوچه‌ی پس‌کوچه‌های جزیره سن لویی قدم می‌زنم پسر بچه‌ای را به یاد می‌آورم که با کتاب «بینوایان» در جیب، در کوچه‌های تنگ و باریک محله‌مان در قم، پاریس را آنطور که ویکتور هوگو نوشته بود در ذهن‌اش تصویر می‌کرد. تا جایی که کوچه «فرجام» می‌شد کوچه خیالی «پیک پوس» که آنزمان «پیک پوس» می‌خواندم. بعدها فهمیدم که نام واقعی خیابان پیک پوس است و یک اشتباه چاپی توانسته بود ذهن مرا به ناکجای‌های ممنوعه ببرد.»

شکراللهی در ادامه می‌افزاید: «رابطه با مکانی که در آن زندگی می‌کنیم، آداب و رسومی که در آن روز را شب و شب را روز می‌کنیم، عاداتی که در آن روزمرگی‌هایمان را می‌نویسم... هرگز ما را ترک نمی‌کنند. من در دهکده‌ای در چهل کیلومتری شهر قم به دنیا آمده‌ام و آنچه از دوران کودکی و نوجوانی در ذهنم مانده است روح معماری قصه‌های امروز را تشکیل می‌دهد. خانه‌های گلی طغرد، زادگاه‌ام، دو قلعه‌ی بالا و پایین‌اش، پاچنار و قهوه‌خانه و پاسگاه‌اش، شنزاری و گورستان... پراشش، خیابان پاسکال و کتابخانه‌ی دانشگاه سوربن‌اش و... همه و همه در ذهن من کلیتی را تشکیل می‌دهند، بی‌آنکه، دیگر، بدانم کجا متعلق به طغرد است یا به پاریس. نانوایی‌ای که از آن نان می‌خرم، همانی که ویکتور هوگو از آن نان می‌خریده است، در میدان پاچنار است یا روبروی قهوه‌خانه‌ی فصل گیلان‌های خیابان‌های الهام کوچک محله‌ی باستیل.»

- به زبان فارسی کاملاً مسلط هستید چرا به این زبان نمی‌نویسید؟ خصوصاً شاعران را؛ فارسی زبان شعر است...
- چند سال پیش در انستیتو «جهان عرب» در شهر پاریس شب شعری بود که در آن زمانی را به «رسالت گمشده»

مشغول زندگی عادی با آرزوهای عادی شان بودند رفت. یک جنگ یا یک جریان اجتماعی بر زندگی تک تک شهروندان یک سرزمین اثر می‌گذارد چرا که جامعه و روابطی که بر آن حاکم است چنان در هم تنیده که هر حرکت، مثبت یا منفی، روزمرگی همه را دگرگون می‌کند. برای مثال همین انقلابی که در سال ۱۳۵۷ در ایران اتفاق افتاد- دامن هر ایرانی را گرفت و مسیر طبیعی زندگی‌های بی‌شماری را تغییر داد. حال اگر آن آرزوهای ولای انقلابی برای تغییر جامعه، پس از چهار دهه، تبدیل به مجموعه‌ای از برای‌ها شده است، برای‌هایی که به نظر من بهترین تحلیل و گویاترین تصویر از حال و روز و احساسات مردم و شرایط امروز ایران است، این یقینا دلایلی دارد که باید مطالعه شود. این برای‌ها و نشان‌دهنده شکست آمال‌های انقلابی و تبدیل خواب‌ها و رویاها به کابوسی است که بر روزمرگی امروز همه از جمله گردانندگان سیستم حاکم سایه افکنده است. سیستمی که به نظر می‌آید امکانات و شانس برقراری رفاه مردمی که حاکمیت را به او عطا کرده بود از دست داده است.

این بحران‌ها و دلایل آنها را باید تاریخ‌پژوهان، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و روانشناسان اجتماعی عمیقا مورد مطالعه قرار دهند تا آگاهی جمعی نسبت به آنچه در جامعه گذشته و آنچه امروزه می‌گذرد، بالا برود. این آگاهی‌ست که می‌تواند تصمیمات شهروندان را برای آینده‌ی جامعه بی‌نقص‌تر کند. چرا که فقط آنها و فقط آنها هستند که می‌توانند جواب‌ها و راه‌حل‌های برون رفتی از بحران‌ها را بیابند.

نویسنده هم تافته‌ی جدا بافته از جامعه نیست. مسئولیت‌اش اما، در دوران ملاحظم تاریخی، همزمان با در جامعه بودن، طرح سوال‌های درست برای کشف افق‌های تازه‌ی بودن و زیست است. وظیفه‌ی او پرهیز از ورود به دنیای یقین‌ها برای مبارزه با ایدئولوژی‌هاست. چرا که ایدئولوژی‌ها هر نوع خلاقیت را در نطفه خفه می‌کنند.

هنر هیچ محدودیتی را نمی‌پذیرد، ذاتا رهاست و مسئول. حیطه‌ی جولان آن، هستی در کلیت آن است. هنر جوامع و انسان‌ها را از هم جدا نمی‌داند و آنچه را بر کوه‌ی خاکی می‌گذرد تجربه‌ی مشترک بشریت می‌داند. اگر آلبرت کامو دو سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۷، «طاعون» را می‌نویسد، جهانشمول فکر می‌کند. او که عضو جنبش مقاومت در دوران جنگ جهانی دوم بود، تجربه‌ی زندگی در دوران نازیسم را در این اثر متافوریک، «طاعون»، ثبت می‌کند. تشریح تجربه‌ی کلان و مخرب رهبرانی که با دستاویز شدن به مسائل واهی و ساختگی و تخیلات بیمارگونه کمر به نابودی کوه‌ی خاکی بسته‌اند. مسئولیت نویسندگی آلبرت کامو در این است که با نوشتن این رمان به بشریت هشدار می‌دهد که این شرایط مخرب هر لحظه می‌تواند بازتولید شده و همه می‌توانیم دوباره شاهد این بربریت باشیم. بربریتی که امروزه شاهد آن در گوشه و کنار کوه‌ی خاکی هستیم. برای من در اینجا آلبرت کامو با طرح سوال درست، یک هنرمند مسئول است. هم در جامعه هست و هم هشدار می‌دهد. و تک تک آدم‌ها را در مقابل سرنوشت خود و جوامع مسئول می‌کند. طاعون یک رمان مسئول است همانطور که «در انتظار گودو» ساموئل بکت به نظر من یکی از مسئول‌ترین آثار ادبی‌ست که مقوله‌ی انتظار و آرزوهای پیچیده و پنهان در آن را کالبد شکافی می‌کند.

* از کتاب «ساعت آبی»

** از کتاب «فریاد»

*** از کتاب «مرض زندگی»

متوجه شدند که دیگر کار از کار گذشته بود. این اشتباه تاریخی، مردم این سرزمین را چنان هشیار کرده است که پس از هشت دهه که از آن فاجعه کلان بشریت می‌گذرد، با کوچکترین نشانه‌های رجعت به آن دوران، مبارزه می‌کند.



محمود شکراللهی: تنها همین زبان فارسی است که فاصله من و ایران را پر کرده است

مگر نه اینکه یکی از بزرگترین قربانیان آن ماشین مرگ، آفریدگار آن و خود مردم آلمان بودند؟ برای بودن می‌بایست از بی‌تصورگی گذشت تا با آگاهی به تاریکی درون به سوی نور پرواز کرد. این همان افقی‌ست که هنرمند سعی می‌کند برای کوه‌ی خاکی تصویر کند. آنهایی که در تاریکی تنفس می‌کنند نور را کور و سیاهی را تحمیل می‌کنند.

- شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه‌ای که هنرمند در آن زندگی می‌کند خودآگاه و یا ناخودآگاه بر آثار او تأثیر می‌گذارد. شما سال‌هاست که در فرانسه زندگی می‌کنید؛ رابطه‌ای که با جامعه ایران دارید چگونه است؟

- در اوایل سال‌های ۱۹۹۰ میلادی، به جمعی از دوستان در پاریس که مجله فرهنگی و دوزبانه‌ی «نگاه» را به زبان فارسی و فرانسوی منتشر می‌کردند ملحق شدم که دوران بسیار غنی و پرباری برای من در رابطه با ادبیات فارسی‌زبان بود. بعدها فعالیت‌های تصویری‌ام فضای بیشتری را در زندگی‌ام اشغال کرد تا به امروز که دوباره نوشتن روز و شب‌ام را پر می‌کند. البته این دو، تصویر و کلمه، برای من جداناپذیرند. همانطور که مسائل ایران از مشغولیات زندگی روزمره‌ام در فرانسه جدا نیست.

اما من در پاریس زندگی می‌کنم و مسلما مانند هر شهروند دیگری در فرانسه حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی خودم را دارم که در حد توانایی‌ام برای رسیدن به آمال‌های عدالتی آنها قدم بر می‌دارم. اما طبیعت رابطه‌ی من با ایران متفاوت است. چرا که آنجا زندگی نمی‌کنم و تنها از دور نظاره‌گر جریاناتی هستم که نشانگر تضاد عمیق و آشتی‌ناپذیر نیروی مردمی و سیستم حاکم بر کشور است.

مسلما هرآنچه در ایران می‌گذرد بر نوشته‌های من تأثیر می‌گذارد. همانطور که جنگ خافانوسوزی که روسیه بر اوکراین تحمیل کرده است. یا دوران بربریت جنگ‌های جهانی اول و دوم و... یادم می‌آید با دوستی مشغول صرف صبحانه بودیم که خبر حمله‌ی روسیه به اوکراین رسید. اولین فکر ما به طرف آرزوهای پرپر شده مردم عادی که

فاصله می‌افتد. فاصله‌ای که نویسنده در درون خود احساس می‌کند. ربطی به خواننده ندارد که می‌تواند سالیان دراز حتی پس از مرگ نویسنده آن اثر را بخواند و با آن رابطه برقرار بکند یا نکند.

ژان لوک گدار جایی می‌گوید کار نویسنده یا کارگردان پس از ارائه اثر به پایان می‌رسد و از آن پس این خوانندگان و منتقدین هستند که سرنوشت آن اثر را تعیین می‌کنند. بنابراین صحبت درباره‌ی کتاب پس از چاپ آن معمولا تبدیل به حکایت‌ها و روایت‌هایی می‌شود که شرایط نوشتن یا چاپ آن را به وجود آورده است. شرایطی که اگر فراهم نمی‌شدند شاید این کتاب نوشته نمی‌شد یا اینکه به این شکل نوشته نمی‌شد. برای مثال جایی تعریف کرده‌ام که نوشتن کتاب «مرض زندگی» زاینده یک اتفاق است. یا شاید من می‌خواهم که اینطور باشد. یعنی نوشتن این کتاب را با آشنایی کوتاه با مارگریت دوراس سالخورده و چین و چروک‌های صورتش در یک شب زمستانی در رستورانی ایتالیایی در محله‌ی مونپارناس پاریس مربوط سازم. حکایت‌ها درباره اثر با ذائقه‌ی خواننده و منتقد آن اثر رابطه‌ی مستقیم دارد چرا که ما در دنیای تکثر زندگی می‌کنیم. رابطه‌ی ما با یک اثر در فهم ما از استفاده از سکوت در خلق آن اثر تعیین می‌شود و این استفاده از سکوت در آثار هنری است که هنرمندان و خوانندگان آن اثر را از دیگران متمایز می‌کند. اگر در نمایشگاهی با سرعت از جلوی تابلوهای نمایش داده شده رد شده اما ناگهان تابلویی شما را در مقابل خود می‌خکوب کند یعنی احساس هنرمند در لحظه‌ی آفرینش به شما انتقال داده شده است. این بدان معنا نیست که تابلوهای دیگر ارزش هنری ندارند. برخی شاید در مقابل تابلوهای دیگر می‌خکوب شوند.

- در آثار شما مکان‌ها قابل لمس و تصور هستند اما شخصیت‌ها بی‌صورت به نظر می‌رسند و در زمان نامعلوم بسر می‌برند که بیشتر به کابوسی می‌ماند که روایتی را در خود تکرار می‌کند. آیا این تصویری است که شما از امروز جهان در ذهن دارید؟

- فردینان سلین می‌گوید که همه ما یک عمر زندگی می‌کنیم، برای خود ماسکی می‌سازیم تا خود را پشت آن پنهان کنیم. در دروغ زیستن از دستمایه‌های رمان نویسی سلین است. همانطور که به نظر یکی از دستمایه‌های رمان‌نویسی صادق هدایت هم هست. هر دو، سلین و هدایت، از مسکنت‌هایی صحبت می‌کنند که روحشان را یقینا «در انزوا می‌خورده و می‌خراشیده است» و کیست که زجر صادق هدایت را از رواج دروغ و تزویر در جامعه‌ی ایران دوران خود نداند و نخوانده باشد. به نظر من ماسکی که سلین از آن صحبت می‌کند همان پرده‌ای است که می‌تواند جلوی دیدمان را بگیرد و ما را تا فراموشی خویشتی خویش پیش برد. همیشه از خودم می‌پرسم که هر صبح هیتلر در آینه چه کسی را می‌دید؟ هیتلری که باید به او سلام نظامی می‌کرد یا آدولف شکنده‌ای که تا مرز ندیدن از او فاصله گرفته بود؟ این ندیدن، دوری از خویشتی خویش، بی‌تصوریری‌ست که در قصه‌هایم از آن صحبت می‌کنم. من برای نوشتن، شخصیت‌هایم را برهنه و بی‌تصور می‌بینم. هیتلر برخلاف کسانی که همیشه و هنوز می‌خواهند هیولایی باشد، هیولا نبود. آدمی بود مثل من و شما. اما بی‌تصور شده. از خویشتی خویش چنان فاصله گرفته بود که حتی دیگر در آینه تصویر حقیقی خود را نمی‌دید یا شاید این آینه بود که دیگر حقیقت‌اش را منعکس نمی‌کرد. تنها شعور جمعی مردم آلمان می‌توانست مانع در سکان قدرت قرار گرفتن این «بیگانه‌ی بی‌تصور» بشود. اما ایشان زمانی

برکناری رئیس کل بیمه مرکزی ایران در پی هک شدن اطلاعات ۱۹ شرکت بیمه



مسئول در صنعت بیمه کشور بوده که در مورد این حادثه صحبت کرده است. او با تأیید این که ماجرای لو رفتن اطلاعات بیمه‌گذاران به حدود یک ماه پیش بر می‌گردد، گفت: برخی اطلاعات به سرقت رفته بود و سارقان، قصد فروش آن را داشته‌اند.

مجید مشعلچی فیروزآبادی با بیان این که «این اطلاعات، قدیمی بوده است»، در پاسخ به این سوال که آیا ممکن است این اطلاعات مورد سوء استفاده قرار بگیرد، گفت: خیر، این ماجرا به یک ماه پیش مربوط بود و اکنون تمام شده است.

بیمه مرکزی به عنوان سیاستگذار و مسئول بیمه کشور نیز در بیانیه‌ای هک شدن شرکت‌های بیمه‌ای را «شبهه‌افکنی برخی کانال‌های خبری و رسانه‌ها» به «دلایل غیرتخصصی» خوانده و عنوان کرده که «صنعت بیمه همچنان امانتدار مردم خواهد بود.»

بیمه مرکزی در بیانیه خود اضافه کرده که «شرکت‌های بیمه‌ای کشور در عقد قرارداد با شرکت‌های پیمانکاری مرتبط با حوزه اطلاعات و آمار از استقلال نسبی برخوردارند و دسترسی به برخی اطلاعات عمومی بیمه‌گذاران در سطوح مختلف امکان‌پذیر است.»

روزنامه اینترنتی «فراز» در گزارشی که درباره این حمله گسترده سایبری تأکید کرده که مقامات صنعت بیمه، با تلاش برای بی‌اهمیت جلوه دادن یا تقلیل بحران گفته‌اند که این اطلاعات فقط در حد اسم و فامیل و کد ملی بوده است. نکته قابل توجه اما این است که اگر این اطلاعات بی‌ارزش بود، چرا به قیمت حدود ۴ میلیارد تومان به فروش گذاشته شده است؟ پاسخ می‌تواند ساده باشد. اطلاعات به سرقت رفته از ۱۹ شرکت بیمه، از آن جا که مبداء اطلاعاتی خوبی برای دستیابی به مشخصات دیگر مثل حساب بانکی و حتی آدرس سکونت و کد پستی هستند، می‌توانند ارزش زیادی برای هکرهای داشته باشند. به عبارت دیگر، بی‌اهمیت جلوه دادن ماجرا، در واقع از بزرگی و اهمیت

مضاعف این حمله سایبری نمی‌کاهد. ←

۸۱ هزار دلار مشخص شده است. روزنامه «اعتماد» گزارش داده که این گروه هکری در آگهی فروش اطلاعات در دست خود، عنوان کرده بود که ۱۱۵ میلیون رکورد اطلاعاتی شامل: نام، نام‌خانوادگی، تاریخ تولد، نام پدر، شماره تلفن/موبایل، شماره شناسنامه، کد ملی، کد ملی شرکت و ... را در اختیار دارد. بانک اطلاعات و دیتای لو رفته از دو شرکت ابتدایی این لیست روی هم ۳۵ میلیون رکورد است.

روزنامه اینترنتی «فراز» هم نوشته به اطلاعاتی دست یافته که نشان می‌دهد «سرقت اطلاعات شرکت‌های بیمه در ۱۱ ماه آگوست، مصادف با ۲۰ مردادماه اتفاق افتاده است. این اتفاق، تا زمان اعلام گروه‌های هکری، از مجاری رسمی اطلاع‌رسانی نشده بود. این پنهان‌کاری در سطحی صورت گرفته بود که حتی خبرنگاران حوزه بیمه نیز اطلاعی از این حادثه نداشته‌اند در نشست خبری روز چهارشنبه هفته گذشته «مجید بهزادپور»، رئیس کل بیمه مرکزی نیز حرفی از سرقت اطلاعات شرکت‌های بیمه به میان نیامد. البته او چند ساعت پس از انتشار خبر سرقت اطلاعات بیمه‌ها، از کار برکنار شد.»

«فراز» افزوده که شنیده‌ها حاکی از این است که در جریان مجمع سالانه بیمه مرکزی که در ۲۹ مرداد برگزار شد، وزیر اقتصاد با اظهار اطلاع از اطلاعات به سرقت رفته از شرکت‌های بیمه، به نمایندگان شرکت‌ها درخواست پیگیری جدی کرده است. با این حال اما، این اتفاق چیزی از بار مسوولیت وزارت اقتصاد و شخص وزیر کم نمی‌کند. بیمه مرکزی یکی از نهادهای زیرمجموعه وزارت اقتصاد است و از این جهت، این وزارت‌خانه نیز مسوول پیامدهای احتمالی افشای اطلاعات کارگزاران بیمه خواهد بود.

قابل توجه اینکه هیچ‌یک از شرکت‌های بیمه که اطلاعات آنها لو رفته تا کنون و تا انتشار خبر برکناری مجید بهزادپور رئیس کل بیمه مرکزی درباره این حمله سایبری و لو رفتن اطلاعات کاربران خود موضع‌گیری رسمی نداشته‌اند. مجید مشعلچی فیروزآبادی قائم مقام بیمه مرکزی تنها

● هرچند مقامات رسمی علت برکناری مجید بهزادپور از ریاست کل بیمه مرکزی را توضیح نداده‌اند اما برخی رسانه‌های داخلی هک شدن اطلاعات ۱۹ شرکت بیمه در ایران را علت این برکناری عنوان کردند.

● روزنامه اینترنتی «فراز»: سرقت اطلاعات شرکت‌های بیمه در ۱۱ ماه اوت مصادف با ۲۰ مردادماه اتفاق افتاده است.

● بیمه مرکزی هک شدن شرکت‌های بیمه‌ای را «شبهه‌افکنی برخی کانال‌های خبری و رسانه‌ها» به «دلایل غیرتخصصی» خوانده و عنوان کرده که «صنعت بیمه همچنان امانتدار مردم خواهد بود.»

رئیس کل بیمه مرکزی ایران در پی هک شدن و لو رفتن اطلاعات ۱۹ شرکت بیمه در ایران و اطلاعات میلیون‌ها بیمه‌گذار از سمت خود عزل شد.

با تصویب هیئت وزیران، مجید بهزادپور رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی برکنار شد و علی استادهاشمی جایگزین او در این سمت شد.

علی استادهاشمی پیش از این در سمت به عنوان عضو هیات عامل و معاون نظارت بیمه مرکزی در این سازمان فعالیت می‌کرد.

علی استادهاشمی رئیس کل جدید بیمه مرکزی ایران دارای مدرک دکتری مدیریت مالی از دانشگاه «بهشتی» و عضو هیئت علمی دانشگاه «پیام نور» است. او در سال ۱۳۹۹ به عنوان مدیر حسابرسی و کنترل‌های داخلی شستا منصوب شده بود.

هرچند مقامات رسمی علت برکناری مجید بهزادپور از ریاست کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی را توضیح نداده‌اند اما برخی رسانه‌های داخلی هک شدن اطلاعات ۱۹ شرکت بیمه در ایران را علت این برکناری عنوان کردند.

بر اساس گزارش‌ها هک گسترده اطلاعات شرکت‌های بیمه و بیمه‌گذاران در پی آگهی فروش اطلاعاتی شامل «نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد، نام پدر، کد ملی و شماره شناسنامه و شماره تلفن» مشترکان ۱۹ شرکت بیمه در کشور با قیمت

پیام پایوران ارتش شاهنشاهی به نیروهای مسلح: در جبهه‌ی صلح و سرافرازی ایران قرار بگیرید و نه در جبهه‌ی جهل و شرارت!



هم‌میهنان آزادیخواه و میهن‌پرست خود ببینید! انقلاب مهسا فروغ نور بر تاریکی است! با خردمندی آن را بپذیرید و به یاد داشته باشید ایران زادگاه ماست! در ایران آزاد همه ما و خانواده‌های ما باید با سرافرازی و آزاد زندگی کنیم و این حق طبیعی ماست.»

سرهنگ خلبان فریدون ایزدستا که از فرماندهان حاضر در جنگ هشت ساله با عراق بود با درود به جوانان آزاده و شیرزنان و شیرمردان ایران می‌گوید: «دیروز ما نیروهای مسلح اعم از ارتش، سپاه، بسیج و غیره در ادامه جنگ دست در دست هم گذاشتیم و دلورانه جنگیدیم و دشمن را به خاک کشیدیم و وجود تو را از گزند بیگانگان در امان نگاه داشتیم. امروز ما مرگ مهسا دختر ایران و دیگر جوانان جانباخته‌ی وطن واجب است که بار دیگر چون گذشته، ارتش، سپاه، بسیج و هر ایرانی وطن‌پرست شانه به شانه یکدیگر برای حفظ و حراست از جان جوانان، این سرمایه‌های گرانبهای میهن قدم برداریم و آنها را برای رسیدن به آینده‌ی روشن حمایت و پشتیبانی کنیم.»

سپهبد خلبان محمدحسین مهرمند آخرین فرمانده تاکتیکی نیروی هوایی شاهنشاهی ایران، سرلشکر خلبان بازنشسته عبدالحسین مینوسپهر فرمانده پایگاه هشتم شکاری و سرهنگ خلبان فریدون ایزدستا از فرماندهان ارتش در جنگ هشت ساله، به عنوان سربازان وطن، هر یک به پرسنل تمامی نیروهای مسلح کنونی کشور پیام داده‌اند که به مردم و سرافرازی ایران ببینند.

سپهبد خلبان محمدحسین مهرمند در پیام خود از جمله می‌گوید: «من به عنوان یک سرباز از تمامی پرسنل نیروهای مسلح که جز خواری و ذلت از این قوم اشغالگر بهره‌ای نگرفتند، می‌خواهم که در جبهه‌ی صلح و سرافرازی ایران قرار بگیرند نه در جبهه‌ی جهل و شرارت. امروز ما و وطن چشم به راه فرزندان نیک خویش است.»

سرلشکر خلبان عبدالحسین مینوسپهر با تأکید بر اینکه «عشق به میهن به من حکم می‌کند که از شما ارتشی‌ها، از شما نیروهای انتظامی خواهش کنم صدای فرزندان آزادیخواه وطن را بشنوید» می‌گوید «به این غریزه پاک انسانی احترام بگذارید! آنها را سرکوب و کشتار نکنید! به

عنوان کرده است. باز شدن نشت فعال، پایین آمدن پهنای باند، مخاطرات امنیتی برای مردم و شبکه ارتباطی و قرار گرفتن اطلاعات کاربر در معرض دسترسی هکرها از آثاری است که موج استفاده از فیلترشکن‌ها در اینترنت ایران برجای گذاشته است.

بخش بزرگی از کاربران اینترنت در ایران برای اتصال به آنچه «اینترنت بین‌الملل» خوانده می‌شود، از فیلترشکن استفاده می‌کنند. کمیسیون صنایع و معادن مجلس در این گزارش آثار منفی دیگری در استفاده از فیلترشکن‌ها در شبکه اینترنت ایران

این گزارش افزوده که در لیست اسامی بیمه‌هایی که اطلاعاتشان به سرعت رفته اما نام تعدادی از شرکت‌ها به چشم نمی‌خورد. این که چرا تنها ۱۹ شرکت مورد هجوم سایبری قرار گرفته‌اند، تا این لحظه محل مناقشه است اما حدس‌هایی نیز می‌توان زد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که همه‌ی این ۱۹ شرکت بطور مشترک با شرکتی به نام «فناوران»، یکی از بزرگترین شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات آبی به شرکت‌های بیمه همکاری می‌کنند.

روزنامه «اعتماد» نیز در اینباره نوشته که شرکت‌های بیمه برای ایجاد ساختار بانک اطلاعاتی و دیتاستر خود نیاز به پشتیبان فنی دارند. از این رو، گفته می‌شود شرکتی با رنگ و لعاب استارت‌آپی مسوولیت این کار را به عهده گرفته است. این شرکت خود را «بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده راهکارهای نرم‌افزاری جامع و یکپارچه بیمه‌گری (core insurance) به صنعت بیمه کشور» معرفی کرده است. لوگو ۲۴ شرکت بیمه‌ای نیز در وبسایت این شرکت موجود است که به عنوان «مشتریان» آن نام برده شده‌اند.

این گزارش افزوده «گفته می‌شود که هک اطلاعات از طریق همین شرکت صورت گرفته است. گویا این شرکت، پیمانکار برخی شرکت‌های بیمه بوده و مورد تأیید بیمه مرکزی هم نبوده است. وبسایتی به نام «خرد و کلان» به نقل از یک مقام آگاه که نامی از وی نبرده عنوان کرده که «شرکتی که اطلاعات آن هک شده است، ارتباطی با بیمه مرکزی نداشته و اتفاقاً مرکز فناوری و حراست بیمه مرکزی، بارها تذکرات لازم در خصوص عدم امنیت این شرکت را به صورت کتبی و شفاهی اعلام کرده بود.»

«اعتماد» در ادامه نوشته که با توجه به اینکه تاریخ افشای این اطلاعات سه هفته پیش بوده، مشخص نیست چرا بیمه مرکزی به عنوان نهاد ناظر بر صنعت بیمه تاکنون در این باره سکوت کرده بود؟ آیا اگر آن‌گونه که عنوان می‌شود پدافند غیرعامل در این سازمان به درستی عمل کرده بود و هشدارهای لازم برای ارتقای سطح ارتباط امن داده می‌شد، موضوع هک شدن اپلیکیشن «تپسی» نیز پیش می‌آمد؟ و نکته بعدی اینکه وقتی برای موضوعی به نام «پوشش کارکنان» در استارت‌آپ‌ها، به سرعت کمیته تعیین وضعیت تشکیل شده و تصمیم هم گرفته می‌شود؛ چرا برای چنین موضوع مهمی هیچ کمیته‌ای تشکیل یا اطلاع‌رسانی نشده است؟

گفتنی است چند ساعت پیش از افشای اطلاعات بیمه‌گذاران شرکت‌های بیمه، مدیرعامل شرکت «تپسی» از سرعت اطلاعات راننده‌ها و مافران تاکسی‌های اینترنتی این شرکت خبر داد. طبق ادعای یک کانال تلگرامی، این اطلاعات شامل مشخصات بیش از ۲۷ میلیون مسافر، ۶ میلیون راننده و ۱۳۶ میلیون سفر از جمله آدرس کامل مبدا و مقصد، سورس‌کدها و اطلاعات دستگاه‌های همراه مسافران و راننده‌ها است. «میلاد منشی‌پور»، مدیر عامل تپسی اعلام کرد که این گروه هکری، پیش از افشای عمومی اطلاعات قصد اخاذی داشته که باتوجه به عدم وجود تضمین، این شرکت حاضر به پرداخت مبلغ نشده است.

در گزارش روزنامه «اعتماد» تأکید شده که بخش بزرگی از حملات سایبری جدید را نیز باید در حوزه اختلال‌های اینترنتی جست‌وجو کرد. بر اساس گزارشی که به تازگی کمیسیون صنایع و معادن مجلس از وضعیت اینترنت در ایران منتشر کرده، سهم پهنای باند ناشناس در شبکه (ترافیکی که سیستم فیلترینگ قادر به تشخیص پروتکل آن نیست) از کمتر از ۵ درصد بین‌الملل در سال گذشته به حدود ۲۵ درصد در حال حاضر رسیده است. این بدان معناست که

هشدار درباره مهاجرت استارت‌آپ‌ها از کشور امارات یکی از مقاصد جوانان نخبه و کارآفرینان ایرانی



● در ایران مشکلات زیادی پیش روی فعالیت استارت‌آپ‌ها وجود دارد؛ از قوانین سختگیرانه و رکود تورمی تا به گفته رضا الفت، نائب عضو هیئت مدیره اتحادیه کسب و کارهای مجازی، پاشنه آشیلی به نام «اینترنت»!

● رضا الفت نسب: امارات نگاه بسیار هوشمندانه‌ای نسبت به فناوری‌ها و تکنولوژی‌هایی روز و ترند شده دارد؛ بنابراین طرح‌های مختلفی از جمله ویزای استارت‌آپی و... را دیده و بسیار هوشمندانه هم عمل می‌کند.

● «درآمد بهتر، ویزاهای طلایی و فضای بهتر، نبود مشکل تحریم و... همه مشوق‌های نخبگان و متخصصان ایرانی برای مهاجرت به سمت کشورهای مثل امارات است.»

عضو هیئت مدیره اتحادیه کسب و کارهای مجازی با اشاره به نگاه بسیار هوشمندانه امارات نسبت به فناوری‌ها و تکنولوژی‌هایی روز و ترند شده، از آغاز شمارش معکوس سرازیر شدن نیروی کار جوان و نخبه در کشور به سمت کشورهای همچون امارات خبر داده است.

رضا الفت نسب عضو هیئت مدیره اتحادیه کسب و کارهای مجازی امروز شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۲ در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» درباره وضعیت استارت‌آپ‌های ایرانی گفته که امارات نگاه بسیار هوشمندانه‌ای نسبت به فناوری‌ها و تکنولوژی‌هایی روز و ترند شده دارد؛ بنابراین طرح‌های مختلفی از جمله ویزای استارت‌آپی و... را دیده و بسیار هوشمندانه هم عمل می‌کند.

این فعال صنفی افزوده که «حمایت‌های امارات از استارت‌آپ‌ها و نیروی نخبه قابل قیاس با ایران نیست. این در حالیست که امارات کمبود نیروی نخبه دارد، در حالی که ایران ظرفیت‌های انسانی و نخبگانی دارد که می‌توانند به کشور کمک کنند.»

رضا الفت نسب با بیان اینکه اگر اوضاع کشور اینطور نبود نخبگان ایرانی در دنیا سرآمد بودند، گفته که «امروز باید بیش از همیشه احساس خطر کنیم، زیرا ظرفیت‌هایی که در امارات برای نخبگان و استارت‌آپ‌ها ایجاد شده، در مقابل نبود سرمایه، تحریم‌ها، تنش‌های مختلف صاحبان کسب و کار در ایران یا بخش‌های مختلف دولت و... موجب تشدید مهاجرت ایرانیان به این کشور عربی خواهد شد.»

به گفته این فعال صنفی شرایط و بسترهای آغاز فعالیت در کشورهای چون امارات به حدی فراهم است که به گفته رضا الفت نسب «فرصت برای استارت‌آپ‌ها و نخبگان در همین یک قدمی ایران مهیاست تا طرح‌های خود را به امارات ببرند و استارت‌آپ خود را راه اندازی کنند یا در شرکت‌های آنجا مشغول به کار شوند.»

در ایران برعکس، مشکلات زیادی پیش روی فعالیت استارت‌آپ‌ها وجود دارد؛ از قوانین سختگیرانه و رکود تورمی تا به گفته رضا الفت نسب، پاشنه آشیلی به نام «اینترنت»! عضو هیئت مدیره اتحادیه کسب و کارهای مجازی هشدار داده که «کسب و کارهای اینترنتی و استارت‌آپ‌ها با موضوع «اینترنت» چالش اساسی دارند. اینترنت در ایران موضوعی است که امنیتی، سیاسی و اجتماعی شده و محدودیت دارد. الان فضا، فضایی است که اگر حواسمان نباشد جوانانمان به راحتی به کشورهای همسایه مهاجرت می‌کنند.»

مشکل مواجه شوند. این انجمن اعلام کرده این موضوع دلیل اصلی محسوس و مورد اعتراض شدید این روزهای کاربران در استفاده از اینترنت است.

این گزارش افزوده که علاوه بر ۴۵ وبسایتی که حداقل در نصف موارد در دسترس نبودند، ۱۴ وبسایت اختلالی بین ۱۰ تا ۵۰ درصدی را از خود نشان دادند.

انجمن تجارت الکترونیک تهران دلیل اصلی اختلالات حاکم در اینترنت را سیاست جدید و غلط فیلترینگ هوشمند اجرا شده توسط وزارت ارتباطات عنوان کرده است. این انجمن دقیقاً گفته که بر اساس بررسی آنها در حال حاضر هر نوع ترافیک اینترنتی در صورتی که به صورت مودی و از سمت نهادهای مسئول مجاز «وایت لیست» نشده باشد، به صورت خودکار دچار اختلال می‌شود.

شرکت «Top1۰Vpn» که در زمینه آزمایش و بررسی خدمات VPN فعالیت دارد نیز اسفندماه گذشته و هفت ماه پس از آغاز اعتراضات و قطع و سانسور گسترده اینترنت در کشور، گزارشی از زیان وارد شده به کسب و کارها منتشر کرد.

بر اساس این گزارش در سال ۲۰۲۲ ایران در کنار روسیه و قزاقستان بیشترین خسارت‌های اقتصادی ناشی از محدودیت‌های اینترنتی توسط دولت‌های مستقر را متحمل شده‌اند.

گزارش «Top1۰Vpn» تأکید کرده بود که ایران در رتبه دوم رده‌بندی کشورهایی با بیشترین خسارت اقتصادی ناشی از محدود ساختن حکومتی اینترنت قرار دارد. رقم خسارت ناشی از فیلترینگ و قطع اینترنت در ایران ۷۳ میلیون دلار برآورد شده و تأکید شده است که محدود ساختن اینترنت زندگی ۷۲ میلیون کاربر ساکن ایران را به اشکال مختلف متأثر کرده است.

در این گزارش آمده که فیلترینگ اینستاگرام ←

او همچنین تأکید کرده که «درآمد بهتر، ویزاهای طلایی و فضای بهتر، نبود مشکل تحریم و... همه مشوق‌های نخبگان و متخصصان ایرانی برای مهاجرت به سمت کشورهای مثل امارات است؛ توصیه من مهاجرت نیست؛ اما در پاسخ به این سوال که «متخصصان بمانند یا بروند؟» تنها می‌توانم سکوت کنم.»

قطع و محدودسازی اینترنت سال‌هاست در دستور کار جمهوری اسلامی قرار دارد اما از شهریور سال گذشته و با آغاز اعتراضات جنبش ملی، قطع و فیلترینگ بی‌سابقه اینترنت آغاز و همچنان به اشکال مختلف ادامه دارد. این روند سرکوبگرانه خسارات زیادی به کسب‌وکارهای اینترنتی و استارت‌آپ‌ها وارد کرد.

انجمن تجارت الکترونیک تهران تیرماه امسال در گزارشی تحلیلی از اختلالات، محدودیت‌ها و سرعت اینترنت در ایران نوشت که رکود گسترده و تعطیلی چشمگیر شرکت‌های فناوری و مهاجرت متخصصان فناوری و انتقال استارت‌آپ‌ها به کشورهای همسایه به خاطر کیفیت اینترنت رخ داده است. این انجمن معتقد است وضعیت رو به افول اینترنت در ایران علاوه بر ایجاد مشکلات فنی، باعث ناامیدی گسترده متخصصان فناوری شده است.

بر اساس این گزارش کیفیت اینترنت در ایران در وضعیت «بحرانی» گزارش شده و آمده که اینترنت ایران در بین ۱۰۰ کشور با بیشترین تولید ناخالص ملی، ایران پس از میانمار دومین اینترنت پراختلال و پس از چین، دومین اینترنت محدود دنیا را دارد. این گزارش همچنین تأکید کرده که اینترنت ایران جزو ۵ اینترنت کند جهان است.

بررسی‌های این انجمن روی دامنه‌ها و آی‌پی‌های لیست خاکستری که اکثریت اینترنت را شامل می‌شوند نشان می‌دهد تجهیزات حاکمیتی با ایجاد اختلال عمدی باعث می‌شوند تا ۵۰ درصد داده‌های ارسالی به این مقاصد با

رویترز: طبق گزارش محرمانه آژانس مذاکره با جمهوری اسلامی در مورد «موضوعات حساس» هیچ پیشرفتی نداشته است



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

مشاهده شد ذخایر اورانیوم غنی شده در ایران در مقایسه با آخرین گزارش سه ماه پیش همچنان در حال افزایش است. مقامات جمهوری اسلامی پیش از این بارها ادعا کرده بودند با آژانس «همکاری کامل» دارند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۲۱ خرداد در یک سخنرانی که مسئولان هسته‌ای نظام در آن حضور داشتند تأکید کرده بود، «توافق عیبی ندارد اما به زیرساخت‌های هسته‌ای دست نزنید.»

وزیران خارجه آمریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اواخر خردادماه در ریاض با صدور بیانیه‌ای از جمهوری اسلامی خواستند با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «همکاری کامل» داشته باشد.

جمهوری اسلامی پنجم شهریورماه از پروژه تولید آزمایشگاهی «رادیو نوکلید سزیم-۱۳۷» رونمایی کرد. رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی گفته بود صنعت هسته‌ای در ایران متوقف نخواهد شد. هرچند به گفته محمد اسلامی سزیم-۱۳۷ در «صنایع ابزار دقیق هسته‌ای و سامانه پرتودهی و چاه‌پیمایی برای نفت و گاز و مواد معدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد» اما یکی از مواد مورد استفاده در ساخت «مب‌های کثیف» است.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی در ماه‌های اخیر بارها هشدار داد همکاری جمهوری اسلامی و آژانس در سطح لازم و با سرعت مورد نظر پیش نمی‌رود.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً طی سخنانی در مؤسسه امور بین‌الملل سوئد گفت هیچکدام از طرفین برجام مرگ آن را اعلام نمی‌کند، اما در وضعیت فعلی این توافق «بوچ» شده است. وی در همین نشست هشدار داد «جمهوری اسلامی دارای سلاح هسته‌ای نیست اما به اندازه کافی اورانیوم برای چند مپ انباشته کرده است.»

● **رافائل گروسی: «مذاکرات با ایران در مورد موضوعات حساسی مانند نصب مجدد دوربین‌های نظارتی و توضیح درباره علت وجود آثار اورانیوم در سایت‌های اعلام نشده هیچ پیشرفتی نداشته است.»**

● **مقامات جمهوری اسلامی پیش از این بارها ادعا کرده بودند با آژانس «همکاری کامل» دارند.**

● **به گفته یک دیپلمات ارشد، میزان تولید اورانیوم ممنوعه در ایران از حدود ۹ کیلوگرم در ماه به حدود ۳ کیلوگرم در ماه کاهش یافته است.**

بر اساس دو گزارش فصلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که نسخه‌هایی از آن را رویترز مشاهده کرده، رئیس آژانس روز دوشنبه ۴ سپتامبر (۱۳ شهریور) گزارش داد که «مذاکرات با ایران در مورد موضوعات حساسی مانند نصب مجدد دوربین‌های نظارتی و توضیح درباره علت وجود آثار اورانیوم در سایت‌های اعلام نشده هیچ پیشرفتی نداشته است.»

در عین حال، طبق یکی از گزارش‌های محرمانه آژانس که در اختیار یکی از اعضای شورای حکام قرار گرفته است جمهوری اسلامی با نقض برجام همچنان به تولید و ذخیره‌سازی اورانیوم ۶۰ درصدی که نزدیک به درجه تسلیحاتی است ادامه می‌دهد، هرچند که در این گزارش قید شده «غنی‌سازی اورانیوم در ایران در مقایسه با سه ماه قبل، با سرعت کمتری رشد می‌کند و برخی مواد رقیق‌تر شدند.»

یک دیپلمات ارشد روز دوشنبه گفت که میزان تولید اورانیوم ممنوعه در ایران از حدود ۹ کیلوگرم در ماه به حدود ۳ کیلوگرم در ماه کاهش یافته است. او این موضوع را پس از آن مطرح کرده که طبق گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به کشورهای عضو که توسط رویترز

→ واتس‌آپ از ابتدای مهرماه سال ۱۴۰۱ تقاضا برای VPN از سوی کاربران ایرانی را بیش از سه هزار درصد افزایش داده است. این شرکت جمع تعطیلی شبکه‌های اجتماعی در ایران طی سال ۲۰۲۲ را حدود ۴۸۶۳ ساعت برآورد کرده است.

«نت‌بلاکس» که قطع و اختلال در اینترنت را رصد می‌کند خسارت ناشی از قطع اینترنت در ایران ظرف شش روز در اواخر آبان و همزمان با یکی از اوج‌های اعتراضات خیابانی را بیش از ۳۶۷ میلیون دلار برآورد کرده بود.

بهمن‌ماه سال گذشته نیز «پایگاه داده‌های باز ایران» در گزارشی تحقیقی اعلام کرد که مجموع خسارات وارده بر اقتصاد ایران به دلیل اختلال در اینترنت تا پایان دی‌ماه بالغ بر ۵/۲۶۲ هزار میلیارد تومان ارزیابی می‌شود.

در این گزارش آمده بود که خسارت‌های اقتصادی بر مبنای همین ارزیابی یعنی میانگین ماهانه ۷۵ هزار میلیارد تومان در دو ماه نخست را می‌توان در سه سناریوی مختلف برای ماه‌های آذر و دی نیز محاسبه کرد. در سناریوی خوش‌بینانه اگر روند خسارات وارده بر اقتصاد ایران با ضریب ۲۵ درصدی در ماه‌های آذر و دی ادامه پیدا کرده باشد، مجموع زیان تا پایان دی حدود ۵/۱۸۷ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. در سناریوی میانه با فرض تداوم زیان‌ها با ضریب ۵۰ درصدی مجموع خسارات بر اقتصاد ایران تا پایان دی‌ماه از محل اختلال و اعمال محدودیت بر اینترنت، در حدود ۲۲۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. در سناریوی سختگیرانه و با فرض اینکه اختلال‌ها در دو ماه آذر و دی، ۷۵ درصد خسارات میانگین ۲ ماه نخست را تداوم بخشیده باشد، مجموع خسارات وارده بر اقتصاد ایران تا پایان دی بالغ بر ۵/۲۶۲ هزار میلیارد تومان می‌شود.

گزارش‌ها از ناامیدی فعالان کسب و کارهای مجازی برای ادامه فعالیت در ایران و تصمیم به مهاجرت برخی از آنها حکایت دارد. در آنسو بسیاری از کشورها با آغوش باز و ارائه بسته‌های تشویقی از کارآفرینان و ایده‌پردازان کسب و کارهای اینترنتی استقبال می‌کنند. در اطراف ایران نیز کشورهایی چون ترکیه، امارات و قطر بر توسعه کسب و کارهای اینترنتی و جذب نخبه‌ها و کارآفرینان این حوزه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در مقابل مقامات جمهوری اسلامی که گویی در دنیایی موازی سیر می‌کنند، در حالیکه فعالان داخلی به دنبال فرار از ایران برای نجات ایده‌ها و کسب‌وکارهایشان هستند، سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در بخش تکنولوژی ایران دعوت می‌کنند.

محمدامین آقامیری معاون فناوری وزارت ارتباطات جمهوری اسلامی در نمایشگاه جیتکس ۲۰۲۲ به عنوان بزرگترین رویداد فناوری که مهرماه سال گذشته و در اوج محدودیت‌های اینترنتی درون کشور، در دوبی برگزار شد از سرمایه‌گذاران سایر کشورها برای سرمایه‌گذاری در ایران دعوت کرده و ایران را دارای فرصت‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری دانسته است!

این مقام مسئول در سخنانی غیرواقعی، در کنار شرکت‌های خارجی کوچک و مستقل، صاحبان کسب و کارهای اکوسیستم استارت‌آپی ایران را مخاطب قرار داده و با توجه به انحصار ایجاد شده از تحریم‌ها و عدم فعالیت رقیبای خارجی به فعالان داخلی اعلام کرده که این فضا برای رسیدن آنها به یک بازار ۸۰ میلیون نفری و قابلیت صادرات محصولاتشان در پی همکاری با شرکت‌های مستقل خارجی، فراهم است! او گفته نه تنها از حمایت‌های ویژه دولتی در این مسیر بهره‌مند می‌شوند بلکه با کمک‌های وزارتخانه‌ای، امکان توسعه بین‌المللی برای این کنسرسیوم‌های بین‌المللی هم قابل توسعه است!

کاهش ۵۰ درصدی سفارش آتلیه‌های عکاسی و فیلمبرداری؛ رواج تصویربرداری با موبایل از مراسم عروسی به دلیل گرانی



● رئیس اتحادیه عکاسان و فیلمبرداران: امروز به قدری فشار اقتصادی زیاد شده که مراسم را با گوشی داماد فیلمبرداری می‌کنند.

● ۷۰ درصد درآمد یک واحد عکاسی از عکس‌های پرسنلی است؛ اما امروز «پلیس+۱۰» و دفاتر خدمات دولتی مراجعان را مجبور می‌کنند که همانجا عکس بگیرند. ● افزایش دست‌کم ۶۰ درصدی قیمت لوازم تحریر سبب کاهش شدید تقاضا شده و پلمب نوشت‌افزارها به دلیل فروش کالاهایی با تصاویر غیراسلامی مزید بر علت برای کاهش فروش و زیان این واحدها شده است.

افزایش هزینه برگزاری مراسم عروسی و کاهش نرخ ازدواج سبب تعطیلی نیمی از واحدهای صنفی عکاسی و فیلمبرداری عروسی شده است. مشاغل زیادی در ایران به دلیل گرانی و تورم دچار رکود شده و فعالان صنفی تغییر شغل داده یا به ناچار در نبود مشتری، مجبور کسب خود را باطل می‌کنند.

با افزایش تورم و گرانی، و کاهش قدرت خرید مردم بسیاری از کالاها و خدماتی که پیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت از سبد مصرف خانوارها حذف می‌شود. این روند به معنای رکود شدید در برخی کسب و کارهایی است که در گذشته نه چندان دور از رونق خوبی برخوردار بودند.

یکی از مشاغلی که این روزها با کاهش شدید مشتری روبروست، آتلیه‌های عکاسی و فیلمبرداری از مجالس عروسی هستند. مردم دیگر انگیزه‌ای برای ازدواج ندارند و آنها هم که ازدواج می‌کنند از پس خرج سرسام‌آور مراسم عروسی بر نمی‌آیند و از هزینه‌ها می‌زنند.

در همین رابطه زعفر یآوری رئیس اتحادیه عکاسان و فیلمبرداران در گفتگو با وبسایت «تجارت‌نیوز» با بیان اینکه میزان درخواست عکاس فیلمبردار نسبت به سال قبل بیش از ۵۰ درصد کاهش داشته است، گفته تا دو سال پیش عکس و فیلمبرداری از مراسم ختم بیشتر از عروسی بود، اما حالا چنین تقاضایی هم وجود ندارد. وضعیت اقتصادی به مردم اجازه نمی‌دهد که ازدواج کنند و آنهایی هم که ازدواج می‌کنند با حداقل امکانات مراسم را برگزار می‌کنند.

به گفته رئیس اتحادیه عکاسان و فیلمبرداران سال‌ها قبل معمولاً بیشترین هزینه برای یک مراسم عروسی همین قسمت عکسبرداری و فیلمبرداری باغ و آتلیه بود؛ زیرا تنها چیزی که از این شب و مراسم به یادگار می‌ماند عکس و فیلم است؛ اما امروز به قدری فشار اقتصادی زیاد شده که مراسم را با گوشی داماد فیلمبرداری می‌کنند.

کاهش درآمد صنف عکاسان و فیلمبرداران ابعاد دیگری نیز دارد و حتی دیگر مردم کمتر برای عکس‌های پرسنلی به آتلیه‌های عکاسی مراجعه می‌کنند. زعفر یآوری گفته ۷۰ درصد درآمد یک واحد عکاسی از عکس‌های پرسنلی است؛ اما امروز «پلیس+۱۰» و دفاتر خدمات دولتی مراجعان را مجبور می‌کنند که همانجا عکس بگیرند. در حالی که طبق قانون اصناف آنها اجازه این کار را ندارند. از سوی دیگر، تالارها و سالن‌های تشریفات نیز یک واحد عکاسی سیار گذاشتند و با هر ترفندی مراجعه‌کننده را مجاب می‌کنند که با عکاس مستقر در تالار قرارداد ببندند.

یکی از جدیدترین مشاغلی که این روزها خبر تغییر کاربری

واحدهای صنفی یا تعطیلی آنها منتشر شده، فروشگاه‌های نوشت‌افزار هستند. افزایش دست‌کم ۶۰ درصدی قیمت‌ها در این بازار سبب کاهش شدید تقاضا شده از سوی دیگر پلمب فروشگاه‌های نوشت‌افزار به دلیل فروش کالاهایی با تصاویر غیراسلامی مزید بر علت برای کاهش فروش و زیان این واحدها شده است. اینهمه دست به دست هم داده تا بسیاری از فروشگاه‌های لوازم التحریر و کتاب‌فروشی‌ها تعطیل و حتی تبدیل به جگرکی شوند. امسال خانواده‌هایی که محصل دارند بابت خرید دفتر و مداد باید نسبت به سال قبل ۵۰ تا ۶۰ درصد بیشتر هزینه کنند. آنطور که رامین درخشان‌پور، رئیس اتحادیه نوشت‌افزار مشهد، می‌گوید، علاوه بر تورم ۶۰ درصدی، فعالان این صنف با رکود سنگینی هم در طرف تقاضا مواجه شده‌اند. روزنامه «همشهری» گزارش داده که «رصد بازار نشان می‌دهد امسال خانواده‌ها برای خرید یک کوله‌پشتی با نوشت‌افزار و وسایل داخل آن و خرید یک جفت کفش باید حدود ۳ میلیون تومان هزینه کنند. قیمت کوله‌پشتی برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از ۲۵۰ هزار تومان تا بالای یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است که با بررسی‌های انجام شده در این گزارش کوله‌پشتی استاندارد برای دانش‌آموز مقطع ابتدایی که دوام مناسبی هم داشته باشد در بازار کمتر از ۸۰۰ هزار تومان نیست.»

بر اساس این گزارش در سال گذشته، خرید نوشت‌افزار برای هر دانش‌آموز مقطع ابتدایی ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان هزینه دربرداشت امسال اما قیمت نوشت‌افزار با به پای تورم بالا رفته است بطوری که خرید ۵ عدد دفتر مشق ساده، ۲ عدد دفتر نقاشی، ۲ عدد مداد مشکی، ۲ عدد مداد قرمز، مدادرنگی ۱۲ رنگ، ۲ عدد پاک‌کن کوچک، تراش، خط‌کش، چسب نواری و ماتیک و کاغذ رنگی برای کاردستی و جامداتی بیشتر از یک میلیون تومان تمام می‌شود.

در این گزارش، قیمت نوشت‌افزار و همچنین کیف و کفش مورد نیاز برای یک دانش‌آموز مقطع ابتدایی بررسی شده و به نوشت‌افزار لوکس و فانتزی و وسایل کمک‌آموزشی اشاره

نشده است.

وبسایت «تجارت‌نیوز» نیز در گزارشی به نقل از موسی فرزانیان رئیس اتحادیه نوشت‌افزار تهران نوشته که نوشت‌افزار به کالای لوکس تبدیل شده است: «وقتی خانواده‌ای قدرت خرید ضعیفی داشته باشند از خرید کالا لوکس خودداری می‌کنند، اما امسال وضعیت به گونه‌ای شده که ما خودمان نیز انتظار آن را نداشتیم. زیرا قدرت بیشتر خانواده‌ها به قدری ضعیف شده که همان کالا معمولی را نیز نمی‌توانند تهیه کنند. طوری که امروز جعبه مداد رنگی ۲۴ عددی یا آبرنگ تبدیل به کالا لوکس شده»

این فعال صنفی توضیح داده که تورم و کاهش قدرت خرید مردم باعث شده که میزان خرید به حداقل برسد. مطابق گزارش‌هایی که ما از همکاران خود در سطح شهر به دست آوردیم خانواده‌ها سعی می‌کنند تا خرید خود را به حداقل برسانند. در حالی که معمولاً در این فصل خرید عمده برای یک ترم یا تا پایان سال را انجام می‌دادند، اما اکنون با توجه به میزان درآمد خانوار حداقل خرید را دارند. موسی فرزانیان همچنین از تعطیلی و تغییر کاربری نوشت‌افزارها خبر داده و گفته که طی سال‌های اخیر به دلیل کاهش اقبال مردم به خرید کتاب تمام کتاب‌فروشی حوزه کاری خود را با فروش نوشت‌افزار ادغام کردند تا بتوانند هزینه‌های خود را تأمین کنند، اما در چند سال اخیر این روش هم جوابگو نبوده و به رغم اینکه بسیاری از فعالان این حوزه امیدوار بودند با پایان یافتن کرونا وضعیت بهتر شود، اما تورم جلوی بهبود اوضاع را گرفت. مطابق آمار اتحادیه ناشران ۵۰۰۰ واحد صنفی کتابفروشی و لوازم التحریر در تهران حضور دارند که در سال ۱۴۰۰ بیش از ۵۰ واحد جواز خود را باطل کردند.

رامین درخشان‌پور رئیس اتحادیه فروشندهان نوشت‌افزار مشهد نیز از تعطیلی ۱۰ درصد از فعالان این حوزه در سال جاری خبر داد. با توجه به اینکه بسیاری از مغازه‌دارها منتظر این ماه بودند با توجه به گزارش‌های میدانی

دولت بایدن تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی را نادیده گرفته؛ صادرات نفت ایران به حدود دو میلیون بشکه در روز رسید



اسکله پاپانه خارگ

روزانه ۶۵ هزار بشکه نفت به سوریه صادر کرده است. المانیتور می‌نویسد مقامات جمهوری اسلامی از وضعیت فعلی راضی هستند. جواد اوجی وزیر نفت ماه گذشته در نشست سران سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) که در اتریش برگزار شد، به فروش نفت ایران افتخار کرد. اوجی همچنین گفت که ایران در ۲۰ ماه گذشته ۴۰ میلیارد دلار قراردادهای انرژی از جمله با روسیه منعقد کرده و همزمان شرکت‌های بین‌المللی را برای سرمایه‌گذاری دعوت کرده است. واقعیت این است که دولت آمریکا تحریم‌های نفتی ایران را نادیده گرفته است. با اینهمه اوایل این ماه، واشنگتن سرانجام ۸۰۰ هزار بشکه نفت ایران را که در ماه آوریل در مسیر چین توقیف شده بود تخلیه کرد.

در پی تخلیه نفت مصادره شده ایران در تگزاس روز دوشنبه ششم شهریور کاردار سفارت سوئیس در تهران به عنوان حافظ منافع آمریکا به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شد. پیش از این پایگاه خبری بلومبرگ در گزارشی با اشاره به افزایش فروش نفت ایران به چین و معامله جمهوری اسلامی با دولت بایدن برای آزدشدن پول‌های بلوکه‌شده نوشته بود «اینکه ایران در حال حاضر بیشتر از یک دهه اخیر به چین نفت می‌فروشد، تا حدی به این دلیل است که ایالات متحده در تلاش برای پایین نگه داشتن قیمت نفت در میانه‌ی تهاجم روسیه به اوکراین و تلاش‌های عربستان سعودی برای محدود کردن عرضه نفت، تمرکز خود را بر اجرای تحریم‌ها کاهش داده است.»

مخالفان جمهوری اسلامی و جمهوریخواهان آمریکا دائم در مورد مداخلات دولت بایدن با رژیم ایران هشدار داده‌اند. آنها می‌گویند تیم بایدن در اجرای تحریم‌ها سستی به خرج داده و در نتیجه باعث به دست آوردن «سرمایه نقدی بادآورده» توسط جمهوری اسلامی شده تا رژیم از آن برای سرکوب اعتراضات ضد حکومتی، تأمین مالی حملات نیابتی و ارسال پهپادهای انتحاری به روسیه در جنگ علیه اوکراین استفاده کند.

● طبق اعلام شرکت «تانکر ترکرز» صادرات نفت و مبيعات نفتی ایران اکنون به حدود ۹/۱ میلیون بشکه در روز رسیده است. چین از جمله مقاصد اصلی صادرات نفت ایران است. ● به گفته تحلیلگران، افزایش سطح تولید نفت در ایران نشان می‌دهد دولت بایدن تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی را نادیده گرفته و رژیم ایران نیز همچنان اقدام به دور زدن تحریم‌ها می‌کند. ● مخالفان جمهوری اسلامی و جمهوریخواهان آمریکا دائم در مورد مداخلات دولت بایدن با رژیم ایران هشدار داده‌اند.

نظرسنجی رویترز بر اساس اطلاعات شرکت‌های رصدکننده صادرات نفت که نتیجه آن ۳۱ اوت (نهم شهریور) منتشر شد نشان می‌دهد، تولید نفت ایران با وجود تحریم‌ها در ماه اوت (امرداد) و شهریور) به ۱/۳ میلیون بشکه در روز و صادرات آن به حدود ۲ میلیون بشکه در روز رسیده است. این مقدار بالاترین میزان سطح تولید و صادرات نفت از هشتم ماه مه ۲۰۱۸ است که آمریکا از برجام خارج شد و کارزار فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی آغاز گردید. به گفته تحلیلگران، افزایش سطح تولید نفت در ایران نشان می‌دهد دولت بایدن تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی را نادیده گرفته و رژیم ایران نیز همچنان اقدام به دور زدن تحریم‌ها می‌کند.

نظرسنجی رویترز با هدف رصد عرضه به بازار نفت انجام می‌شود و بر اساس داده‌های فراهم شده توسط منابع خارجی، داده‌های رفینیتیو آیکان، اطلاعات شرکت‌های رصدکننده صادرات نفت شامل کپلر و پترولجستیک و اطلاعات ارائه شده توسط منابع شرکت‌های نفت، اوپک و مشاوران تهیه شده است. طبق اعلام شرکت «تانکر ترکرز» صادرات نفت و مبيعات نفتی ایران اکنون به حدود ۹/۱ میلیون بشکه در روز رسیده و چین از جمله مقاصد اصلی صادرات نفت ایران است. بر اساس گزارش المانیتور که داده‌های خود را از مؤسسه «کپلر» دریافت کرده، در ماه ژوئیه (تیر و امرداد ۱۴۰۲) ایران

منتشر شده این عدد تا پایان سال بیشتر خواهد شد. «کیهان لندن» پیشتر در گزارش‌هایی از دیگر مشاغل نوشته بود که به دلیل گرانی و تورم، و کاهش قدرت خرید مردم با کاهش مشتری و زیان گسترده روبرو شده و به ناچار واحد صنفی خود را تعطیل یا تغییر کاربری می‌دهند. برای نمونه امرداد امسال رئیس اتحادیه فروشندگان گل و گیاه تزئینی گفته افزایش دیگر هزینه‌های سنگین زندگی موجب شده بودجه خانوار برای خرید گل یا حذف شده و یا به حداقلی‌ترین نقطه برسد. اکبر شاهرخی رئیس اتحادیه فروشندگان گل و گیاه تزئینی گفته بود افزایش دیگر هزینه‌های سنگین زندگی موجب شده بودجه خانوار برای خرید گل یا حذف شده و یا به حداقلی‌ترین نقطه برسد. رئیس اتحادیه فروشندگان گل و گیاه تزئینی گفته بود که نه تنها تقاضایی برای خرید گل وجود ندارد که حتی محدودیت‌ها در هزینه باعث کاهش ۷۰- ۸۰ درصدی فروش گل نسبت به سال گذشته شده است.

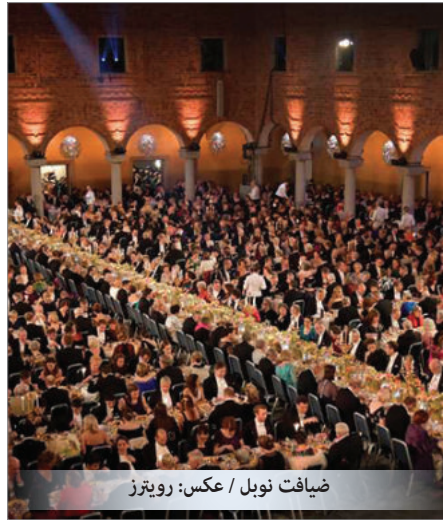
همزمان علی‌اکبر رهبری رئیس اتحادیه رستوران‌داران و سلف‌سرویس نیز از نصف شدن فروش رستوران‌ها خبر داده و گفته بود که هیش قیمت کالاهای اساسی و کاهش قدرت خرید مردم موجب شده تا میزان فروش رستوران‌داران حداقل کاهش ۵۰ درصدی را تجربه کند. به گفته این فعال صنفی تعداد زیادی از رستوران‌داران و صاحبان سلف‌سرویس اقدام به تعطیلی واحد خود کرده‌اند چون بین درآمد و هزینه‌های آن‌ها تطابقی وجود ندارد. رئیس اتحادیه رستوران‌داران و سلف‌سرویس با بیان اینکه بسیاری از واحدهای فعال در این رشته صنفی تعطیل کرده‌اند، گفته بود که «در هفته گذشته صاحب دو واحد صنفی و در یک ماه اخیر صاحب ۵ رستوران در تهران اقدام به تعطیلی واحد خود کرده‌اند.»

اوایل امرداد نیز ابوالفضل رجب‌زاده رئیس اتحادیه لباسشویی و خشکشویی تهران در اینباره گفته که شرایط معیشتی موجب شده تا قابلیت صنف خشکشویی و لباسشویی نادیده گرفته شده و هر ساله تعداد تیراژ کار فعالان این صنف نسبت به سال گذشته کمتر شود.

به گفته رئیس اتحادیه لباسشویی و خشکشویی، «رکود در این صنف دلیلی برای تعطیلی واحدهای صنفی فعال در رشته خشکشویی و لباسشویی شد. در حال حاضر این اتحادیه با ۹۷۰ عضو فعال است البته تا قبل از انقلاب حدود ۱۸۰۰ واحد صنفی در استان تهران فعال بود، اما طی سال‌های اخیر و با توجه به افزایش جمعیت استان، واحدهای صنفی تحت حمایت این اتحادیه به ۱۵۰۰ رسیده است که احتمال دارد این ریزش تا پایان سال تشدید خواهد شد.» کاهش واحدهای صنفی خشکشویی در تهران در حال است که زمان انقلاب جمعیت تهران یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بود و اکنون جمعیت واقعی پایتخت به حدود ۱۹ میلیون نفر رسیده است. یکی دیگر از اصنافی که این روزها با رکود شدید روبرو هستند تعمیرکاران لوازم برقی هستند. این در حالی است که در چند سال گذشته با افزایش قیمت لوازم برقی این شغل دارای رونق شده بود و مردم چون نمی‌توانستند لوازم برقی نو خریداری کنند لوازم قدیمی خود را تعمیر می‌کردند. این روزها اما گرانی چنان خانواده‌ها را زیر فشار قرار داده که دیگر حتی برای تعمیر لوازم برقی هم پولی ندارند.

در آنسو هزینه خدمات تعمیرات نیز متأثر از تورم با افزایش قابل توجهی روبرو شده است. قیمت برخی خدمات در بازار تعمیر وسایل الکترومکانیک نشان می‌دهد این بازار هم مانند سایر بازارها از تورم در امان نبوده و هزینه تعمیرات نسبت به سال گذشته بطور متوسط حدود ۷۰ درصد افزایش قیمت داشته است.

انتقاد از مدیران «بنیاد نوبل» به دلیل دعوت از رژیم‌های ایران، روسیه و بلاروس برای شرکت در مراسم اهدای جوایز



ضیافت نوبل / عکس: رویترز

● ویدار هلگنسن مدیر اجرایی بنیاد نوبل توضیح داد که «شکاف روزافزون جهان به امری واضح بدل شده و در نتیجه آن گفتگو میان دیدگاه‌های مختلف در حال کاهش است. برای مقابله با این گرایش، ما اکنون تصمیم گرفتیم برای گرامیداشت و درک جایزه نوبل و اهمیت جریان آزاد دانش و فرهنگ و جوامع آزاد میزان دعوت‌های خود را گسترش دهیم.»

● منتقدان می‌گویند گفتگو یا دعوت از نمایندگان رژیم‌های جنایتکار و سرکوبگر در سمینارهای بین‌المللی نه تنها تأثیری در صلح جهانی ندارد بلکه آنها را برای ادامه اقداماتشان تشویق و به رهبران آنها مشروعیت می‌بخشد.

● به گزارش «اسکای نیوز» جیمی آکسون رهبر حزب دموکرات سوئد که حامی سیاست‌های ضدمهاجرتی است نیز امسال برای نخستین بار به این مراسم دعوت شده است اما وی در صفحه فیسبوکش از تصمیم خود به عدم شرکت در این مراسم خبر داد و نوشت: «متأسفانه آن روز سرم شلوغ است.»

● به گزارش «نیویورک تایمز» کارلسبرو یکی از نمایندگان پارلمان سوئد گفته رژیم‌های ایران، روسیه و بلاروس حکومت‌های سرکش هستند شهروندانشان را سرکوب کرده و جنگ و ترور را بر مردم خود و کشورهای همسایه‌شان تحمیل می‌کنند.

خبرگزاری «آسوشیتدپرس» اول سپتامبر (دهم شهریور) گزارش داد بنیاد نوبل که مدیریت جوایز معتبر علمی و آکادمیک جهانی را بر عهده دارد، سیاست دعوت از نمایندگان کشورها را تغییر داده و از نمایندگان روسیه، بلاروس و جمهوری اسلامی و همچنین رهبر یک حزب راست افراطی سوئدی که قبلاً ممنوع شده بود برای شرکت در مراسم اهدای جوایز دعوت کرده است.

بنیاد نوبل سال گذشته اعلام کرده بود که سفیران روسیه و بلاروس «به دلیل تهاجم نظامی روسیه به اوکراین» به مراسم اهدای جوایز نوبل دعوت نخواهند شد. بلاروس متحد اصلی روسیه است و الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهوری این کشور از روسیه در جنگ اوکراین حمایت می‌کند.

نماینده جمهوری اسلامی سال گذشته به این مراسم دعوت نشده بود. رژیم ایران علاوه بر ارسال پهباد به روسیه، اقدام به سرکوب مردم در ایران می‌کند اما نمایندگان هر دو رژیم به مراسم نوبل دعوت شده‌اند.

همه جوایز نوبل در استکهلم اهدا می‌شود بجز جایزه صلح که در اسلو اعطا می‌گردد.

ویدار هلگنسن مدیر اجرایی بنیاد نوبل توضیح داد که

کنگره آمریکا خواهان توضیح رئیس ستاد فرماندهی راهبردی ایالات متحده در مورد دلیل دعوت از حسین موسویان شد

● سناتور راجر ویکر و سناتور مایک راجرز در نامه‌ای که به ژنرال آنتونی کاتن فرمانده STRATCOM ارسال شده، خواسته‌اند تا هفتم مهرماه نام و سمت همه مقاماتی را که مسئول تأیید دعوت از موسویان به این نشست هستند، دریافت کنند.

● ناظران کنگره همچنین می‌خواهند بدانند که آیا ارتش ایالات متحده به موسویان برای آمدن به این نشست هزینه رفت و آمد و یا احياناً مخارج هتل و اقامت وی را پرداخت کرده و آیا برای سخنرانی وی «حق‌الزحمه» نیز پرداخت شده یا نه.

کمیته نیروهای مسلح سنا و مجلس نمایندگان آمریکا در نامه‌ای به رئیس ستاد فرماندهی راهبردی ایالات متحده از وی خواسته‌اند در مورد دلیل حضور حسین موسویان در نشست سالیانه «فرماندهی استراتژیک آمریکا» در ایالت نبراسکا توضیح دهد.

پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» اول سپتامبر (۱۰ شهریور) گزارش داد، سناتور راجر ویکر عضو ارشد کمیته نیروهای مسلح سنا و مایک راجرز رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا در نامه‌ای مشترک خود به ژنرال آنتونی کاتن نوشته‌اند «ما نگرانی عمیق خود را درباره حضور مبلغ بدنام ایرانی و مقام ارشد پیشین رژیم ابراز می‌کنیم.» سیدحسین موسویان سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان در زمان «ترور میکونوس» و عضو پیشین تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای رژیم که به عنوان پژوهشگر در دانشگاه پرینستون آمریکا به سود رژیم فعال است، یکی از سخنرانان نشست سالیانه «فرماندهی استراتژیک آمریکا» بوده که ۱۶ اوت (۲۵ مرداد) در ایالت نبراسکا آمریکا برگزار شد و در آن شمار زیادی از چهره‌های نظامی و سیاسی رده بالای آمریکا حضور داشتند.

ویکر و راجرز در نامه‌ای که به ژنرال آنتونی کاتن فرمانده STRATCOM ارسال شد، خواسته‌اند تا هفتم مهرماه نام و سمت همه مقاماتی را که مسئول تأیید دعوت از موسویان به این نشست هستند، دریافت کنند.

ناظران کنگره همچنین می‌خواهند بدانند که آیا ارتش ایالات متحده به موسویان برای آمدن به این نشست هزینه رفت و آمد و یا احياناً مخارج هتل و اقامت وی را پرداخت کرده و آیا برای سخنرانی وی «حق‌الزحمه» نیز پرداخت شده یا نه. نویسندگان این نامه تأکید می‌کنند «ارائه یک تریبون رسمی دولت آمریکا به موسویان برای نشر اکاذیب و تبلیغ برای جمهوری اسلامی کاری به شدت نادرست بوده است.» آنها همچنین تأکید کرده‌اند دعوت از چنین فردی

«شکاف روزافزون جهان به امری واضح بدل شده و در نتیجه آن گفتگو میان دیدگاه‌های مختلف در حال کاهش است. برای مقابله با این گرایش، ما اکنون تصمیم گرفتیم برای گرامیداشت و درک جایزه نوبل و اهمیت جریان آزاد دانش و فرهنگ و جوامع آزاد، میزان دعوت‌های خود را گسترش دهیم.»

منتقدان می‌گویند گفتگو یا دعوت از نمایندگان رژیم‌های جنایتکار و سرکوبگر در سمینارهای بین‌المللی نه تنها تأثیری در صلح جهانی ندارد بلکه آنها را برای ادامه اقداماتشان تشویق و رهبران آنها را مشروعیت می‌بخشد.

به گزارش «اسکای نیوز» جیمی آکسون رهبر حزب دموکرات سوئد که حامی سیاست‌های ضدمهاجرتی است نیز امسال برای نخستین بار به این مراسم دعوت شده است اما وی در صفحه فیسبوکش از تصمیم خود به عدم شرکت در این مراسم خبر داد و نوشت: «متأسفانه آن روز سرم شلوغ است.»

به گزارش «نیویورک تایمز» کارین کارلسبرو نماینده دموکرات پارلمان سوئد، «بنیاد نوبل» را به دلیل بنیان نهادن «بدعتی هولناک» مورد انتقاد قرار داد و گفت که مسئولان بنیاد نوبل در حالی روسیه را به یک مهمانی پر زرق و برق، دعوت کرده‌اند که موشک‌های این کشور بر مراکز فرهنگی اوکراین می‌بارد و کودکان را به قتل می‌رساند.

وی رژیم‌های ایران، روسیه و بلاروس را «حکومت‌های سرکش» خواند که «شهروندانشان را سرکوب کرده و جنگ و ترور را بر مردم خود و کشورهای همسایه‌شان تحمیل می‌کنند.»

این نماینده پارلمان سوئد در گفتگو با رادیوی دولتی این کشور گفت: «این حکومت‌ها هیچ اعتباری برای ارزش‌های دموکراتیک قائل نیستند. جنگی در اروپا در جریان است. [بنیاد نوبل] با اتخاذ چنین موضعی انسجام مورد نیاز در جامعه را تضعیف می‌کند.»

شیرین عبادی حقوقدان ایرانی برنده جایزه نوبل طی یک سال گذشته پس از آغاز خیزش ضدحکومتی در ایران و سرکوب گسترده معترضان توسط رژیم در جریان چند سخنرانی از جمله در محل سازمان ملل از کشورهای خارجی به ویژه غربی‌ها خواسته بود سفرای خود را از ایران خارج کنند و سطح روابط با رژیم را به کاردار کاهش دهند.

عبادی در سخنرانی خود در کنفرانس صلح نوبل، که پنجشنبه نهم شهریور برگزار شد نیز با تأکید بر اینکه شرایط حقوق بشر در ایران هر روز بیشتر رو به «وخاصیت» می‌رود، گفت مردم ایران قصد دارند نظام جمهوری اسلامی را به شکل صلح‌آمیز کنار بگذارند.

نیویورک تایمز: دولت سوئد بیش از ۵۰۰ روز است گروگان گرفته شدن یک سوئدی در ایران را پنهان نگه داشته است



یوهان فلودروس

در این گزارش آمده، جمهوری اسلامی «فرصت طلبانه» ایرانی‌های دوتابعیتی و خارجی‌ها را با اتهامات ساختگی دستگیر و از آنها به عنوان ابزاری برای معامله با اروپا یا آمریکا بهره‌برداری کرده و آنان را تبدیل به اهرم فشار برای باج گرفتن و اخاذی می‌کند؛ چنانکه در ازای آزادی پنج گروگان آمریکایی از زندان اوین شش میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران آزاد شد و همچنین آمریکا شماری از وابستگان زندانی جمهوری اسلامی در آمریکا را آزاد کرد. یوهان فلودروس چندین سمت در مؤسسات وابسته به اتحادیه اروپا داشته و به اتهام «جاسوسی» در ایران بازداشت شده است و در زندان اوین نگهداری می‌شود.

نیویورک تایمز با شش نفری که از این پرونده آگاهی داشتند صحبت کرده است. همه آنها درخواست کردند نامشان فاش نشود. آنها اتهام جاسوسی به فلودروس را رد می‌کنند.

وزارت خارجه سوئد اعلام کرد که در مورد جزئیات این پرونده اظهار نظر نخواهد کرد و دلیل آن محرمانه ماندن آن است.

بر اساس این گزارش، بعد از احمد رضا جلالی پزشک ایرانی-سوئدی که از سال ۱۳۹۵ تا کنون در ایران زندانی است، یوهان فلودروس دومین سوئدی است که در ایران به گروگان گرفته شده است. جلالی به اتهام جاسوسی محکوم به اعدام شده. وی سال ۱۳۹۵ برای شرکت در یک کنفرانس علمی به دعوت وابستگان رژیم به ایران رفت و بازداشت شد. اوایل خردادماه پس از یکسری میانجیگری، اولیویه ونده کاستیل امدادگر بلژیکی گروگان در ایران با اسدالله اسدی دیپلمات-مب‌گذار جمهوری اسلامی در بلژیک معامله شد. بهمن ۱۳۹۹ دادگاه آنتورپ در بلژیک اسدالله اسدی دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین را به اتهام تلاش جهت مپ‌گذاری در نشست سازمان مجاهدین خلق در پاریس مجرم شناخت و او را به ۲۰ سال حبس محکوم کرد.

● روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داد یک شهروند سوئدی بیش از ۵۰۰ روز است در ایران زندانی شده و چنین شرایطی او را به یک ابزار مهم برای باج گرفتن و اخاذی جمهوری اسلامی از غرب تبدیل کرده است.

● یوهان فلودروس که برای دستگاه دیپلماسی اتحادیه اروپا کار می‌کند با وجود هشدارهای دولت‌های غربی در ارتباط با خطرات سفر به ایران، به همراه دوستانش برای گردش به ایران رفته بود اما هنگام برگشت به سوئد در فروردین ۱۴۰۱ در فرودگاه تهران بازداشت می‌شود.

● وزارت امور خارجه سوئد اعلام کرد که در مورد جزئیات این پرونده اظهار نظر نخواهد کرد و دلیل آن محرمانه ماندن آن است.

روزنامه «نیویورک تایمز» روز دوشنبه ۴ سپتامبر (۱۳ شهریور) گزارش داد یک شهروند سوئدی که برای دستگاه دیپلماسی اتحادیه اروپا کار می‌کند، بیش از ۵۰۰ روز است در ایران زندانی شده و چنین شرایطی او را به یک ابزار مهم برای باج گرفتن و اخاذی جمهوری اسلامی از غرب تبدیل کرده است.

فردی که در ایران گروگان گرفته شده یوهان فلودروس نام دارد که ۳۳ سال دارد. وی فروردین ماه سال ۱۴۰۱ به عنوان توریست به همراه چند نفر از دوستانش به ایران سفر کرده بود آنهم در حالی که دولت‌های غربی بارها به شهروندان خود در مورد خطرات و تهدیدات سفر به ایران هشدار داده بودند.

بر اساس گزارش نیویورک تایمز، این فرد ۲۷ فروردین ماه در حال بازگشت به سوئد در فرودگاه تهران بازداشت شد. این دستگیری که بیش از یک سال توسط مقامات سوئد و اتحادیه اروپا مخفی نگه داشته شده، به نظر می‌رسد بخشی از الگوی در حال گسترش همان سیاست اخاذی باشد که به «دیپلماسی گروگانگیری» توسط رژیم ایران معروف شده است.

→ در یک سمپوزیوم با محور «بازدارندگی»، عملکرد برگزارکنندگان آن را زیر سؤال می‌برد و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا آنها واقعاً روی مقابله با تهدیدات روزافزون استراتژیک علیه آمریکا و متحدانش متمرکز هستند؟! این نمایندگان تأکید کرده‌اند که موسویان از سال ۱۹۸۰ «عامل پروپاگاندا» جمهوری اسلامی بوده و در زمان ترور مخالفان حکومت در «رستوران میکونوس» برلین وی سفیر جمهوری اسلامی در آلمان بوده و پس از آن اتفاق وی و چند دیپلمات و عوامل دیگر رژیم از آلمان اخراج شدند.

در این نامه همچنین آمده است موسویان پس از کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده تروریست‌ها در مراسم تشییع جنازه وی شرکت کرد و گفت که «ترامپ فرمانده محبوب سپاه پاسداران را ترور کرده است.»



سخنرانی سیدحسین موسویان در نشست سالیانه «فرماندهی استراتژیک آمریکا» / اوت ۲۰۲۳

موسویان بعدها در یک مستند که در سال ۲۰۲۲ پخش شد تهدیدات علیه مقامات آمریکایی توسط رژیم ایران را مورد تمسخر قرار داد.

وی در این مصاحبه ادعا می‌کند که از «یک آمریکایی» شنیده است که همسر برایان هوک از هشدارهای جمهوری اسلامی در مورد انتقام علیه آمریکا، تا چند شب نمی‌توانست بخوابد و مرتب گریه می‌کرد و می‌لرزید!

این قانونگذاران می‌نویسند: «موسویان در حالی که به تهدیدات جمهوری اسلامی علیه برایان هوک، نماینده ویژه مسائل ایران در وزارت خارجه ایالات متحده اشاره می‌کرد، می‌خندید.»

موسویان در یک مقاله که بهمن ۱۳۹۸ منتشر شد از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پایگاه آمریکایی «عین‌الاسد» در عراق حمایت کرد و حضور مردم در مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی را «حضور اقبانوسی» خواند. وی همچنین خواستار خروج آمریکا از منطقه شد.

اکنون همین فرد در نشست سالیانه «فرماندهی استراتژیک آمریکا» هفت توصیه به استراتژیست‌های آمریکا کرده که «همکاری اقتصادی و تکنولوژیک» با رژیم ایران «بجای تحریم»، «عدم تلاش برای تغییر رژیم» و «افزایش همکاری‌های آکادمیک، فرهنگی و اجتماعی» با جمهوری اسلامی بخشی از آنهاست.

وی همچنین توصیه کرده است برای خامه دادن به چهار دهه خصومت آمریکا با جمهوری اسلامی، «یک گفتگوی جامع و فراگیر با تهران برقرار کنید و به دنبال روابطی بر اساس احترام متقابل، عدم مداخله و منافع مشترک باشید زیرا لیست موضوعات مورد منافع مشترک بین ایران و آمریکا طولانی است!»

پیمان شانگهای و بریکس؛ «خبردرمانی» و توهم «شکست آمریکا»



جمهوری اسلامی در حالی با نگاه ایدئولوژیک سال‌هاست اقتصاد کشور و ومعیشت مردم را به بن‌بست کشانده که طی ماه‌های گذشته عضویت در پیمان شانگهای و بریکس را به عنوان دستاوردی مهم که عامل گشایش اقتصادی و بهبود موقعیت کشور در عرصه بین‌المللی و منطقه خواهد شد تبلیغ می‌کند. مقامات جمهوری اسلامی در حالی عضویت در پیمان شانگهای و بریکس را در برابر «تحریم» و یک پیروزی بر ایالات متحده نشان می‌دهند که همانطور که کامران ندری اشاره کرده، کارشناسان درباره اثربخش بودن این عضویت بر اقتصاد کشور تردیدهایی وجود دارد.

در همین رابطه وبسایت «عصر ایران» در مطلبی با عنوان «با حلوا حلوا دهان شیرین نمی‌شود اما خدا کند با بریکس بریکس سفره رنگین شود!» نوشته «اگر بریکس باعث شود در ماه‌های آینده تورم تک رقمی شود فیها و گرنه با بریکس بریکس کردن دهان مردم شیرین و سفره‌ها رنگین نمی‌شود چرا که مردم به یخچال خانه خودشان بیش از تلویزیون اعتماد دارند. البته کاش بشود. چه کسی بدش می‌آید؟»

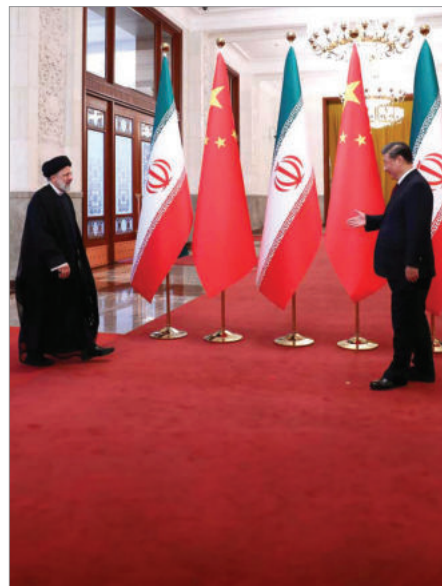
در این مطلب به تیرهای رسانه‌های اصولگرا و حامی دولت رئیسی چون «بریکس غرب‌برانداز»، «آزادراه بریکس»، «بریکس؛ سلام بر جهان جدید»، «عبور از دیپلماسی التماسی» و «شلیک به تحریم‌های آمریکا» اشاره شده و آمده که «توجه داشته باشیم که بریکس اساساً یک سازمان نیست و هنوز به یک بلوک هم تبدیل نشده و تنها قرار است نقشی مانند گروه ۷ (کشورهای صنعتی سرمایه‌داری) را ایفا کند.»

این مطلب افزوده «اینکه ماشین حساب برداریم و جمعیت کشورهای عضو یک نهاد یا پیمان را جمع بزنیم اگر چه به کار تبلیغات می‌آید ولی مشکل خاصی را حل نمی‌کند. کما این که جنبش غیر متعهدها بعد از سازمان ملل بیشترین اعضا از کشورها را دارد ولی عملاً جز نامی از آن باقی نمانده است.»

وحید شقاقی شهری دیگر اقتصاددانی است که ابهاماتی درباره پیوستن ایران به پیمان شانگهای و بریکس را مطرح کرده و گفته که «اگر کشوری بدون برنامه، عضو پیمان‌های بین‌المللی شود و نقشه راه تجاری و راهبرد اقتصادی نداشته باشد، عضویت در این پیمان‌ها برای آن کشور نه تنها عایدی نخواهد داشت بلکه می‌تواند مضراتی هم داشته

می‌شود محدودیت‌های بانکی خود را نشان خواهد داد. الان مشخص می‌شود تعلل‌های ما با نگاه منفی نسبت به FATF چقدر مهم است. البته این وضعیت به این معنا نیست که نمی‌توانیم مراودات مالی داشته باشیم، بلکه هزینه فعالیت تجاری ما زیاد می‌شود. منابع ما رشد آنچنانی نداشته و با درآمد کم فعلی باید هزینه‌های بالا تحریم را تامین کنیم. اگر قرار باشد که شما آنچه را که نیاز دارید با هزینه بالاتری تامین کنید، یک مانع برای رشد و توسعه ایجاد کرده‌اید.»

به گفته کامران ندری «بانک‌هایی که تداوم فعالیت برای آن‌ها مهم نیست ممکن است بپذیرند که با ایران کار کنند و هزینه‌ی آن را نیز می‌پذیرند. بانک‌های بزرگ که با کمترین هزینه می‌توانند یک عمل بانکی را انجام دهند، اصلاً این ریسک را نمی‌کنند که با ما کار کنند. بانک‌هایی درجه ۲ و ۳ وجود دارند که با اخذ هزینه سنگین ممکن است با ما کار کنند. دور زدن تحریم بانکی امکان‌پذیر است، اما به هزینه‌ی بالای آن توجهی نمی‌شود.»



● کامران ندری اقتصاددان و استاد دانشگاه درباره اثربخشی پیمان‌هایی چون بریکس و شانگهای در حالی که ایران دچار محدودیت‌هایی در زمینه تبادلات بانکی است گفته که دولت از نظر بانکی برای تبادلات تجاری با کشورهای عضو پیمان شانگهای و بریکس دچار مشکل است و همواره در حال افزایش هزینه تحریم بانکی است.

● وحید شقاقی شهری اقتصاد دان با بیان اینکه «برآوردها نشان می‌دهد که اقتصاد آمریکا در دهه فعلی همچنان از اقتصادهای برتر دنیا خواهد بود» گفته که «تا زمانی که دلار ارز جهان‌روا و اقتصاد آمریکا اقتصاد برتر است، سایر کشورها و شرکت‌های مطرح در جهان به دلیل ترس از دست دادن بازار آمریکا همچنان از سیاست‌های آمریکا تبعیت می‌کنند.»

یک اقتصاددان در ایران می‌گوید نپذیرفتن FATF کشور را دچار «خودتحریمی» کرده و در پیمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای محدودیت‌های بانکی، خود را نشان خواهد داد.

کامران ندری اقتصاددان و استاد دانشگاه درباره اثربخشی پیمان‌هایی چون بریکس و شانگهای در حالی که ایران دچار محدودیت‌هایی در زمینه تبادلات بانکی است گفته که دولت از نظر بانکی برای تبادلات تجاری با کشورهای عضو پیمان شانگهای و بریکس دچار مشکل است و همواره در حال افزایش هزینه تحریم بانکی است.

این اقتصاددان با بیان اینکه «ارتباط با بانک‌های معتبر جهانی، امر مهم و جامانده‌ای است» گفته که «برای برقراری روابط تجاری با دنیا، نیاز به ارتباط وسیع با بانک‌ها داریم و مسلماً هزینه‌ی کمتری از کار کردن با صرافی‌ها دارند. ما وارد هر پیمانی که بشویم، از پیمان منطقه‌ای تا دوجانبه، نیاز به تصفیه مالی در مبادلات تجاری داریم. ابزار تصفیه پولی و نهادهای نقش آفرین آن بانک‌ها و صرافی‌ها هستند. درواقع از دو جهت با مشکل مواجه هستیم، نخست وجه، خودتحریمی است؛ یعنی به خاطر نپذیرفتن الزامات سازمان‌هایی مانند FATF در لیست سیاه آنها قرار داریم، لذا نمی‌توانیم با بانک‌های خارجی ارتباط داشته باشیم. جهت دوم نیز تحریم‌های آمریکاست.»

این استاد دانشگاه افزوده که «الان که ما وارد این پیمان‌ها

باشد. از جمله اینکه ممکن است تفاهماتی که درباره تعرفه‌ها صورت می‌گیرد به ضرر کشورمان باشد.»
او برای نمونه به عضویت ایران در «سازمان اگو» اشاره کرده و گفته در سالیان سال ایران عضو سازمان اگو هستیم اما عضویت در این سازمان و پیمان برای کشورمان عایدی نداشته و نتوانستیم از ظرفیت‌های اگو استفاده کنیم. هرچند تحلیلگران نزدیک به جریان دولت و مخالف مذاکره با آمریکا معتقدند «بریکس» می‌تواند تحریم‌های ایالات متحده را بی‌اثر کند اما وحید شقاقی شهری با بیان اینکه «برآوردها نشان می‌دهد که اقتصاد آمریکا در دهه فعلی همچنان از اقتصادهای برتر دنیا خواهد بود» گفته که «تا زمانی که دلار ارز جهان‌روا و اقتصاد آمریکا اقتصاد برتر است، سایر کشورها و شرکت‌های مطرح در جهان به دلیل ترس از دست دادن بازار آمریکا همچنان از سیاست‌های آمریکا تبعیت می‌کنند.»
با اینهمه تبلیغات حکومتی با ماهیت «خبردرمانی» که پیشتر درباره مسائلی چون آزادسازی پولهای بلوکه شده انجام شده، ادامه دارد. برای نمونه احمد صالحی تحلیلگر مسائل اقتصادی نزدیک به حکومت مدعی شده که «عضویت ایران در بریکس منجر به توسعه روابط و تعامل جدی در سطوح کارشناسی بین ایران و کشورهای عضو از جمله روسیه، هند، چین، عربستان و آفریقای جنوبی می‌شود.»

این کارشناس گفته که «این تعامل منجر به توسعه تجارت، زیرساخت‌ها، فروش و تأمین کالاهای اساسی بین کشورهای عضو می‌شود و می‌تواند اقدام به تهاجر کالاها کنند زیرساخت‌های پرداختی و لجستیکی باید فراهم شود. در این گروه توافق سیاسی صورت گرفته است و باید در لایحه‌های میانی هم زیرساخت‌هایی از جمله پرداخت، لجستیکی، نمایشگاه و فروش کالاها صورت بگیرد.»

ابراهیم عزیزی نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی هم گفته که «اولین پیام حضور ایران در بریکس، شکست پروژه منزوی سازی ایران است.»
او بدون اشاره به اینکه انزوای ایران طی چهار دهه گذشته به دلیل نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی رخ داده، گفته که «سال‌هاست که آمریکا و هم‌پیمانانش به دنبال منزوی سازی ایران هستند، اما جمهوری اسلامی با تقویت تعاملات خود و حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پروژه انزوای سازی ایران را ناکام گذاشت.»

ابراهیم عزیزی افزوده که «پیوستن ایران به بریکس به معنای شکست پروژه اقتصاد تک‌قطبی یک جانبه‌گرایی با محوریت آمریکایی‌هاست؛ چون با پیوستن ایران و تقویت بریکس شاهد خارج کردن اقتصاد دنیا از چنگال آمریکا و هم‌پیمانانش هستیم.» تبلیغات درباره بریکس تا خطبه‌های نماز جمعه نیز کشیده شده بطوری که حتا احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد هم روز جمعه دهم شهریورماه در هدیانات خود گفته «با عضویت ایران در بریکس، تحریم آمریکا دیگر قوتش را از دست داده است!»

امام جمعه مشهد اذعان کرده است که «وقتی درد و جریان قوی اقتصادی جهانی یعنی «شانگهای» و «بریکس» عضو شدیم و پیمان بستیم، دیگر تحریم آمریکا در اقتصاد ما نقشی ندارد!»
ابراهیم رئیسی نیز پنجشنبه نهم شهریورماه، در نشست با علما و نخبگان اهل تسنن سراسر کشور گفته «نظم جدید جهانی با افول قدرت آمریکا در حال خوردن است و ائتلاف‌های منطقه‌ای مثل شانگهای در برابر قدرت آمریکا در حال قدرت گرفتن است. امروز ابتکار عمل در دست مجاهدین فلسطینی است. جریان مقاومت جریان پیروز است و کسانی که سخن سازش می‌کردند دیگر از سازش نمی‌گویند. امروز در ادبیات مستکبرین حمله به ایران حذف شده زیرا ایران قدرتمند شده است.»

وزیر خارجه کره جنوبی:

تلاش برای حل مشکل انتقال دارایی‌های بلوکه شده ایران ادامه دارد



پارک جین وزیر خارجه کره جنوبی

● حدود یک ماه پس از آزادی پنج گروگان آمریکایی- ایرانی در ازای آزاد شدن شش میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران، وزیر خارجه کره جنوبی اعلام کرد که تلاش‌ها برای انتقال وجوه ایران که در این کشور مسدود شده بود، ادامه دارد.

● رویترز پیش از این اواخر امرداد گزارش داد دارایی‌های ایران به بانک مرکزی سوئیس منتقل شده اما اکنون به نظر می‌رسد این روند با مشکل مواجه شده است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی با اشاره به واریز پول‌ها از کره جنوبی به بانک مرکزی سوئیس توضیح داده بود «از آنجا که انتقال یکجای ۶ میلیارد دلار از بانک‌های کره یک شوک مالی وارد می‌کرد، قرار شد طی چند مرحله جابجا شود و بعد از تبدیل شدن به یورو به یکی از بانک‌های منطقه منتقل خواهد شد.»

حدود یک ماه پس از انتقال پنج گروگان آمریکایی- ایرانی به خارج از زندان در ازای آزاد شدن شش میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران، وزیر خارجه کره جنوبی اعلام کرد که تلاش‌ها برای انتقال وجوه ایران که در این کشور مسدود شده بود، ادامه دارد.

ارائه آماری دقیق از اموال بلوکه شده ایران در کشورهای خارجی به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات کافی، ممکن نیست. ابراهیم رئیسی می‌گوید دیگر پول بلوکه شده در بانک‌های خارجی نداریم اما طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول که سال ۱۴۰۱ منتشر شد، رقم اموال مسدود شده ایران تا پایان آوریل سال ۲۰۲۰ در حدود ۱۱۵ میلیارد دلار تخمین زده شد.

به گزارش رویترز، وزارت خارجه کره جنوبی روز سه‌شنبه ۱۴ شهریور در بیانیه‌ای اعلام کرد که پارک جین وزیر خارجه این کشور در گفتگوی تلفنی با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی که روز دوشنبه انجام شد گفته با کشورهای درگیر برای حل این مشکل در تماس نزدیک هستند.

محمدرضا فرزین رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی گفته بود پول آزاد شده از کره جنوبی صرف خرید کالاهای غیرتحریمی خواهد شد.

همچنین در این بیانیه آمده وزرای خارجه جمهوری اسلامی و کره جنوبی بر گسترش همکاری‌های دو کشور تأکید کردند.

مبلغ اصلی این پول هفت میلیارد دلار بود که یک میلیارد دلار آن به دلیل کاهش ارزش «وون» (پول کره جنوبی) نسبت به یورو و همچنین هزینه‌های تبدیل آن از «وون» به یورو و مخارج بانکی بربراد رفت. البته تا اواسط سال ۱۳۹۹ منابع حکومتی می‌گفتند پول مسدود شده در بانک کره جنوبی ۸ میلیارد دلار است! مشخص نیست چه مقدار از این پول‌ها در طی این مدت چپاول شده است!

گفته شده که بر اساس توافق محرمانه صورت گرفته میان تهران و واشنگتن دارایی‌های ایران به صورت «وون» در کره جنوبی به بانک مرکزی سوئیس منتقل می‌شود و در آنجا تبدیل به یورو خواهد شد و سپس به حساب یک بانک در عمان واریز می‌شود.
رویتز پیش از این اواخر امرداد گزارش داد دارایی‌های

افزایش تجمعات صنفی در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی ۸۴ تجمع در یک هفته



تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات در بروجرد، ۶ شهریور ۱۴۰۲

اعلام منابع و تاریخ آزمون صلاحیت بالینی دندانپزشکی، مقابل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تجمع کردند. این دانشجویان خواستار لغو آزمون شدند.

در هفته‌ای که گذشت همچنین وکلای دادگستری در شهرهای مختلف به مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره مصوبه مجلس درباره گرفت حق صدور مجوز وکالت از کانون وکلا و سپردن آن به وزارت اقتصاد ادامه دادند.

این اعتراضات از دو هفته پیش آغاز شده است و در شهرهای مختلف ایران وکلای دادگستری تجمع کرده و همچنین در شهر کشور در اقدامی اعتراضی کانون وکلا اعلام اعتصاب کردند و دفاتر کانون وکلا به مدت یک تا سه روز بسته شد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز یکشنبه ۲۹ مرداد در مصوبه جدیدی صدور مجوز وکالت را از کانون وکلا گرفته و به وزارت اقتصاد سپردند. اقدامی که استقلال کانون وکلا را از بین برده و این نهاد صنفی را به شدت تضعیف خواهد کرد.

این مصوبه «کانون‌های وکلا را ملزم به تبعیت از مصوبات هیئت مقررات‌زدایی وزارت اقتصاد کردند» و «ابطال مصوبات این هیئت را در دیوان عدالت اداری» ممنوع می‌کند.

تصبره‌های این مصوبه که پیرو لایحه هفتم توسعه تنظیم شده نیز بیش از پیش به محدود کردن کانون وکلا خواهد انجامید. در «تصبره یک، ماده ۴ لایحه برنامه هفتم توسعه» تأکید شده که «اختیار کارآموزی از فرایند صدور پروانه وکالت حذف می‌شود» و «وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارت دادگستری و قوه قضائیه» اقدام به تنظیم «آئین نامه نظارت پسینی بر عملکرد وکلای دادگستری» کرده و آن را به تصویب «هیئت مقررات‌زدایی» ←

مخابرات ایران دست‌کم در استان‌های لرستان، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان، هرمزگان، مازندران، کردستان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه، گلستان، اصفهان، فارس، خراسان رضوی، گیلان، و خوزستان خبر داد.

بنا بر این گزارش، این بازنشستگان معترض با درخواست رسیدگی به مطالباتشان، از جمله اجرای کامل آیین‌نامه استخدامی مصوب سال ۱۳۸۹ و رفع نشدن مشکلات بیمه درمانی، بطور هفتگی مقابل شرکت مخابرات تجمع می‌کنند.

بازنشستگان شرکت مخابرات خواهان اجرای آیین‌نامه استخدامی کارکنان از زمان خصوصی‌سازی شرکت مخابرات و «پرداخت کامل معوقات پس از ۱۳ سال» هستند.

همزمان در روز دوشنبه ششم شهریورماه کارگران پروژه‌ای موسسه رایانه شهر شهرداری تهران، کارکنان موسسه رایانه شهر که در پروژه‌های مرتبط با نگهداری تجهیزات شهری تهران، و کارگران ماشین‌سازی اراک نیز تجمعات جداگانه‌ای برگزار کردند. علت برگزاری هر سه تجمع، اعتراض به دستمزدهای ناچیز و عقب افتادن پرداخت حقوق بوده است. فعالان کارگری همچنین گزارش داده‌اند که کارگران ماشین‌سازی اراک حدود یک ماه است در اعتراض به سر می‌برند.

روز سه‌شنبه هفتم شهریورماه بازنشستگان کشوری چندین شهر ایران برای «دهمین هفته پیاپی» تجمع اعتراضی برپا کرده و شعارهایی چون «جنبش بازنشسته آماده قیام است» سر دادند. بازنشستگان در شهرهای مختلفی از جمله در کرمانشاه، سنج، ایلام، خرم‌آباد، تهران، یزد، شیراز و اردبیل تجمع کردند.

همزمان در روز هفتم شهریورماه جمعی از دانشجویان دندانپزشکی سراسر کشور در اعتراض به نحوه برگزاری، عدم

بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی، کارگران، دندانپزشکان و وکلا از جمله گروه‌هایی هستند که طی یک هفته گذشته تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

«بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) آماری از برگزاری تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف را منتشر کرده که نشان می‌دهد در فاصله بین ۲۴ تا ۳۱ مرداد، ۸۴ تجمع اعتراضی در داخل ایران برگزار شده است.

افزایش شمار تجمعات اعتراضی در آستانه سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و اعتراضات جنبش ملی سال گذشته نشان از افزایش پتانسیل اعتراضی در میان اقشار مختلف دارد.

با نزدیک شدن به سالگرد اعتراضات جنبش ملی، آمار تجمعات اعتراضی که از سوی اصناف و دیگر گروه‌های شهروندان معترض برگزار می‌شود افزایش یافته است. «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در گزارشی از برگزاری ۸۴ تجمع در طول هفته آخر مرداد امسال خبر داده است.

در روزهای گذشته اعتراضات و تجمعات اصناف و گروه‌های مختلف افزایش یافته است. بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی، کارگران، دندانپزشکان و وکلا از جمله گروه‌هایی هستند که طی یک هفته گذشته تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

روز یکشنبه پنجم شهریور نیز بازنشستگان کارگری در چند شهر از جمله دزفول، کرمانشاه، شوش و رشت مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند. بازنشستگان خواسته‌های خود را ترمیم مستمری بر اساس خط فقر واقعی، تأمین درمان رایگان و بهبود خدمات رفاهی دانستند و گفتند: با حداقل مستمری یک هفته هم نمی‌شود زندگی کرد! اتحادیه آزاد کارگران ایران دوشنبه ششم شهریور با انتشار گزارش‌های تصویری از تداوم اعتراضات بازنشستگان شرکت

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران: اعضای تیم حامی «جریان سلطنت طلب» در سیستان و بلوچستان بازداشت شدند!



برافراشتن پرچم شیروخورشید در تظاهرات ضدحکومتی زاهدان

در متن گزارش آمده «گروه‌های معاند ضدانقلاب تلاش داشتند از شرایط زاهدان برای تحقق و ترویج اهداف خود بهره ببرند». نویسندگان این گزارش توضیح داده‌اند «این تیم ابتدا با برافراشتن پرچم شیروخورشید، برنامه‌ریزی داشتند تا بتوانند در ادامه عکس‌ها و پرچم خاندان پهلوی را در سطح شهر نصب کنند.»

در آستانه سالگرد خیزش ملی شمار زیادی از فعالان سیاسی و مدنی در شهرهای مختلف ایران توسط نهادهای امنیتی بازداشت یا احضار شده‌اند. وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) این فعالان را به اتهام همکاری با شبکه‌های «معاند»، «ضدانقلاب» و «آشوبگر» در گوشه و کنار ایران به صورت فله‌ای یا فردی دستگیر می‌کنند.

در یکی از این موارد چهارشنبه شب هشتم شهریور چند لباس شخصی در کرج، امیرحسین نجفی خواهر حدیث نجفی از جانباختگان اعتراضات را در خیابان سوار یک ماشین می‌کنند و او را به محلی نامعلوم می‌برند. این افراد پس از ضرب و جرح امیرحسین وی را در حاشیه شهر رها کردند. حکومت همچنین زیر شکنجه از بازداشتی‌ها اعتراف اجباری گرفته و علیه آنها پرونده‌سازی می‌کند.

در اطلاعیه وزارت اطلاعات در مورد بازداشت کنشگران در گیلان آمده بود که دو نفر از اعضای این تیم که رهبری آنها را به عهده داشتند «در دوره‌های براندازی نرم که توسط سرویس‌های اطلاعاتی دشمن در خارج از کشور برگزار شده آموزش دیده و پس از مراجعت به کشور، ضمن حفظ ارتباط با برگزارکنندگان شناخته شده دوره‌ها، مبالغ قابل توجهی پول در پوشش کمک به خانواده‌ی آسیب‌دیدگان وقایع سال گذشته دریافت کردند.»

پیش از اعلام خبر بازداشت چهار نفر در زاهدان به اتهام حمایت از خاندان پهلوی، وزارت اطلاعات ادعا کرده بود که «یک شبکه گسترده تروریستی- صهیونیستی» را که قصد «بازتولید آشوب» داشتند در چند استان شناسایی و اعضای آن را بازداشت کرده است!

● در گزارش «تسنیم» ادعا شده یک تیم چهار نفره در زاهدان با «مدیریت از خارج مرزها» تلاش کردند با برافراشتن پرچم «شیروخورشید» در میان مردم، جمعیت را همسو با خانواده پهلوی نشان دهند.

● نویسندگان این گزارش توضیح داده‌اند «این تیم برنامه‌ریزی داشتند تا بتوانند در ادامه عکس‌ها و پرچم خاندان پهلوی را در سطح شهر نصب کنند.»

● در آستانه سالگرد خیزش ملی شمار زیادی از فعالان سیاسی و مدنی در شهرهای مختلف ایران توسط نهادهای امنیتی بازداشت یا احضار شده‌اند. وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) این فعالان را به اتهام همکاری با شبکه‌های «معاند»، «ضدانقلاب» و «آشوبگر» در گوشه و کنار ایران به صورت فله‌ای یا فردی دستگیر می‌کنند و زیر شکنجه از آنها اعتراف می‌گیرند.

یک هفته پس از بازداشت شماری از فعالان سیاسی در چند شهر استان گیلان به اتهام «حضور در دوره‌های براندازی» و «فراهم کردن مقدمات اغتشاش»، خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز جمعه دهم شهریور گزارش داد «سربازان گمنام امام زمان» در سیستان و بلوچستان اعضای یک گروهک ضدانقلاب را که حامیان «جریان سلطنت طلب» هستند بازداشت کردند. در این گزارش ادعا شده یک تیم چهار نفره در زاهدان با «مدیریت از خارج مرزها»، تلاش کردند با برافراشتن پرچم «شیروخورشید» در میان مردم، جمعیت را همسو با خانواده پهلوی نشان دهند.

«تسنیم» با انتشار ویدئویی که ادعا شده مربوط به اعتراف این افراد است می‌نویسد، این افراد توسط یک «واسطه» تعدادی پرچم و پوستر دریافت کردند و از آنها خواسته شده پرچم شیروخورشید را در میان جمعیت تجمع‌کننده بعد از نماز جمعه اهل سنت زاهدان برافراشته کنند و فیلم بگیرند و برای «عامل خارجی» ارسال کنند.

➔ بهبود محیط کسب و کار» برساند.

«بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) نیز آمار برگزاری تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف را منتشر کرده که نشان می‌دهد در فاصله بین ۲۴ تا ۳۱ مرداد، ۸۴ تجمع اعتراضی در داخل ایران برگزار شده است.

سعید قاسمی‌نژاد تحلیلگر مسائل سیاسی و اقتصادی از «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» نیز در توثیقی نوشته که «ماه آگست میزان تظاهرات به بالاترین میزان خودش از نوامبر ۲۰۲۲ به بعد رسیده است. بعد از اینکه در ژوئن میزان اعتراضات به کمترین حد خود رسید شاهد روند صعودی اعتراضات هستیم.»

افزایش شمار تجمعات اعتراضی در آستانه سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و اعتراضات جنبش ملی سال گذشته نشان از افزایش پتانسیل اعتراضی در میان اقشار مختلف دارد.

مشکلات اقتصادی و معیشتی طی یک سال گذشته افزایش یافته است. شمار بیشتری از شهروندان به زیر خط فقر رانده شدند و درآمدهایی ناچیز دارند.

«کیهان لندن» در گزارشی با اشاره به افزایش مشکلات معیشتی به عنوان پتانسیلی برای حضور تعداد بیشتری در اعتراضات نوشته بود: «وضعیت اقتصادی که سال‌هاست از سوی بسیاری از تحلیلگران پاشنه آشیل جمهوری اسلامی به شمار می‌رود در ماه‌های گذشته رو به وخامت گذاشته است. در حالی که رکود تورمی و گرانی سبب افزایش فقر و فلاکت شده و بیش از نیمی از خانوارهای کشور برای تأمین نیازهای روزمره و ضروری با مشکلات متعدد روبرو هستند. آثار ناشی از فقر، از جمله خودکشی و یا پدیده‌هایی چون بی‌خانمانی و مهاجرت گسترده شهروندان از کشور نیز به اوج خود رسیده است.»

در آئسو طی یک سال گذشته فشارهای امنیتی و قضایی بر فعالان صنفی افزایش یافته است و همین موضوع نیز بر تقویت پتانسیل‌های اعتراضی در میان آنها افزوده است. «اتحادیه آزاد کارگران ایران» نیز گزارش داده که در حال حاضر ده‌ها فعال صنفی کارگری و آموزگار زندانی محکوم به حبس هستند و ده‌های فعال صنفی نیز احضار شده و یا پرونده‌های قضایی باز داشته و اصطلاحاً «زیر حکم» هستند.

اینهمه در حالیست که مقامات جمهوری اسلامی هراس زیادی از برگزاری دوباره اعتراضات سراسری و خیابانی در سالگرد اعتراضات سال گذشته دارند.

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز دهم مرداد درباره احتمال آغاز موج جدیدی از اعتراضات در سالگرد اعتراضات سال گذشته هشدار داد و گفت: «دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه‌انگیزی کند و با آمادگی و هوشیاری ما دشمن نمی‌تواند کاری انجام دهد و راهکار مقابله با آن، پیشگیری است.» او ادعای دست داشتن دیگر کشورها در اعتراضات مردمی سال گذشته را تکرار کرد و آمریکا و غرب را عامل اعتراضات ضدحکومتی در ایران دانست و گفت که اعتراضات سال گذشته، «قوی‌ترین، خطرناک‌ترین، جدی‌ترین، نابرابرترین و وسیع‌ترین» بود.

مصطفی رستمی رئیس نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها هم آخر تیرماه در جمع معاونین بسیج اساتید کشور هشدار داده بود که آغاز مجدد اعتراضات مردمی می‌تواند از دانشگاه‌ها باشد. او تأکید کرده بود که «دشمن اگر نتواند در سالگرد اغتشاشات کاری کند شکست می‌خورد و آنها [دشمن] اعلام کرده‌اند دانشگاه اولین جایی است که باید اغتشاشات جدید راه‌اندازی شود.»

تجمع سراسری بازنشستگان کشوری در استان‌های مختلف ایران



● بازنشستگان کشوری در یازده استان ایران و در شهرهایی چون تهران، ساری، کرج، رشت، قزوین، کرمانشاه، تبریز، همدان، سنج، یزد، و اهواز اعتراضات سراسری برگزار کردند.

● «بازنشسته بیا خیز، برای رفع تبعیض»، «همسان‌سازی حق مسلم ماست»، «وزیر بی‌کفایت استعفا استعفا»، «تورم، گرانی، بلای جان مردم» و «بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است» از شعارهای بازنشستگان بود.

بازنشستگان کشوری امروز در شهرهای مختلف ایران در اعتراض به درآمدهای ناچیز و اجرا نشدن قانون همسان‌سازی حقوق جمع‌سراسری برگزار کردند. بازنشستگان کشوری که شامل کارمندان و کارکنان دولت هستند امروز سه‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۲ در یازده استان ایران و در شهرهایی چون تهران، ساری، کرج، رشت، قزوین، کرمانشاه، تبریز، همدان، سنج، یزد، و اهواز اعتراضات سراسری برگزار کردند.

آنها خواسته‌هایی مانند برخورداری از حقوق کافی، اجرای قانون همسان‌سازی حقوق و همچنین آزادی فعالان صنفی بازداشت‌شده را در اعتراضات خود مطرح کردند.

«بازنشسته بیا خیز، برای رفع تبعیض»، «همسان‌سازی حق مسلم ماست»، «وزیر بی‌کفایت استعفا استعفا»، «تورم، گرانی، بلای جان مردم» و «بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است» از جمله شعارهای بازنشستگان در شهرهای مختلف کشور بود.

بازنشستگان در تجمع شهر سنج نیز با شعار «درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید» خواستار پیوستن مردم به اعتراضات خود شدند.

آنها همچنین پلاکاردهایی در دست داشتند که جملات و شعارهایی در ارتباط با حقوق صنفی‌شان همچون «وعده وعید شنیدیم، عدالتی ندیدیم» و «عدالت کجایی، غریب روزگاری» بر آنها نوشته شده بود.

اعتراضات و شعارهای بازنشستگان در آستانه سالروز آغاز اعتراضات جنبش ملی پس از جان باختن مهسا امینی قابل توجه است. بطور کلی تجمعات صنفی از سوی بازنشستگان، دانشجویان، کارگران و دیگر گروه‌های شهروندان در هفته‌های گذشته با افزایش روبرو شده است.

شورای بازنشستگان ایران در بیانیه‌ای خواست‌های بازنشستگان را مطرح کرده که از جمله آنها ارسال و اجرای لایحه همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با شاغلان هم‌تراز، افزایش حقوق سالیانه بر اساس میزان تورم واقعی در جامعه، پرداخت ۱۴ هزار میلیارد تومان بابت متناسب‌سازی حقوق‌ها است.

همچنین رعایت حق و حقوق بازنشستگان در بررسی قانون برنامه هفتم توسعه، و تدوین آیین‌نامه اجرایی ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری برای پوشش تمام هزینه‌های درمانی توسط بیمه، از دیگر خواسته‌های این بازنشستگان معترض است.

یکی دیگر از خواست‌های مطرح در اعتراضات گسترده این بازنشستگان، آزادی معلمان زندانی است و چنان که در خواسته‌های آنها آمده، «معلم نباید جایش در زندان باشد» و «بر همین اساس معلمان زندانی باید آزاد گردند».

متن کامل بیانیه «شورای بازنشستگان ایران» درباره حقوق و خواسته‌های معترضان در روز سه‌شنبه ۱۴ شهریور به

شرح زیر است:

«بیانیه و مطالبات بازنشستگان در تجمع سه‌شنبه ۱۴/۶/۱۴۰۲»

پایبند بودن به قانون و مقررات و اجرای آن از طرف دولت و مجلس مهمترین اصول اداره کشور است.

نرخ تورم، و خط فقر راملحظه نمی‌کنید؟!

بیداری چیز خوبی است، اگر خوابید! دیگر و بعد از چندین سال ضایع کردن حق و حقوق قانونی بازنشستگان بیدارتان نخواهیم کرد! که خواب و بیدار شدنتان برایمان تفاوتی ندارد!

آبی به سر و صورت‌تان بریزید، جهان متمدن از مرز معیشت و نیازهای فیزیولوژیکی گذشتند، در جایگاهی بالاتر به عنصر فرهنگ، دانایی، دوست داشتن و دوست داشته شدن رسیدند، با فقر و گرسنگی، و ذلت کشیدن ما را خوار و زبون و بی‌مقدار نکنید! که دیگر دیدار با شما و بیدار کردنتان غیر ممکن خواهد بود!

این پیشکسوتان دریای معرفت و بلاچشیدگان روزگار نامرادی، امروز برای حق طبیعی و قانونی خویش جمع شده‌اند، عزت نفس آنها را به سخره نگیرید که با خواهش و تمنا و کف خیابان‌ها حق و حقوق واقعی خود را پیگیری کنند، اگر خود را به خواب زده‌اید و از حال و روز مشکلات بیخبر هستید جفاکاری‌ها و تداوم قدرت و ثروتتان وقتی با مشروعیت همراه نباشد زهری است که برجان خویش می‌ریزد، چند روزی زندگی این همه جفا کاری در اعطای حق و حقوق قانونی بازنشستگان نمی‌خواهد!

اگر امروز تلاشی و تحولی زمان پسند نکنید فردا دیر است و زمان به عقب بر نمی‌گردد! و دیگر نمی‌گذاریم و اجازه نخواهیم داد «از ماست که بر ماست» شود.

بر همین اساس و طبق معمول هر سه‌شنبه اهم مطالبات بازنشستگان را به شرح زیر در تجمعاتی که برگزار می‌شود اعلام می‌نماییم و تا رسیدن به خواسته‌های قانونی خود ادامه خواهیم داد.

۱- ارسال و اجرای لایحه همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با شاغلین هم‌تراز بر مبنای حداقل ۹۰ درصد ناخالص شاغل مشابه بصورت دائمی توسط دولت و مجلس.

۲- افزایش حقوق‌های سالیانه طبق مواد ۶۴ و ۱۲۵ قانون

مدیریت خدمات کشوری بر اساس میزان تورم واقعی در جامعه.

۳- پرداخت ۱۴ هزار میلیارد تومان بابت متناسب‌سازی حقوق‌ها، جزء ۳ و ۴ بند (ی) تبصره (۲) قانون بودجه ۱۴۰۱ به صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری و صدور احکام بازنشستگان.

۴- رعایت حق و حقوق بازنشستگان در بررسی قانون برنامه هفتم توسعه توسط دولت، کمیسیون تلفیق مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و گنجاندن بندها یا موادی که کلیه حقوق قانونی (میزان دریافتی، هزینه‌های درمانی و امکانات رفاهی و منزلتی) بازنشستگان طبق عدالت و رفع تبعیض براساس قانون اساسی در نظر گرفته باشد.

۵- تهیه و تنظیم آیین‌نامه اجرایی ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری با موضوع بیمه پایه و تکمیلی جامع، کامل بازنشستگان، بطوری که تمام هزینه‌های درمانی را پوشش دهد. ۶- اجرای حق مناطق جنگی بازنشستگان مشمول موضوع بند ۳ و ج ماده‌ی ۱۱۲ قانون برنامه‌ی ششم مانند شاغلین این مناطق.

۷- پرداخت رفاهیات قانونی نقدی و غیرنقدی همچون شاغلین هر دستگاه به بازنشستگان و بخصوص اصلاح امتیاز ماده ۷۵ قانون قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد عیدی، پرداخت مطالبات و دیون ناشی از صدور احکام مهر ۹۹ بابت گروه‌های ارفاقی، رزمندگی، هزینه‌های فوت و ازدواج و دیگر معوقات از خواسته‌های به حق ما بازنشستگان است.

۸- اگر معلمی شغل انبیاء است، پس معلم نباید جایش در زندان باشد، بر همین اساس معلمان زندانی باید آزاد گردند. «پشتوانه محکم، مستدل و مستند درخواست‌های فوق‌الذکر» بندهای ۹ و ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی عدالت به معنای رفع تبعیض و حق و حقوق متناسب، اصل ۲۹ قانون اساسی عدالت به معنی برخورداری از تأمین اجتماعی، که دولت و مجلس موظف هستند بر اساس قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه به تکالیف قانونی خود عمل نمایند.

شورای عالی بازنشستگان کشور

سه‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۲»

هزینه‌های سرسام‌آور مدرسه و تحصیل در آستانه مهرماه ۱۴۰۲

هزار تا ۷۸ هزار تومان دارد. بسته ۱۰ عددی کاغذ رنگی هم حدود ۲۰ هزار تومان و بسته ۲۰ عددی آن ۴۰ هزار تومان است.

سال تحصیلی جدید ۴۰۳-۴۰۲ از اول مهرماه در حالی آغاز می‌شود که فقر و مشکلات اقتصادی، عدالت در آموزش را بیش از پیش مورد تهدید قرار می‌دهد.

شهریورماه سال گذشته مهرنوش قائم‌مقامی مدیرعامل موسسه نیکوکاری «مهرورزان» گفته بود که «امسال قیمت‌ها واقعا سرسام‌آور شده، یعنی ما پارسال کفش را مستقیم از کارخانه، به قیمت ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان به ازای هر جفت می‌خریدیم. حالا قیمت کفش با کیفیتی بسیار پایین‌تر، از ۸۵ هزار تومان شروع می‌شود. آن هم کفشی که دو یا سه سال در انبار مانده و مشتری نداشته. همین اتفاق برای لوازم تحریر افتاده. قیمت نوشت‌افزار چندین برابر شده. هیچ سالی مانند امسال به این مشکل برخوردیم که به پایان مرداد نزدیک شده باشیم اما نتوانسته باشیم حتی دفترهایمان را تامین کنیم.»

این درحالیست که بنا بر گزارش منتشر شده در «همشهری» قیمت‌ها در بازار کفش نیز بسیار بیشتر از سال گذشته رشد داشته است. قیمت کتانی بچگانه در بازار امسال بالاتر از ۵۰۰ هزار تومان است. یک کتانی به نسبت حداقل ۸۰۰ هزار تومان قیمت دارد. کفش و کتانی خارجی بچگانه اصل هم تا ۲ میلیون تومن هم قیمت دارد.

در سال گذشته گرانی سرسام‌آور در نوشت‌افزارها بیش از ۵۰ درصد افزایش قیمت را نشان می‌داد. پارسال کاغذ کالاهای کاغذی تولید داخل تا ۸۰ درصد گران شده بود. این وضعیت در مورد کالاهای خارجی و حتی چینی به مراتب بدتر و هولناک‌تر بوده است. کیف، کوله‌پشتی، جامدادی و مداد و خودکار و پاک‌کن، بطور میانگین تا بالای ۵۰ درصد گران شده بودند و این وضعیت در سال تحصیلی جاری به مراتب بدتر شده است.

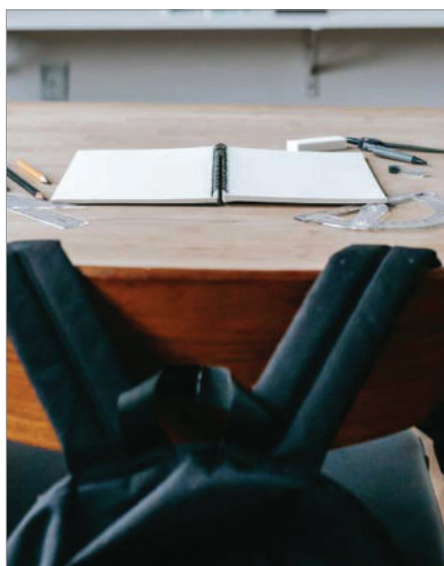
مهم تر از موضوع خرید نوشت‌افزار و کیف و کفش، مسئله پرداخت شهریه مدارس معضل بزرگ والدین به شمار می‌آید.

بر اساس اعلام آموزش و پرورش امسال شهریه مدارس غیردولتی با افزایش ۳۵ درصدی نسبت به سال گذشته روبرو شده است. بدین ترتیب حداقل شهریه مدارس غیرانتفاعی سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مبلغ ۴ میلیون تومان و حداکثر ۳۵ میلیون تومان است.

ارقام شهریه مدارس غیرانتفاعی برای مقاطع دبستان با افزایش بیشتری روبروست و به بیش از ۱۰۰ میلیون تومان می‌رسد.

این ارقام میانگین شهریه‌های درخواست شده از سوی مدارس است. در مدارس غیرانتفاعی معروف که تقاضای بیشتری برای ثبت نام دارند ارقام شهریه تا ۳۰۰ میلیون تومان نیز افزایش یافته است.

پدرمادرها در کنار خرید کیف و کفش و نوشت‌افزار باید به فکر خرید کتاب‌های درسی فرزندان خود نیز باشند. قیمت کتاب‌های درسی مدارس با افزایش حدود ۳۰ درصدی نسبت به سال گذشته روبرو شده است. برای پایه‌های مختلف مقطع ابتدایی افزایش نرخ کتاب‌های درسی از ۱۱ تا ۱۶ تومان گزارش شده است. در مقطع دبیرستان نیز نرخ کتب درسی از ۲۴ تا ۳۱ تومان افزایش داشته است.



تومان در بازار فروخته می‌شود. دفترهای نقاشی با تعداد برگه بیشتر و از نوع فانتزی به قیمت ۱۰۰ هزار تا ۲۰۰ هزار تومان در بازار موجود هستند.»

در حالی که سال گذشته، قیمت دفترهای کلاسور از ۶۰ تا ۱۰۰ هزار تومان و قیمت بسته برگه‌های یکدی هم بین ۲۰ هزار تا ۵۰ هزار تومان بود اما امسال دفتر کلاسوری مناسب مدرسه زیر ۱۵۰ هزار تومان در بازار وجود ندارد و قیمت‌ها بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان است. پدک دفتر کلاسوری هم از ۴۵ هزار تا ۸۰ هزار تومان موجود است.

قیمت هر عدد مداد مشکی بین ۷ تا ۱۸ هزار تومان، قیمت یک بسته ۱۲ عددی مداد مشکی در بازار هم با توجه به کیفیت و برند مداد بین ۷۰ تا ۱۵۶ هزار تومان است. مداد قرمز هم از ۱۰ هزار تا ۱۶ هزار تومان و قیمت بسته ۱۲ عددی آن از ۷۵ هزار تا ۱۹۲ هزار تومان است. قیمت مداد نوکی هم که تنوع بسیار زیادی دارد بین ۵۰ هزار تا ۴۵۰ هزار تومان است که با ۱۲۰ هزار تومان می‌توانید یک مداد نوکی خوب بخرید. نوک مداد نوکی هم بین ۱۰ تا ۲۰ هزار تومان است.

مدادتراش و پاک‌کن از ارزان‌ترین نوشت‌افزار موجود در بازار هستند. پاک‌کن ساده از ۱۰ هزار تا ۳۰ هزار تومان و پاک‌کن با کیفیت بالاتر و ابعاد بزرگ‌تر تا ۱۳۰ هزار تومان هم قیمت دارد. تراش ساده هم ۱۸ تا ۲۲ هزار تومان است. قیمت نوع ساده تراش مخزن‌دار هم حدود ۵۰ تا ۷۵ هزار تومان است.

در میان وسایل مورد نیاز برای مدرسه، قیمت جامدادی بسیار افزایش داشته است. در حال حاضر، ساده‌ترین جامدادی موجود در بازار که چندان مناسب مدرسه نیست ۵۰ تا ۸۰ هزار تومان است. جامدادی ساده‌ای که دانش‌آموز مقطع ابتدایی بتواند نوشت‌افزار خود را در آن بگذارد بالای ۱۵۰ هزار تومان قیمت دارد. در این میان، قیمت جامدادی‌های سه‌بعدی و آهن‌ربایی تا ۴۰۰ هزار تومان هم می‌رسد. خط‌کش‌ها با قیمت ۱۰ هزار تا ۴۵ هزار تومان در بازار فروخته می‌شوند. هر حلقه چسب نواری ساده ۸ هزار تومان، چسب نواری رنگی هم با توجه به ضخامت از ۱۰ هزار تومان موجود است. چسب ماتیکی مناسب برای کاردستی کودکان قیمت‌های متفاوتی از ۲۰

● وبسایت «همشهری» در آستانه بازگشایی مدارس و اول مهر و سال تحصیلی جدید با انتشار گزارشی نوشته است: «رصد بازار نشان می‌دهد امسال خانواده‌ها برای خرید یک کوله‌پشتی با نوشت‌افزار و وسایل داخل آن و خرید یک جفت کفش باید حدود ۳ میلیون تومان هزینه کنند.

● این درحالیست که بنا بر گزارش منتشر شده در «همشهری» قیمت‌ها در بازار کفش نیز بسیار بیشتر از سال گذشته رشد داشته است. قیمت کتانی بچگانه در بازار امسال بالاتر از ۵۰۰ هزار تومان است. یک کتانی به نسبت حداقل ۸۰۰ هزار تومان قیمت دارد. کفش و کتانی خارجی بچگانه اصل هم تا ۲ میلیون تومن هم قیمت دارد.

این روزها ۳ میلیون تومان حداقل هزینه خرید یک کوله‌پشتی، نوشت‌افزار و یک جفت کفش در ایران است. «اگر از هزینه‌های نجومی و گزاف ثبت نام در مدرسه و هزینه سرویس مدرسه و رپوش مدرسه بگذریم، خرید نوشت‌افزار و کیف و کفش هم بار مالی سنگینی برای پدرها و مادرها دارد که در این میان، فشار بر خانواده‌هایی که بیشتر از یک فرزند محصل دارند، بیشتر است.»

وبسایت «همشهری» در آستانه بازگشایی مدارس و اول مهر و سال تحصیلی جدید با انتشار گزارشی نوشته است: «رصد بازار نشان می‌دهد امسال خانواده‌ها برای خرید یک کوله‌پشتی با نوشت‌افزار و وسایل داخل آن و خرید یک جفت کفش باید حدود ۳ میلیون تومان هزینه کنند. قیمت کوله‌پشتی برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از ۲۵۰ هزار تومان تا بالای یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است که با بررسی‌های انجام شده در این گزارش کوله‌پشتی استاندارد برای دانش‌آموز مقطع ابتدایی که دوام مناسبی هم داشته باشد در بازار کمتر از ۸۰۰ هزار تومان نیست.»

بر اساس این گزارش در سال گذشته، خرید نوشت‌افزار برای هر دانش‌آموز مقطع ابتدایی ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان هزینه دربرداشت امسال اما قیمت نوشت‌افزار پا به پای تورم بالا رفته است بطوری که خرید ۵ عدد دفتر مشق ساده، ۲ عدد دفتر نقاشی، ۲ عدد مداد مشکی، ۲ عدد مداد قرمز، مدادرنگی ۱۲ رنگ، ۲ عدد پاک‌کن کوچک، تراش، خط‌کش، چسب نواری و ماتیک و کاغذ رنگی برای کاردستی و جامدادی بیشتر از یک میلیون تومان تمام می‌شود. در این گزارش، قیمت نوشت‌افزار و همچنین کیف و کفش مورد نیاز برای یک دانش‌آموز مقطع ابتدایی بررسی شده و به نوشت‌افزار لوکس و فانتزی و وسایل کمک‌آموزشی اشاره نشده است.

در این گزارش نوشت‌افزار مورد نیاز یک دانش‌آموز برای شروع سال تحصیلی محاسبه شده و آمده است: «به احتمال زیاد خانواده‌ها در طول سال باز مجبور به خرید دوباره نوشت‌افزار شوند.»

در این میان، قیمت دفتر مشق ۶۰ برگ ساده در بازار حدود ۳۰ هزار تومان و نوع سیمی ساده آن ۴۰ تا ۶۸ هزار تومان، قیمت دفتر ۸۰ برگ هم بین ۵۰ هزار تا ۷۰ هزار تومان است و خانواده‌ها برای خرید ۵ عدد دفتر ساده باید حدود ۲۵۰ هزار تومان هزینه کنند. یک پد عددی دفتر ۱۰۰ برگ سیمی هم حدود ۳۷۰ هزار تومان است. دفتر نقاشی ۴۰ تا ۶۰ برگ مناسب مقطع ابتدایی به قیمت ۴۰ تا ۶۰ هزار

افزایش ۶۱ درصدی بدهی دولت و شرکت‌های دولتی بار پرداخت بدهی دولت بر دوش مردم



خاندوزی ادامه داده با وجود این شرایط در داخل و تحریم‌ها و بن‌بست دیپلماسی دولت رئیسی موفق شده وضعیت را بهبود ببخشد. از دیگر ادعاهای عجیب وزیر اقتصاد اینست که دولت توانسته «در ماه‌های اخیر با وجود مشکلات تورمی در موضوعاتی از جمله مسکن و کالاهای خوراکی بر این موانع غلبه کند.»

مهدی پازوکی تحلیلگر اقتصادی معتقد است که ادعاهای دولت درباره کاهش تورم و افزایش رشد اقتصادی ... تنها یک ادعای غیرقابل اعتنا است. او گفته که «اقتصاد هیچ کشوری با دستور و فرمان بهبود نمی‌یابد و توضیح عملکرد هر دولتی نیز بر اساس شاخص‌ها و معیارهایی براساس استانداردهای بین‌المللی قابل اعتناست و گفته‌های دولت‌مردان در حوزه‌های مختلف با اعلام رشد اقتصادی، تحقق درآمدهای دولت، نداشتن کسری بودجه و ... در حد یک ادعا بیشتر قابل اعتنا نیست، چرا که یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های بهبود وضعیت اقتصادی تحقق درآمدها بهبود ارزش پول ملی و کاهش نرخ تورم است.»

این کارشناس اقتصادی در ادامه افزوده که «بر اساس آنچه در جامعه مشهود است به ارزش پول ملی و کاهش نرخ تورم دست نیافته‌ایم. این در حالی است که به گفته مستولان افزایش فروش نفت، افزایش درآمدهای مالیاتی، آزادسازی اموال بلوکه شده ایران و ... همه فرصت‌هایی است که باید برای ما کاهش نرخ تورم و بهبود ارزش پول ملی را به ارمغان بیاورد، اما در کدام یک از نقطه کشور شاهد کاهش قیمت‌ها یا حداقل ثبات قیمت‌ها بوده است؟»

ارائه آمارها و توضیح شرایطی تخیلی از سوی مقامات دولتی تنها به احسان خاندوزی خلاصه نمی‌شود. ابراهیم رئیسی نیز به تازگی مدعی شده که «همه شاخص‌های اقتصادی کشور در مسیر رشد است.»

همچنین علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هفته گذشته در دیدار با اعضای هیئت دولت به تعریف و تمجید از عملکرد اقتصادی دولت رئیسی پرداخت و

درصد از تولید ناخالص داخلی ایران است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین در ۲۶ مرداد امسال در گزارشی نوشته بود که «میانگین برداشت از منابع صندوق توسعه ملی در دولت دهم (دولت دوم احمدی‌نژاد) ماهانه ۴۵۳ میلیون دلار، در ۸ ساله دو دولت روحانی ماهانه نزدیک به ۷۰۰ میلیون دلار و در دولت سیزدهم (یک سال و نیم) میانگین ۱۲/۱ میلیارد دلار در ماه بوده است.»

این آمارها در حالی منتشر می‌شود که تیم اقتصادی دولت ادعاهای عجیب و نادروستی درباره وضعیت اقتصادی کشور و شاخص‌های کلان عنوان می‌کند تا عملکرد خود را مثبت جلوه دهد.

چند روز پیش از انتشار گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی با اعلام نرخ رشد ۴ درصدی در اقتصاد، مدعی شده افسار رشد نقدینگی‌های بی‌سابقه در کشور کشیده شده است! احسان خاندوزی در ادامه ادعاهای خود گفته که چهار فصل پیاپی است که نرخ بیکاری کشور به تدریج روند کاهشی داشته و به ۲/۸ درصد رسیده است و میزان جذب سرمایه‌گذاری نیز از صفر درصد به ۷/۶ درصد افزایش یافته و صادرات غیرنفتی کشور «رکورد» زده است.

وی همچنین گفته «برخی افراد در دولت قبل تا چند هفته پیش از استقرار کابینه، گفتند به زودی کشور وارد تورم‌های سه رقمی می‌شود و به ریاست جمهوری گفتند بعید است بتوانید مشکلات را برطرف کنید.»

او افزوده که «دولت کار خود را زمانی شروع کرد که کسری بودجه قابل توجهی داشت، و هر آنچه که منابع ارزی برای وارات کالاهای اساسی نیاز بود که در این زمینه مجلس ۸ میلیارد دلار تخصیص داده بود در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۰ مصرف شد، با حضور بنده در وزارت اقتصاد و دارایی گفته شد ۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی خزانه کشور است و استقراضی است که از بانک مرکزی جمهوری اسلامی صورت گرفته است.»

● در مدت یک سال و نیم نخست فعالیت دولت ابراهیم رئیسی بدهی دولت ۳۰ درصد و بدهی شرکت‌های دولتی ۹۰ درصد افزایش یافته است.

● این آمار در حالی منتشر شده که وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی به تازگی با اعلام نرخ رشد ۴ درصدی در اقتصاد، مدعی شده افسار رشد نقدینگی‌های بی‌سابقه در کشور کشیده شده است!

● مرتضی افقه اقتصاددان «تورم» را یکی از مهمترین نتایج افزایش بدهی دولت ارزیابی کرده و گفته که «این بدهی بدین معنی است که مردم از طریق تورم این هزینه را پرداخت می‌کنند.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی جدید از افزایش ۶۱ درصدی بدهی دولت و شرکت‌های دولتی در هجده ماه نخست فعالیت دولت رئیسی خبر داده است. یک اقتصاددان معتقد است افزایش این بدهی بدین معنی است که مردم از طریق تورم این هزینه را بجای دولت پرداخت می‌کنند.

تازه‌ترین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که مجموع بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی در پایان سال ۱۴۰۱ در مقایسه با پایان شهریور ۱۴۰۰ معادل ۶۱ درصد رشد داشته است. این در حالیست که در این مدت بدهی‌های اوراقی رشد ۴۲ درصدی داشته‌اند.

این گزارش همچنین نسبت بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی را در انتهای پاییز سال ۱۴۰۱ برابر با ۶/۳۰ درصد اعلام کرده است.

در مدت یک سال و نیم نخست فعالیت دولت ابراهیم رئیسی بدهی دولت با رشدی ۳۰ درصدی به یک‌هزار و ۲۴۸ تریلیون تومان و بدهی شرکت‌های دولتی با رشدی ۹۰ درصدی به یک هزار و ۸۹۱ تریلیون تومان افزایش یافته است. مجموع بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی در ۶ ماهه ابتدایی ۱۴۰۱ نسبت به زمان ۶ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰ معادل ۵۱ درصد رشد داشته و تا پایان پارسال حدود سه هزار و ۱۳۸ تریلیون تومان برآورد شده که معادل حدود ۲۹

«امروزها»: مرگ در تبعید قهرمانی راستین؛ حسن رهنوردی درگذشت



عکس از گفتگوی «امروزها» با محمدحسن رهنوردی

همچنین در سیاست نیز حضور و تجربه داشت. به نوشته «امروزها» این قهرمان ورزشی عضو «حزب ایران نوین» و ۳ دوره متوالی نماینده مجلس شورای ملی ایران در آستانه انقلاب ۵۷ نیز، استاندار یزد بود.

او ورزشکاری تحصیلکرده بود که هم در رشته دندانی پزشکی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و هم مدرک کارشناسی ارشد بهداشت عمومی از دانشگاه معتبر جانز هاپکینز آمریکا را داشت.

حسن رهنوردی که از سوی حکومت برآمده از انقلاب ۵۷، به مصادره اموال و استرداد حقوق دوره نمایندگی و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم گردید، در غربت زندگی را از صفر آغاز کرد و هرگز از تلاش و حرکت نایستاد.

این قهرمان ملی‌پوش به عمر انقلاب ارتجاعی در حد توان خود علیه رژیم برآمده از آن فعالیت و روشنگری کرده است. او همچنین دست به قلم بود و چند کتاب در مورد زندگی پربار خود و همچنین باورهایش منتشر کرده است. او با شماری از رسانه‌های فارسی‌زبان در لس آنجلس نیز همکاری داشته است.

«امروزها» در ادامه نوشته است، حسن رهنوردی در اسفند ۱۴۰۰/ فوریه ۲۰۲۲، در سن ۹۵ سالگی، پذیرای تیم این رسانه شد: «قهرمان هرگز از ما نپرسید، که ما در چه زمینه‌ای گفتگو خواهیم کرد و سؤالاتمان چیست. تنها شرطش این بود که مهمان او برای صرف ناهار باشیم و تنها توصیه و درخواستش هم این بود، که «بجای سلام، درود بگویم»، که هر دو را اجابت کردیم.»

● «امروزها» ضمن اعلام این خبر و تسلیت به خانواده‌ی حسن رهنوردی و کلیه ورزشکاران و ورزش‌دوستان نوشته است، محمد حسن رهنوردی، قهرمان ملی‌پوش وزنه‌برداری ایران، که در مجموع ۸ مدال طلا، نقره و برنز از مسابقات جهانی و آسیایی برای ایران کسب کرده است، از مدیران ورزش ایران پیش از انقلاب بود.

● او همچنین دست به قلم بود و چند کتاب در مورد زندگی پربار خود و همچنین باورهایش منتشر کرده است. او با شماری از رسانه‌های فارسی‌زبان در لس آنجلس نیز همکاری داشته است.

«امروزها» با اعلام خبر درگذشت حسن رهنوردی نوشت که این قهرمان وزنه‌برداری چندی پیش آخرین و کامل‌ترین گفتگوی خود را با این رسانه انجام داد. این گفتگو با عنوان «از سکوی قهرمانی تا کرسی پارلمانی» فوریه ۲۰۲۳ منتشر شد.

«امروزها» ضمن تسلیت به خانواده‌ی حسن رهنوردی و کلیه ورزشکاران و ورزش‌دوستان نوشته است، محمد حسن رهنوردی، قهرمان ملی‌پوش وزنه‌برداری ایران، که در مجموع ۸ مدال طلا، نقره و برنز از مسابقات جهانی و آسیایی برای ایران کسب کرده است، از مدیران ورزش ایران پیش از انقلاب بود.

رهنوردی به مدت ۵ سال رئیس کمیته ملی المپیک ایران بود و سرپرستی کاروان ورزشی ایران را در بازی‌های المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی و ۱۹۷۲ مونیخ برعهده داشت. وی

در ادعایی دروغ گفت که «تعداد قابل توجهی از شاخص‌های اقتصاد کلان، رشد و پیشرفت را نشان می‌دهد». رهبر جمهوری اسلامی با اشاره به «کارهای قوی دولت در بخش اقتصاد به رشد شاخص‌های کلان از جمله رشد اقتصادی به‌خصوص در بخش صنعت، افزایش رشد سرمایه‌گذاری، کاهش رشد نقدینگی، کاهش بیکاری، کاهش ضریب جینی و افزایش صادرات» گفته بود که «تقویت نظام مالیاتی، افزایش محصولات پتروشیمی و کارهای ارزنده در زمینه نفت و گاز و راه‌اندازی چند هزار کارگاه تعطیل یا نیمه‌تعطیل از دیگر اقدامات قابل تقدیر دولت است که البته اثرگذاری افزایش شاخص‌های کلان اقتصادی و اقدامات زیربنایی در زندگی مردم، نیاز به گذشت زمان دارد.»

دولت ابراهیم رئیسی برخلاف دولت حسن روحانی دستکاری در بازار ارز و بورس را کاهش داده و تمرکز برای جبران کسری بودجه را به استقراض و برداشت از منابع صندوق توسعه ملی گذاشته است. این رویکرد دولت رئیسی نیز همچون سایر شیوه‌های تأمین کسری بودجه تأثیر منفی در اقتصاد داشته و در نهایت به معیشت خانوارها آسیب رسانده است.

افزایش ۶۱ درصدی بدهی‌های دولت رئیسی به معنی نقدینگی بیشتر، تورم بیشتر است. دولت رئیسی در حالی ادعای بی‌اساس کاهش تورم را مطرح می‌کند که افزایش تورم ماهانه از ابتدای هر ماه نشان از ادامه روند افزایش تورم دارد. مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز نیز معتقد است افزایش بدهی دولت بدین معنی است که مردم از طریق تورم این هزینه را بجای دولت پرداخت می‌کنند.

این اقتصاددان توضیح داده که «دولت از قبل یکسری هزینه‌ها برای خود ایجاد کرده. خیلی از ردیف‌های هزینه با فشار و نفوذ و چنین روش‌هایی به بودجه افزوده شدند. دولت‌ها تا درآمد نفت داشتند مشکلی در تأمین کسری بودجه حس نمی‌شد اما بعد از آغاز تحریم‌ها و کاهش درآمد نفت طبیعی است که دولت‌ها در تأمین کسری بودجه با مشکل روبرو باشند.»

مرتضی افقه همچنین با اشاره به روش‌های به کار گرفته شده از سوی دولت برای جبران کسری بودجه گفته که «دولت برای رفع کسری بودجه بطور عمده از بانک‌ها قرض کرده چون دولت دیگر نمی‌تواند به دلیل تورم به مردم اوراق قرضه بفروشد. دولت‌ها تا درآمد نفتی نداشته باشند نمی‌توانند این بدهی‌ها را پرداخت کنند و روش دیگری برای این کار نیست. او به هزینه‌هایی اشاره کرد که در ردیف بودجه حساب نمی‌شوند اما برای دولت هزینه‌زا است مانند راهپیمایی اربعین.»

این اقتصاددان همچنین «تورم» را یکی از مهمترین نتایج افزایش بدهی دولت ارزیابی کرده و گفته که «این بدهی بدین معنی است که مردم از طریق تورم این هزینه را پرداخت می‌کنند. وقتی که دولت کسری داشته باشد اگر می‌توانست از طریق انتشار اوراق قرضه بدهی را تأمین کند، تورم کمتری ایجاد می‌شد. ولی چون عملاً دولت از بانک قرض می‌گیرد و نقدینگی بدون افزایش تولید افزایش می‌یابد تبدیل به تورم می‌شود.

استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز با اشاره به آخرین آمارهای تورمی منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران گفته که «تورم ۴۵ درصدی یعنی مردم هزینه‌های ناکارآمدی دولت، کسری بودجه و خرج اضافی دولت را پرداخت می‌کنند. این تورم عمدتاً بر دوش طبقات کم‌درآمد و متوسط است بنابراین در نتیجه نهایی این هزینه عمده کسری بودجه را این طبقات پرداخت می‌کنند.»

آزار شهروندان به بهانه «بی حجابی»؛ اپلیکیشن «ناظر» در خدمت خبرچینی و جاسوسی علیه مردم توسط لباس شخصی‌ها



او گفته که «تعداد نیروهای مستقیمی که با مجموعه ما فعالیت دارند حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر و نیروهای غیرمستقیم که با ما فعالیت می‌کنند نیز نزدیک به هزار نفر هستند.»

بر اساس آخرین آماري که اسماعیل برات معاون نظارت و ارزیابی خدمات گردشگری کشور اعلام کرده، در یک سال گذشته ۷۷ واحد گردشگری سراسر کشور شامل هتل، اقامتگاه بوم‌گردی، سفره‌خانه سنتی و مرکز بین‌راهی و... به دلیل آنچه «رعایت نکردن شئونات و حجاب» عنوان می‌شود، پلمب شده‌اند و شغل بالغ بر ۷۵۳ نفر از کارکنان این واحدها تحت تأثیر این تعطیلی‌های موقت قرار گرفته است.

بر اساس این آمار، در میان استان‌های کشور بیشترین سهم پلمب تأسیسات گردشگری متعلق به استان اصفهان است و ۵/۲۷ درصد از مجموع مراکز گردشگری پلمب شده در کشور در این استان قرار دارد. استان تهران با ۹ درصد، لرستان و گلستان با ۷ درصد و استان کرمان با ۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

به گفته اسماعیل برات اقامتگاه‌های بوم‌گردی و سفره‌خانه‌های سنتی بیشترین سهم را در میان مراکز پلمب شده فعال در حوزه گردشگری داشته‌اند. بر همین اساس ۵۲ درصد از کل تأسیسات گردشگری پلمب شده در کشور، اقامتگاه‌های بوم‌گردی هستند.

بجز تبعات اقتصادی و ضرر و زیان‌های مالی که این برخورد قهری برای واحدهای صنفی در پی دارد، مراکز گردشگری با آثار دیگری در پی این پلمب‌ها روبرو هستند که با گذشت زمان می‌تواند نتایج منفی بسیاری برای بخش گردشگری کشور داشته باشد.

روزنامه «اعتقاد» در گزارشی به آمار پلمب مراکز گردشگری پرداخته و نوشته که صاحبان اقامتگاه‌هایی که به دلیل «رعایت نکردن شئونات» پلمب شده‌اند به امید بهبود اوضاع و ایجاد اشتغال در زادگاه‌شان در مواردی با

مستندی وجود ندارد، غیر از دستورالعمل و مصوبه‌ای غیرقانونی که وزیر کشور ابلاغ کرده است.

در ماه‌های گذشته خرابی‌های غیررسمی از طراحی سامانه‌های گزارش کشف حجاب در اماکن عمومی حکایت داشت. اکنون محسن برهانی گفته که «روی گوشی برخی افراد جامعه نرم‌افزاری نصب کردند و آنها در خیابان می‌چرخند و گزارش بی‌حجابی می‌دهند. آنها چیزی به اسم ناظر یک و دو و سه دارند. با این برنامه شماره پلاک ماشین‌ها را می‌نویسند، این شماره وارد سیستم می‌شود و آن سیستم هم به ارسال اس‌ام‌اس و توقیف ماشین ختم می‌شود. اینها در واقع افرادی هستند که خود را به نهادهایی مانند ستاد امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کنند، آنجا برای اینها کلاس مختصری گذاشته می‌شود و بعد از ناظر استفاده می‌کنند.»

اینهمه در حالیست که لایحه جنجالی حجاب و عفاف که قوانین زیادی در رابطه با مبارزه با پوشش اختیاری در آن گنجانده شده هنوز از سوی شورای نگهبان تصویب و به «قانون» تبدیل نشده است. با اینهمه به نظر می‌رسد نهادهای سازمان‌های مختلف هر یک مسیری برای مبارزه با «بی‌حجابی» تصویب و با همه توان مشغول محدودسازی فضای جامعه و ایجاد مزاحمت و دردسر برای شهروندان هستند.

همچنین یک سال است که ده‌ها واحد گردشگری به بهانه «رعایت نکردن شئونات و حجاب» پلمب شده و زیان گسترده‌ای به این بخش وارد شده است.

در آخرین نمونه پلمب اماکن تفریحی و گردشگری، مدیر اجرایی مرکز تفریحی «سرزمین موج‌های خروشان» از پلمب این مجموعه خبر داده و گفته که «موج‌های خروشان بعد از اتمام فعالیت کاری خود در ساعت ۹ شب پلمب شد. دلیل پلمب هم به علت عدم رعایت عفاف و حجاب بوده است. در صورتی که ما تمامی موارد مثل چاپ بنر و تذکر به افراد را رعایت کردیم.»

● معاون نظارت و ارزیابی خدمات گردشگری: در یک سال گذشته ۷۷ واحد گردشگری کشور به دلیل «رعایت نکردن شئونات و حجاب» پلمب شده و شغل ۷۵۳ نفر از کارکنان این واحدها تحت تأثیر قرار گرفته است.

● توقیف اتومبیل‌ها به بهانه «حجاب» از ماه‌ها پیش در دستور کار قرار گرفته اما این روزها شدت پیدا کرده است. ● محسن برهانی: روی گوشی برخی افراد جامعه نرم‌افزاری نصب کردند و آنها در خیابان می‌چرخند و گزارش بی‌حجابی می‌دهند.

جمهوری اسلامی به اشکال مختلف در حال ایجاد محدودسازی شهروندان و افزایش کنترل در جامعه به بهانه «مبارزه با بی‌حجابی» است. آمران به معروف مجهز به اپلیکیشن هستند که به وسیله آن در خیابان‌ها جاسوسی و خبرچینی کرده و گزارش بی‌حجابی می‌دهند.

«مبارزه با بی‌حجابی» اسم رمز محدود ساختن بیش از پیش شهروندان و تحت کنترل در آوردن بخش خصوصی گردشگری در کشور شده است.

برخوردهای قهرآمیز و توهین‌آمیز با شهروندان از سوی مأموران رسمی و لباس شخصی‌های زن و مردی که به عنوان «آمر به معروف» شناخته می‌شوند هم بخشی از محدودیت‌ها و عذابی است که برای شهروندان به ویژه زنان ایجاد شده است.

روزنامه «شرق» در گزارشی نوشته توقیف خودروهای شخصی به دلیل رعایت نکردن حجاب، به یک دردسر برای شهروندان تبدیل شده است. از توقیف ماشین مسافران در جاده‌های بین‌شهری تا گزارش کشف حجاب رانندگان در لوکیشن‌های اشتباه که حتی امکان آزمایشی آن هم وجود ندارد!

توقیف اتومبیل‌ها به بهانه «حجاب» از ماه‌ها پیش در دستور کار قرار گرفته اما این روزها شدت پیدا کرده است. خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فروردین امسال اعلام کرده بود «در حوزه خودرو بار اول به فرد تذکر داده شده و در صورت تکرار بار دوم خودرو توقیف می‌شود؛ توقیف الکترونیکی یا توقیف در محل یا توقیف در پارکینگ.»

با توجه به جرمه‌های نقدی و هزینه‌های آزادسازی اتومبیل‌ها از پارکینگ‌ها، برخی معتقدند این اقدام به بهانه «مبارزه با بی‌حجابی» راهی برای درآمدزایی بیشتر جمهوری اسلامی از جیب شهروندان است.

حقوقدانان اما توقیف خودرو به دلیل حجاب را برخلاف قوانین موجود جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند. محسن برهانی حقوقدان و وکیل دادگستری در تهران به روزنامه «اعتقاد» گفته که توقیف اتومبیل‌ها به بهانه «حجاب» هیچ مستند قانونی ندارد و نه تنها این اقدام قانونی نیست؛ بلکه جرم است.

این حقوقدان افزوده که «شخص توقیف‌کننده و نیز دستوردهنده و نیز وزیر کشور که مصوبه‌ای را صادر کرده و به استناد آن مصوبه خودروها توقیف می‌شود، همگی باید پاسخ‌گو باشند. پلیس و هیچ شخصی حق ندارد خودروی مردم را برای رعایت نکردن حجاب توقیف کند. مطلقاً هیچ

هوایماهای کمکی «یاک ۱۳۰» بجای «سوخو ۳۵»؛ خط تولید انبوه «یاسین» تمام «ایرانی» چه شد؟!



هوایمای «یاک ۱۳۰» در پایگاه اصفهان

● **خبرگزاری «تسنیم»** گزارش داد الحاق هوایماهای «یاک ۱۳۰» به نیروی هوایی، در راستای قراردادهای تسلیحاتی با روسیه است.

● **ورود این هوایماها به نیروی هوایی برای طرفداران نظام امیدبخش است.** به ویژه آنکه خودداری روس‌ها از تحویل هوایماهای پیشرفته به حیثیت نظام لطمه زده است. آنها در شبکه‌های اجتماعی آرزوهای خود را مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه تحویل «یاک ۱۳۰» مقدمه دریافت «سوخو ۳۵» از روسیه است.

● **منتقدان می‌گویند سرعت و مانورپذیری «یاک ۱۳۰» پایین است.** آنها حتا کاربرد این هوایماها در تعلیم خلبانان را هم به پرسش می‌کشند و می‌گویند کاربرد اصلی این هوایماها پشتیبانی نزدیک برای هدف قرار دادن نقاط بی‌دفاع شهری یا موقعیت‌هایی است که در آن دشمن دارای پدافند هوایی نیست.

● **برخی پرسیده‌اند اگر قرار بود در نهایت «یاک ۱۳۰» از روسیه خریداری شود چرا میلیاردها تومان هزینه صرف پروژه تولید هوایمای بومی آموزشی در داخل ایران شد؟!**

ایرانی» است روغایی و به پایگاه «شاهرخی» (نوژه) همدان تحویل داده شد. پیش از آن نیز ادعا شده بود که جنگنده آموزشی بومی «سیمرغ» برای تعلیم خلبانان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ورود این هوایماها به نیروی هوایی برای طرفداران نظام امیدبخش است. به ویژه آنکه خودداری روس‌ها از تحویل هوایماهای پیشرفته به حیثیت نظام لطمه زده است. آنها در شبکه‌های اجتماعی آرزوهای خود را مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه تحویل «یاک ۱۳۰» مقدمه دریافت «سوخو ۳۵» از روسیه است.

در هر حال الحاق «یاک ۱۳۰» به یگان‌های آموزشی نیروی هوایی ارتش بطور مشخص ادعای «خودکفایی» را که مقامات جمهوری اسلامی مدام روی آن اصرار دارند زیر سؤال برده است.

منتقدان می‌گویند سرعت و مانورپذیری «یاک ۱۳۰» پایین است. آنها حتا کاربرد این هوایماها در تعلیم خلبانان را هم به پرسش کشیده و می‌گویند کاربرد اصلی این هوایماها پشتیبانی نزدیک برای هدف قرار دادن نقاط بی‌دفاع شهری یا موقعیت‌هایی است که در آن دشمن دارای پدافند هوایی نیست.

برخی پرسیده‌اند اگر قرار بود در نهایت «یاک ۱۳۰» از روسیه خریداری شود چرا میلیاردها تومان هزینه صرف پروژه تولید هوایمای بومی آموزشی در داخل ایران شد؟!

برخی تحلیلگران نیز مدعی شده‌اند اگرچه دریافت «یاک ۱۳۰» یک گام کاملاً قطعی برای تحویل گرفتن «سوخو ۳۵» نیست اما جمهوری اسلامی را به بهره‌برداری از هوایماهای جنگنده مدرن روسی نزدیک می‌کند.

یک منبع به کیهان لندن می‌گوید این هوایماها مکمل «سوخو ۳۰» و «سوخو ۳۵» هستند چون سیستم هدایت آنها مشابه است و قرار است در مجموع ۱۲ فروند آن از روسیه تحویل گرفته شود.

ارتش جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۱ شهریور، اعلام کرد تعدادی هوایمای آموزشی «یاک ۱۳۰» با هدف ارتقای توان آموزشی و رزمی نیروی هوایی ارتش وارد کرده که به پایگاه هوایی اصفهان ملحق شده‌اند.

خبرگزاری «تسنیم» گزارش داد الحاق هوایماهای «یاک ۱۳۰» به نیروی هوایی، در راستای قراردادهای تسلیحاتی با روسیه است.

گفته شده هوایماهای آموزشی «یاک ۱۳۰» برای آموزش خلبانانی که قرار است با جنگنده‌های نسل جدید نیروی هوایی پرواز کنند، استفاده خواهد شد. اشاره نشده دقیقاً منظور از هوایمای «نسل جدید» چیست اما در شبکه‌های اجتماعی طرفداران حکومت بار دیگر به دریافت «سوخو ۳۵» از روسیه اشاره کرده‌اند.

هرچند که جمهوری اسلامی به دنبال دریافت جنگنده‌های پیشرفته «سوخو ۳۵» است و حتا گفته شد خلبانانی برای آموزش آن به روسیه اعزام شده‌اند اما مقامات مسکو تا کنون از تحویل آن به ایران خودداری کرده‌اند.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند جمهوری اسلامی دو فروند از هوایماهای «یاک ۱۳۰» را تحویل گرفته است. عمده جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش در ایران «اف ۴» (فانتوم)، «اف ۵» (تایگر) و «اف ۱۴» (تامکت) همگی ساخت آمریکا هستند که پیش از انقلاب اسلامی خریداری شدند. دیگر هوایماها شامل «میگ» و «سوخو»ی روسی هم قدمت آنها به دوران اتحاد شوروی باز می‌گردد. همچنین تعدادی جنگنده «جنگدو» چینی نیز در اختیار نیروی هوایی جمهوری اسلامی قرار دارد که بسیار قدیمی و فرسوده‌اند.

حالا رژیم ایران در حالی از روسیه هوایمای آموزشی دریافت کرده که اسفند ۱۴۰۱ وزارت دفاع از خط تولید انبوه هوایمای آموزشی «یاسین» رونمایی کرده بود. در سال ۱۳۹۸ نیز یک فروند از این نوع هوایماها که گفته شد «تمام

مهاجرت معکوس از شهرهای بزرگ و حتی کشورهای دیگر، در روستا و شهری کوچک فعالیتی را در حوزه گردشگری آغاز کرده‌اند. حالا اما ناامیدانه از «پشیمانی» می‌گویند و اینکه «امیدواری ما به بهبود اشتباه بود.» یکی از جوانانی که در شهری کویری به همراه خانواده خود یکی از خانه‌های قدیمی روستا را تبدیل به اقامتگاه کرده است، گفته «من از دولت برای فعالیتم مجوز گرفته‌ام و بیش از ۱۰ سال است که فعالیت دارم. بعد از اتفاقات سال ۹۸ و بعد هم کرونا، آسیب بسیاری به بخش گردشگری و اقامتگاه‌ها وارد شد. نوروز امسال امیدوار بودیم به رونق کسب و کارمان که آمدند مرکز را پلمب کردند و هنوز نتوانسته‌ایم از ترکش‌های پلمب اقامتگاه رها شویم.»

یکی از مدیران مراکز گردشگری که هفت سال در این زمینه فعال بوده نیز به روزنامه «اعتقاد» گفته که «مشکل اصلی این است اقامتگاه‌هایی که مجاز به فعالیت هستند و بازرسی می‌شوند و نظارت روی آنها صورت می‌گیرد را به بهانه رعایت نشدن حجاب از کار بیکار کرده‌اند یا تعطیل شده‌اند. اما باغ‌های تفریحی که غیرمجازند و نام و هویت‌شان در جایی ثبت نشده، در حال فعالیت هستند و انگار قرار است این مراکز غیرمجاز توسعه پیدا کنند.»

او همچنین گفته که «مرکز ما دوربین دارد و مامور اماکن دوربین‌ها را هر چند وقت یک‌بار کنترل می‌کند و بازرسی بر عملکرد ما از نظر بهداشتی و ایمنی هم صورت می‌گیرد. قبل از پلمب هم اماکن کنترل‌های لازم را کرده بود و گفته بود اتفاق خاصی نیفتاده است، اما متأسفانه دادستانی روی ما فشار آوردند و تا ما بخواهیم توضیح دهیم این‌طور که گزارش داده شده، نبوده، مرکز را پلمب کرده بودند. افراد ناآگاهی که از شرایط موجود سوءاستفاده می‌کنند و برجسب ناروا می‌زنند نباید مورد اعتماد دادستانی و مراکز دیگر تصمیم‌گیرنده باشند.»

اکبر رضوانیان مدیر «خانه نقلی کاشان» و از پیشکسوتان بخش گردشگری نیز با بیان اینکه «با یک امر فرهنگی باید برخورد فرهنگی داشته باشیم» گفته که «اقامتگاه بومگردی به دلیل ماهیتی که دارد، بخشی از جامعه محلی محسوب می‌شود. در این جامعه زیست می‌کند و فعالیت دارد. وقتی در یک جامعه کوچک محلی برای خانه بومگردی یا اقامتگاه محلی - و حتی هتل یا هر کدام از تاسیسات گردشگری - مشکلی مثل پلمب به دلایلی که در یک سال اخیر مطرح شده، پیش می‌آید و مدیران اقامتگاه با اتهاماتی روبه‌رو می‌شوند، این اتهام را خیلی سخت می‌توان از ذهن جامعه محلی پاک کرد و تصویر اقامتگاه را در آن جامعه دوباره به شکل قبیل برگرداند. طبیعی است فردی که سال‌ها در این منطقه با آبرو زندگی کرده و کسب و کاری داشته با مشکل مواجه خواهد شد.»

رضوانیان همچنین به خسارات اقتصادی وارد شده به اقامتگاه‌های بومگردی اشاره کرده و توضیح داده که «شرایط اقتصادی گردشگری ما اصلاً خوب نیست. وقتی از مدیر اقامتگاه خواسته می‌شود که فردی را به هر دلیل پذیرش نکنند، ممکن است در میان مهمانان او ۵ نفر یا بیشتر شامل این مورد شوند وقتی که میزبان این افراد را پذیرش نکند، خسارتی به او وارد می‌شود، آیا کسی این خسارت را به عهده می‌گیرد؟»

چنین اقداماتی از جمله راه‌اندازی اپلیکیشنی برای لباس‌شخصی‌ها به بهانه گزارش بی‌حجابی را می‌توان در آستانه نزدیک شدن به سالگرد اعتراضات ملی سال گذشته، آماده‌سازی نیروهای حکومتی برای گزارش از وضعیت خیابان‌ها و اماکن عمومی و جلوگیری از بروز هر گونه هسته اولیه تجمع و تظاهرات نیز ارزیابی کرد!

یک سوم فروشگاه‌های لوازم اتومبیل تعطیل شدند؛ افزایش ۳۵ درصدی قیمت اتومبیل در انتظار تایید دولت



از سوی دیگر اگر چه طی دو هفته گذشته قیمت انواع اتومبیل در ایران با کاهش روبرو شده بود اما از دو روز پیش قیمت‌ها روندی افزایشی پیدا کرده و مدل‌های مختلف اتومبیل‌های داخلی ۵ تا ۳۰ میلیون تومان افزایش قیمت داشته است.

همچنین به گفته دبیر انجمن خودروسازان ایران سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان هفته گذشته به خواست اتومبیل‌سازان پیشنهاد افزایش ۳۵ درصدی قیمت اتومبیل را به دولت داده و اکنون اتومبیل‌سازان در انتظار تصویب دولت هستند.

وی روز گذشته گفت «طبق دستورالعمل شورای رقابت، این شورا می‌تواند هر سه ماه یک‌بار نسبت به قیمت‌گذاری جدید محصولات خودرویی اقدام کند و مطابق صورت‌های مالی و لیست جدید هزینه شرکت‌های خودروساز، قیمت‌های جدید محصولات خودروسازان را محاسبه و مجوز افزایش قیمت‌ها را اعلام کنند.»

احمد نعمت‌بخش گفته «بر همین اساس اواخر تیرماه امسال دوباره صورت‌های مالی خودروسازان بررسی و هزینه‌های سال ۱۴۰۱ محاسبه شد. بنابر محاسبات صورت‌گرفته شورای رقابت باید بین ۳۵ تا ۳۸ درصد قیمت پایه خودروها افزایش یابد؛ رشد قیمتی که سازمان حمایت تأیید کرده اما یک هفته است که شورای رقابت در این مورد تعلل می‌کند.»

دبیر انجمن خودروسازان با اشاره به اینکه «در اردیبهشت‌ماه امسال شورای رقابت بر اساس محاسبات سازمان حمایت افزایش ۱۰ تا ۴۹ درصدی قیمت خودروها را اعلام کرد» گفته که «البته این میزان افزایش قیمت با دخالت معاون اول رئیس‌جمهور و برخلاف محاسبات سازمان حمایت و شورای رقابت ابلاغ شد اقدامی که در ۳ ماه ابتدایی امسال ۹ هزار میلیارد تومان زیان به ایران خودرو تحمیل کرد.»

ماه گذشته نیز وزارت صنعت، معدن و تجارت

از بازارهای پُر طرفدار در بین صاحبان خودرو بود، اما در سال‌های اخیر خریداران خودرو کمتر به سمت تجهیز خودرو هایشان با لوازم جانبی می‌روند.»

به گفته این فعال صنفی، «امسال لوازم لوکس و اسپرت خودرو نسبت طی فقط چند ماه افزایش بیش از ۴۰ درصد را تجربه کرده است. البته گرانی خودرو نیز در این یکی دو سال اخیر، تأثیر مستقیم بر روی قیمت این لوازم گذاشته است.»

این فروشنده با بیان اینکه دخل و خرج مغازه‌ها نسب به درآمد آنها خیلی قابل توجه نیست، گفته که «بیشتر اجناس و لوازم در بازار جنس‌های ایرانی یا بی‌کیفیت‌های چین و تایوان است، اما برخی فروشندگان به اسم آلمانی و فرانسوی، اجناس را با قیمت‌های بالا به مردم می‌فروشند در حالی که تمام محصولات در این رسته بازار کاملاً ایرانی است.»

این فروشنده افزوده که «گرانی ۴۰ تا ۶۰ درصدی لوازم خودرو نسبت به اسفند ۱۴۰۱ نشان از بازار پُر تلاطم است، بطوری که با افزایش قیمت خودرو نرخ بیشتر این لوازم نیز تغییر و گران شده است.»

فروشنده دیگری در خیابان «سورنا» تهران که بورس لوازم اتومبیل است نیز گفته که «افزایش ۶۰ درصدی لوازم و تجهیزات لوکس خودرو از ابتدای سال باعث رکود در بازار شده» و توضیح داده «وقتی قیمت خودرو به بالای ۲-۳ میلیارد رسیده، قطعاً لوکس کردن این خودروها برای صاحبان خودرو رقمی معادل ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تمام می‌شود.»

این فروشنده تأکید کرده که «مشتریان خاص برای تجهیز و لوکس کردن خودروهای خود به این مغازه‌ها مراجعه می‌کنند و طبعاً تعداد آنها هم زیاد نیست، از این رو رکود در این بازار هم مانند سایر بازارها هر روز بیشتر می‌شود و بیش از ۳۰ درصد فعالان این رسته تغییر شغل داده‌اند یا واحدهای صنفی خود را اجاره داده‌اند.»

● لوازم اتومبیل با افزایش دست‌کم افزایش ۶۰ درصدی قیمت روبرو شده و به دلیل کاهش تقاضا در این بازار ۳۰ درصد لوازم‌فروشان اتومبیل تعطیل شدند.

● اگرچه طی دو هفته گذشته قیمت اتومبیل با کاهش روبرو شده بود اما بار دیگر قیمت‌ها روندی افزایشی پیدا کرده و مدل‌های مختلف اتومبیل‌های داخلی ۵ تا ۳۰ میلیون تومان افزایش قیمت داشته است.

● سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان هفته گذشته به خواست اتومبیل‌سازان پیشنهاد افزایش ۳۵ درصدی قیمت اتومبیل را به دولت داده و اکنون اتومبیل‌سازان در انتظار تصویب دولت هستند.

افزایش قیمت اتومبیل در ایران، در کنار افزایش تورم و قیمت ارز سبب افزایش قیمت لوازم اتومبیل شده است. اکنون اتومبیل‌سازان در انتظار تصویب دولت برای افزایش رسمی قیمت اتومبیل هستند و در نتیجه در بازار لوازم یدکی نیز موج دیگری از افزایش قیمت‌ها رخ خواهد داد. لوازم اتومبیل شامل قطعات یدکی و لوازم اصطلاحاً لوکس مانند روکش صندلی و چراغ‌های اسپرت است که همگی با افزایش دست‌کم افزایش ۶۰ درصدی قیمت روبرو شده و به دلیل کاهش تقاضا در این بازار ۳۰ درصد لوازم‌فروشان اتومبیل تعطیل شدند.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی در اینباره به خدمات ارائه شده در بخش لوازم لوکس اتومبیل پرداخته و نوشته «تعویض روکش صندلی، دودی کردن شیشه‌ها، تعویض و اسپرت کردن لاستیک، نصب دزدگیر روی خودرو، پوشش کف خودرو با کف پوش، تعویض و اسپرت چراغ‌های خودروهای داخلی و خارجی از جمله خدماتی بوده که لوازم‌فروشان اتومبیل ارائه می‌کردند و حالا در پی کاهش تقاضا یک سوم از این فروشگاه‌ها تعطیل شدند.»

در این گزارش به نقل از یکی از فروشندگان لوازم اتومبیل آمده که «تا دو سال پیش، بازار لوازم لوکس و اسپرت یکی



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در یک کنفرانس خبری پس از بازگشت از ایران در فرودگاه بین‌المللی وین / مارس ۲۰۲۲

که رژیم «ایران مدت‌هاست که کار روی ساخت سلاح‌های هسته‌ای را انکار می‌کند و همچنان اصرار دارد که به دنبال برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای است، هرچند مدیرکل آژانس هشدار داده که تهران به اندازه کافی اورانیوم غنی‌شده برای ساخت چند بمب هسته‌ای دارد.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از فوریه ۲۰۲۱ به دلیل محدودیت‌های ایران قادر به دسترسی به فیلم‌های دوربین‌های نظارتی نبوده و تنها داده‌های ثبت‌شده از ژوئن ۲۰۲۲ در دوربین‌های کارگاهی در شهر اصفهان در دسترس بوده است.

آنچه در گزارش آژانس آمده با ادعاهای رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی به روشنی مغایرت دارد. یک دیپلمات ارشد به رویترز گفته بود، میزان تولید اورانیوم ممنوعه در ایران از حدود ۹ کیلوگرم در ماه به حدود ۳ کیلوگرم در ماه کاهش یافته است اما محمد اسلامی ادعا می‌کند «غنی‌سازی طبق برنامه اقدام راهبردی در چارچوب تدابیر کلی نظام انجام می‌شود.»

چند کارشناس سیاسی در گفتگو با روزنامه «شرق» اقدام جمهوری اسلامی را «تنش‌زدایی در آستانه نشست فصلی آژانس» عنوان کرده‌اند. کاری که همواره انجام می‌شود و تا کنون نیز به سود رژیم ایران پاسخ داده است!

جریان‌های قدرتمند درون نظام می‌گویند همکاری‌های جمهوری اسلامی و آژانس که اسفند سال ۱۴۰۱ بر سر آن توافق شد «برخلاف قانون اقدام راهبردی مجلس است.» طبق قانون راهبردی مجلس شورای اسلامی، در صورت عدم لغو تحریم‌ها، جمهوری اسلامی باید دسترسی بازرسان به سایت‌های اتمی را محدودتر کند و تولید اورانیوم در سطوح بالا را ادامه دهد.

با اینهمه به نظر می‌رسد که در توافقی نانوشته دولت بایدن تا حدود زیادی تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی را نادیده گرفته و تهران نیز میزان تولید اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد را کاهش داده است. احتمالاً برخی مفاد این تفاهم محرمانه با «سند سپتامبر» که حسین امیرعبداللهیان به آن اشاره کرد مشترک است. اگرچه برخی مقامات تهران همزمان عنوان کرده‌اند که «سند سپتامبر» محتوای تازه‌ای ندارد.

در این میان، شماری از تحلیلگران معتقدند «عدم صدور ویزا برای بازرسان و مقامات آژانس» و «محدودکردن دسترسی بازرسان به سایت‌ها» اقدامات موقت دولت جمهوری اسلامی برای راضی کردن جریان‌های پرنفوذ با نمایش سختگیری و ناسازگاری در مقابل آژانس و غربی‌هاست. اما برخی دیگر براین باورند این خبرها شواهدی است که نشان می‌دهد اختلاف در بالاترین سطوح نظام جدی است.

آسوشیتدپرس: جمهوری اسلامی از صدور ویزا برای مقامات آژانس خودداری می‌کند

● خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داده مقامات تهران صدور ویزا برای مقامات آژانس را رد کرده‌اند و این مسئله روی عملکرد نظارتی آنها تأثیر گذاشته است.

● رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی پنجم شهریور در جریان مراسم رونمایی از تولید آزمایشگاهی «رادایو نوکلئید سزیم-۱۳۷» در تهران گفته بود معاون گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران سفر می‌کند.

● برخی تحلیلگران معتقدند «عدم صدور ویزا برای بازرسان و مقامات آژانس» و «محدودکردن دسترسی بازرسان به سایت‌ها» اقدامات موقت دولت جمهوری اسلامی برای راضی کردن جریان‌های پرنفوذ با نمایش سختگیری و ناسازگاری در مقابل آژانس و غربی‌هاست. اما برخی دیگر براین باورند این خبرها شواهدی است که نشان می‌دهد اختلاف در بالاترین سطوح نظام جدی است.

خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد که جمهوری اسلامی از صدور ویزا برای مقامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که قصد سفر به ایران داشتند خودداری کرده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز دوشنبه ۴ سپتامبر (۱۳ شهریور) در گزارش فصلی خود اعلام کرد «مذاکرات با ایران در مورد موضوعات حساسی مانند نصب مجدد دوربین‌های نظارتی و توضیح درباره علت وجود آثار اورانیوم در سایت‌های اعلام نشده هیچ پیشرفتی نداشته است.»

در همین گزارش تأکید شده جمهوری اسلامی با نقض برجام همچنان به تولید و ذخیره‌سازی اورانیوم ۶۰ درصدی که نزدیک به درجه تسلیحاتی است ادامه می‌دهد، هرچند که به گفته آژانس «غنی‌سازی اورانیوم در ایران در مقایسه با سه ماه قبل، با سرعت کمتری رشد می‌کند و برخی مواد رقیق‌تر شدند.»

خبرگزاری آسوشیتدپرس می‌نویسد در حالی که ایران غنی‌سازی را کند کرده، اما مشکلات دیگری برای نظارت‌های آژانس ایجاد کرده است. مقامات جمهوری اسلامی صدور ویزا برای مقامات آژانس را رد کرده‌اند و این مسئله بر عملکرد نظارتی آنها به اشکال مختلف تأثیر گذاشته است. جمهوری اسلامی رد ویزا برای مقامات آژانس را تأیید نکرده است.

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی پنجم شهریور در جریان مراسم رونمایی از تولید آزمایشگاهی «رادایو نوکلئید سزیم-۱۳۷» در تهران در پاسخ به پرسش خبرنگار «فارس» گفت که معاون گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران سفر می‌کند.

آسوشیتدپرس در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد

طی بخشنامه‌ای به کلیه شرکت‌های اتومبیل‌سازی اعلام کرده تا «مدیران خودروساز برای تأمین ارز مورد نیاز خود برای واردات قطعات منفصله باید یا از ارز حاصل از صادرات خود استفاده کنند یا اینکه از ارز حاصل از صادرات دیگران استفاده کنند.»

آنطور که در بخشنامه وزارت صمت آمده «چنانچه خودروسازان قصد داشته باشند از ارز حاصل از صادرات دیگران استفاده کنند این مسئله باید مورد تأیید بانک مرکزی نیز باشد.» بر اساس این بخشنامه «دیگر شرکت‌های خودروساز برای تأمین ارز مورد نیاز خود برای واردات قطعات منفصله نمی‌توانند از سامانه نیما اقدام کنند.»

روزنامه «اکو ایران» ماه گذشته با اعلام این خبر نوشته بود این اتفاق تأثیر مستقیمی روی تیراژ تولید محصولات مونتاژی و به دنبال آن قیمت‌های بازاری این محصولات می‌گذارد و «پیش‌بینی می‌شود مسیر جدید تأمین ارز برای واردات قطعات منفصله خودرو حول و حوش ۲۰ درصد قیمت تمام شده در کارخانه را افزایش دهد بنابراین باید منتظر زلزله در قیمت بازاری خودروهای مونتاژی باشیم.» اینهمه نشان می‌دهد آرایش بازار اتومبیل به سمت افزایش قیمت‌ها پیش خواهد رفت و در چنین شرایطی قیمت لوازم اتومبیل نیز با افزایش روبرو خواهد شد.

در آنسو اما مقامات دولت معتقدند با آغاز واردات اتومبیل خارجی به کشور قیمت‌ها در بازار اتومبیل «متعادل» خواهد شد. تیمور رحمانی اقتصاددان در سرمقاله ۱۱ شهریور روزنامه «دنیای اقتصاد» کاهش قیمت‌ها در بازار اتومبیل با واردات اتومبیل خارجی را «مشروط» دانسته است.

این اقتصاددان توضیح داده که «واردات خودرو به ایران هیچگاه و در هیچ زمانی ممنوع نبوده است» چون «ارز تخصیص‌یافته به واردات قطعات و مواد اولیه و واسط اتومبیل‌های تولید داخل و خودروهای مونتاژی، سالانه میلیاردها دلار بوده. لذا عملاً هیچگاه واردات خودرو متوقف نشده تا نتیجه بگیریم واردات خودرو قرار است تغییر جدی از این منظر ایجاد کند یا نه.»

به گفته این اقتصاددان جواب این سوال از منظر اقتصاد خرد مثبت است چون «در چارچوب اقتصاد خرد و قانون عرضه و تقاضا، افزایش واردات خودرو سبب کاهش موقتی و مقطعی قیمت خودرو خواهد شد.»

تیمور رحمانی معتقد است که «افزایش واردات هر کالایی -چه اتومبیل، چه مرغ و یخچال و کامپیوتر- می‌تواند باعث کاهش قیمت آن کالا شود. اما مسئله مهم این است که افزایش واردات هر کالایی به معنای افزایش تقاضا برای ارز است و افزایش تقاضای ارز به معنای گران شدن قیمت دلار است که هم سبب افزایش قیمت خودرو می‌شود و هم سبب افزایش قیمت کالاهای دیگر.»

تیمور رحمانی تأکید می‌کند که راهکار کاهش و یا ثبات قیمت‌ها در اقتصاد ایران این است که تورم و انتظارات تورمی مهار شود. به عبارتی این اقتصاددان تأکید می‌کند که درمان مشکلات اقتصاد کلان روش‌های اقتصاد خرد نیست.

او به کاهش قیمت اتومبیل در چند ماه گذشته اشاره می‌کند و می‌گوید: «در ماه‌های اخیر نرخ ارز باثبات شده و انتظارات تورمی فروکش کرده و در نتیجه افزایش قیمت اتومبیل نیز متوقف شده و مقداری کاهش را نیز تجربه کرده است. این تجربه نشان می‌دهد درمان مشکلات اقتصاد کلان روش‌های اقتصاد خرد نیست. تلاش برای درمان مشکل تورم از روش‌های اقتصاد خرد، در حالی که تورم یک مشکل اقتصاد کلان است، صرفاً افزایش اختلال در بازارها و کاهش رفاه اجتماعی است.»

نایمینی در معادن بار دیگر حادثه آفرید شش جانبخته در پی انفجار در معدن رزمجاه طزره در شمال دامغان



معدن و به عبارتی در دل کوه اتفاق افتاد. این کارگر گفته که «بنده در محل حادثه حضور داشتم. کارگران در معدن مشغول کار بودند که گاز خود معدن منجر به انفجار شد. البته این انفجار در قسمت استخراج معدن و به عبارتی در دل کوه اتفاق افتاد.» او در پاسخ به اینکه «کپسول آتش‌نشانی به همراه کارگر بوده یا خیر؟» گفته که «کپسول‌های آتش‌نشانی معدن طزره همچنان خالی هستند بنابراین زمان وقوع حادثه کارایی ندارند.» این کارگر معدن درباره وضعیت بیمه کارگران معدن طزره نیز گفته که «کارگران بیمه بودند البته بیمه آنها شرکتی است.»

همچنین محمد جعفر عبدالهی رئیس کل دادگستری استان سمنان پیش از ظهر امروز دوشنبه ۱۳ شهریور به مسئولان قضایی دامغان دستور داد، ضمن بازدید میدانی موقتاً به منظور بررسی استانداردهای، رعایت نکات ایمنی و بررسی علل وقوع این حادثه، از ادامه فعالیت این معدن خودداری شود.

رئیس کل دادگستری استان سمنان گفته که مسئولان قضایی در کنار دیگر نهادهای اجرایی که وظیفه مدیریت بحران در این حادثه را برعهده دارند، با بررسی ابعاد مختلف علل وقوع این حادثه، به صورت موقت از ادامه فعالیت آن معدن خودداری کنند تا پس از بررسی استانداردهای و رعایت نکات ایمنی و همچنین شناسایی مقصرین و معرفی به مراجع قانونی تحت نظر قضایی قرار بگیرند.

رئیس کل دادگستری استان سمنان تأکید کرده که «منع فعالیت این معدن نباید به معیشت و پرداخت دستمزد نیروهای شاغل در آن لطمه وارد کند و با سرعت و دقت ایمن سازی پیگیری و مدیران مربوطه دستمزد کارگران در آن ایام را پرداخت کنند.»

پیش از این نیز ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ در تونل شماره ۴۲ معدن بزرگ طزره، از

که عمق تونلی که انفجار در آن رخ داد و منجر به محبوس شدن ۶ معدنچی شد ۷۰۰ متر است که حادثه در عمق ۴۰۰ متری آن رخ داده و دسترسی به کارگران محبوس شده را دشوار کرده بود.

او همچنین گفته بود که بر اثر این انفجار، تعدادی از کارگران بر اثر استنشاق گاز دچار تنگی نفس و مسمومیت شدند که در همان محل درمان شدند.

به گفته مدیرکل مدیریت بحران استانداری سمنان با اعلام خبر تشکیل ستاد مدیریت بحران شهرستان دامغان برای پیگیری این حادثه و هماهنگی عملیات نجات گفته بود از دقایق اولیه حادثه، نیروهای هلال‌احمر و اورژانس در محل حاضر شدند و تلاش‌ها برای دسترسی به محبوسان ادامه دارد.

همچنین خبرگزاری‌های داخلی گزارش دادند که صولت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بامداد امروز دوشنبه در محل حادثه حضور پیدا کرده و ضمن گفتگو با کارگران و مسئولان معدن زغال سنگ طزره دامغان موضوع علل انفجار در تونل رزمجاه معدن طزره را بررسی می‌کند. خبرگزاری «ایسنا» نیز در ساعت ۱:۴۵ بامداد (به وقت محلی) در گزارشی از محل انفجار وضعیت ۶ کارگر معدن «طزره» را «نامعلوم» عنوان کرد و نوشت که امدادگران هنوز موفق به بازگشایی ورودی معدن نشده‌اند و تا زمانی که ورودی بازگشایی نشود، نمی‌توان درباره وضعیت جسمانی آنها اظهار نظر کرد.

در حالی که بسیاری از خبرگزاری‌ها همچنان علت وقوع این حادثه را نامشخص و یا تجمع گاز اعلام می‌کنند، وبسایت «گسترش نیوز» درباره علت بروز این حادثه با کارگران معدن گفتگو کرده که نشان می‌دهد خالی بودن کپسول‌های آتش‌نشانی سبب شده پس از بروز انفجار کارگران حاضر در محل نتوانند اقدامات لازم را انجام دهند. یکی از کارگران به «گسترش نیوز» گفته که عصر یکشنبه «کارگران در معدن مشغول کار بودند که گاز خود معدن منجر به انفجار شد. البته این انفجار در قسمت استخراج

یکی از تونل‌های معدن رزمجاه طزره در شمال دامغان ساعت ۱۹:۳۰ دقیقه یکشنبه ۱۲ شهریورماه ۱۴۰۲ بر اثر انفجار ناشی از تجمع گاز در این تونل دچار انفجار شد و فرو ریخت.

در حالی که بسیاری از خبرگزاری‌ها علت وقوع این حادثه را نامشخص و یا تجمع گاز اعلام کردند، گزارشی حاکی از خالی بودن کپسول‌های آتش‌نشانی معدن است.

حادثه در معادن ایران طی سال‌های گذشته افزایشی بوده و فرسوده بودن و کار نکردن ابزارهای ایمنی و بی‌توجهی مالکان و کارفرمایان به استانداردهای لازم در حفظ امنیت کارگران دلیل اکثر حوادث بوده است.

بر اثر انفجار عصر روز گذشته در معدن رزمجاه طزره در شمال دامغان شش کارگر جان باختند و تعدادی از کارگران بر اثر استنشاق گاز دچار تنگی نفس و مسمومیت شدند. رئیس کل دادگستری استان سمنان گفته با توجه به بروز حوادث مشابه در این معدن، فعالیت آن برای مدت کوتاهی جهت بررسی مسائل ایمنی متوقف خواهد شد.

یکی از تونل‌های معدن رزمجاه طزره در شمال دامغان ساعت ۱۹:۳۰ دقیقه یکشنبه ۱۲ شهریورماه ۱۴۰۲ بر اثر انفجار ناشی از تجمع گاز در این تونل دچار انفجار شد و فرو ریخت. شش کارگر پشت آوار محبوس شدند که پیکر بی‌جان آنها بامداد روز دوشنبه ۱۳ شهریور و پس از ۱۳ ساعت تلاش نیروهای امدادی پیدا شد.

بهروز افروز، قربانعلی کمال، حسین غزاییان، حمید ایزدی، ابوالفضل غنایی و محمد نعیمی صفت شش کارگر جانبخته در این حادثه هستند.

کمال طاهریان مدیرکل مدیریت بحران استانداری سمنان ساعتی پس از وقوع این حادثه اعلام کرد که ساعت ۱۹:۳۰ روز یکشنبه، دوازدهم شهریورماه، بر اثر تجمع گاز در یکی از تونل‌های معدن شرکت زغال‌سنگ البرز شرقی در طزره دامغان، تونل ریزش کرد و ۶ نفر در معدن محبوس شدند. مدیرکل مدیریت بحران استانداری سمنان تأکید کرده بود

سفیر اسرائیل در سازمان ملل:

خطرناک‌ترین رژیم جهان در آستانه دستیابی به سلاح اتمی است



بازدید ابراهیم رئیسی از نمایشگاه دستاوردهای نظامی / مرداد ۱۴۰۲

گزارش داد که «مذاکرات با ایران در مورد موضوعات حساسی مانند نصب مجدد دوربین‌های نظارتی و توضیح درباره علت وجود آثار اورانیوم در سایت‌های اعلام نشده هیچ پیشرفتی نداشته است.»

آمریکا و متحدانش بر این باورند که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تا بر فعالیت‌های مخفیانه خود در راستای برنامه تسلیحات هسته‌ای سرپوش بگذارد. رژیم ایران اما این ادعاها را رد می‌کند با اینهمه مدیرکل آژانس تأکید کرده جمهوری اسلامی اگرچه سلاح اتمی ندارد اما مواد کافی برای ساخت چندین بمب اتم را دارد.

علی واعظ مدیر پروژه ایران در «گروه بحران» از موافقان معامله آمریکا با رژیم ایران، به سی‌بی‌اس می‌گوید: «جمهوری اسلامی همچنان مواد شکاف‌پذیر کافی برای چندین سلاح در صورت غنی‌سازی تا درجه تسلیحاتی دارد.» وی تأکید کرده «زمان شکست هسته‌ای ایران نزدیک به صفر است و دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی محدود است و پرسش‌های پادمان بی‌جواب باقی مانده است.»

واعظ همچنین می‌افزاید، «با این حال کاهش سرعت برنامه غنی‌سازی توسط ایران همچنان می‌تواند معنادار باشد... به عنوان یک پیام دیپلماتیک، این اولین نشانه واقعی از سوی تهران پس از چندین سال توسعه فعالیت‌هاست.»

قدرت‌های غربی استدلال می‌کنند که صرف نظر از هرگونه کاهش تدریجی تولید اورانیوم غنی‌شده، رژیم ایران به راحتی به توانایی تولید سلاح‌های اتمی بسیار نزدیک شده است. بر اساس گزارش قبلی آژانس در ماه مه، ذخایر اورانیوم موجود ایران، در صورت غنی‌سازی بیشتر تا حد تسلیحات، برای تولید دو بمب هسته‌ای کافی خواهد بود.

● **گیلاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل در مصاحبه با شبکه خبری «سی‌بی‌اس» هشدار داده «دستیابی خطرناک‌ترین رژیم جهان به تسلیحات هسته‌ای بسیار نزدیک است و باید قبل از اینکه خیلی دیر شود، اقدام کنیم.»**

● **علی واعظ مدیر پروژه ایران در «گروه بحران» از موافقان معامله آمریکا با رژیم ایران می‌گوید «کاهش سرعت برنامه غنی‌سازی توسط ایران همچنان می‌تواند معنادار باشد... به عنوان یک پیام دیپلماتیک، این اولین نشانه واقعی از سوی تهران پس از چندین سال توسعه فعالیت‌هاست.»**

گیلاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل به شبکه خبری «سی‌بی‌اس» گفته گزارش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر نشان می‌دهد که رژیم ایران به الزامات جامعه بین‌المللی پایبند نیست.

وی هشدار داده «دستیابی خطرناک‌ترین رژیم جهان به تسلیحات هسته‌ای بسیار نزدیک است و باید قبل از اینکه خیلی دیر شود، اقدام کنیم.»

این دیپلمات اسرائیلی با استناد به گزارش آژانس درباره فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی توضیح داد که «هیچ دوربین جدیدی برای نظارت روی تأسیسات اتمی ایران نصب نشده و دسترسی به دوربین‌هایی که قبلاً نصب شده نیز فراهم نشده است.»

وی تأکید کرده «دستیابی خطرناک‌ترین رژیم جهان به تسلیحات اتمی بسیار نزدیک است و این تهدید بزرگ باید مدتها پیش توسط شورای امنیت رسیدگی می‌شد.»
رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دوشنبه ۱۳ شهریور

➔ **معادن چهارگانه شرکت زغال سنگ البرز شرقی به دلیل ریزش ناگهانی سقف کارگاه، ۲ کارگر پیمانکاری شرکت به نام‌های میلاد روشنایی و سید اصغر افضلی از دامغان محبوس شدند و در نهایت پس از گذشت حدود ۱۳۰ ساعت از زمان وقوع حادثه، پیکر آن‌ها از زیر آوار خارج شد.**

روستای طزره از توابع دهستان دامنگوه بخش مرکزی شهرستان دامغان در استان سمنان، دارای معادن بسیار زیاد ذغال‌سنگ است؛ حدود ۲۵ درصد ذغال سنگ کشور از معادن موجود در این روستا استخراج می‌شود.

حادثه در معادن ایران طی سال‌های گذشته آماری افزایشی داشته است که در اکثر این حوادث فرسوده بودن و کار نکردن ابزارهای ایمن‌سازی و بی‌توجهی مالکان و کارفرمایان به استانداردهای ایمنی حادثه‌آفرین بوده است. گزارشی که یک سال و نیم پیش از سوی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به مناسب روز جهانی ایمنی کار منتشر شد نشان می‌داد کارگران معادن سهمی ۷ درصدی در مرگ کارگران در محیط کار طی سال منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۰ داشته‌اند که رقم قابل توجهی است.

یکی از حوادث تلخ معادن ایران در اردیبهشت ۹۶ در معدن زغال سنگ بورت آزادشهر گلستان به خاطر انباشت گاز رخ داد. به علت مشکلات ایمنی تونل معدن و عدم رعایت ضوابط لازم و نظارت کافی تونل اصلی آن منفجر و ریزش کرد. در این حادثه که به یک فاجعه ملی تبدیل شد دست‌کم ۴۳ معدنکار کشته شدند.

معدن کرومیت در روستای چیل‌آباد شهرستان ارزوئیه استان کرمان نیز تیرماه گذشته دچار ریزش شد و دو کارگر جان باختند.

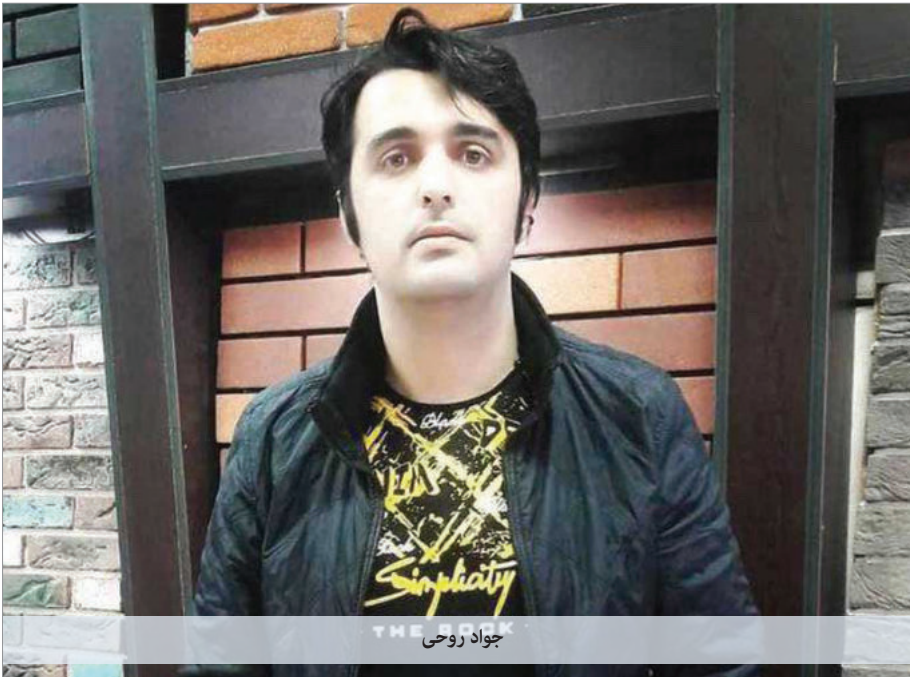
بخش معدن مانند دیگر بخش‌های اقتصاد ایران، از فرسودگی و نبود سرمایه‌گذاری و اقدامات ناکارآمد دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی دچار مشکل شده است. محمدرضا بهرامن، رئیس خانه معدن ایران حدود ۳۷ هزار دستگاه ماشین‌آلات معدنی در سامانه کاداستر ثبت شده است که نیمی از این ماشین‌آلات عمری بالای ۲۰ سال کارکرد دارند. این در حالی است که ماشین‌آلات بالای پنج سال مستهلک حساب می‌شوند و تنها ۹۰۰۰ دستگاه با عمر زیر ده سال در معاون وجود دارد.

آمارهای وزارت صمت نشان می‌دهند که از سال ۹۹ به بعد، هر دو روز تقریباً پنج معدن تعطیل شده‌اند. بر اساس این آمار در سال ۹۹ از ۱۰ هزار و ۵۰۰ معدن که پروانه بهره‌برداری داشتند، بیش از ۴۰۰۰ معدن غیرفعال بودند. اما اخیراً عبدالوهاب سهل‌آبادی، رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت ایران، از تعطیلی ۶۰۰۰ معدن کوچک خبر داد. به بیان دیگر طی دو سال، ۲۰۰۰ معدن تعطیل شدند.

بخش معدن، نیاز اساسی به تأمین حدود ۲۵ هزار دستگاه ماشین‌آلات معدنی دارد. این در حالی است که با وجود آزادسازی واردات ماشین‌آلات همچنان خبری از واردات نیست. در این بین تولیدکنندگان داخلی تنها موفق به تولید ۴۰۰ دستگاه معدنی شده‌اند که برابر با ۱.۶ درصد نیاز معدن‌کاران است. از سوی دیگر ماشین‌آلاتی که در داخل کشور تولید می‌شوند پاسخگوی نیاز معادن نیستند و باید سالانه حدود ۵۰۰۰ دستگاه وارد کشور شود.

از سوی دیگر با توجه به افزایش هزینه تولید بر اثر تورم، و در نبود نهادهای نظارتی کارآمد، مالکان و پیمانکاران معادن ایمن‌سازی معادن را نادیده می‌گیرند. تجهیزات ایمنی و کنترل مداوم شرایط ایمنی معادن با سهل‌انگاری روبروست و به این دلیل غالب حوادث رخ داده در معادن طی سال‌های گذشته بر اثر فقدان ایمنی در محل کار رخ داده و جان کارگران را گرفته است.

درخواست برای تحقیقات مستقل درباره جان باختن جواد روحی؛ آیا باید با رأی دیوان عالی کشور آزاد می‌شد؟



جواد روحی

کیفری تغییر یابد. در حوادث سال گذشته دیوان عالی کشور عمدتاً نقش نظارتی خود را به خوبی انجام داد اگرچه برخی احکام را تأیید کردند که جا داشت در این مورد دقت بیشتری به عمل می‌آمد چنان‌که بعضی از موارد مانند اعدام محسن شکاری مورد نقد حقوقدانان برجسته ایران قرار گرفت. اما اتهامات مربوط به محاربه، بغی و اینگونه اتهامات را معمولاً در دیوان عالی کشور نقض ماهوی کردند.

این وکیل دادگستری با اشاره به تجربه خود برای نقض ماهوی سه مورد اتهام «محاربه» و «بغی» در مورد بازداشت‌شدگان اعتراضات سال گذشته در دیوان عالی کشور گفته که «نقض ماهوی با عنایت به اینکه در ماده ۲۴۲ و ۲۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم مربوط به اتهاماتی که مشمول ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری است، مدت زمان قرار بازداشت برای اتهام محاربه و... حداکثر باید ۴ ماه باشد و بیش از این مدت قاضی نمی‌تواند قرار بازداشت موقت را تمدید کند مگر اینکه شرایط و احوال خاصی اقتضا کند که نباید مورد تفسیر موسع قرار گیرد. قضات در این مورد باید دقت کنند که وقتی دیوان عالی کشور حکمی را نقض کرده است مقتضی است که قرار بازداشت موقت را تغییر دهند و به تأمینات دیگری مانند وثیقه تبدیل کنند. به‌ویژه در مواردی که حق الناس نیست.» صالح نیکبخت تأکید کرده «به رغم اینکه از جزئیات پرونده آگاه نیستم اما باید بگویم به صورت کلی زندان‌ها زیر نظر دادستان هر حوزه قضایی اداره می‌شوند. معمولاً در شهرهای بزرگ نیز دادستان معاونت نظارت بر زندان‌ها را برعهده دارد. در هر زندانی از زندان‌های یک شهر و گاهی برای هر بند و هر جرم انتسابی به زندانیان یک دادیار ناظر زندان ویژه وجود دارد. از طرف دیگر با توجه به اینکه مدیریت زندان و سلامت زندانیان برعهده مسئولان زندان است در این امر باید دادیار ناظر ویژه زندان و معاونت

تشکیل شده، هیچ‌کدام نتوانسته در اقتناع افکار عمومی موفق باشد» و حتی «در بسیاری مواقع حتی گزارش کمیته حقیقت‌یاب قرائت» هم نشده است. در این مطلب به گزارش ناقص «کمیته ویژه شورای عالی امنیت ملی درباره حوادث ۱۸ تیر ۱۳۷۸ کوی دانشگاه تهران» اشاره شده و آمده که «دو سال بعد «سرباز وظیفه ارورجلی برزاده، به اتهام دزدیدن یک ریش‌تراش به ۹۱ روز زندان و ۱۰۰ هزار تومان جریمه نقدی» محکوم شد اما هنوز از «سرنوشت سعید زینالی» دانشجوی مفقود شده، خبری در دست نیست. اینهمه در حالیست که به عقیده یک وکیل دادگستری با توجه به لغو حکم «سه بار اعدام» جواد روحی در دیوان عالی، و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، باید بازداشت موقت این جوان به «قرار خفیف‌تری» تغییر می‌یافت و امکان آزادی او با وثیقه فراهم می‌شد.

صالح نیکبخت وکیل دادگستری در ایران در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» گفته که «درباره پرونده مرحوم جواد روحی من دورادور این پرونده را تعقیب می‌کنم اما با توجه به اینکه وکیل او نیستم نمی‌توانم وارد جزئیات پرونده شوم. با این حال معتقدم براساس قوانین با توجه به اینکه حکم اولیه او مبنی بر سه بار اعدام در دیوان عالی کشور نقض شده است، باید بازداشت موقت جواد به قرار خفیف‌تری تبدیل می‌شد.» به گفته این وکیل دادگستری «نقض اتهام در دیوان عالی کشور دو گونه است؛ نقض شکلی و نقض ماهوی. نقض شکلی به این معناست که از نظر رسیدگی به پرونده، مقررات و تشریفات دادرسی رعایت نشده است. در این حالت تأمین کیفری معمولاً تغییر می‌کند. اما نقض ماهوی به این معناست که دیوان عالی کشور به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی تشخیص داده است که مثلاً اتهام وارده به فرد از نوع محاربه نیست و اصل اتهام را مورد انکار قرار می‌دهد و این به این معناست که ضروری است تأمینات

● سازمان عفو بین‌الملل و سازمان دیده‌بان حقوق بشر در بیانیه‌های متفاوت خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل و تحقیقات بین‌المللی برای روشن شدن علت واقعی جان باختن جواد روحی شدند.

● جمهوری اسلامی علت برخی مرگ‌های مشکوک بازداشت‌شدگان را «خودکشی» عنوان کرده و برخی دیگر را به‌عنوان «ایست قلبی» و «مسمومیت دارویی» ثبت می‌کند. ● به عقیده یک وکیل دادگستری با توجه به لغو حکم «سه بار اعدام» جواد روحی در دیوان عالی، و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، باید بازداشت موقت این جوان به «قرار خفیف‌تری» تغییر می‌یافت و امکان آزادی او با وثیقه فراهم می‌شد.

با درگذشت جواد روحی بار دیگر «بازداشت موقت» در جمهوری اسلامی و بی‌مسئولیتی قوه قضاییه در برابر حفظ جان زندانیان مورد توجه قرار گرفته است. دو سازمان حقوق بشری خواستار «تحقیقات» مستقل و بین‌المللی در اینباره شده‌اند اما مشخص نیست تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در چنین موردی به نتیجه روشن برسد.

جواد روحی از شهروندان بازداشت شده در اعتراضات سال گذشته در نوشهر که پیشتر در دادگاه با اتهامات واهی آتش زدن قرآن و کیوسک نیروی انتظامی به «سه بار اعدام» محکوم شده بود، در نخستین ساعات بامداد روز پنجشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۲ به طرز مشکوکی در زندان جان باخت.

مرکز رسانه قوه قضاییه بدون هیچ توضیحی مدعی شده که جواد روحی به دلیل نامشخص دچار تشنج شده و به کما رفته و پس از انتقال به بیمارستان «شهید بهشتی» نوشهر جان باخته است. یک روز بعد بهداری زندان نوشهر در اطلاعیه مدعی شد که جواد روحی قبلاً و از چند سال پیش سابقه تشنج داشته و حتی به متادون مسموم شده بود.

جواد روحی اما نخستین زندانی سیاسی و عقیدتی نیست که به این شکل مشکوک در بازداشت و زندان، یا اندکی پس از آزادی جان باخته است. جمهوری اسلامی علت برخی مرگ‌های مشکوک بازداشت‌شدگان را «خودکشی» عنوان کرده و برخی دیگر را به عنوان «ایست قلبی» و «مسمومیت دارویی» ثبت می‌کند.

درباره جواد روحی نیز در اظهاراتی متناقض علت درگذشت او «ایست قلبی» و البته بطور شفاهی «سکته مغزی» عنوان شده است. سازمان حقوق بشر ایران روز شنبه ۱۱ شهریور به نقل از یک منبع آگاه گزارش داده که علت جان باختن جواد روحی در برگه پزشکی قانونی «ایست قلبی» ذکر شده، اما مقامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «به صورت شفاهی» علت مرگ این معترض زندانی را «سکته مغزی» اعلام کرده‌اند.

ساعاتی پس از درگذشت جواد روحی سازمان عفو بین‌الملل و سازمان دیده‌بان حقوق بشر در بیانیه‌های متفاوت خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل و تحقیقات بین‌المللی برای روشن شدن علت واقعی جان باختن وی شدند. این در حالیست که وبسایت «رویداد ۲۴» روز شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۲ در گزارشی به سوابق تشکیل «هیئت‌های ویژه» و «کمیته‌های حقیقت‌یاب» در جمهوری اسلامی پرداخته و نوشته در مواردی که «تا کنون این کمیته‌ها

تبادل سفیر بین جمهوری اسلامی و عربستان فصل فراموش کردن توهین‌های خامنه‌ای به رهبران سعودی رسید!



استقبال از سفیر جمهوری اسلامی در ریاض

وی ادعا کرده بود «این همکاری‌ها می‌تواند با عزم و اراده طرفین محقق شود. در طرف ایرانی این عزم و جدیت وجود دارد. چنین عزم و جدیتی را در طرف سعودی هم مشاهده می‌کنیم و امیدواریم که ایران و عربستان به عنوان دو کشور تاثیرگذار منطقه با همکاری یکدیگر بتوانند الگوی موفق از همکاری در منطقه رقم بزنند.»

عنایتی تأکید کرد رهبران ایران و عربستان عزم لازم برای پیشبرد مناسبات یک افق روشن و سازنده را دارند.

علی خامنه‌ای خردادماه سال ۱۳۹۶ در یک سخنرانی خانواده سلطنتی عربستان سعودی را «احمق»، «نالایق» و «پست» خطاب کرده و گفته بود، «گاوهای شیرده» هستند که به آمریکا خدمات می‌دهند.

رهبر جمهوری اسلامی گفته بود «این احمق‌ها [رهبران سعودی] تصور می‌کنند که به وسیله پول می‌توانند دوستی دشمنان اسلام را بخرند.»

ابراهیم رئیسی پیش از سفر عنایتی به ریاض با وی دیدار کرد. وی جمهوری اسلامی و عربستان را دو کشور تاثیرگذار جهان اسلام خواند و خواستار توسعه مناسبات تهران و ریاض شد.

وبسایت شبکه «العالم» در تحلیلی نوشته است که «چه بسا اگر نقش بدخواهانه کشورهای خواهان شر نبود، بین کشورهای برادر عربی و اسلامی بحران رخ نمی‌داد.»

چرخش ۱۸۰ درجه‌ای مواضع مقامات جمهوری اسلامی در قبال عربستان درست نقطه مقابل توهین‌هایی است که خامنه‌ای نثار رهبران سعودی کرده است.

با میانجیگری وانگ پی عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست جمهوری خلق چین (وزیر خارجه پیشین چین) اواسط اسفند ۱۴۰۱ رژیم ایران و عربستان برای از سر گرفتن روابط سیاسی توافق کردند.

روابط دو کشور در حدی بهبود یافته که پس از حدود هفت سال توافق شد مسابقات تیم‌های باشگاهی ایرانی و عربستانی در خاک دو کشور برگزار شود. خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد توافق دیپلماتیک به باشگاه‌های عربستانی با رونالدو و نیمار اجازه می‌دهد برای لیگ قهرمانان آسیا به ایران بروند.

● **علیرضا عنایتی سفیر جدید جمهوری اسلامی در عربستان سعودی سه‌شنبه ۱۴ شهریور وارد ریاض شد و در همان روز مأموریت عبدالله بن سعود العنزی سفیر سعودی در تهران آغاز گشت.**

● **العنزی در بدو ورود به تهران بر اهمیت تقویت روابط و گسترش ارتباطات میان عربستان و ایران اشاره کرد و گفت: «دستور رهبری سعودی تقویت روابط دو کشور است.»**

● **ابراهیم رئیسی پیش از سفر عنایتی به ریاض با وی دیدار کرد. وی جمهوری اسلامی و عربستان را دو کشور تاثیرگذار جهان اسلام خواند و خواستار توسعه مناسبات تهران و ریاض شد.**

● **علی خامنه‌ای خرداد ماه سال ۱۳۹۶ در یک سخنرانی خانواده سلطنتی عربستان سعودی را «احمق»، «نالایق» و «پست» خطاب کرده و گفته بود «گاوهای شیرده» هستند که به آمریکا خدمات می‌دهند.**

علیرضا عنایتی سفیر جدید جمهوری اسلامی در عربستان سعودی سه‌شنبه ۱۴ شهریور وارد ریاض شد و در همان روز مأموریت عبدالله بن سعود العنزی سفیر سعودی در تهران آغاز گشت.

العنزی در بدو ورود به تهران بر اهمیت تقویت روابط و گسترش ارتباطات میان عربستان و ایران اشاره کرد و گفت: «دستور رهبری سعودی تقویت روابط دو کشور است.»

وی افزود ایران و عربستان دارای مؤلفه‌های اقتصادی، منابع طبیعی و مزیت‌های بسیاری هستند که به ارتقای جنبه‌های توسعه و رفاه، ثبات و امنیت در منطقه به نفع دو کشور و دو ملت برادر کمک می‌کند.

کاری است و در چارچوب آن می‌توان همکاری بین دو کشور را بر اساس راهبرد حسن‌همجواری، تفاهم، گفتگوی سازنده هدفمند و اعتماد متقابل میان دو کشور، تقویت کرد.»

علیرضا عنایتی نیز پیش از سفر به ریاض به خبرگزاری «ایرنا» گفته بود «به ما راهی را شروع کردیم که به آن ایمان داریم و فکر می‌کنیم که توسعه و تعمیق مناسبات ایران و عربستان در ابعاد مختلف، دوجانبه، چندجانبه، جهان اسلام و فرمانطقه دارای تاثیرات کاملاً ایجابی و موثر باشد.»

نظارت بر زندان‌های دادستان عمومی و انقلاب شهر وضعیت جسمی و روحی زندانی مانند آقای روحی را در نظر می‌گرفتند و با اعلام خانواده یا وکیل او، فرد را تحت نظارت قرار می‌دادند تا در صورت وجود سابقه بیماری جسمی یا روحی بر وضعیت سلامت او نظارت می‌کردند.» به گفته این وکیل دادگستری «درحادثی مانند آنچه سال گذشته رخ داد افکار عمومی دچار این شبهه می‌شوند که به زندانیان رسیدگی خوبی نشده که چنین اتفاقی رخ داده است. به همین دلیل مقامات زندان یا مسئولان قضایی موظف هستند در صورت وجود کوچکترین سابقه بیماری، امکانات درمانی و بهداشتی و مراجعه به پزشک متخصص را در اختیار زندانی قرار دهند.»

جواد روحی معترض ۳۵ ساله و از بازداشت‌شدگان خیزش ملی سال گذشته به اتهام «آتش زدن مقر راهنمایی و رانندگی» به «سه بار اعدام» محکوم شده بود. او در پی اعتراضات ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۱ در شهر نوشهر بازداشت و در روند اعتراف‌گیری اجباری به اتهام «محاربه» و «فساد فی الارض» به «سه بار اعدام» محکوم شد.

جرایم مورد استناد در دادگاه برای اتهامات سنگین جواد روحی اعترافات زیر شکنجه او به «سوزاندن قرآن و ساخت کوکتل مولوتف و پرتاب آن به داخل مقر راهنمایی رانندگی میدان آزادی نوشهر که باعث حریق و صدمات جدی به مکان پلیس شده» بوده است.

این در حالیست که یک منبع مطلع نزدیک به خانواده روحی به خبرگزاری «هرانا» گفته بود: «تمامی اعترافات که در دوران بازجویی از جواد اخذ شده، تحت آزار و اذیت و فشار اعمال شده بر وی صورت گرفته است. تنها مستندات پرونده علیه وی که منجر به صدور حکم اعدام برایش شده است، اعترافات اجباری اخذ شده از او در دوران بازجویی و همچنین فیلمی از صحنه اعتراضات است؛ ویدئویی که به هیچ عنوان چهره فردی که در آن اقدام به آتش زدن قرآن میکند مشخص نیست، اما دادگاه اقدام مذکور را منتسب به جواد دانسته و او را «مرتد» خوانده است.»

مجید کاوه وکیل جواد روحی اسفند سال گذشته از فقدان ادله اثباتی در پرونده وی خبر داده و گفته بود که هیچ مدرک و دلیلی در ارتباط با اتهامات منتسب به او وجود نداشته است. از سوی دیگر سند منتشر شده درباره اتهامات واهی علیه جواد روحی، ویدئویی از تجمع مردم در شهر نوشهر است که او در کنار خیابان و در میانه تجمع در حال رقصیدن است. پیکر جواد روحی پس از اخذ تعهد از خانواده به آنها تحویل داده شده و با حضور مأموران امنیتی از شهر نوشهر به روستای پدری او به کلیکان آمل منتقل و پیش از طلوع آفتاب و بدون حضور اقوام و دوستان به خاک سپرده شده است. خانواده جواد روحی اجازه برگزاری مراسم خاکسپاری برای فرزند خود را نداشتند.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» نیز گزارش داده که ۱۵ مأمور امنیتی خانواده درجه یک جواد روحی را برای خاکسپاری همراهی کرده و اجازه ندادند غیر از چند عضو درجه یک، فرد دیگری در این مراسم مخفیانه حضور داشته باشد. این گزارش تأکید کرده که پیش از خاکسپاری جواد روحی، چند نفر امنیتی در منزل جواد روحی مستقر شده و خانواده را تهدید می‌کنند که در صورت گفتگو با رسانه‌ها یا اظهار نظر در اینباره پیکر او را با خود می‌برند.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» در ادامه نوشته مطلع شده که اعضای خانواده یک روز پیشتر با جواد روحی ملاقات داشته و او در وضعیت جسمی و روحی مناسبی بوده است، اما در کمال ناباوری صبح روز بعد با آنان تماس گرفته شده و خواستند که برای تحویل پیکرش مراجعه کنند.

درگیری‌های خونین گرد و عرب و ترکمن در کرکوک بر سر یک ساختمان جمهوری اسلامی به درگیری‌های قومی دامن می‌زند



وضعیت خیابان‌های کرکوک

غربی کرکوک را هدف قرار داد. سفیان السامرائی مدیر «بغداد پست» در توییتی نوشت «گردهای سنی، از نوادگان صلاح‌الدین، با گروهک‌های تروریستی ترسو شیعه مبارزه می‌کنند و در مساجد سنی کرکوک نماز می‌خوانند. کرکوک هرگز شیعه نخواهد شد، مهم نیست که [رژیم] ایران چگونه سعی می‌کند از شهرک‌نشینان شیعه که احمقانه توسط صدام ایجاد شد استفاده کند... تهران از آنها برای ایجاد درگیری‌های فرقه‌ای بزرگ استفاده می‌کند.»

منابع عراقی می‌گویند گروه «عصائب اهل الحق» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حمله به مناطق کردنشین حوالی اربیل و کرکوک، نیروهای اقلیم کردستان را تحریک می‌کنند. برخی تحلیلگران عنوان می‌کنند ایجاد اختلاف میان کردها و اعراب سناریوی جمهوری اسلامی است. به ویژه آنکه به دنبال درگیری‌های کرکوک سر و کله اوباش حشدالشعبی نیز پیدا شد.

درگیری‌ها در کرکوک با مراسم پیاده‌روی «اربعین» که جمهوری اسلامی از چند سال پیش به راه انداخته همزمان شده است. منابع غیررسمی گفته بودند برخی مسیرهای تردد از عراق به ایران از جمله مرز «تھرچین» ناامن است اما رسانه‌های حکومتی ادعا کردند وضعیت در تمام مرزها عادیست و ناامنی وجود ندارد.

برخی منابع عربی گزارش دادند درگیری‌های مسلحانه میان قبایل عرب و کردها در سوریه حوالی دیرالزور نیز روی می‌دهد. مناطقی که در آن شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران مستقر هستند.

بر اساس آخرین گزارش‌ها، با وجود این درگیری‌ها روز دوشنبه ۱۳ شهریور دادگاه عالی فدرال عراق با صدور حکمی، دستور توقف تخلیه مقر فرماندهی ستاد عملیات مشترک کرکوک را صادر کرد. به این ترتیب تحویل این ساختمان به «حزب دمکرات کردستان» متوقف شد.

جدایی طلبان را به دنبال نداشت، در سال ۲۰۱۷ نیروهای وابسته به دولت مرکزی وارد کرکوک شدند و ارتش عراق ساختمان «حزب دمکرات کردستان» را تخلیه کرد و آن را به مقر فرماندهی عملیات کرکوک تبدیل کرد. اکنون مسئولان این حزب می‌گویند که ساختمان مورد نظر قبلاً مورد استفاده آنها بوده و باید دوباره در اختیار آنها قرار گیرد. ساکنان عرب کرکوک و دیگر گروه‌های اقلیت قومی می‌گویند که تحت حاکمیت کردها متضرر شده‌اند.

حسن توران رئیس جبهه ترکمن‌های عراق به خبرگزاری «آنا‌تولی» ترکیه گفت که ساختمان مربوطه مقر اصلی فرماندهی عملیات مشترک متعلق به وزارت نفت است و نمی‌خواهند هیچ حزبی از آن برای فعالیت‌های سیاسی خود استفاده کند.

توران با تأکید بر اینکه همه احزاب قانونی حق فعالیت سیاسی در گوشه و کنار کشور را دارند و «حزب دمکرات کردستان» و هر حزب سیاسی حق دارد در هر جای شهر که می‌خواهند ساختمان بخرند و اجاره کنند، گفت: «ما به عنوان ترکمن‌ها استفاده از این ساختمان نمادین را برای مقاصد سیاسی نمی‌پذیریم.»

هرچند گفته شد درگیری‌های قومی در کرکوک با دخالت نیروهای امنیتی پایان گرفت اما ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌دهد در برخی مناطق تبادل آتش تا نیمه‌های شب ادامه پیدا کرد. تحلیلگران در مورد زمینه‌های آغاز مجدد نزاع با تحریک عوامل بیرونی از جمله نیابتی‌ها و مأموران جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند.

گفته می‌شود که شبه‌نظامیان حشدالشعبی وابسته به رژیم ایران از پایین کشیدن پرچم‌های کردستان عراق در چند خیابان توسط ترکمن‌ها و عرب‌ها استقبال کردند.

برخی منابع عربی گزارش دادند که همزمان با درگیری‌ها در کرکوک یک پهپاد ایرانی یکی از پایگاه‌های «حزب دمکرات کردستان» عراق در حومه پل «آلتون» در شمال

● درگیری مسلحانه میان کردها با عرب‌ها و ترکمن‌ها در کرکوک بر سر یک ساختمان دست‌کم چهار کشته و بیش از ۱۴ زخمی برجای گذاشت.

● هرچند با دخالت نیروهای امنیتی ادعا شد که این درگیری خونین مهار شده اما در شبکه‌های اجتماعی ویدئوهایی از تبادل آتش شبانه میان طرفین منتشر شده است.

● برخی منابع عربی گزارش دادند درگیری‌های مسلحانه میان قبایل عرب و کردها در سوریه حوالی دیرالزور نیز روی می‌دهد. مناطقی که در آن شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران مستقر هستند.

● دادگاه عالی فدرال عراق با صدور حکمی، دستور توقف تخلیه مقر فرماندهی ستاد عملیات مشترک کرکوک را صادر کرد. به این ترتیب تحویل ساختمان مربوطه به «حزب دمکرات کردستان» متوقف شد.

واگذاری ساختمان فرماندهی عملیات مشترک عراق در شهر کرکوک به «حزب دمکرات کردستان» با دستور محمد شیاع السوداني نخست‌وزیر عراق، با اعتراض گسترده ترکمن‌ها و عرب‌ها در این شهر مواجه شد که در ادامه به درگیری خونین قومی انجامید.

خبرگزاری رویترز گزارش داد این درگیری‌ها روز یکشنبه ۱۲ شهریور دست‌کم چهار نفر کشته و بیش از ۱۴ زخمی برجای گذاشت.

برای جلوگیری از خشونت‌ها، نیروهای امنیتی عراق در نقاط مختلف کرکوک مستقر شدند و برای چند ساعت ممنوعیت رفت و آمد اعلام شد.

نیروهای پیشمرگه وابسته به اداره اقلیم کردستان عراق پس از ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ شروع به استقرار در پایگاه‌های تخلیه شده توسط ارتش عراق در کرکوک کردند و به مدت سه سال عملاً کنترل این شهر را به دست گرفتند. پس از برگزاری «فراندم استقلال» که نتیجه‌ی مورد نظر

وضعیت وخیم پناهجویان در اردوگاه‌های پناهندگی ترکیه؛ بازگرداندن فله‌ای ایرانی‌ها



برخی که در ایران پرونده‌های سنگین دارند سال‌هاست در ترکیه بلاتکلیف‌اند. بعضی از آنها قبولی UN را دارند اما مرحله تعیین کشور آنها نامشخص است. آنهایی که وضعیت مالی بهتری دارند توانسته‌اند از طریق واسطه مثلاً در کانادا «اسپانسر» بگیرند اما آنهایی که بی‌پول هستند وضعیت نامشخص دارند.

در ماه‌های اخیر در چند نوبت اطلاعات برخی پناهندگان توسط چند سازمان و بنیاد حقوق بشری لو رفته است. مشخص نیست این مسئله عمدی بوده یا سهوی. پلیس در بعضی شهرهای ترکیه پناهنده‌ها را مورد آزار واذیت روحی قرار می‌دهد. اخیراً این مورد که افراد «هر روز امضاء» بسیار زیاد شده است. در شهر دنیزلی یکی از مأموران به یک ایرانی پناهنده گفته «بروید ببینید مشکل حکومت‌تان چیست؟ ما کاری را می‌کنیم که از ما خواسته شده!»

گفته می‌شود رژیم ایران از اینکه پناهنده‌ها و پناهجویان ایرانی در شهرهای مختلف این کشور در یک سال گذشته علیه حکومت تجمعات اعتراضی برگزار کرده‌اند خشمگین است و به دولت ترکیه فشار می‌آورد که برای برگزاری تجمعات مجوز صادر نکند.

وقتی تعداد دیپورت‌ها زیاد می‌شود، بازار «گیم» (عبور غیرقانونی زمینی و دریایی از مرز) داغ می‌شود. خیلی‌ها حتی آنهایی که بچه دارند ترجیح داده‌اند از ترکیه به گرجستان بروند تا از طریق روسیه به اروپا برسند. خیلی‌ها در طول مسیر از بین می‌روند یا قاچاقچی آنها را رها می‌کند. بعضی‌ها با مبالغ زیاد سوار قایق می‌شوند تا به یونان بروند یا امیدوارند که مستقیم به ایتالیا برسند. آنها می‌دانند شاید هرگز به مقصد نرسند اما ماندن در ترکیه هم یعنی مرگ تدریجی.

تقریباً تمام آنها که به اردوگاه‌ها منتقل شده‌اند از داشتن وکیل محروم‌اند و حتی برای خورد و خوراک روزانه در دسترس ندارند. غذاها داخل این اردوگاه‌ها قابل خوردن نیست. فروشگاه‌های داخلی این مراکز یا با کمبود مواد غذایی روبرو می‌شود یا بازار سیاه دارد. از یک بطری آب معمولی یا یک بسته بیسکویت گرفته تا دستمال توالت و شوینده مثل صابون چند برابر قیمت واقعی خرید و فروش می‌شود. برخی پناهجویان که پرونده آنها هنوز در حال رسیدگی است و بلاتکلیف هستند گاهی تا چند روز امکان حمام رفتن ندارند. جای خواب (آسایشگاه‌ها) آنها شبیه سیلوهای سربازی است. سرویس‌های بهداشتی عمومی و تقریباً در بعضی ساعات روز غیرقابل استفاده هستند. دارو به شدت کمیاب است. یک ادویل (قرص مسکن معمولی) تا ۲۰۰ لیر به فروش می‌رسد.

نیروهای امنیتی و پلیس مستقر در اردوگاه‌ها رفتار بسیار زشتی با پناهجویان دارند. توهین و تحقیر کرده و با خشونت رفتار می‌کنند. یک پناهجو که با فرزندش چهار هفته در اردوگاهی نزدیک آنتالیا بسر برده می‌گوید «بدترین رفتارها با من شده است... حتی برای مریضی پسرم به دارو نیاز داشتم و ویزیت دکتر اما هیچ امکاناتی نبود. از من درخواست‌هایی شد که قادر به انجام آن نبودم... انگار انسانیت ندارند.»

بعضی پناهجویان از مأموران داخل اردوگاه‌ها شنیده‌اند که حکومت ایران دولت ترکیه را زیر فشار قرار داده تا به هر بهانه‌ای پناهجویان را اخراج کنند. آنهایی که توانسته‌اند با فعالان مدنی و حقوق بشری قوی خارج از ترکیه ارتباط بگیرند وضعیت بهتری دارند اما همه این امکان را ندارند. بیرون از اردوگاه‌ها با پناهندگان با تبعیض رفتار می‌شود.

● مأموران پلیس در اردوگاه‌ها به ایرانیان پناهجو توهین و آنها را تحقیر می‌کنند.

● از یک بطری آب معمولی یا یک بسته بیسکویت گرفته تا دستمال توالت و شوینده مثل صابون چند برابر قیمت واقعی خرید و فروش می‌شود.

● گفته می‌شود رژیم ایران از اینکه پناهنده‌ها و پناهجویان ایرانی در شهرهای مختلف این کشور در یک سال گذشته علیه حکومت تجمعات اعتراضی برگزار کرده‌اند خشمگین است و به دولت ترکیه فشار می‌آورد که برای برگزاری تجمعات مجوز صادر نکند.

مسعود بهادران- وضعیت پناهجویان ایرانی در ترکیه اضطراری است. در کمپ‌های پناهندگی یا درواقع اردوگاه‌های اداره اقامت این کشور که حتی امکانات اولیه بهداشتی در آنها بسیار محدود است تعداد زیادی ایرانی، در آستانه بازگرداندن به ایران قرار دارند.

بسیاری از آنها بیشتر از دو سه سال است در ترکیه اعلام پناهندگی کرده‌اند و کیملیک (کارت شناسایی) دارند اما وقتی برای امضای هفتگی (دوره‌ای) به اداره پلیس محل سکونت مراجعه کردند این کارت را از آنها گرفته‌اند. آنهایی که در ۱۰ سال گذشته در ترکیه پناهنده بودند یا تجربه زندگی در آنجا را دارند و با پناهجویان در ارتباط هستند می‌دانند که دولت و پلیس ترکیه تا چه اندازه سختگیری‌ها را شدت بخشیده است.

بعضی از آنها که اخراج شده‌اند در ایران به دلیل فعالیت سیاسی یا عقیدتی سابقه زندان داشته‌اند و بدون پاسپورت از مرز زمینی با مسیر کوهستانی به ترکیه رسیده‌اند. این افراد در صورتی که پایشان به ایران برسد با وضعیت وخیمی روبرو خواهند شد.

گزارش روزنامه «فرانکفورتر آلگماینه» از بحران آب در ایران: «یک کشاورز می‌گوید آخرین کسی که برای ما کاری کرد شاه بود»

● خبرنگار «فرانکفورتر آلگماینه» با چند تن از مردم اصفهان صحبت کرده است. آنها با بیان مشکلاتشان از دوران پادشاهی ایران به نیکی یاد کرده و گفته‌اند به رضا پهلوی امیدوارند و آرزو می‌کنند شرّ آخوندها از سر ایران کم شود.

● حسین که کشاورز است در تلفن همراه خود ویدئوهایی از درگیری کشاورزان با مأموران را به خبرنگار آلمانی نشان داده است. این خبرنگار روایت می‌کند در آن ویدئوها دیده که نیروی انتظامی از گاز اشک‌آور استفاده کرده و افراد به سوی آنها سنگ پرتاب کرده‌اند.

● حسین و پسرش از کسانی هستند که بعد از کشته شدن مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» در تهران به اعتراضات پیوستند. وی می‌گوید: «اتفاق جدید این است که استان‌ها و شهرهای دیگر از اعتراضات همدیگر حمایت می‌کنند.»

«فرانکفورتر آلگماینه تسایونگ» (FAZ) در گزارشی که ۳۰ اوت (هشتم شهریور) منتشر شد به بحران بی‌آبی در ایران پرداخته و می‌نویسد کم‌آبی در استان اصفهان زندگی هزاران کشاورز را نابود کرده است.

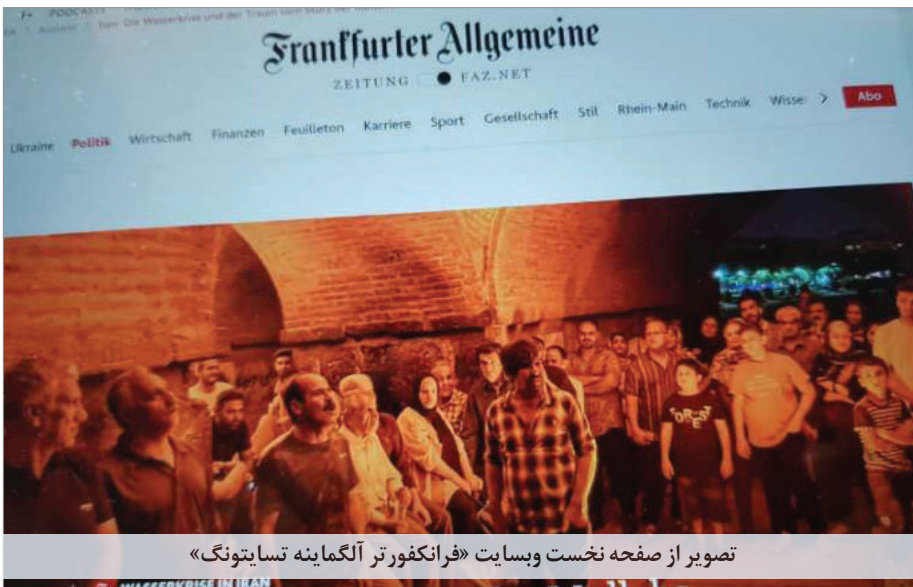
فردریکه بوگه خبرنگار این روزنامه با چند شهروند ساکن اصفهان صحبت کرده و آنها ضمن بیان مشکلات خود، از دوران شاه به نیکی یاد کرده و گفته‌اند به رضا پهلوی امیدوارند و آرزو می‌کنند شرّ آخوندها از سر ایران کم شود.

در مقدمه این گزارش آمده هرچه از اصفهان به سمت جنوب می‌روید، روستاها فقیرتر و کشاورزان خشمگین‌تر می‌شوند. در حدود ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی سومین شهر بزرگ ایران، «حسین» که کشاورز است بر بستر خالی زاینده‌رود ایستاده و می‌گوید: «آخوندها باید بروند!» وی می‌افزاید «آخرین کسی که برای ما کاری کرد شاه بود».

او در گذشته جو، ذرت علوفه‌ای و برنج می‌کاشت. حسین که ۵۰ سال دارد درباره زمین کشاورزی خود می‌گوید: «از دور بوی برنج را استشمام می‌کردی.» اما امروز او به عنوان نگهبان شیفت شب در یک کارخانه سیمان کار می‌کند و در زمین کشاورزی او هیچ کشت نمی‌شود.

سال‌هاست که فواصلی که زاینده‌رود خشک می‌ماند طولانی و طولانی‌تر شده و حقایق که از طریق کانال‌ها به کشاورزان می‌رسید، بسیار کمتر شده است. تقریباً دو سال پیش، کشاورزان خشمگین دست به اعتراض زدند. در نوامبر ۲۰۲۱ (پاییز ۱۴۰۰) کشاورزان با بولدوزر خط لوله‌ای که آب را از اصفهان به استان یزد منتقل می‌کرد تخریب کردند. در مرکز شهر اصفهان بر بستر خشک رودخانه نزدیک سی و سه پل مردم دست به اعتراض زدند. حسین و پسرش کمال آنجا بودند. آنها می‌گویند ما دو سال با سازمان آب مذاکره کردیم. اما وقتی این کار نتیجه نداد، دست به کار شدیم و اعتراض کردیم.

حسین در تلفن همراه خود ویدئوهایی را از درگیری کشاورزان با مأموران به خبرنگار روزنامه آلمانی نشان داده است. این خبرنگار روایت می‌کند در آن ویدئوها دیده که نیروی انتظامی از گاز اشک‌آور استفاده کرده و مردم به سوی آنها سنگ پرتاب کردند.



تصویر از صفحه نخست وبسایت «فرانکفورتر آلگماینه تسایونگ»

از خروج آمریکا از برجام فشارها بر رژیم ایران بطور مداوم افزایش یافته است.

جمعیت انبوه مردم در فولادشهر اصفهان

بر اساس این ویدئوها، یک مأمور پلیس کمال (پسر حسین) را با تفنگ ساچمه‌ای هدف قرار داد. حسین ساچمه‌ها را به عنوان مدرک نگه داشته است. حدود ۲۷ ساچمه بدن کمال را سوراخ کرده بود. یک پزشک روستایی توانست بیشتر ساچمه‌ها را از بدن او خارج کند. همسایه حسین بینایی خود را از دست داد. کشاورزان برای برنامه‌های خود پول جمع کردند، اما حساب مربوطه توسط امنیتی‌ها مصادره شد. در آن درگیری‌ها تعدادی از کشاورزان کشته و زخمی و تعداد زیادی بازداشت شدند. تغییری هم صورت نگرفت. از آن زمان تا کنون هیچ اعتراضی به بحران آب در اصفهان صورت نگرفته است اما خشم اهالی منطقه باقیست. حسین می‌گوید: «خشم مردم آتش زیر خاکستر است و دوباره شعله‌ور می‌شود.»

حسین و پسرش از کسانی بودند که بعد از کشته شدن مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» در تهران به اعتراضات پیوستند. وی می‌گوید: «اتفاق جدید این است که استان‌ها و شهرهای دیگر از اعتراضات همدیگر حمایت می‌کنند.»

«فرانکفورتر آلگماینه» در ادامه با اشاره به اعتراضات گسترده در سال‌های اخیر در ایران می‌نویسد با این حال بین گروه‌های معترض در این سال‌ها همبستگی وجود نداشت اگرچه از اعتراضات سال ۲۰۰۹ به نتایج انتخابات ریاست جمهوری فاصله بین اعتراضات کمتر و کمتر شده است. گاهی این اعتراضات به دلیل تبعیض علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی مانند سنی‌ها و گردها بود. گاهی به خاطر افزایش قیمت بنزین، تورم و دستمزدهای پایین. برخی از اعتراضات مربوط به وضعیت نابسامان محیط زیست بود و در سال ۲۰۲۰ نیز مردم پس از سرنگونی هوایمیا مسافری «اوکراین اینترنشنال» با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دست به اعتراض زدند. مدت‌هاست که انتقاداتی درباره سوء مدیریت، سوء استفاده از قدرت و فساد در ایران وجود دارد. از زمان تشدید مجدد تحریم‌های بین‌المللی پس

«ما دیگر مسجد نمی‌رویم»

اما اینبار همه چیز فرق می‌کند. موج‌های قبلی اعتراضات، هیچکدام پایه‌های جمهوری اسلامی را مانند جنبش اخیر «زن، زندگی، آزادی» متزلزل نکرد. سرکوب خونین مردم هرگونه امید برای اصلاحات را که برخی قبلاً داشتند کاملاً خفه کرده و اسلام را به عنوان اساس مشروعیت نظام حتا در بین متدینین تضعیف کرده است. حسین می‌گوید: «ما قبلاً مذهبی بودیم. اما الان مسجد نمی‌رویم و در مراسم محرم شرکت نمی‌کنیم. فهمیدیم که به ما دروغ گفته‌اند.»

در بخش دیگری از این گزارش آمده «۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور) سالگرد درگذشت مهسا امینی است. پس از آن انتظار می‌رود که اعتراضات دست‌کم بطور موقت دوباره شعله‌ور شود. نیروهای امنیتی و فعالان هفته‌هاست که برای این کار آماده شده‌اند. حسین امیدوار است اتفاقی بیفتد و آنهایی که حکومت می‌کنند شرّشان کم شود و کسانی بیایند که توانایی بیشتری برای اداره امور دارند. هرچند وی معتقد است بسیار بعید است زیرا در داخل ایران رهبر مخالف وجود ندارد و اکثر فعالان در زندان هستند. هیچ شکاف قابل مشاهده‌ای در نظام وجود نداشته و اپوزیسیون در تبعید دچار دودستگی است. با این حال، هیچکس دقیقاً نمی‌داند که با مرگ علی خامنه‌ای ۸۴ ساله چه اتفاقی خواهد افتاد. حسین به عنوان جایگزین رهبری از رضا پهلوی صحبت می‌کند که در ماه‌های اخیر تلاش کرده تا نقش رهبری در اپوزیسیون در تبعید ایفا کند. خشم از وضعیت کنونی نور ملایمی را بر دیکتاتوری قبلی شاه افکنده است. اگرچه سقوط رژیم در چشم‌انداز نیست. اما واقعیتی که در روستاهای پایین‌دست اصفهان مطرح می‌شود نشان می‌دهد که نظام احتمالاً شکننده‌تر از سال‌های اولیه جمهوری اسلامی است. حسین می‌گوید: امیدوارم خدا شرّ آخوندها را کم کند.»

بنیاد نوبل دعوت از نمایندگان رژیم‌های روسیه، بلاروس و جمهوری اسلامی را پس گرفت



بنیاد نوبل / عکس: رویترز

نمایندگان «رژیم نامشروع الکساندر لوکاشنکو» رئیس جمهوری بلاروس را به هیچ رویدادی دعوت نکنند. اولف کریسترسون نخست وزیر سوئد به رسانه‌ها گفت که اگر جای مدیران بنیاد نوبل می‌بود چنین تصمیمی را نمی‌گرفت.

این بنیاد روز شنبه اعلام کرد، «تصمیم بنیاد نوبل برای دعوت از همه سفراء به مراسم اهدای جایزه نوبل، مطابق رویه قبلی، واکنش‌های شدیدی را برانگیخته است. مبنای این تصمیم این باور مهم و درست بوده که باید تا حد امکان ارزش‌ها و پیام‌هایی را که نوبل بیانگر آنهاست، گسترش دهیم.»

با این حال، این سازمان اعلام کرد که رویه معمول خود را دنبال خواهد کرد و همه سفرا را به مراسمی در اسلو، پایتخت نروژ، جایی که جایزه صلح نوبل اهدا می‌شود، دعوت خواهد کرد.

حالا تغییر تصمیم مسئولان بنیاد نوبل مورد استقبال زیادی از سوی سیاستمداران قرار گرفته و حتا کاخ سلطنتی سوئد نیز به این تصمیم واکنش نشان داد و مارگارت تورگرن سخنگوی دربار اعلام کرد که «ما تغییر در این تصمیم را مثبت می‌بینیم.»

منتقدان گفته بودند گفتگو یا دعوت از نمایندگان رژیم‌های جنایتکار و سرکوبگر در سمینارهای بین‌المللی نه تنها تأثیری در صلح جهانی ندارد بلکه آنها را برای ادامه اقداماتشان تشویق و به رهبران آنها مشروعیت می‌بخشد.

کارلسبرو یکی از نمایندگان پارلمان سوئد گفته رژیم‌های ایران، روسیه و بلاروس حکومت‌های سرکش هستند شهروندان را سرکوب کرده و جنگ و ترور را بر مردم خود و کشورهای همسایه‌شان تحمیل می‌کنند.

● چندین قانونگذار سوئدی گفتند که مراسم اهدای جایزه نوبل امسال در استکهلم پایتخت سوئد را تحریم خواهند کرد.

● برخی از قانونگذاران که مراسم اهدای جایزه نوبل را تحریم کرده بودند، جنگ روسیه علیه اوکراین و سرکوب مردم و نقض حقوق بشر در ایران را دلیل تحریم خود عنوان کرده‌اند.

● حالا تغییر تصمیم مسئولان بنیاد نوبل مورد استقبال زیادی از سوی سیاستمداران قرار گرفته و حتا کاخ سلطنتی سوئد نیز به این تصمیم واکنش نشان داد و مارگارت تورگرن سخنگوی دربار اعلام کرد که «ما تغییر در این تصمیم را مثبت می‌بینیم.»

بنیاد نوبل دعوت خود از نمایندگان رژیم‌های روسیه، بلاروس و ایران را برای شرکت در مراسم اهدای جایزه نوبل امسال پس گرفت.

خبرگزاری «آسوشیتدپرس» دوم سپتامبر (۱۱ شهریور) گزارش داد چندین قانونگذار سوئدی گفتند که مراسم اهدای جایزه نوبل امسال در استکهلم، پایتخت سوئد را تحریم خواهند کرد.

ویدار هلگنسن مدیر اجرایی بنیاد نوبل در توجیه دعوت از نمایندگان روسیه، بلاروس و جمهوری اسلامی گفته بود این مراسم فرصت‌هایی را برای انتقال پیام‌های مهم جایزه نوبل به همه ایجاد می‌کند.

برخی از قانونگذاران که مراسم اهدای جایزه نوبل را تحریم کرده بودند جنگ روسیه علیه اوکراین و سرکوب مردم و نقض حقوق بشر در ایران را دلیل تحریم خود عنوان کرده‌اند.

سویتلانا تسیخانوسکایا چهره مخالف رژیم بلاروس روز جمعه از بنیاد نوبل سوئد و کمیته نوبل نروژ خواست

اعتراضات به کمبود آب

بحران آب در ایران یکی از عوامل محرک افزایش نارضایتی است. خشک شدن زاینده‌رود تنها یکی از این نمونه‌هاست. در شمال غرب ایران، دریاچه ارومیه که زمانی یکی از بزرگترین دریاچه‌های نمک جهان بود، تقریباً بطور کامل خشک شده است. در غرب استان خوزستان اعتراضات به کمبود آب سال گذشته به خشونت کشیده شد. در شرق استان سیستان و بلوچستان، درگیری با کشور همسایه افغانستان بر سر حقایق رودخانه هیرمند در حال افزایش است. در هر دو استان، بحران آب وضعیت وخیم اقلیت‌های به حاشیه رانده شده مانند بلوچ و عرب را تشدید می‌کند. دلایل زیادی برای بحران آب در ایران وجود دارد. کشاورزان خشمگین اغلب شکایت دارند که برای حکومت آبرسانی به کارخانه‌های فولاد در اولویت است. اما کارشناسانی مانند کاوه مدنی معاون سابق رئیس سازمان محیط زیست جمهوری اسلامی روش‌های کشاورزی ناکارآمد، کمبود فناوری‌های مدرن در حفاظت و مدیریت منابع آب و پروژه‌های سدسازی مشکوک را از عوامل اصلی بحران آب می‌داند. وی معتقد است افزایش حفر چاه‌های عمیق غیرقانونی باعث کاهش سطح آب‌های زیرزمینی شده و باغ‌های مجلل و شهرنشینی سریع باعث مصرف بی‌رویه آب می‌شود.

یک تاجر ۵۰ ساله اصفهانی که از بستر زاینده‌رود عبور می‌کرد به «فرانکفورتر آلمگاینه» می‌گوید: «به دلیل سوء مدیریت و سیاست‌های بد، تغییرات اقلیمی بیش از سایر کشورها به ایران ضربه زده است. مسئولان بی‌سواد هستند. آنها اکوسیستم را خراب کرده‌اند.»

«آواز خواندن بخشی از مبارزه ما برای آزادی است»

در اطراف سی‌و سه پل گروه‌های آوازخوانی و رقص مردم اصفهان توجه خبرنگار «فرانکفورتر آلمگاینه» را به خود جلب می‌کند. او می‌نویسد در اطراف پل، آثار اعتراضات اخیر در پی درگذشت مهسا امینی قابل مشاهده است. مانند سایر شهرهای ایران، بسیاری از زنان روسری خود را برداشته‌اند. برخی نیز با موهای افشان دوچرخه‌سواری می‌کنند که به ویژه امام جمعه اصفهان را عصبانی می‌کند. در گفتگوها، بسیاری از مردم از سه شهروندی یاد می‌کنند که بعد از اعتراضات در اصفهان اعدام شدند.

در این گزارش با اشاره به ممنوعیت آوازخواندن برای زنان در ایران آمده از زمان اعتراضات اخیر به بعد، افراد بسیاری به گروه‌های آوازخوانی پیوستند. یک زن مسن که روسری بر سر داشت به خبرنگار این روزنامه آلمانی گفته: «آواز خواندن بخشی از مبارزه ما برای آزادی است؛ برای نشان دادن به زورگویان... کشتن معترضان صبر مردم را لبریز کرده است.» در بخش پایانی این گزارش آمده غروب‌ها، چراغ‌های زرد رنگ سی و سه پل را روشن می‌کنند که پس‌زمینه‌ای محبوب برای عکس و سلفی گرفتن است. زیر این پل دالان‌ها و فضایی وجود دارد که پاتوق خوانندگان محلی است و یادآور دوران پیش از انقلاب است. دهه ۱۹۷۰ عصر طلایی موسیقی محلی و پاپ در ایران بود. زن مسن روسری خود را مرتب می‌کند، چشمانش را می‌بندد و شروع به آواز خواندن می‌کند. برخی از شنوندگان به آرامی آواز را زمزمه می‌کنند. درباره قلب شکسته و آرزوی دیدار معشوق. اما همین هنگام نور سبز یک لیزر روی زن نشانه می‌رود. مأموران نیروی انتظامی هستند که از دور فریاد می‌زنند: «تمام کن!» جمعیت متفرق می‌شود؛ اما روز بعد همه آنها دوباره به همان محل برمی‌گردند.

نازیلا معروفیان، خبرنگار، در یک فایل صوتی گفته که در زندان به وی تعرض جنسی شده است

بیماری تطابق ندارد.»

این وبسایت تشدید ناراحتی‌های جسمی میرحسین موسوی و زهرا رهنورد را به حمایت آنان از جنبش «زن، زندگی، آزادی» در یکسال گذشته مرتبط دانسته و با استناد به گزارش‌هایی که به گفته این وبسایت از سوی پزشکان دریافت شده، یادآور شده وضعیت سلامتی آن دو بطور محسوسی اُفت کرده است.

«کلمه» همچنین با اشاره به ارسال «پارازیت‌های شدید و مختل کننده وسایل ارتباطی، خطوط تلفنی و موبایل در کوچه اختر، محل زندان خانگی ۱۳ ساله موسوی و رهنورد» نوشته: «در مورد آلودگی محیط زندگی و خطر ایجاد مسمومیت نیز ابهامات و نگرانی‌هایی وجود دارد» و این موضوع را با توجه به بیماری‌های اخیر این دو تن و همچنین سابقه قبلی حکومت در حذف مخالفان خود از طریق مسمومیت، «دور از ذهن» ندانسته است.

در این میان، مصطفی نیلی وکیل مهدی یراحی از ملاقات خود با این خواننده معترض در زندان اوین خبر داد.

این وکیل با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) نوشت با دستور دادیار شعبه دوم دادیاری داسرای ناحیه ۳۸ موفق به دیدار با موکل خود شده است. به نوشته نیلی، مهدی یراحی بعد از بازداشت «دو روز در بازداشتگاه پلیس امنیت» بوده و از «چهارشنبه گذشته به قرنطینه زندان اوین» منتقل شده است. او روحیه مهدی یراحی را «بسیار خوب» توصیف کرد و افزود: «از لحاظ جسمی پوستش دچار التهاب شده و از ناحیه گوش راست نیز درد دارد که توسط بهداری اوین در حال معالجه است.»

نیلی اضافه کرد که هنوز پرونده مهدی یراحی را خواننده و از این رو قادر نیست عناوین دقیق اتهامی او را شرح دهد. وی ابراز امیدواری کرد که روز شنبه بتواند پرونده موکلش را مطالعه کند. نیلی در پیام خود ادامه داد: «مهدی یراحی تأکید داشت که در مورد بعضی از ضابطین که در هنگام بازداشت، قانون و حقوق شهروندی او رعایت نشده پیگیری قانونی را انجام دهیم.»

مهدی یراحی در پی انتشار یک ترانه اعتراضی به نام «ورس‌یتو» روز سوم شهریورماه به دستور دادستان تهران بازداشت شد. در همین حال کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان با اشاره به اینکه بهار هدايت از پنج روز پیش در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زده، اعلام کرد این فعال سیاسی دچار «کاهش وزن، بی‌حالی و کاهش قند خون» شده است.

بنا به اعلام این کمیته، خانواده بهار هدايت روز گذشته در جریان ملاقات‌های هفتگی بند سیاسی زنان اوین، با وی ملاقات کرده و گفته‌اند: «طی ۵ روز گذشته، او ۵ کیلو کاهش وزن داشته است.»

بهاره هدايت روز جمعه ۱۰ شهریور با انتشار نامه‌ای در اعتراض به «سرکوب مضاعف» جمهوری اسلامی اعلام اعتصاب غذا کرد.

او در این نامه نوشته: «در آستانه سالگرد قتل دختر ایران مهسا (ژینا) امینی، قاتلان دست به سرکوب مضاعف زده‌اند تا نام او بی‌رکاب از اسامی رزم ما شد از خاطران و از وجدان‌مان بزدابند. چه آنکه خیال می‌کنند نام آزادی زدودنی‌ست و سودای به بند کشیدن وجدان‌ها محقق شدنی.»



لایق بهترین اتفاقاتی، پس بردگی را نپذیرا» عبارتی مربوط به یکی از کتاب‌هایی که او در بند ۲۰۹ اوین خوانده بود.

صالح نیکبخت وکیل دادگستری که به دلیل گفتگو با شبکه‌های خارجی به «تبلیغ علیه نظام» متهم شده، از وکالت او کناره‌گیری کرده است.

از سوی دیگر، در آستانه سالگرد کشته شدن مهسا امینی، دایی او صفا عاالی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. از اتهامات وارده و محل نگهداری او اطلاعی در دست نیست. اشکان امینی برادر مهسا امینی با انتشار یک پیام در اینستاگرام از بازداشت دایی خود صفا عاالی خبر داده است. یک منبع مطلع که نخواست به دلیل مسائل امنیتی نامش فاش شود نیز گفته: «هیچ خبری از صفا نداریم؛ نه می‌دانیم اتهامش چیست و نه توسط چه نهادی بازداشت شده است. اصلاً نمی‌دانیم کجاست.»

وی افزوده: «تا چند روز پیش اصلاً فکرش را هم نمی‌کردیم که صفا را بازداشت کنند.»

به گفته او، خانواده امینی از دیروز تا کنون برای پیگیری وضعیت وی به شماری از نهادها مراجعه کرده‌اند اما هیچ پاسخی نگرفته‌اند. مسئولان امنیتی رژیم در پاسخ به خانواده امینی تنها به این جمله اکتفا کرده‌اند: «فعلاً چیزی مشخص نیست!»

فاطمه حیدری، خواهر جواد حیدری از جانب‌اختگان اعتراضات سراسری در قزوین نیز با انتشار پیامی در ایکس (توییتر) خبر بازداشت صفا عاالی، را منتشر کرده است.

وبسایت «هرانا» به نقل از یک منبع مطلع نوشت «حدود ساعت یک بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۴ شهریورماه، سه خودرو که حامل ده مامور امنیتی بودند، به خانه شخصی صفا عاالی رفته و او را بازداشت کردند. از اتهامات وارده به دایی مهسا و محل نگهداری وی اطلاعی در دست نیست.»

از سوی دیگر، وبسایت «کلمه» در گزارشی با هشدار نسبت به وضعیت و سلامت میرحسین موسوی و زهرا رهنورد نوشت در ماه‌های اخیر «تغییرات واضحی» در شرایط جسمی آنها رخ داده است. در این گزارش گفته شده که نتایج آزمایش‌های پزشکی این زوج «با بروز مکرر علائم

● نازیلا معروفیان می‌گوید در حالی که حالش بد بوده به او «تعرض جنسی» شده است. انتشار این فایل صوتی واکنش‌های بسیاری را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخته است. ● وی پیشتر در آبان سال گذشته با امجد امینی پدر مهسا امینی دختر جوانی که در بازداشت گشت ارشاد کشته شد، مصاحبه کرد و پس از این گفتگو دستگیر و به بند ۲۰۹ اوین منتقل شده و دی‌ماه گذشته به قید وثیقه آزاد شده بود. ● نازیلا معروفیان در ارتباط با بازداشت مجدد خود گفته است که برای پیگیری سرقت مبلغی پول از مادرش، به همراه او به کلانتری ۱۰۶ نامجو رفته بود که ماموران وی را شناسایی می‌کنند و آزار و اذیت او شروع می‌شود از جمله با «فحاشی، پیچاندن دست و ضرب و جرح در مقابل مادرش».

روز چهارشنبه ۱۵ شهریورماه یک فایل صوتی از نازیلا معروفیان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که او در آن از «تعرض جنسی» ماموران در جریان بازداشت اخیرش خبر داده است. این فایل صوتی بخشی از تماس تلفنی وی از داخل زندان است.

او در این تماس می‌گوید در حالی که حالش بد بوده به او «تعرض جنسی» شده است. انتشار این فایل صوتی واکنش‌های بسیاری را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخته است. این روزنامه‌نگار که برای چندمین بار به زندان افتاده، همچنین در تصاویری که بطور اختصاصی برای «رادیو فردا» فرستاده شده، از ضرب و جرح خودش در زندان خبر داده است. «رادیو فردا» در گزارشی در اینباره نوشت که او این تصاویر را «بعد از بازداشت سوم خود به دوستی معتمد ارسال کرده بود، با این شرط که در صورت دستگیری مجدد رسانه‌ای شوند.»

نازیلا معروفیان در ارتباط با بازداشت مجدد خود گفته است که برای پیگیری سرقت مبلغی پول از مادرش، به همراه او به کلانتری ۱۰۶ نامجو رفته بود که ماموران وی را شناسایی می‌کنند و آزار و اذیت او شروع می‌شود از جمله با «فحاشی، پیچاندن دست و ضرب و جرح در مقابل مادرش».

به گفته او ماموران وی و مادرش را با دستبند به زندان اوین منتقل کردند. نازیلا معروفیان آبان سال گذشته با امجد امینی پدر مهسا (ژینا) امینی دختر جوانی که در بازداشت گشت ارشاد کشته شد، مصاحبه کرد و پس از این گفتگو دستگیر و به بند ۲۰۹ اوین منتقل شد. قتل حکومتی مهسا دوباره آتش زیر خاکستر جنبش اعتراضی مردم را به طرز بی‌سابقه و گسترده‌ای در سراسر ایران شعله‌ور کرد.

وی دی‌ماه گذشته به قید وثیقه آزاد شد و در تاریخ ۸ بهمن اعلام کرد که از سوی دادگاه انقلاب به ریاست قاضی افشاری به دو سال حبس تعزیری، ۵ سال ممنوع‌الخروجی و ۱۵ میلیون تومان جریمه محکوم شده است.

این خبرنگار ۱۳ تیرماه سال جاری پس از احضار به داسرای اوین بار دیگر بازداشت شد. اواخر مرداد و هنگامی که پس از آزادی با قید وثیقه، به کلانتری ۱۰۶ تهران رفته بود، مجدداً با ضرب و جرح شدید به همراه مادرش دستگیر و به زندان قرچک منتقل شد. مادرش پس از چند ساعت آزاد گردید.

نازیلا معروفیان هنگام آزاد شدن در مقابل زندان اوین، تصویری بدون روسری با این جمله در توییتر منتشر کرد: «تو

گزارش تحقیقی دو سازمان حقوق بشری درباره جنایات جمهوری اسلامی در جوانرود در اعتراضات ۱۴۰۱

از اعتراضات گسترده مردم در آبان، سپاه پاسداران ایست‌های بازرسی در مسیرهای ورودی و خروجی شهر مستقر کرده و رفت‌وآمدها را کنترل و وسائل نقلیه را مورد بازرسی و تفتیش قرار می‌دادند. در آخرین روزهای آبان نیروهای نظامی نه تنها ماشین حامل سلاح «دوشکا» را در یکی از خیابان‌های اصلی جوانرود مستقر می‌کنند بلکه نزدیک به ۲۰۰ نیروی مسلح به سلاح جنگی نیز در فاصله بسیار کمی با معترضان کمتر از ۳۰ متری به آنها شلیک می‌کنند. معترضانی که در دیگر خیابان‌ها هستند خیلی زود متوجه می‌شوند که شدت خشونت، سرکوب و تیراندازی در خیابان بهداری بالا گرفت.

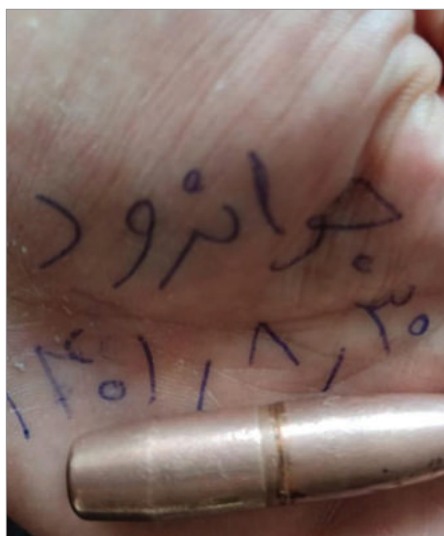
از سوی دیگر نیروهای نظامی در کنار استفاده از ادوات و ابزار جنگی، اقدام به پرتاب گازهای دودزا به رنگ سبز و آبی به سمت معترضان کردند. دقیقاً مشخص نیست که این گازها از چه ترکیباتی ساخته شده‌اند. برخی شاهدان می‌گویند که تأثیر آن هر چند با تأثیر گازهای اشک‌آور مشابه بوده، اما تفاوت‌های آشکاری نیز داشته است. برخی از افراد دچار عوارضی مانند سرگیجه، آفت فشار خون و سردرد شدند. برخی نیز بعد از استنشام این گاز به حالت بیهوشی و بیحالی درآمدند بودند.

تهدیدها و فشارها حتی دامن بازاریان جوانرود را هم گرفته بوده بطوری که «آسیابانی» از فرماندهان سپاه کرمانشاه، اعلام کرده بود که برای تنبیه مردم جوانرود اجازه نخواهد داد حتی یک چوب کبریت در بازارچه مرزی این شهر فروخته شود. در این گزارش آمده است: «دولت‌های سراسر جهان باید سفرای جمهوری اسلامی ایران را احضار و قاطعانه جنایت در جوانرود را محکوم کنند و درباره اعمال هزینه سنگین سیاسی و اقتصادی و دیپلماتیک به مقامات جمهوری اسلامی هشدار دهند.» در ادامه پیشنهاداتی که در این گزارش به سازمان‌ها و دولت‌های دیگر آمده که «زمان‌های حقوق بشری، پژوهشگران، وکلا، روزنامه‌نگاران و سایر فعالان باید تمام تلاش خود را برای به دست آوردن مدارک، سوابق پزشکی، گزارش شاهدان عینی و سایر اسناد و سوابق مربوط به اقدامات حکومت در جوانرود به کار بگیرند و آنها را به کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل ارائه کنند.»

همچنین مقامات مسئول در این جنایت باید بر اساس اصل صلاحیت جهانی تحت تعقیب قرار بگیرند. نهادها و کارشناسان سازمان ملل متحد، دولت‌های سراسر جهان، انجمن‌های حقوقی بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری باید بطور علنی از درخواست برای پیگرد قانونی مقامات جمهوری اسلامی تحت اصل صلاحیت جهانی حمایت کنند.

از سوی دیگر دولت‌های سراسر جهان باید سفرای جمهوری اسلامی ایران را احضار و قاطعانه جنایت در جوانرود را محکوم کنند و درباره اعمال هزینه سنگین سیاسی و اقتصادی و دیپلماتیک به مقامات جمهوری اسلامی هشدار دهند.

این گزارش در نهایت تأکید کرده دولت‌های سراسر جهان می‌بایست با هدف محکوم کردن صریح جنایات جمهوری اسلامی، با متحدان و شرکای خود برای تشکیل ائتلاف‌های چندجانبه همکاری کنند؛ از جمله صدور بیانیه‌های مشترک در کنفرانس‌های مطبوعاتی و در مجامع و گردهمایی‌های چندجانبه مانند مجمع عمومی سازمان ملل و یا کنفرانس سران گروه جی۷.



ضرب و شتم قرار گرفتند. بر اساس این گزارش در اعتراضات جوانرود ۸۹ نفر از جمله ۲۶ کودک به شکل خودسرانه بازداشت و بسیاری از آنها، از جمله کودکان، شکنجه و در مواردی تهدید به آزار جنسی شدند. خانواده‌های کشته‌شدگان، مجروحان و بازداشت‌شدگان از سوی نهادهای امنیتی تحت فشار قرار گرفتند تا درباره وضعیت عزیزان خود سکوت کنند. این گزارش می‌نویسد بیشترین شمار زخمی‌شدگان در اعتراضات جوانرود مربوط به آخرین روز ماه آبان است؛ روزی که رگبار شلیک مسلسل‌های جنگی و تیراندازی مدام نیروهای نظامی در خیابان‌های کم‌عرض شهر، موجب زخمی شدن پشت سرهم مردم شد. بسیاری از زخمی‌شدگان در حین کمک کردن به مجروحی دیگر مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند. در برخی موارد مأموران به سمت مجروحانی که در خیابان افتاده بودند حمله‌ور شده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند.

بخش دیگری از گزارش تأکید کرده که آمار دقیقی از تعداد زنانی که در اعتراضات جوانرود با گلوله‌های جنگی یا ساچمه‌های زخمی شده‌اند در دست نیست. بسیاری از آنها در خانه‌ها مداوا شدند و به بیمارستان یا مراکز درمانی نرفتند. از سوی دیگر خانواده‌های کشته‌شدگان، مجروحان و بازداشت‌شدگان از سوی نهادهای امنیتی تحت فشار قرار گرفتند تا درباره وضعیت عزیزان خود سکوت کنند.

بخش دیگری از یافته‌های گزارش نیز تأکید کرده که جنایت جمهوری اسلامی در جوانرود با آگاهی و هدایت کامل مقامات دولتی و حکومتی انجام شده است. جنایتی که مصادیق کامل کشتار و سرکوب سیستماتیک و عمدانه و مجروح کردن غیرنظامیان در مقیاس وسیع است که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

این گزارش همچنین نوشته «تاکنون هیچ یک از مقامات حکومتی در قبال کشتن و مجروح شدن شهروندان جوانرودی پاسخگو نبوده» است.

بر اساس این گزارش از ۳۰ آبان ۱۴۰۱ نیروهای سپاه در خیابان‌های شهر جوانرود مستقر شده و به مردم شلیک هدفمند می‌کنند. از سوی دیگر همچنان تا چند هفته پس

این گزارش حاصل بررسی صدها عکس و فیلم و همچنین گفتگو با ۳۸ تن از شاهدان عینی و خانواده کشته‌شدگان و مجروحان و بازداشت‌شدگان در شهر جوانرود است. ● جنایت جمهوری اسلامی در جوانرود از مصادیق کامل کشتار و سرکوب سیستماتیک و عمدانه و مجروح کردن غیرنظامیان در مقیاس وسیع است که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

کمپین حقوق بشر در ایران و شبکه حقوق بشر کردستان در گزارشی تحقیقی به سرکوب خشونت‌بار شهروندان جوانرود در جریان اعتراضات سراسری پاییز و زمستان سال ۱۴۰۱ پرداخته‌اند.

کمپین حقوق بشر در ایران و شبکه حقوق بشر کردستان روز چهارشنبه ۱۵ شهریور در گزارشی تحقیقی با عنوان «جوانرود؛ آتش جنگ حاکمیت بر دست‌های خالی و سنگ‌های خشم مردم» سرکوب شهروندان را در جریان اعتراضات سراسری پاییز و زمستان سال ۱۴۰۱ شرح داده است.

بر اساس اعلام این دو نهاد حقوق بشری این گزارش که در ۹۴ صفحه منتشر شده حاصل بررسی صدها عکس و فیلم و همچنین گفتگو با ۳۸ تن از شاهدان عینی و خانواده کشته‌شدگان و مجروحان و بازداشت‌شدگان در شهر جوانرود است. هادی قائمی مدیر کمپین حقوق بشر در ایران در توضیح این گزارش گفته که «جنایات جمهوری اسلامی در جوانرود با آگاهی و هدایت کامل مقامات حکومتی و کاملاً سیستماتیک بوده و در سطح وسیعی از ادوات جنگی علیه مردم استفاده شده است. مواردی که سرکوب شهروندان جوانرود را مصداق جنایت علیه بشریت می‌کند.»

وی با اشاره به بالا رفتن سطح ناراضی‌ت‌های شهروندان در ایران گفت: «با نزدیک شدن به سالگرد شروع اعتراضات، امکان شکل‌گیری دوباره اعتراضات گسترده در هر زمانی وجود دارد.» به گفته هادی قائمی «جامعه جهانی تنها با پاسخگو کردن و تحمیل هزینه به جمهوری اسلامی می‌تواند امیدوار باشد که از تکرار این جنایات جلوگیری شود.»

این گزارش تأکید کرده که اعتراضات جوانرود بخشی از اعتراضات سراسری سال گذشته در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک و حتی تعدادی از روستاهای ایران بود که در جریان آن بیش از ۵۰۰ نفر کشته شدند و دست کم ۲۲ هزار نفر نیز به دست نیروهای امنیتی و قضایی بازداشت شدند. هفت نفر از بازداشت‌شدگان خیزش انقلابی پس از تحمل شکنجه در دادگاه‌های فحاشی به اعدام محکوم شدند و احکام آنها به فاصله کوتاهی از صدور اجرا شد.

در یافته‌های این گزارش آمده که در فاصله زمانی ۱۶ مهر تا ۱۰ دی ۱۴۰۱ نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی با استفاده از سلاح‌های جنگی، معترضان در شهر جوانرود استان کرمانشاه را بطور عمدی مورد هدف قرار دادند که در نتیجه آن ۸ شهروند، از جمله یک کودک، کشته شده‌اند. در جریان این سرکوب دست کم ۸۰ نفر از جمله کودکان به شدت مجروح شده‌اند.

بخش دیگری از این گزارش تأکید کرده که در موارد بسیاری مجروحان به دست نیروهای امنیتی مورد ضرب و جرح قرار گرفتند. همچنین تأکید شده که مشکلات و ممانعت‌های بسیاری در دسترسی به خدمات پزشکی برای آسیب‌دیدگان وجود داشته است. در مواردی مجروحان به دست نیروهای امنیتی مورد

وزارت نیرو با هدف درآمدزایی، جنگل‌ها و منابع طبیعی کشور را تخریب می‌کند



مستولان وزارت نیرو و شرکت‌های آب منطقه‌ای زیرمجموعه آن متوجه وقوع چنین تخلفی در بستر و حریم رودخانه‌ها بشوند، باید فوراً اقدام کنند و شخص متخلف را به دستگاه قضایی معرفی کنند.

علی بناگر رئیس انجمن علمی جنگلبانی ایران به «سلامت نیوز» گفته که «بر اساس شواهد میدانی، بسیاری از متصرفان عرصه‌های مربوط به رودخانه‌های عبورکننده از دل جنگل‌های هیرکانی، قراردادهای اجاره حریم و بستر رودخانه‌ها را نسبت به طرح‌های توجیهی ارائه شده به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان‌های شمالی به انحراف برده‌اند و بخش زیادی از این قراردادهای نیز سرشار از ایرادات قانونی و تخلفات روشن از موضوع قرارداد بهره‌برداری هستند. اما با این وجود، متأسفانه وزارت نیرو که خود را متولی اجاره بستر و حریم رودخانه‌های شمال کشور می‌داند، نسبت به این تخلفات و انحرافات آشکار بی‌تفاوت است.»

علی بناگر با اشاره به قطع درختان و تخریب اراضی و حریم رودخانه‌ها از سوی مستأجران وزارت نیرو گفته که «در موارد متعددی در هر سه استان شمالی کشور، در حاشیه رودخانه‌هایی که از دل جنگل‌های هیرکانی می‌گذرند، شاهد آن هستیم که موارد قطع درختان جنگلی، تخریب منابع طبیعی و انجام ساخت‌وساز و ایجاد اعیانی رخ داده است، اما شرکت‌های آب منطقه‌ای نه تنها قراردادهای خود را با متخلفان فسخ نمی‌کنند، بلکه حتی حاضر به ارائه تذکر به این متخلفان نیز نیستند.»

رئیس انجمن علمی جنگلبانی ایران تأکید کرده که وزارت نیرو به عنوان نهاد متولی عقد این قراردادهای در اغلب موارد در برابر تخلفات سکوت کرده است؛ آن هم در شرایطی که قراردادهای اجاره بستر و حریم رودخانه‌ها خودشان زمینه‌ساز وقوع فساد هستند و برای مستأجران، حق ←

استان شمالی کشور ساخت و سازهایی صورت گرفته که به صورت مستقیم و غیرمستقیم موجب وارد شدن آسیب‌هایی به جنگل‌های شمال شده است؛ به خصوص که در جریان بعضی از این ساخت‌وسازها، درختان جنگلی نیز قطع شده‌اند یا برخی افرادی که اراضی جنگلی به آنها واگذار شده، با فنس‌کشی یا دیوارکشی در محدوده‌های وسیع‌تر از زمین‌های واگذارشده به خود، اقدام به تصرف اراضی ملی کرده‌اند.

این گزارش افزوده که تلاش‌های وزارت نیرو برای دریافت مالکیت بستر و حریم رودخانه‌ها صرفاً منوط به تدوین «لایحه حفاظت رودخانه‌ها و کاهش خطرات سیل» و پیگیری تصویب آن در مجلس شورای اسلامی نیست و پیش از این هم این وزارتخانه در تلاش بوده است که با توافق با مستولان سازمان منابع طبیعی، این مالکیت را به دست آورد.

برای نمونه در دولت حسن روحانی برخی مدیران وزارت نیرو با یکی از معاونان وقت سازمان منابع طبیعی تفاهم‌نامه‌ای را منعقد کرده بودند و اخیراً بر اساس آن تفاهم‌نامه نسبت به اخذ سند مالکیت برخی آبراهه‌های طبیعی کشور اقداماتی را انجام داده‌اند!

این در حالیست که بر اساس قوانین فعلی، هرگونه تخریب عرصه، آسیب به اکوسیستم، قطع درختان جنگلی و وارد کردن خسارات دیگر به منابع طبیعی در اراضی واگذارشده توسط وزارت نیرو به اشخاص مختلف از جمله تخریب منابع طبیعی در زمین‌های واقع شده در حاشیه رودخانه‌هایی که از دل جنگل‌های هیرکانی عبور می‌کنند، غیرقانونی است.

ایراد اما اینجاست که نهاد متخلف، مسئولیت نظارت در اینباره را نیز بر عهده دارد! بر اساس قانون، خود وزارت نیرو مکلف است که جلوی این اقدامات را بگیرد، یعنی هرگاه

● خلاء قانونی در حالی سبب شده وزارت نیرو بتواند با سوء استفاده از قانون و با هدف درآمدزایی منابع طبیعی کشور را به تاراج بگذارد.

● در نبود نهادهای نظارتی افرادی که بستر و حریم رودخانه‌ها را از وزارت نیرو اجاره کرده‌اند، در مواردی به تصرف و تخریب این اراضی اقدام کرده‌اند.

● ایراد اینجاست که نهاد متخلف، مسئولیت نظارت در اینباره را نیز بر عهده دارد! بر اساس قانون خود وزارت نیرو مکلف است که جلوی این اقدامات را بگیرد

وزارت نیرو بستر و حریم رودخانه‌ها را برای درآمدزایی به اشخاص حقیقی و حقوقی اجاره می‌دهد و با توجه به خلاء قانونی و در نبود نهادهای نظارتی، اقدام این وزارتخانه به تهدید برای رودخانه‌ها و جنگل‌هایی چون جنگل هیرکانی تبدیل شده است.

وبسایت «سلامت نیوز» در گزارشی نوشته وزارت نیرو با استفاده از قوانین، بستر و حریم رودخانه‌ها را به اشخاص حقیقی و حقوقی اجاره می‌دهد؛ مسئله‌ای که در سال‌های اخیر باعث بروز مشکلاتی برای عرصه‌های طبیعی به خصوص در حاشیه رودخانه‌ها و آبراهه‌هایی شده است که از دل جنگل‌های هیرکانی عبور می‌کنند.

در این گزارش توضیح داده شده که بر اساس «قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع کشور»، مالکیت تمام اراضی ملی که تحت عنوان جنگل شناخته می‌شوند، به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران، در اختیار «سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری» قرار دارد و همچنین بر اساس «قانون آب و نحوه ملی شدن آن»، مالکیت بستر و حریم رودخانه‌ها نیز به نمایندگی از دولت در اختیار سازمان منابع طبیعی است، اما همین «قانون آب و نحوه ملی شدن آن» و البته «قانون توزیع عادلانه آب»، مدیریت بستر و حریم رودخانه‌ها را در اختیار وزارت نیرو قرار داده است.

همچنین تأکید شده که با وجود «تصریح قانون بر مالکیت سازمان منابع طبیعی بر بستر و حریم تمام رودخانه‌ها و سایر آبراهه‌های کشور از جمله انهاری که از دل جنگل‌های شمال می‌گذرند» اما چون قانون، مدیریت این آبراهه‌ها را به وزارت نیرو واگذار کرده است، در حال حاضر این وزارتخانه از طریق سه شرکت آب منطقه‌ای گیلان، مازندران و گلستان، بخش‌هایی از حاشیه رودخانه‌ها و آبراهه‌های عبورکننده از دل جنگل‌های هیرکانی را برای اجرای طرح‌ها و ایجاد کاربری‌های جدید تجاری از جمله واحدهای دامداری، مزارع پرورش آبزیان و کشت موقت واگذار کرده است.

این واگذاری‌ها در برخی موارد باعث تغییر کاربری عرصه‌های طبیعی و بروز مشکلات زیست محیطی در اراضی جنگلی منطقه هیرکانی شده است.

خلاء قانونی در حالی سبب شده وزارت نیرو بتواند با سوء استفاده از قانون و با هدف درآمدزایی منابع طبیعی کشور را به تاراج بگذارد، که در آنسو نیز در نبود نهادهای نظارتی افرادی که بستر و حریم رودخانه‌ها را از وزارت نیرو اجاره کرده‌اند، در مواردی به تصرف و تخریب این اراضی اقدام کرده‌اند.

در گزارش «سلامت نیوز» در اینباره آمده که در سه

فریدون عباسی دوانی نماینده مجلس شورای اسلامی: هر قدر به مهرماه نزدیک می‌شویم توطئه دشمن شدیدتر می‌شود



تظاهرات اعتراضی در دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر)

دانشگاه‌های کشور باشد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی که سابقه همکاری با محسن فخری‌زاده برای پیشبرد برنامه‌های اتمی نظامی جمهوری اسلامی را دارد هشدار داده «حتا مساجد نیز ممکن است هدف قرار بگیرد تا مردم را تحت فشار قرار دهند.» وی در بخش دیگری از این مصاحبه می‌گوید: «افراد عالم و اساتید دانشگاهی لازم است که حد خود را رعایت کنند. زمانی که آمدند و در دانشگاه و نظامی با عقاید و ایدئولوژی خاص فعالیت کنند باید ضوابط و چارچوب موجود را بپذیرند. افرادی که قبول می‌کنند در یک چارچوب معینی در یک دستگاهی کار کنند باید به آن احترام بگذارند. هم دانشجو باید مقررات دانشگاه را رعایت کند و هم اساتید باید آن چارچوبی را که برای عضو هیات علمی پیش‌بینی شده است بپذیرد.»

منابع غیررسمی می‌گویند از طرف بعضی واحدهای دانشگاهی به دانشجویان اعلام شده که کلاس‌های درسی آنها در هفته‌های ابتدایی مهرماه تا اطلاع ثانوی به صورت آنلاین برگزار می‌شود و حضوری نیست. بعضی منابع می‌گویند خوابگاه‌های دانشجویی به آنها جواب سریلا می‌دهند و یا به بهانه‌های مختلف خوابگاه‌ها فعلاً تعطیل هستند. سرلشکر یحیی صفوی مشاور عالی خامنه‌ای اوایل شهریور گفته «در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس، اساتید و معلمان و همه کسانی که صاحب نفوذ کلام هستند، تریبون و رسانه در اختیار دارند و در فضای مجازی فعال هستند، وظیفه دارند به جهاد تبیین عمل کنند.» آنچه حکومت را نگران‌تر می‌کند پیوند خوردن اعتراضات در مدارس و دانشگاه‌ها با اعتراضات خیابانی است. در خیزش ضدحکومتی سال ۱۴۰۱ روزهایی که صبح‌ها دانشجویان و مدارس در واحدهای آموزشی اعتراض کردند و بازاریان معترض نیز در خیابان بودند نیروهای سرکوبگر به شدت تحت فشار قرار گرفتند.

● **عباسی دوانی نماینده مجلس شورای اسلامی و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در مصاحبه با ایسنا ضمن حمایت از اخراج استادان از دانشگاه‌ها به اهداف عقیدتی و ایدئولوژیک رژیم در دانشگاه‌ها اعتراف کرده و گفته «استاد در دانشگاه استخدام شده است تا اهداف نظام را پیش ببرد. استاد باید دانشجو را مطابق با اهداف نظام تربیت کند و برای مسائلی که نظام می‌خواهد تحقیق کند!»**

● **این نماینده هشدار داده دشمن بجز مدارس و دانشگاه‌ها به دنبال آن است که مساجد را هم هدف قرار دهد. فریدون عباسی دوانی نماینده مجلس شورای اسلامی و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی هشدار داده «دشمن دنبال تسلط بر فضای دانشجویی کشور است.»** وی در مصاحبه با خبرنگاری ایسنا که ۱۶ شهریور منتشر شد تأکید کرد که «هرقدر به مهر نزدیک می‌شویم توطئه دشمن شدیدتر می‌شود.»

یکی از مسائلی که عباسی دوانی در این مصاحبه به آن پرداخته اخراج اساتید از دانشگاه‌هاست. وی در سخنانی که بیشتر اعتراف به اهداف عقیدتی و ایدئولوژیک رژیم در دانشگاه و آموزش عالی است گفته «استاد در دانشگاه استخدام شده است تا اهداف نظام را پیش ببرد. استاد باید دانشجو را مطابق با اهداف نظام تربیت کند و برای مسائلی که نظام می‌خواهد تحقیق کند.»

او در توجیه اقدام نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی برای فشار استادان و دانشجویان می‌گوید، «هر چقدر به مهرماه نزدیک می‌شویم، توطئه‌های دشمن سازمان‌یافته‌تر و شدیدتر می‌شود چرا که می‌خواهد از جمعیت دانشجویی کشور که قصد علم‌آموزی را دارد استفاده کرده و بر فضای جمعیتی مسلط شود. ماهیت دشمنان ما این است که این کار را انجام دهند. هرچایی که اجتماع باشد و فرقی نمی‌کند که این اجتماع در کجا باشد- حال در مدارس باشد یا در

پیشه، ریشه، کارکرد زارعانه، دامداری و ... را در اراضی ملی یعنی انفال و ثروت‌های عمومی تمام ملت ایران ایجاد می‌کنند.

از مدت‌ها پیش از گزارش «سلامت نیوز» نیز برخی حقوقدانان و فعالان محیط زیست به این تخلف وزارت نیرو واکنش نشان داده بودند که با بی‌اعتنایی دولت روبرو شده است.

کمیته محیط زیست کارگروه حقوق بشر اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) اواخر تیرماه امسال در نامه‌ای خطاب به اعضای شورای حفظ حقوق بیت‌المال در امور اراضی ملی و منابع طبیعی نسبت به تبعات صدور سند مالکیت بستر و حریم رودخانه‌ها به نام شرکت‌های آب منطقه‌ای زیرمجموعه وزارت نیرو هشدار داد.

در این نامه آمده بود که «مشکل از آنجا آغاز می‌شود که دستگاهی دولتی با وصف آگاهی از مقررات موضوعه حاکم، درصد بر می‌آید تا ثروتی عمومی را بدون مجوز قانونی و ضرورت، به تملک خود یا شرکت‌های تابعه در آورد.»

بخش دیگری از این نامه تأکید کرده بود که «اگر ادارات ثبت اسناد و املاک استان‌ها و شهرستان‌ها درخواست وزارت نیرو یا شرکت‌های تابعه آن برای ثبت و صدور سند مالکیت بستر ثروت‌های مذکور را اجابت کرده و سندی را در این راستا به نام متقاضی صادر و تسلیم کرده باشند، اسناد صادره فاقد اعتبار قانونی است، چراکه بستر رودخانه‌ها و انهار و مسیل‌ها متعلق به عموم مردم ایران است و حکومت و دولت مالکیتی بر این ثروت‌های عمومی ندارند تا درخواست آن‌ها برای اخذ اسناد مالکیت این بسترها موجه و قابل ترتیب اثر باشد.»

پایگاه پژوهشی «داده‌های باز ایران» امرداد امسال در گزارشی تکانه‌دهنده از تخریب ۴۵ هزار هکتار از جنگل‌های ایران در دو سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ خبر داد. بر اساس این گزارش ۲۱ هزار هکتار از جنگل‌های کشور طی سال ۱۴۰۰ از بین رفته است.

بنا بر داده‌های آماری سازمان منابع طبیعی، که در سالنامه‌ها و گزارش‌های مرکز آمار ایران منتشر شده، بیش از ۲۴ هزار هکتار در سال ۱۳۹۹ و بیش از ۲۱ هزار هکتار در سال ۱۴۰۰ رخ داده است. مجموع سطح تخریب این دو سال معادل ۷۰ درصد آمار تخریب پنج سال گذشته است. پیش از این گزارش‌ها از تخریب سالانه ۱۲ هزار متر مربع جنگل در ایران حکایت داشته‌اند. این نشان می‌دهد که تخریب سالانه جنگل‌های ایران در دو سال گذشته بیش از دو برابر شده است.

پایگاه پژوهشی «داده‌های باز ایران» با ارائه نموداری نوشته که میزان تخریب جنگل‌ها در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، بین ۰.۲۸/۱۰۰ درصد (سال ۱۳۹۷) و ۱۶۰/۰ درصد (سال ۱۳۹۹) در نوسان است. این نرخ در سال ۱۴۰۰ به ۱۴۱/۰ درصد رسیده است.

در بخش دیگری از این گزارش آمده که در میان استان‌های ایران بالاترین نرخ تخریب جنگل‌های در سال ۱۴۰۰ متعلق به استان‌های کردستان، قم و فارس و پس از آن استان‌های آذربایجان غربی، گلستان و کهگیلویه و بویراحمد است.

از نظر سطح تخریب نیز استان فارس با رکورد تخریب ۱۳ هزار و ۳۵۰ هکتار در صدر جدول است. پس از فارس استان‌های کردستان (۲۳۴۷ هکتار)، لرستان (۱۳۴۹ هکتار)، کهگیلویه و بویراحمد (۱۰۸۲ هکتار) و گلستان (۹۶۷ هکتار) بیشترین سطح تخریب را در سراسر کشور داشته‌اند.

کلاس‌های بی‌استاد؛ تداوم سرکوب در دانشگاه‌ها و فراکنی «خودی»ها



شد فهرست ۵۲ نفر دیگر از استادان اخراجی بازنشسته اجباری یا تعلیق و منفصل از تدریس منتشر شد. هر چند روزنامه اعتماد تأکید کرده بود که هنوز تعداد دقیقی اساتیدی که با اخراج، تعلیق یا بازنشستگی اجباری از نظام آموزش عالی کشور حذف شدند مشخص نیست، اما مشخص شده بود که طی دو سال فعالیت دولت ابراهیم رئیسی و تا نهم شهریورماه دستکم ۱۱۰ استاد دانشگاه حذف شدند که اکثر آنها طی یک سال گذشته، و نیمی از آنها طی هفته‌های گذشته اخراج، تعلیق یا به صورت اجباری بازنشسته شدند.

در مقابل حذف اساتدانی که از درجات علمی برجسته برخوردار بوده و سال‌ها سابقه تدریس در دانشگاه دارند، نیروهای «غیرعلمی» و «ارزشی» در کرسی‌های تدریس دانشگاهی جاسازی می‌شوند.

سجاد صفر هرنندی فرزند محمدحسین صفار هرنندی وزیر ارشاد اسلامی دولت احمدی نژاد، امیرحسین ثابتی مجری شبکه افق صداوسیما حکومت به عنوان استادان جدید دانشگاهی معرفی شده‌اند. عباس موزون دیگر مجری صداوسیما جمهوری اسلامی نیز قرار است با استخدام در دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر) به دانشجویان درس «آیین زندگی» بدهد.

همچنین خبر دیگری مبنی بر تدریس سعید حدادیان مداح و روضه‌خوان مشهور حکومت در مقطع کارشناسی ارشد رشته ادبیات دانشگاه تهران از سال تحصیلی پیش رو منتشر شده است. حدادیان تحت عنوان «مدافع حرم» سابقه حضور داوطلبانه در سوریه در یگان‌های «سپاه قدس» را دارد.

سرکوب اساتید دانشگاه که رسانه‌های اصلاح‌طلب از آن به عنوان «یکدست‌سازی»، «خالص‌سازی» نام می‌برند در آستانه سالگرد اعتراضات به عنوان راهکاری برای امنیت‌بخش کردن فضای دانشگاه‌ها در پیش گرفته شده است. روندی که می‌تواند با ایجاد پتانسیل خشم و ناراضی دانشجویان، محرکی برای از سرگیری اعتراضات دانشجویی باشد.

موج سرکوب استادان دانشگاه با انتقادهایی از سوی «خودی»ها نیز همراه شده است. از جمله مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم روز سه‌شنبه در بیانیه‌ای خطاب به ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور ایران، نسبت به تبعات

● روند سرکوب‌گرانه اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری استادان از دانشگاه‌های سراسر کشور همچنان ادامه دارد هر روز خبر حذف تعدادی از اساتید دانشگاهی منتشر می‌شود. ● حمایت از اعتراضات سال گذشته و اعتراض به سرکوب گسترده شهروندان معترض در خیابان و دانشجویان در دانشگاه، وجه مشترک اساتدانی است که به تازگی اخراج، تعلیق یا به صورت اجباری بازنشسته شده‌اند. ● سرکوب استادان که رسانه‌های اصلاح‌طلب از آن به عنوان «یکدست‌سازی»، «خالص‌سازی» نام می‌برند در آستانه سالگرد اعتراضات به عنوان راهکاری برای امنیت‌بخش کردن فضای دانشگاه‌ها در پیش گرفته شده است.

موج حذف اساتید از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی ایران ادامه دارد و رئیس دانشگاه تهران در اظهاراتی عجیب علت اخراج برخی استادان را «مشکلات اخلاقی» عنوان کرده است. عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی نیز بطور کلی مدعی شده فهرست اساتید اخراج شده «صحت» ندارد. روند سرکوب‌گرانه اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری اساتید از دانشگاه‌های سراسر کشور همچنان ادامه دارد هر روز خبر حذف تعدادی از استادان دانشگاه‌ها منتشر می‌شود.

کانال تلگرامی شوراهای صنفی دانشجویان کشور روز گذشته اعلام کرد که سارا ملکان، استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه امیرکبیر، از تدریس در این دانشگاه منع شده است. بر اساس این گزارش سارا ملکان پس از پایان مرخصی دوران زایمان برای دریافت برنامه درسی به دانشگاه بازگشته، اما با نام قطع همکاری روبرو شده است. شوراهای صنفی دانشجویان کشور توضیح داده که این استاد منتقد فضای مدیریتی و امنیت‌سازی دانشگاه امیرکبیر طی سال گذشته بوده است. در یکی از آخرین نمونه‌های حذف اساتید که امروز چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۲ رسانه‌ای شد کانال تلگرامی دانشجویان متحد روز سه‌شنبه ۱۴ شهریور از اخراج مهام میقانی، استاد دانشکده هنرهای نمایشی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران خبر داد و نوشت که این اخراج بدون هیچ ابلاغی و تنها به صورت تلفنی به اطلاع او رسیده است.

این استاد دانشگاه در صفحه اینستاگرامش نوشت: «لااقل خوشحالم وقتی امروز زنگ زنده که بگویند از دانشگاه تهران اخراج شده‌ام خواب نبودم. شاید در شصت هفتاد روز گذشته یک بار هم نبوده که آن ساعت بیدار بوده باشم. امروز حتی رفتم نان داغ هم گرفتم و چون کارتم نکشید پول ندادم. با اینکه وعده‌ی دفعه‌ی بعد را دادم اما نتوانستم زیر لب به شوخی نگویم: من دیگه شما رو نمی‌بینم! و در ذهنم ادای آن پسر بچه را که در اینستاگرام دیده‌ام درنیاورم. بی‌آنکه بدانم یک ساعت بعد به خودم زنگ می‌زنند و می‌گویند: بابت یک سری مسائل دیگه می‌تونیم در خدمت شما باشیم. و منتظر ماندن شاید بگویند حق التدریس شما را در سه ترم گذشته... ولی خب اشاره‌ای نکردند و کسی که می‌داند حق التدریس سه ترمش، نصف اجاره‌ی یک ماهش هم نمی‌شود خودش را سبک می‌کند»

مهام میقانی داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس از جمله اساتدانی است که سال گذشته در بنبوجه اعتراضات جنبش ملی در اعتراض به بازداشت دانشجویان کلاس‌های درس خود را متوقف کرد و در شبکه اجتماعی اینستاگرام نوشت: «زندگی من جز نوشتن و تدریس تقریباً محتوای دیگری ندارد، اما تا زمانی که دانشجویان معترض در زندان هستند، تا زمانی که

نمی‌توانند پشت میز کلاس‌ها بنشینند، من خودم را موظف می‌دانم به عنوان معلم کوچک آنها به تدریس ادامه ندهم.» حمایت از اعتراضات سال گذشته و اعتراض به سرکوب گسترده شهروندان معترض در خیابان و دانشجویان در دانشگاه، وجه مشترک اساتدانی است که طی هفته‌های گذشته اخراج، تعلیق یا به صورت اجباری بازنشسته شدند. این اساتید یا در شبکه‌های اجتماعی و یا در کلاس درس از مردم و دانشجویان معترض حمایت و یا به سرکوب‌های حکومت انتقاد و اعتراض کرده بودند.

همچنین مجتبی پوربخش مجری و گزارشگر ورزشی تلویزیون و استاد تربیت بدنی دانشگاه آزاد تهران که سال گذشته از فعالیت در صداوسیما منع شده بود، اکنون از دانشگاه هم اخراج شده است.

او با انتشار خبر نامه اخراج خود نوشته که «خیلی ممنون از محبت بزرگان علم و ورزش که من کوچکترین رو دعوت کردن برای تدریس در دانشگاهی که خودم اونجا درس خوندم. گویا قسمت نبود بیش از این در خدمت دانشگاه تهران مرکز و اساتید و همکاران و دانشجویها باشم. و ممنونم از مراجع ذیصلاح که با دقت کامل پیگیری هستن تا من جایی کار نکنم.» اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری اساتید که پس از پیروزی انقلاب ۵۷ با «انقلاب فرهنگی» آغاز شد، همواره در چهار دهه گذشته و در دولت‌های مختلف اصلاح‌طلب و اصولگرا ادامه داشته است. اینهمه در حالیست که طی یک سال گذشته و پس از آغاز اعتراضات جنبش ملی و با توجه به نقش برجسته‌ای که جنبش دانشجویی در حمایت از اعتراضات مردمی داشت، حساسیت بر استادان دانشگاه افزایش پیدا کرد. روزنامه «اعتماد» طی روزهای گذشته در دو گزارش جداگانه به روند اخراج اساتدان طی یک سال گذشته پرداخته است. در گزارش نخست فهرستی از ۱۵۷ استاد اخراجی و تعلیقی و بازنشسته اجباری در دولت‌های احمدی‌نژاد، روحانی و رئیسی نام برده شده بود. بر این اساس در طول هشت سال دولت محمود احمدی‌نژاد ۸۵ استاد، در دولت حسن روحانی ۱۴ استاد و در دولت ابراهیم رئیسی تا پایان مرداد ۵۸ استاد از دانشگاه‌ها حذف شدند. در گزارش بعدی روزنامه «اعتماد» که نهم شهریورماه منتشر

جوزپ بورل تأیید کرد: شهروند سوئدی که توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده «دیپلمات اتحادیه اروپا» است



جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تهران / ۲۵ ژوئن ۲۰۲۲

وزارت خارجه سوئد اعلام کرد خواستار آزادی فوری اوست. در این گزارش همچنین آمده بود، جمهوری اسلامی «فرصت طلبانه» ایرانی‌های دوتابعیتی و خارجی‌ها را با اتهامات ساختگی دستگیر و از آنها به عنوان ابزاری برای معامله با اروپا یا آمریکا بهره‌برداری کرده و آنان را تبدیل به اهرم فشار برای باج گرفتن و اخاذی می‌کند؛ چنانکه در ازای انتقال پنج گروگان آمریکایی به خارج از زندان اوین شش میلیارد دلار پول‌های بلوکه‌شده ایران آزاد شد و همچنین آمریکا شماری از وابستگان زندانی جمهوری اسلامی را در آمریکا آزاد کرد.

برخی تحلیلگران معتقدند گروگانگیری این شهروند سوئدی می‌تواند مرتبط با دادگاه حمید نوری دستیار ابراهیم رئیسی در تابستان خنوبن ۶۷ در زندان گوهردشت و احتمال مبادله با وی باشد که در سوئد محاکمه و به حبس ابد محکوم شده است. به ویژه آنکه تاریخ دستگیری وی نیز با دوران بازداشت و دادگاه حمید نوری همزمان است. اکنون در شبکه‌های اجتماعی کاربران می‌پرسند چرا با وجود هشدار دولت‌های غربی در مورد خطرات سفر شهروندانشان به ایران باز هم افرادی، آنهم «دیپلمات اتحادیه اروپا» به ایران رفته است!

یوهان فلودروس بعد از احمدرضا جلالی پزشک ایرانی-سوئدی که از سال ۱۳۹۵ تا کنون در ایران زندانی است، دومین سوئدی است که نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی وی را به گروگان گرفته‌اند. جلالی به اتهام جاسوسی محکوم به اعدام شده. وی سال ۱۳۹۵ برای شرکت در یک کنفرانس علمی به دعوت وابستگان رژیم به ایران رفت و بازداشت شد. اوایل خردادماه پس از یکسری میانجیگری، اولویوه ونده کاستیل امدادگر بلژیکی گروگان در ایران با اسدالله اسدی دیپلمات-مب‌گذار جمهوری اسلامی در بلژیک معامله شد. بهمن ۱۳۹۹ دادگاه آنتورپ در بلژیک اسدالله اسدی دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی ایران را در وین به اتهام تلاش جهت مبادله در نشست سازمان مجاهدین خلق در پاریس مجرم شناخت و او را به ۲۰ سال حبس محکوم کرد.

● **مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در جمع خبرنگاران گفت اتحادیه اروپا برای آزادی یوهان فلودروس شهروند سوئدی به شدت تلاش می‌کند.**

● **جوزپ بورل تأکید کرد «هربار که ما در سطوح مختلف دیدار دیپلماتیک داشتیم، موضوع را روی میز گذاشته‌ایم. ما بی‌وقفه برای آزادی فلودروس تلاش کرده‌ایم و این کار را ادامه خواهیم داد... و تا زمانی که وی آزاد نشود کارمان را متوقف نخواهیم کرد».**

● **برخی تحلیلگران معتقدند گروگانگیری این شهروند سوئدی می‌تواند مرتبط با دادگاه حمید نوری دستیار ابراهیم رئیسی در تابستان خنوبن ۶۷ در زندان گوهردشت باشد که در سوئد محاکمه و به حبس ابد محکوم شد.**

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا سه‌شنبه ۵ سپتامبر (۱۴ شهریور) تأیید کرد یوهان فلودروس شهروند سوئدی که بیش از ۵۰۰ روز در ایران زندانی است برای اتحادیه اروپا کار می‌کرده است. وی در جمع خبرنگاران گفت اتحادیه اروپا برای آزادی این شهروند ۳۳ ساله به شدت تلاش می‌کند.

وی افزود که نهادهای اروپایی و مقامات سوئدی، مقامات ایران را برای آزادی فلودروس تحت فشار قرار داده‌اند. بورل تأکید کرد، «هربار که ما در سطوح مختلف دیدار دیپلماتیک داشتیم، موضوع را روی میز گذاشته‌ایم. ما بی‌وقفه برای آزادی فلودروس تلاش کرده‌ایم و این کار را ادامه خواهیم داد... و تا زمانی که وی آزاد نشود کارمان را متوقف نخواهیم کرد».

روزنامه «نیویورک تایمز» دوشنبه ۴ سپتامبر (۱۳ شهریور) گزارش داد دولت سوئد بیش از ۵۰۰ روز است گروگان گرفته شدن یک سوئدی را در ایران پنهان نگه داشته است. در این گزارش آمده بود فلودروس برای دستگاه دیپلماسی اتحادیه اروپا کار می‌کرده و فروردین ۱۴۰۱ وقتی با دوستانش برای تفریح به ایران رفته بود هنگام بازگشت در فرودگاه تهران بازداشت شد. بعد از اعلام این خبر بود که

این اخراج‌ها، چه برای مردم و چه برای حکومت، هشدار داد و از آن به عنوان رخدادی «بسیار تلخ و ناگوار» نام برد که «دولت سیزدهم را به شدت زیر سؤال برده است». در این بیانیه آمده که «چرا در این دولت، تصمیم‌های غیر معقول و غیرمقبول گرفته شده، استادان دلسوز، اخراج و به جای آن سخن از جذب چند هزار افراد جدید می‌شود؟»

اشاره مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم به نامه محرمانه در زکریا است که گفته می‌شود، احمد وحیدی، وزیر کشور، به ابراهیم رئیسی نوشته و در آن متذکر شده در اعتراضات ۱۴۰۱ «اساتید ناهمسو اصلی‌ترین عامل بحران» در اعتراضات دانشگاه‌ها بودند و به همین دلیل در جلسه شورای امنیت کشور مصوب شد که «اختیارات ویژه استخدامی برای جذب ۱۵ هزار نفر اعضای هیئت علمی جدید» در نظر گرفته شود. مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در ادامه بیانیه خود نوشته است: «با اخراج استادان مستقل و منتقد، اندک استقلال دانشگاه‌ها نیز از بین رفته و دانشگاه فاقد توانمندی لازم در جهت کمک به پیشرفت کشور می‌شود. با گزینش گروهی احیانا کم صلاحیت به عنوان استاد، سرنوشت علم و تحقیق در این دولت به کدام سو می‌رود؟»

با اینهمه برخی دیگر از «خودی‌ها» با فرافکنی نسبت به آمار گسترده سرکوب استادان دانشگاه موضع می‌گیرند. حسین علی حاجی دلگانی عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی گفته که «مطالبی که اخیراً برخی جریان‌ها تحت عنوان اخراج اساتید از دانشگاه‌ها مطرح می‌کنند و فهرست‌هایی که توسط آنها منتشر می‌شود دقیق نیست و صحت ندارد.»

عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس با اشاره به اینکه «لیست‌ها و فضا سازی‌ها با انگیزه سیاسی انجام شده» گفته که این قبیل اقدامات را برخی جریان‌ها سیاسی با انگیزه سیاسی و انتخاباتی در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی انجام می‌دهند تا شاید با این قبیل فضا سازی‌ها بتوانند در انتخابات پیش رو توفیقی به دست آورند.

روابط عمومی وزارت علوم نیز در واکنش به ادعای اخراج ۵۸ استاد دانشگاه در دو سال نخست فعالیت دولت ابراهیم رئیسی و تا پایان امرداد امسال نوشته که «۷ نفر از ۵۸ عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها به دلیل رکود علمی یا عدم تبدیل وضعیت و یا از دست دادن صلاحیت علمی و عمومی در وضعیت قطع همکاری با دانشگاه‌ها قرار گرفتند که دو نفر از آنها به دلیل پاسخ منفی استعفا از نهادهای و مراجع امنیتی در وضعیت قطع همکاری قرار گرفتند.»

در ادامه این اطلاعیه آمده «یک نفر از اعضای هیئت علمی که بدون اطلاع دانشگاه از کشور خارج شده است» و «۳ عضو هیئت علمی نیز در سن قانونی بازنشست شده‌اند.»

روابط عمومی وزارت علوم همچنین مدعی شده که «۵ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها صرفاً از پست مدیریتی خود استعفا داده و یا جایجا شده»، «۳ عضو هیئت علمی دانشگاه دارای پرونده قضایی بیرون از دانشگاه هستند»، «۷ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها دارای حکم از هیأت رسیدگی تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی هستند» و «۳ عضو هیئت علمی نیز در هیئت رسیدگی تخلفات انتظامی اعضای هیات علمی پرونده دارند.»

در این اطلاعیه آمده که «۷ عضو هیئت علمی نیز بدون رابطه استخدامی و به صورت حق التدریس در دانشگاه‌ها تدریس می‌کردند که با اتمام دوره قرارداد دیگر در آن دانشگاه تدریس نمی‌کنند و در نهایت ۳ نفر از ۵۸ عضو هیئت علمی تعلیق شده، به دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعلق دارند و ۱۷ نفر نیز در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول فعالیت بوده‌اند.»

اختصاصی کیهان لندن؛ وزیر اطلاعات اسرائیل در مجلس اعیان بریتانیا: این وظیفه تاریخی و اخلاقی ماست که به مردم ایران برای آزادی کمک کنیم



گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل و شماری از مهمانان نشست مجلس اعیان بریتانیا/ لندن/ ۷ سپتامبر ۲۰۲۳

● این نشست از سوی لرد پولاک برگزار شد که بیشتر در اطلاعیه‌ای با ابراز خرسندی از میزبانی وزیر خارجه اسرائیل با اشاره به مرگ دلخراش مهسا امینی در سپتامبر ۲۰۲۲ اعلام کرده بود که این گردهمایی ویژه برای ادای احترام به مهسا برگزار می‌شود.

● گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل: «جمهوری اسلامی در حالی همچنان به انکار هولوکاست و کشتار ۶ میلیون یهودی ادامه می‌دهد که همزمان تلاش می‌کند تا خودش با هب هسته‌ای امکان نابودی ۷ میلیون یهودی را در یک حمله اتمی به دست آورد.»

● «ما باید با هم کار کنیم تا کشتارهای داخلی و خارجی رژیم ایران را متوقف کنیم. ما باید این کار را برای مهسا، کیان، پویا و میلیون‌ها نفری که به دنبال آینده‌ای امن و آزاد هستند، انجام دهیم.»

گابریل گاملیل وزیر خارجه کشور اسرائیل روز پنجشنبه ۷ سپتامبر ۲۰۲۳ مهمان مجلس اعیان بریتانیا در لندن بود. این دعوت از سوی لرد پولاک انجام شده بود که بیشتر در اطلاعیه‌ای با ابراز خرسندی از میزبانی وزیر خارجه اسرائیل با اشاره به مرگ دلخراش مهسا امینی در سپتامبر ۲۰۲۲ اعلام کرده بود که این گردهمایی ویژه برای ادای احترام به مهسا برگزار می‌شود.

لرد پولاک همچنین پیام نمادین «زن، زندگی و آزادی» را طنین جهانی تلاش شجاعانه مردم ایران دانست که برای «آزادی و فردایی بهتر» مبارزه می‌کنند.

وی حضور گیلا گاملیل را در این نشست یک حرکت قابل توجه برای ادای احترام به مهسا نامید و افزود که وزیر خارجه اسرائیل همواره بر همبستگی خود با مبارزات مردم شجاع ایران برای آزادی و دموکراسی و فردایی بهتر تأکید کرده است. متی هیون معاون سیاسی حزب محافظه‌کار بریتانیا در «وست میدلندز» و نماینده شورای محلی «کاونتری» و همسر ایرانی- بریتانیایی وحید بهشتی فعال سیاسی که در برابر وزارت خارجه بریتانیا دست به اعتصاب غذا و تحصن زده بود این نشست را با خوشامدگویی افتتاح کرد و از جمله گفت: «پیام امروز من ساده است. رژیم وحشی ایران با اتحاد مردم ایران هیچ شانس برای بقا ندارد. به همین دلیل است که جمهوری اسلامی منابع عظیمی را برای ایجاد تفرقه و از بین بردن وحدت ما سرمایه‌گذاری کرده است.»

وی با اشاره به این اهمیت این نشست در مجلس اعیان بریتانیا گفت: «رویداد امروز بسیار مهم است و گامی بزرگ در جهت به دست آوردن نتایج مثبت نه تنها برای مردم ایران، بلکه برای اسرائیل، خاورمیانه و سایر نقاط جهان به شمار می‌رود.»

سخنان متی هیون بر نقش مخرب تفرقه متمرکز بود و بارها بر لزوم اتحاد و همبستگی تأکید کرد و گفت: «رژیم به پایان خود رسیده. جمهوری اسلامی یک رژیم جنایتکار و فاسد و فاقد هرگونه اعتبار است. در همه زمینه‌ها اعم از مالی، اجتماعی، قضایی، فرهنگی و... به بن‌بست رسیده است. اما تنها چیزی که خیلی خوب بلد است، ایجاد تفرقه بین مردم و مخالفان خود است.»

وی سپس گفت: «امروز مفتخریم که وزیر اطلاعات اسرائیل، گیلا گاملیل، در اینجاست و حضور ایشان به عنوان

وزیر برای ما بسیار مهم است چرا که مردم اسرائیل در گفتگو بر سر همزیستی و وحدت نقش اساسی دارند. اسرائیل تنها کشوری است که جمهوری اسلامی آشکارا و بارها خواستار نابودی و حذف کامل آن از نقشه جهان شده و این کشور تهدید رژیم علیه مردم ایران را به خوبی درک می‌کند. برای مردم ایران، اولویت شماره یک پس گرفتن کشورشان از اشغالگران ۴۴ ساله و بازگرداندن صلح، امنیت و آسایش به سراسر ایران، خاورمیانه و سایر نقاط جهان، از جمله اسرائیل و همچنین بریتانیاست.»

وزیر اطلاعات اسرائیل: رویدادهای منفی منطقه ریشه در تهران دارد

سپس گیلا گاملیل رشته سخن را به دست گرفت. وی ضمن ابراز خرسندی از حضور در این نشست گفت: «من معتقدم که ما مرحله‌ای را شروع کرده‌ایم که به تغییرات مهم در آینده منجر خواهد شد. اکنون ما اینجا هستیم تا سالگرد کشته شدن مهسا امینی یک زن ایرانی ۲۲ ساله را یادآوری کنیم. زن جوانی که او را فقط به خاطر عدم رعایت حجاب مطابق معیارهای جمهوری اسلامی به قتل رساندند. اما قتل او درک آنچه را در داخل ایران می‌گذرد به ارمان آورد.» وی افزود: «اگرچه مرگ وی غم‌انگیز بود و قلب میلیون‌ها نفر را نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان شکست اما دنیا چشم باز کرد که ببیند مردم ایران چگونه برای زندگی در آزادی که شایسته‌ی آن هستند مبارزه می‌کنند. زنان ایران شایسته‌ی این هستند که حقوق خود را مانند همه جای دنیا به دست آورند و مهسا امینی نماد این حقوق شد.»

گاملیل همچنین تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران مردم را به گروگان گرفته و از خشونت و قتل برای کنترل جامعه استفاده می‌کند.

وی سپس توضیح داد که «تنها در شش ماه اول سال ۲۰۲۳ دست‌کم ۲۵۴ نفر در ایران به دار آویخته شدند که بسیاری ادعا می‌کنند تاکتیکی برای ایجاد وحشت و سرکوب مخالفان است. این حکومت برای ارتکاب جنایت هیچ حد

و مرزی نمی‌شناسد.»

وزیر اطلاعات اسرائیل آنگاه با نام بردن از برخی اعدام‌شدگان و همچنین زندانیانی که در حبس کشته شدند، یادآور شد که اینها فقط نمونه‌هایی از صدها هستند که جرم‌شان این است که می‌خواهند آزاد باشند و سرکوب نشوند: «نام سرکوب‌شدگان متفاوت است، اما علت همیشه ثابت است و سپاه پاسداران مخوف در پشت بسیاری از این قتل‌ها قرار دارد.»

وی افزود: «متأسفانه بیشتر رهبران جهان دوباره سکوت کرده‌اند. از نوامبر ۲۰۲۲ تا مارس ۲۰۲۳، بیش از ۷۰۰۰ دختر مدرسه‌ای در ده‌ها مدرسه مسموم شدند. هیچکس در این مورد کاری انجام نداد. سپاه پاسداران نه تنها به دنبال وحشت‌آفرینی در داخل کشور بلکه در سایر نقاط منطقه و فراتر از آن نیز به همین کار مشغول است. ما باید درک کنیم که جمهوری اسلامی و دستیاران تروریست آن مسئول جنگ و خونریزی در یمن، عراق، لبنان و جاهای دیگر هستند. در اسرائیل، نمایندگان رژیم ایران مانند حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی اکنون جلسات منظمی را برای هماهنگ کردن تاکتیک‌های سالانه برگزار می‌کنند تا یهودیان را در سرزمین نیاکان خود نابود کنند.»

گیلا گاملیل همچنین گفت: «جمهوری اسلامی در حالی همچنان به انکار هولوکاست و کشتار ۶ میلیون یهودی ادامه می‌دهد که همزمان تلاش می‌کند تا خودش با هب هسته‌ای امکان نابودی ۷ میلیون یهودی را در یک حمله اتمی به دست آورد. تقریباً همه رویدادهای منفی که امروز در منطقه ما اتفاق می‌افتد، ریشه در تهران دارد.»

وی سپس با اشاره به «پیمان ابراهیم» گفت که «جمهوری اسلامی در پی تخریب عادی شدن روابط اسرائیل و کشورهای عربی است. رژیم ایران در همه جا از جمله در بریتانیا نیز حضور منفی دارد و این را رهبران جهان باید درک کنند. به همین دلیل است که به نام ملت اسرائیل و ملت ایران و همه مردم منطقه که به دنبال



آسوشیتدپرس: یک شرکت کشتیرانی یونانی جریمه ۲/۴ میلیون دلاری به دلیل قاچاق نفت ایران را پذیرفت

محموله برای شرکت نفتی بزرگ آمریکایی «شورون» بود. به گزارش «نیویورک تایمز» مارک والاس مدیر ارشد اجرایی گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» شرکت «امپایر ناویگیشن» را به خاطر شجاعت در برابر تهدیدات فراملی جمهوری اسلامی و در نهایت «اقدام درست» تحسین کرد.

وی گفته «مدت زمانی که برای حل این موضوع صرف شده نشان‌دهنده یک مشکل بزرگتر است و گروه او بر اساس داده‌های مشابه، حدود ۳۰۰ نفتکش دیگر را که احتمالاً در قاچاق نفت ایران دست دارند، شناسایی کرده است.» پس از تخلیه محموله نفتی «سوئز راجان» وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز ششم شهریور کاردار سوئیس را در تهران به عنوان حافظ منافع آمریکا احضار کرد.

در واکنش به تخلیه نفت ایران در تگزاس ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته بود «مقامات دولت آمریکا مطلع هستند که دوران بزن در رو تمام شده و ایران نسبت به هرگونه تعرض به حقوق ملت ایران در هیچ کجا دست بسته نخواهد ماند و واکنش نشان می‌دهد و حقوق ملت را احقاق می‌کند و دست تعرض‌کنندگان را کوتاه می‌کند.»

در یک مورد دیگر اواخر تیرماه ۱۴۰۲ آبرفتکش «ام تی آرمان ۱۴۱» حامل حدود ۲۷۳ هزار تن نفت خام سبک به ارزش ۳۰۴ میلیون دلار، مظنون به انتقال نفت به کشتی دیگری به نام «ام تی اس تینوس» با پرچم کامرون توسط گارد ساحلی اندونزی توقیف شد.

بر اساس گزارش شرکت داده‌های شرکت «کپلر»، با وجود تحریم‌های آمریکا، صادرات نفت ایران به بیش از ۱/۵ میلیون بشکه در روز رسیده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرده درآمدهای نفتی ایران تأمین‌کننده هزینه‌های نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است اما همزمان تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی نادیده گرفته می‌شود.

دولت بایدن از یکسو با نادیده گرفتن تحریم‌های ایران باعث شده که جمهوری اسلامی صادرات نفتی خود را به حدود دو میلیون بشکه در روز برساند. در تناقض با این رویه اما محموله نفت ایران توقیف و سپس تخلیه شد.

روزنامه «لیبراسیون» تخلیه محموله نفتکش «سوئز راجان» را نشانه سیاست دوگانه دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی دانسته است. به گزارش بخش فارسی «صدای فرانسه» در گزارش لیبراسیون آمده آمریکا توانایی سختگیری بیشتر در مورد تحریم نفت ایران را دارد، اما فعلاً چندان تمایلی به این کار نشان نمی‌دهد.

در بخشی از این گزارش با اشاره به تلاش‌های دولت بایدن برای معامله با جمهوری اسلامی آمده از نظر دیپلمات‌های آمریکایی اگر برجام را «پلان A» و استراتژی فشار حداکثری را «پلان B» بدانیم، اینک دولت بایدن «پلان C» را به اجرا گذاشته که به معنای حفظ وضعیت موجود و پرهیز از بحران است، به امید آن که در آینده فرصتی برای تغییر شرایط به دست آید.

لیبراسیون نتیجه می‌گیرد که در کارزار آینده انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، جو بایدن مسلماً نتوانست در حوزه سیاست خارجی از بُرد در پرونده ایران حرف بزند.



تصویر ماهواره‌ای از نفتکش ایرانی «سوئز راجان» در نزدیکی گالوستون

تروریسم دولتی» اختصاص داده شود.

«سوئز راجان» پس از چند ماه سرگردانی با پرچم جزایر مارشال در اواخر اردیبه‌ماه سال ۱۴۰۲ محموله خود را به نفتکش دیگری به نام «ام آر یوفریتیس» در نزدیکی گالوستون واقع در ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی هیوستون در ایالت تگزاس منتقل کرد.

تهدیدات جمهوری اسلامی باعث شد نفتکش «سوئز راجان» چند ماه در خلیج مکزیک متوقف شود اما محموله آن تخلیه نشد.

وکیل شرکت «امپایر ناویگیشن» به اتهام نقض تحریم‌های ایران اعتراف کرد.

آسوشیتدپرس گزارش داد از زمانی که نفتکش «سوئز راجان» به سمت آمریکا حرکت کرد، ایران دو نفتکش را در نزدیکی تنگه هرمز توقیف کرد. یکی از این نفتکش‌ها حاوی

به عنوان یک زن و یک مادر آن را مهم می‌دانم و باید دید چگونه می‌توان تئوری را به واقعیت تبدیل کرد.»

در این نشست سیبورا هوتوفلی سفیر اسرائیل در بریتانیا نیز حضور داشت و در سخنانی با اشاره به وظایف این سفارتخانه در ارتباط با گفتگوی استراتژیک بین اسرائیل و بریتانیا گفت که مسئله ایران در این استراتژی اصلی‌ترین موضوع از جمله در زمینه دفاع است. وی گفت: «گفتگوی استراتژیک در این زمینه چیز است که ما با ایالات متحده داریم و بیانگر اهمیت این موضوع است.» سفیر اسرائیل در انگلیس تأکید کرد که تهدیدات جمهوری اسلامی ایران برای اسرائیل در اولویت قرار دارد زیرا به ثبات در خاورمیانه مربوط می‌شود و بی‌ثباتی در منطقه تنها یک دلیل دارد و آن رژیم افراطی ایران و سپاه پاسدارانش است.» وی افزود که جامعه بین‌المللی نیز به تدریج به درک این موضوع می‌رسد، حتی اگر موضوع دیگری مانند جنگ روسیه علیه اوکراین خیلی مهم باشد.

● مارک والاس مدیر ارشد اجرایی گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» شرکت «امپایر ناویگیشن» را به خاطر شجاعت در برابر تهدیدات فراملی جمهوری اسلامی در نهایت «اقدام درست» تحسین کرد.

● والاس می‌گوید مدت زمانی که برای حل این موضوع صرف شده نشان‌دهنده یک مشکل بزرگتر است و گروه او بر اساس داده‌های مشابه، حدود ۳۰۰ نفتکش دیگر را که احتمالاً در قاچاق نفت ایران دست دارند، شناسایی کرده است.

● روزنامه فرانسوی «لیبراسیون» تخلیه محموله نفتکش «سوئز راجان» را نشانه سیاست دوگانه دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی دانست و نوشت آمریکا توانایی سختگیری بیشتر در مورد تحریم نفت ایران را دارد، اما فعلاً چندان تمایلی به این کار نشان نمی‌دهد. این روزنامه نوشته، در کارزار آینده انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، جو بایدن مسلماً نخواهد توانست در حوزه سیاست خارجی از بُرد در پرونده ایران حرف بزند.

آسوشیتدپرس ۷ سپتامبر (۱۶ شهریور) با استناد به اسناد دادگاه فدرال آمریکا گزارش داد شرکت کشتیرانی یونانی «امپایر ناویگیشن» اتهام خود مبنی بر نقض تحریم‌های آمریکا و قاچاق نفت خام ایران را پذیرفته است.

این شرکت بر اساس توافق با دادستانی فدرال، ضمن پذیرش اتهامات قرار است دو میلیون و ۴۰۰ هزار دلار جریمه پرداخت می‌کند.

نفتکش «سوئز راجان» که حامل حدود ۸۰۰ هزار بشکه نفت به ارزش ۵۶ میلیون دلار بود فوریه سال ۲۰۲۲ توقیف شد. محموله این کشتی قرار بود به چین برود. به تلافی توقیف آن، جمهوری اسلامی کشتی «ادونتج سوییت» را توقیف کرد که حامل نفت خام کویت برای شرکت انرژی آمریکایی «شورون» بود.

پس از توقیف این نفتکش آمریکا آن را برای تخلیه به سواحل تگزاس منتقل کرد.

برخی منابع گفته بودند ممکن است آمریکا این محموله را پیشاپیش فروخته باشد و احتمالاً درآمد حاصل از آن به یک صندوق ایجاد شده از سوی کنگره آمریکا برای «قربانیان

صلح و آزادی و عدالت هستند می‌خواهیم که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک گروه تروریستی شناخته شود. ما باید با هم کار کنیم تا کشتارهای داخلی و خارجی رژیم ایران را متوقف کنیم. ما باید این کار را برای مهسا، کیان، پویا و میلیون‌ها نفری که به دنبال آینده‌ای امن و آزاد هستند، انجام دهیم.»

گاملیل آنگاه با اشاره به تاریخ مشترک ایرانیان و یهودیان گفت: «من به عنوان یک یهودی اینجا هستم که یادآور هزاره‌های برادری تاریخی بین مردم یهودی و ایرانی است. این کوروش پادشاه پارسی بود که در سال ۵۱۴ قبل از میلاد از مردم من برای بازسازی معبد مقدس و از بازگشت به اورشلیم استقبال کرد و آزادی و امنیت را به ما بازگرداند. اکنون ما باید با کمک به مردم ایران برای فرار از ظلم و برخورداری از آزادی و رفاه آن را جبران کنیم. این وظیفه تاریخی و اخلاقی ماست. به همین دلیل است که من به عنوان یک وزیر اسرائیلی، این کار را بسیار مهم می‌دانم.»

جبران «هزینه تحریم» از جیب مردم از مالیات‌های متنوع تا جریمه‌های «حجاب و عفاف»



هرچند دولت در تبلیغاتی که مخاطب آنها «غرب» و «آمریکا» است بر افزایش تولید و صادرات تأکید دارد اما داود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه به تازگی گفته که «دولت توانسته تنها ۴۲ درصد از منابعی که قرار بود از محل فروش نفت عایدی داشته باشد».

آمارها نیز نشان می‌دهند که درآمدهای نفتی دولت در ۴ ماه ابتدایی امسال ۵۸ درصد کمتر از آنچه در لایحه بودجه پیش‌بینی شده بود محقق شود و این نشان از یک کسری بودجه عمیق در بودجه دولت است.

در گزارش «خبرآنلاین» با اشاره به آمارهای فروش نفت ایران و کسری شدید درآمدهای نفتی در نیمه سال، نسبت به آنچه در لایحه بودجه پیش‌بینی شده، آمده که «اقتصاددانان معتقدند، مالیات یک ابزار حکمرانی حساس و شمشیر دولبه محسوب می‌شود که کاربرد آن نیاز به هوش حکومتی بالا دارد. رابطه ظریف مالیات از یک سو با دموکراسی، سطح پاسخگویی دولت و شرایط و شاخص‌های اقتصادی به اثبات رسیده است. فشار مالیات در شرایط رکود تورمی و در یک سیستم اقتدارگرا که به دنبال جایگزینی برای درآمدهای نفت در شرایط تحریم است، نتیجه مطلوبی در بر نخواهد داشت.»

اینهمه در حالیست که دولت مدعی است که توانسته سازوکار دور زدن و بی‌اثر کردن تحریم‌های ایالات متحده را پیاده کند و علی‌خامنه‌ای نیز هفته گذشته در جمع اعضای هیئت دولت، دوباره به تحریم‌ها اشاره کرد گفت می‌توان با کاهش تورم تحریم‌ها را خنثی کرد.

اکنون در حالی دولت با تحمیل هزینه‌هایی به جیب مردم و به ویژه اقشار کم‌درآمد در حال جبران کسری بودجه و لاف «بی‌اثر کردن تحریم» است که در آنسو کارشناسان

دولت در عمل با دست‌برد به جیب اقشار کم‌درآمد و متوسط، ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی و پافشاری بر اقدامات ایدئولوژیک در حوزه بین‌الملل را جبران می‌کند.

وبسایت «خبرآنلاین» در گزارشی به شیوه‌های مورد استفاده از سوی دولت و مجلس شورای اسلامی برای دریافت مالیات پرداخته است. در این گزارش آمده که مجلس یازدهم نوآوری‌های جدیدی را برای این کار و تأمین درآمد تدارک دیده است. از مالیات بر کارتخوان مغازه‌ها تا درآمدزایی از جریمه‌های بی‌حجابی که ارزش‌های دینی را محلی برای مبادله پول ثروتمندان، قرار داده است.

در ادامه این گزارش به دعوای نهادها برای دریافت درآمد حاصل از طرح حجاب و عفاف پرداخته و نوشته که «یکی از نمایندگان مجلس گفته بود «یکی از موضوعاتی که باعث طولانی شدن رسیدگی به لایحه «حجاب و عفاف» شد، این بود که نیروی انتظامی می‌خواست جریمه‌ها را به حساب خود بریزد و در آخر مقرر شد که به خزانه دولت برای هزینه در اوقات فراغت خانواده ریخته شود.»

همچنین در لایحه بودجه امسال نیز در حلقه درآمدهای واقعی نفت و گاز به دلیل تحریم، مالیات بیشترین سهم از درآمدهای ۹۷۸ هزار میلیارد تومانی دولت را تشکیل می‌دهد.

به گزارش «خبرآنلاین» دولت پیش‌بینی کرده در سال آینده ۸۳۸ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی کسب کند. این رقم در بودجه سال قبل ۵۲۷ هزار میلیارد تومان و در بودجه سال ۱۴۰۰ نیز ۳۲۵ هزار میلیارد تومان بود. به این ترتیب دولت درآمدهای مالیاتی خود در بودجه سال آینده را ۵۹ درصد بالا برده است. به این ترتیب دولت همچون امسال بیشترین تمرکز خود را بر درآمدزایی از حوزه مالیات گذاشته است.

● دریافت مالیات به راهکاری در دست دولت برای جبران کسری بودجه و جبران هزینه‌های ناشی از تحریم تبدیل شده است.

● خامنه‌ای در حالی می‌گوید «می‌توان با کاهش تورم تحریم‌ها را خنثی کرد» که کارشناسان اقتصادی معتقدند تحریم‌ها وجود دارد، تورم نیز وجود دارد.

● موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی پیشتر هشدار داده بود که با تداوم تحریم، تداوم کاهش سرمایه‌های اجتماعی، افزایش عدم اطمینان و در نتیجه خروج سرمایه از کشور رخ خواهد داد.

تیم اقتصادی دولت رئیسی در حالی که از ابتدای تشکیل دولت، تحریم‌ها را بی‌اثر می‌خواند و در شرایطی به تازگی مدعی بهبود شرایط اقتصادی کشور است که با تصویب و اجرای قوانینی تلاش کرده تا جبران هزینه‌های ناشی از تحریم‌ها را با دریافت مالیات از مردم جبران کند.

محمدرضا نجفی‌منش رئیس کمیسیون کسب و کار اتاق تهران معتقد است «ایران رتبه اول مالیات‌ستانی در منطقه و یکی از بالاترین رتبه‌های جهانی در اخذ مالیات را کسب کرده است.»

دریافت مالیات هر چند اقدامی مؤثر در اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است اما در شرایط کنونی ایران، به راهکاری در دست دولت برای جبران کسری بودجه و جبران هزینه‌های ناشی از تحریم تبدیل شده است؛ آنهم در شرایطی که بخش مهمی از این مالیات از جیب کم‌درآمدها و اقشار متوسط تأمین می‌شود اما ابرقدرت‌های اقتصادی همچنان مرتکب فرار مالیاتی می‌شوند یا قوانین مربوطه آنها را از مالیات معاف کرده است! این بدان معناست که

اطلاعیه مشترک سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات:

به شبکه «سازماندهی اغتشاشات» ضربه زدیم!



در هفته‌های اخیر ده‌ها فعال سیاسی و مدنی در شهرهای مختلف توسط نهادهای امنیتی بازداشت یا احضار شدند. شماری از بازداشت شدگان خانواده جانباختگان خیزش ضدحکومتی هستند.

حکومت نگران شکل گرفتن مجدد اعتراضات خیابانی در سالگرد کشته شدن «مهسا امینی» است. حسین طائب رئیس پیشین سازمان اطلاعات سپاه (ساس) هشدار داده بود آمریکایی‌ها قصد دارند چالش را به دانشگاه و مدارس بکشانند. همچنین مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف گفته بود «بدانید بعد از محرم و صفر حتماً باز هم به ما حمله می‌کنند».

مجید خادمی رئیس سازمان حفاظت اطلاعات سپاه ۲۳ تیرماه در یک سخنرانی در جمع سپاهی‌های شیراز با تشریح جنبه‌های مختلف «جنگ ترکیبی» و «استفاده دشمنان از هوش مصنوعی برای جعل روایت‌ها و حقیقت» گفت: «داده‌های اطلاعاتی که توسط سرویس‌های دشمن و از طریق شبکه‌ها و دستگاه‌هایی که مورد استفاده مردم هستند جمع‌آوری می‌شوند در راستای طرح‌های آشوب و بی‌اعتمادسازی به نظام و رسانه‌های داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرند».

حجت‌الاسلام صادق رحیمی معاون قوه قضائیه «دشمن مترصد است تا مجدداً شیطنتهایی در فضای داخلی کشور ایجاد کند.» وی پنجشنبه دوم شهریور در مصاحبه با خبرنگاری «میزان» گفت که دشمنان قصد دارند به بهانه‌هایی مشابه سال قبل، عده‌ای را «تحریک کرده» و مشکلاتی را برای نظام ایجاد کنند و مردم را نسبت به آینده کشور و نظام دلسرد کنند.

وی به آندسته افراد که در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ بازداشت شدند و با تعهد یا وثیقه آزاد هستند هشدار داد «کسانی که در جریان اغتشاشات سال گذشته، مشمول عفو رهبری قرار گرفتند، اگر مجدداً فریب خورده و اقدامات خود را تکرار کنند با قاطعیت بیشتری با آنان برخورد می‌شود؛ بدین معنا که مجازات آنان مضاعف، و ارفاق و تخفیفی نسبت به ایشان اعمال نخواهد شد؛ لذا به این اشخاص و خانواده‌های آنان توصیه می‌شود مراقب شیطنتهای دشمن باشند.»

● وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه در اطلاعیه‌های اعلام کردند اعضای این شبکه که با حمایت مالی وزارت خارجه آمریکا، هدایت موسسات مؤسسه «خانه آزادی» و مؤسسه «خشونت پرهیزی برای دموکراسی» (NID) به دنبال شبکه‌سازی برای اغتشاشات بودند شناسایی شدند و به آنها ضربه خورد.

● این دو نهاد امنیتی- اطلاعاتی گفته‌اند اعضای شبکه «با برگزاری دوره‌های مجازی و رایگان برای فعالان حوزه زنان و جامعه مدنی، عناصری از داخل و خارج از کشور را تحت آموزش قرار می‌دادند».

در آستانه سالگرد خیزش ضدحکومتی، وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) در اطلاعیه‌ای مشترک که چهارشنبه ۱۵ شهریور منتشر شد مدعی شدند تعدادی از اعضای «یک شبکه سازماندهی اغتشاشات»، شناسایی شده و از سوی این نهادها ضربه خوردند.

در این اطلاعیه آمده اعضای این شبکه «با حمایت مالی وزارت خارجه آمریکا» و با هدایت مؤسسه «خانه آزادی» و مؤسسه «خشونت پرهیزی برای دموکراسی» و با مدیریت «یکی از عناصر سیاسی خارج‌نشین»، مشغول شبکه‌سازی زنان و برنامه‌ریزی برای نقش‌آفرینی در «اغتشاشات» بودند.

این دو نهاد امنیتی- اطلاعاتی گفته‌اند اعضای شبکه «با برگزاری دوره‌های مجازی و رایگان برای فعالان حوزه زنان و جامعه مدنی، عناصری از داخل و خارج از کشور را تحت آموزش قرار می‌دادند».

ادعا شده «هدف از برگزاری این دوره‌ها، ایجاد آمادگی و ارائه دستور کار برای آشوبگران داخلی برای احیای فضای تنش و اغتشاش بوده است».

در متن اطلاعیه اشاره به «بازداشت» افراد نشده و تنها گفته شده آنها شناسایی شده و مورد ضربه قرار گرفته‌اند.

وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه گفته‌اند این شبکه تیرماه توسط یکی از خبرنگاران «رسانه‌های معاند» در دانشگاه «سواز» انگلستان کارگاه آموزشی برگزار کرده بود و قصد داشتند در روزهای ۱۶ و ۲۳ شهریور نیز دوره محرمانه با حضور جمعی از فعالان مدنی و زنان و در بستر فضای مجازی برگزار کنند.

اقتصادی برخلاف رهبر جمهوری اسلامی معتقدند تحریم‌ها وجود دارد، تورم نیز وجود دارد؛ افزایش تورم از سوی دیگر فشار مضاعفی بر جیب و معیشت خانوارهایی است که در دولت سیزدهم به ابزار درآمدزایی دولت تبدیل شده‌اند.

در همین رابطه وحید شقاقی شهری اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی معتقد است که مسئله تورم نیازمند حل ناترازی‌های کلان اقتصاد ایران است.

وحید شقاقی شهری افزوده که سرعت تشدید ناترازی‌های اقتصاد کلان در ایران، از سرعت اقدامات و ساخت اقتصاد ایران پیشی گرفته است. این را در همه حوزه‌ها می‌بینیم. برای مثال، سرعت استهلاک زیرساخت‌ها از سرمایه‌گذاری پیشی گرفته، یا سرعت تخریب اقتصاد کلان از سرعت ساخت اقتصاد کلان پیشی گرفته است. این خیلی خطرناک است.

این اقتصاددان با یادآوری این آمار که ایران جزو ۵ کشوری است که بالاترین تورم‌ها را دارد، گفته که «ما هم یک تورم بلندمدت ۲۰ درصدی داشتیم و هم در ۵ سال اخیر، میانگین تورم بالای ۴۰ درصد بوده است. بخشی از تورم به واسطه تحریم‌ها بوده، ولی بخشی نیز به واسطه ساختارهای معیوب اقتصاد ایران بوده است. در مجموع تداوم وضعیت کنونی در حوزه تورم، امکان‌ناپذیر است و همین موضوع می‌تواند طبقه متوسط را بطور کامل از بین ببرد و اقتصاد ایران را به یک کشور دو طبقه مرفه و فقیر تبدیل کند».

به گفته این اقتصاددان اصلاحات تومری نیازمند اینست که اقدامات اساسی در جهت حل ناترازی‌های اقتصاد ایران صورت گیرد. متأسفانه ناترازی‌های اقتصاد ایران هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود؛ مثل ناترازی انرژی، ناترازی آب، ناترازی بودجه، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی، ناترازی بانکی، ناترازی حساب سرمایه و دیگر ناترازی‌هایی که مدام اضافه می‌شود و تا زمانی که نتوانیم این ناترازی‌ها را حل کنیم، تورم مهار نمی‌شود.

وحید شقاقی شهری تأکید کرده که «حل ناترازی‌ها نیازمند اصلاحات اساسی در اقتصاد ایران است که این حکمرانی اقتصادی با این وضعیت، امکان حل ناترازی‌ها را نخواهد داشت. بطور قطع یک حکمرانی اقتصادی مطلوبی نیاز است، چون ناترازی‌ها ریشه بلندمدتی دارد و کار بسیار سختی است».

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وابسته به وزارت صمت نیز اواخر تیرماه امسال در گزارشی نسبت به تداوم تحریم‌ها و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی هشدار داد و نوشت که با تداوم تحریم، تداوم کاهش سرمایه‌های اجتماعی، افزایش عدم اطمینان و در نتیجه خروج سرمایه از کشور رخ خواهد داد.

این گزارش در مورد نرخ ارز نیز پیش‌بینی کرده بود که در صورت ادامه شرایط فعلی نرخ دلار بین ۵۵ تا ۶۵ هزار تومان در نوسان خواهد بود و در صورت هرگونه تنش و ناآرامی جهش نرخ ارز رخ خواهد داد.

بر اساس این گزارش نرخ تورم مصرف‌کننده بین ۵۵ تا ۶۰ درصد و نرخ تورم تولیدکننده بین ۵۰ تا ۵۵ تخمین زده می‌شود.

در این گزارش اصلی‌ترین مشکل در اقتصاد ایران، تحریم و محدودیت در مبادلات مالی و پولی دانسته شده است. سپس کاهش درآمد حقیقی و افت قدرت خرید خانوارها و بالا رفتن خط فقر عمده‌ترین مشکل در سطح اجتماعی تلقی شده و در زمینه مدیریت و بودجه نیز، مشکل کسری بودجه ناشی از مشکلات ساختاری نظام بانکی و صندوق‌های بازنشستگی عنوان شده است.

فرار متهم به جاسوسی برای جمهوری اسلامی از زندان لندن؛ مقامات امنیتی بریتانیا: سازماندهی شده بود!



دانیل عابد خلیفه

دومینیک مورفی فرمانده مبارزه با تروریسم بریتانیا گفته هیچ بعید نیست افرادی به فرار وی کمک کرده باشند.

الکس چاک وزیر دادگستری بریتانیا نیز به پارلمان این کشور گفته که تحقیقات مستقلی در خصوص فرار این زندانی آغاز خواهد شد.

یک مقام اطلاعاتی به ایندیندنت گفت که «همه نشانه‌ها حاکی از آن است که این یک اقدام سازماندهی شده بود و استفاده از فرصت برای فرار. تقریباً قطعی است که او از داخل زندان کمک‌هایی داشته است.» مقامات از این نگرانند که مبادا وی توانسته باشد با یک پاسپورت جعلی از کشور خارج شده باشد.

چارلی تیلر رئیس بازرس زندان‌های بریتانیا می‌گوید این دومین بار در سال‌های اخیر است که یک زندانی از زندان «واندس‌وُرت» فرار می‌کند. دفعه قبل در سال ۲۰۱۹ چنین اتفاقی رخ داده بود.

وی گفته فرار زندانیان به ندرت اتفاق می‌افتد و کمبود کارکنان در چنین زندان شلوغی کار را برای مدیریت دشوارتر می‌کند. در برخی رسانه‌ها مطرح شده که چرا یک زندانی متهم به تروریسم بجای نگهداری در یک زندان رده A که امنیت بیشتری دارد در یک زندان با رده امنیتی B نگهداری می‌شده است. الکس چاک وزیر دادگستری دستور داده در این خصوص نیز تحقیقات لازم صورت گیرد. وی همچنین دستور داد تا پرونده همه زندانیان در این زندان که در حال حاضر قرنطینه شده، بازبینی شود تا در صورت لزوم نسبت به جابجایی آنها اقدام صورت گیرد.

یان اجسن رئیس سابق امنیت زندان «واندس‌وُرت» گفت: «خیلی عجیب است که این زندانی با اینهمه سیستم امنیتی و مأموران توانسته فرار کند!»

این کشور منتشر شد. هم‌رده‌های وی در «هنگ ۲۲» او را جوانی «شاد و بازیگوش و سر به هوا» توصیف کرده‌اند. بر اساس تسمه‌ای که از زیر یک وسیله نقلیه زندان پیدا شد حدس زده می‌شود که این جوان ۲۱ ساله با چسبیدن به بخش زیرین یک ون حمل غذا، توانسته از زندان فرار کند. البته پس از آنکه آژیر زندان به صدا درآمد و تمام محل قرنطینه شد تا محل اختفای این زندانی پیدا شود، ون مورد نظر از زندان خارج شده بود.

عابد خلیفه در ماه‌های اخیر در آشپزخانه زندان کار می‌کرد و صبح روز فرار با لباس سرآشپزی شامل تی‌شرت سفید، شلوار چهارخانه قرمز و سفید و چکمه قهوه‌ای سر کار حاضر شد.

با اعلام فرار این متهم، بنادر و فرودگاه‌های بریتانیا تدابیر امنیتی خود را افزایش دادند. این وضعیت باعث شد تا صف‌های طولانی در فرودگاه‌های لندن و به ویژه فرودگاه هیثرو ایجاد شود. تمام فرودگاه‌ها در حالت آماده‌باش هستند و جستجو برای این زندانی فراری سبب ترافیک سنگین در راه‌ها و همچنین بنادر نزدیک لندن شده است.

همزمان با اعلام خبر فرار این زندانی، هلیکوپترها و مأموران پلیس به منطقه‌ی مسکونی در جنوب غربی لندن حمله کردند. جایی که گفته می‌شود مادر و خواهر دوقلوی عابد خلیفه تا چند سال پیش در آنجا زندگی می‌کردند. یکی از همسایگان آنها گفت: «زنی در طبقه بالا زندگی می‌کرد که یک پسر و دختر داشت. پسر همیشه با صدای بلند فحش می‌داد.»

برخی مقامات امنیتی بریتانیا گفته‌اند فرار این زندانی ممکن است بطور کامل سازماندهی شده باشد. جستجوها برای یافتن وی تا کنون بی‌فایده بوده است.

● یک مقام اطلاعاتی به ایندیندنت گفت «همه نشانه‌ها حاکی از آن است که این یک کار سازماندهی شده بود و نه یک فرار در فرصت مناسب. تقریباً قطعی است که او از داخل زندان کمک‌هایی داشته است.»

● مقامات از این نگرانند که مبادا وی توانسته باشد با یک پاسپورت جعلی از کشور خارج شده باشد.

● در برخی رسانه‌ها مطرح شده که چرا یک زندانی با اتهام تروریسم بجای نگهداری در یک زندان رده A که امنیت بیشتری دارد در یک زندان با رده امنیتی B نگهداری شده است. وزیر دادگستری بریتانیا دستور داده در این خصوص تحقیقات لازم صورت گیرد.

● عابد خلیفه که متولد بریتانیاست اما والدین خاورمیانه‌ای دارد متهم است در فاصله‌ی مه ۲۰۱۹ تا ژانویه ۲۰۲۲ جزئیاتی را جمع‌آوری می‌کرده که «برای دولت متخاصم مفید» بوده. خلیفه ژانویه ۲۰۲۳ به اتهام کار گذاشتن بمب‌های قلابی به منظور ایجاد اختلال و وحشت در پادگانی که اقامت داشت دستگیر و همان زمان از ارتش اخراج شد.

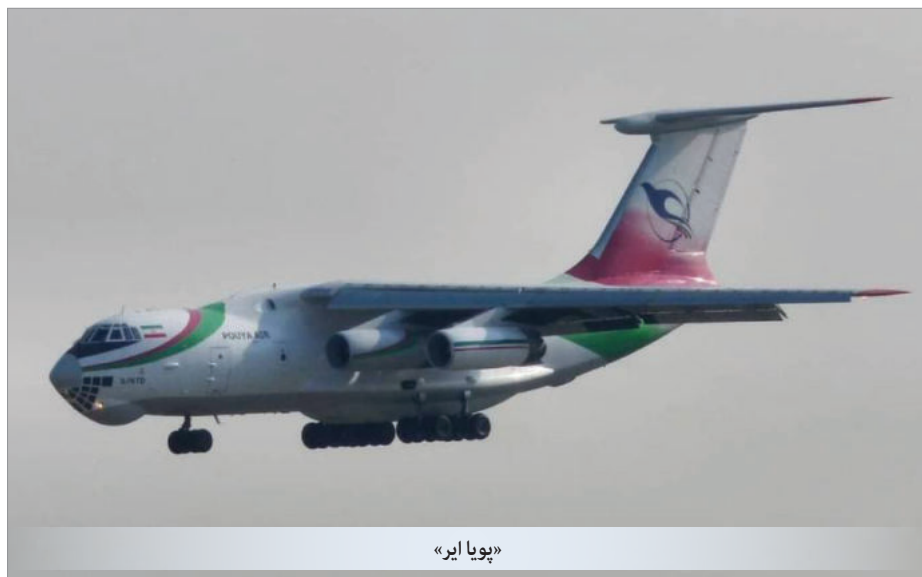
منابع بریتانیایی گزارش دادند که «دانیل عابد خلیفه» سرباز سابق ارتش انگلیس که به جاسوسی برای رژیم ایران متهم شده بود، موفق شده روز چهارشنبه ۷ سپتامبر (۱۵ شهریور) از زندان «واندس‌وُرت» واقع در جنوب غرب لندن فرار کند.

وی قرار بود در ارتباط با اتهاماتش از جمله جاسوسی برای جمهوری اسلامی و تهیه و کار گذاشتن بمب‌های قلابی در یک پایگاه نظامی محاکمه شود. با اعلام خبر این فرار برای نخستین بار عکس وی با اونیفرم ارتش بریتانیا همراه با عکس‌هایی از وی در حال آموزش نظامی در رسانه‌های



پرواز هواپیمای باری «پویا ایر» متعلق به سپاه پاسداران بر فراز کریمه

شرکت «پویا ایر»: خط خبری جیره خواران است!



«پویا ایر»

پیش از این ارتش اوکراین بارها اعلام کرده بود که نیروهای روسی در کریمه از پایگاه آموزشی «چاودا» برای پرتاب پهپادهای انتحاری «شاهد ۱۳۶ و ۱۳۱» استفاده کرده است. در عین حال، تا کنون هیچ مدرکی در مورد حضور مربیان ایرانی در کمک به نیروهای روسیه در هنگام پرتاب پهپادها از کریمه وجود ندارد.

اما ساعاتی پس از انتشار این خبر، شرکت «پویا ایر» پرواز به کریمه را انکار کرد.

این شرکت در اطلاعیه‌ای فوری خبرها در مورد پرواز هواپیمای این شرکت را «کذب» خواند و اعلام کرد که این خبر با «استناد به حک سایت فلایت رادار» و «بر اساس خط خبری برنامه‌ریزی شده توسط شبکه‌های معاند و سایر جیره‌خواران مرتبط» منتشر شده است.

همچنین ادعا شد، «این هواپیما طی ۴۸ ساعت گذشته در فرودگاه مهرآباد پارک بوده و پروازی نداشته و اساساً چنین موضوعی از اساس کذب محض بوده و انجام چنین پروازی کاملاً نشدنی نیست.»

در انتهای این اطلاعیه نیز آمده «این شرکت برخود لازم می‌داند بر اساس اصل شفافیت و آگاه‌سازی نسبت به این موضوع تکذیبیه فوق را صادر و همزمان مراتب را توام از مسیر نهادهای تخصصی و امنیتی دنبال کند.»

حدود ۵۹۰ روز از حمله روسیه به اوکراین می‌گذارد. با وجود اینکه شواهد مختلفی از پشتیبانی تسلیحاتی جمهوری اسلامی از روس‌ها موجود است اما تهران این قضیه را انکار می‌کند. مقامات کی‌یف دائم گزارش می‌دهد که روسیه با پهپادهای ساخت ایران نقاط غیرنظامی اوکراین را هدف قرار داده است. با وجود این، ابهامات در این زمینه کم نیست از جمله ملاقات کاردار نظامی سفارت اوکراین در تهران با مقامات ارشد نظامی جمهوری اسلامی که با وجود همکاری نظامی تهران با مسکو، عجیب به نظر می‌رسد!

منابع اوکراینی بر اساس اطلاعات وبسایت «فلایت رادار» ۲۴ گزارش دادند یک فروند هواپیمای ترابری ایلیوشین (IL-76TD) متعلق به شرکت «پویا ایر» از فرودگاه شهر سیمفروپل در شبه‌جزیره کریمه که در اشغال روسیه قرار دارد پرواز کرده است.

«پویا ایر» در اطلاعیه‌ای فوری خبرها در مورد پرواز هواپیمای این شرکت را «کذب» خواند و اعلام کرد که این خبر با «استناد به حک سایت فلایت رادار» و «بر اساس خط خبری برنامه‌ریزی شده توسط شبکه‌های معاند و سایر جیره‌خواران مرتبط» منتشر شده است.

رسانه‌های اوکراینی پنجشنبه شب هفت سپتامبر (۱۶ شهریور) گزارش دادند یک فروند هواپیمای ترابری ایلیوشین (IL-76TD) متعلق به شرکت «پویا ایر» از فرودگاه شهر سیمفروپل در شبه‌جزیره کریمه که در اشغال روسیه قرار دارد پرواز کرده است اما مدیران این شرکت هواپیمایی این خبر را تکذیب کرده‌اند.

شرکت «پویا ایر» متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و به اتهام انتقال محموله‌های نظامی به سوریه در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارد. این شرکت هواپیمایی پس از آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در ماه چند پرواز به روسیه به ویژه شهر مسکو دارد.

روزنامه «اوکراینستا پراودا» گزارش داد بر اساس اطلاعات سرویس‌هایی که حمل و نقل هوایی را رصد می‌کنند، این هواپیما با شناسه ثبت EP-PUS در ساعت ۱۷:۰۹ روز هفت سپتامبر، دو ساعت پس از فرود در کریمه، از همانجا برخاست.

این هواپیما به سمت جنوب شرقی حرکت کرد و پس از پرواز بر فراز دریای سیاه در نهایت به سمت مسکو رفته است.

کارشناسان می‌گویند او باید در زندان «بلمارش» با رده امنیتی A واقع در جنوب شرقی لندن نگهداری می‌شد که اکثر مظنونان تروریستی را در خود جای داده و هرگز کسی نتوانسته از آنجا فرار کند.

از سوی دیگر پیتر بلکسلی کارآگاه سابق پلیس متروپولیتن می‌گوید: «اگر این کار از قبل برنامه‌ریزی شده باشد و او توانسته با کمک شبکه‌ای از جنایتکاران فرار کند، پس مطمئناً پول نقد، سرپناه، امکان تغییر لباس و پاسپورت جعلی در اختیار داشته تا بتواند از کشور خارج شود.»

وی افزود: «البته پلیس امیدوار است که او به تنهایی اقدام به فرار کرده باشد زیرا احتمال شناسایی و دستگیری وی را افزایش می‌دهد چون در اینصورت مجبور است لباس بدزد و برای مخفی شدن وارد ساختمان‌هایی شود و یا برای تهیه غذا اقدام کند.»

عابد خلیفه قرار بود ۱۳ نوامبر ۲۰۲۳ برای محاکمه در دادگاهی حاضر شود که در مجاورت زندان «بلمارش» قرار دارد که خودش هم می‌بایست در آنجا زندانی می‌بود.

مأموران زندان چند دقیقه پس از ناپدید شدن وی متوجه غیبت او شدند و بلافاصله آژیر زندان در ساعت ۵ و پنجاه دقیقه صبح پنجشنبه ۷ سپتامبر به صدا درآمد. اما درخواست پلیس از مردم تازه ساعت ۴ بعد از ظهر به اطلاع عموم رسید.

همچنین اعلام شده او تهدیدی برای مردم نیست، اما از شهروندان خواسته شده است اگر او را دیدند به وی نزدیک نشوند و فوری نیروهای امنیتی را در جریان بگذارند.

عابد خلیفه که متولد بریتانیاست اما والدین خاورمیانه‌ای دارد متهم است در فاصله‌ی مه ۲۰۱۹ تا ژانویه ۲۰۲۲ جزئیاتی را جمع‌آوری می‌کرده که «برای دولت متخاصم مفید» بوده. البته خودش این اتهامات را رد کرده است.

او همچنین متهم به استخراج اطلاعات در مورد اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با مبارزه علیه تروریسم با ثبت اطلاعات شخصی از سیستم مدیریت پرسنل وزارت دفاع بریتانیا در اوت ۲۰۲۱ است. خلیفه ژانویه ۲۰۲۳ به اتهام کار گذاشتن بمب‌های قلابی که با قوطی و سیم ساخته می‌شوند به منظور ایجاد اختلال و وحشت در پادگانی که اقامت داشت دستگیر و همان زمان از ارتش اخراج شد. قرار وثیقه وی تا زمان محاکمه‌ی وی که قرار است ۲۰ نوامبر انجام شود، از سوی قضات رد شده است.

حدود ۱۳۰۰ محکوم در زندان «واندس‌ورث» محبوس هستند. گفتنی است که بوریس بکر، اسطوره تیس، نیز قبل از آزادی در دسامبر گذشته، به دلیل کلاهبرداری در همین زندان دوران محکومیت خود را می‌گذراند.

کریس اتکینز زندانی سابق «واندس‌ورث» و نویسنده‌ی فعلی، این زندان را «ناکارآمد در مقیاس حماسی» توصیف کرده است! او درباره «واندس‌ورث» می‌گوید که این زندان توسط مأموران جوان و وحشت‌زده‌ای که هیچ آموزشی ندیده‌اند اداره می‌شود. آنها را پس از فقط ۹ هفته آموزش برای نگهداری از زندانیان باتجربه می‌فرستند!

اتکینز افزود: «به دلیل کمبود پرسنل از من می‌خواستند تا ثبت نام زندانیان را انجام دهم و هنگام خروج از بند نیز افراد را علامت بزنم! این در حالیست که من به اتهام جعل در زندان بودم! اما آنها به من اجازه دادند که این مسئولیت را داشته باشم! یعنی من می‌توانستم برای یک زندانی که فرار کرده، علامت بزنم که بله، زندانی اینجاست!»

آخرین آمار وزارت دادگستری بریتانیا نشان می‌دهد که در ۱۲ ماه منتهی به مارس ۲۰۲۳ هشت زندانی در انگلیس و ولز فرار کرده‌اند که همه آنها طی یک ماه دستگیر شده و به زندان برگردانده شدند.

تداوم موج سرکوب‌ها در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی رضا نوروزی و شمار دیگری از شهروندان بازداشت شدند

خبرگزاری «هرانا» هم گزارش داده که محمدحسن صدیقی و کامران صدیقی، شهروندان اهل نیکشهر توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. همچنین مأموران امنیتی روز سه‌شنبه ۱۴ شهریورماه به خانه پریسا صالحی، روزنامه‌نگار، در کرج پورش برده و پس از تفتیش خانه، تلفن همراه او را با خود بردند. سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نیز در اطلاعیه مشترکی در روز چهارشنبه ۱۵ شهریور، و در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی مدعی وارد کردن «ضربه جدی به شبکه سازماندهی اغتشاشات» شدند.

این بیانیه بدون اعلام هر گونه جزئیاتی از نام و تعداد این افراد نوشته «با پیگیری‌های اطلاعاتی مشترک سربازان گمنام امام زمان تعدادی از اعضای یک شبکه سازماندهی اغتشاشات، شناسایی و تحت ضربه قرار گرفتند.»

در ادامه بیانیه آمده که «اعضای این شبکه که با حمایت مالی وزارت امور خارجه آمریکا، هدایت موسسه خانه آزادی و موسسه خشونت‌پرهیزی برای دموکراسی و با مدیریت یکی از عناصر سیاسی خارج نشین، مشغول شبکه سازی زنان و برنامه ریزی برای نقش آفرینی در اغتشاشات بودند، با برگزاری دوره‌های مجازی و رایگان برای فعالان حوزه زنان و جامعه مدنی، عناصری از داخل و خارج از کشور را تحت آموزش قرار می‌دادند.»

این دو نهاد امنیتی-اطلاعاتی افزوده‌اند که «این موسسه که آخرین کارگاه آموزشی خود را در تیرماه سال جاری برای فعالان حوزه زنان در خارج از کشور، توسط یکی از خبرنگاران رسانه‌های معاند در دانشگاه امنیتی سواز انگلستان برگزار کرده بود، قصد داشته است طی دو روز ۱۶ و ۲۳ شهریورماه سال جاری، دوره‌ای محرمانه با حضور جمعی از فعالان مدنی و زنان و در بستر فضای مجازی برگزار کند.» این بیانیه مدعی شده که «بر اساس اطلاعات به دست آمده، هدف از برگزاری این دوره‌ها، ایجاد آمادگی و ارائه دستور کار برای آشوبگران داخلی برای احیای فضای تنش و اغتشاش بوده است.»

وبسایت «صابرین نیوز» نیز به نقل از دادگستری اردبیل گزارش داده «فردی که همزمان با ایام اربعین حسینی و با انتشار محتوایی در فضای مجازی به مقدسات و باورهای دینی و اعتقادی مردم توهین کرده بود، با دستور ویژه دادستان در اسرع وقت شناسایی و دستگیر شد.»

در ادامه این خبر آمده در تفتیش خانه این فرد یک قبضه سلاح جنگی نیز کشف و ضبط شده است.

موج بازداشت و سرکوب شهروندان در هفته‌های گذشته و به علت هراس حکومت از برگزاری اعتراضاتی در سالگرد اعتراضات جنبش ملی سال گذشته، شدت گرفته است.

دها تن از فعالان مدنی و سیاسی، دادخواهان، هنرمندان و شهروندانی که در اعتراضات سال گذشته بازداشت شدند، در روزهای گذشته بازداشت شده‌اند.

همچنین احضار و تهدید شهروندان در گروه‌ها و اقشار مختلف نیز افزایش یافته و جمهوری اسلامی همه تلاش خود برای مهار فضای دانشگاه‌ها و مسلط شدن بر خیابان‌ها را بکار گرفته است.



چشمی در کرمانشاه خبر داده است. بر اساس این گزارش مأموران امنیتی دوشنبه سیزدهم شهریور «بدون ارائه حکم قضایی پارسا را در محل کار پدرش بازداشت کردند» و او را به مکان نامعلوم بردند. یک منبع مطلع به کردپا گفت که نهادهای امنیتی از پاسخگویی به خانواده قیادی در باره سرنوشت فرزندشان خودداری می‌کنند. پارسا قیادی در اعتراضات ۳۰ آبان ۱۴۰۱ با شلیک مأموران حکومتی از ناحیه چشم آسیب دیده بود.

صفحه توییتری «۱۵۰۰ تصویر» که خبرهای مرتبط با بازداشت‌شدگان و جانباختگان اعتراضات را منتشر می‌کند روز پنجشنبه ۱۶ شهریور گزارش داده که «دو روز پیش، نیروهای جمهوری اسلامی در بروجرد، فرزاد معظمی، پسردایی رضا معظمی از کشته‌شدگان آبان ۹۸ را بازداشت کردند. نیروهای جمهوری اسلامی، پس از بازداشت فرزاد، به خانه‌ی او حمله کرده و همه چیز را زیر و رو کردند.»

امید قدیمی برادر فؤاد قدیمی از جانباختگان خیزش ملی سال گذشته نیز توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در دیواندره بازداشت شد.

همچنین سایت حقوق بشری «هنگاو» گزارش داده است که پدر و خواهر محمد حسن‌زاده، از کشته‌شدگان اعتراضات در بوکان توسط اداره اطلاعات این شهر بازداشت و در مورد برگزاری هرگونه مراسم به‌مناسبت سالگرد اعتراضات سال گذشته تهدید شده‌اند.

بر اساس این گزارش احمد و سولماز حسن‌زاده، پدر و خواهر محمد روز سه‌شنبه ۱۴ شهریور بازداشت و به دادسرای بوکان منتقل شدند. هه‌نگاو به نقل از یک منبع آگاه اعلام کرده است که به خانواده حسن‌زاده درباره برگزاری هرگونه مراسمی هشدار داده شده است و پدر و خواهر او به «حذف فیزیکی» و «مرگ» تهدید شده‌اند.

گزارش دیگری از بازداشت سیروان شاهمرادی جوان بلوچ توسط مأموران وزارت اطلاعات و با ضرب و جرح و خشونت شدید خبر داده است. سیروان شاهمرادی در جمعه خونین زاهدان در هشتم مهرماه سال گذشته زخمی شده بود.

● مأموران وزارت اطلاعات پیش از ظهر پنجشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۲ رضا نوروزی فعال سیاسی مشروطه‌خواه را در منزل شخصی‌اش در سرآسیاب ملارد بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

● نیروهای حکومتی پارسا قیادی و حسین حسین‌پور از آسیب‌دیدگان چشمی اعتراضات سال گذشته را بازداشت کردند. ● گزارش دیگری از بازداشت سیروان شاهمرادی جوان بلوچ توسط مأموران وزارت اطلاعات و با ضرب و جرح و خشونت شدید خبر داده است.

در ادامه موج سرکوب‌ها در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی، چند تن دیگر از فعالان سیاسی و دادخواهان بازداشت شدند.

مأموران وزارت اطلاعات ساعاتی پیش و در پیش از ظهر پنجشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۲ رضا نوروزی فعال سیاسی مشروطه‌خواه را در منزل شخصی‌اش در سرآسیاب ملارد بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

رضا نوروزی مدتی بود در خفا زندگی می‌کرد و در حالی که برای دیدار با فرزندانش به خانه مراجعه کرده بود بازداشت شد.

یاشار تبریزی از فعالان سیاسی مشروطه‌خواه با انتشار پستی در توییتر نوشت اعلام کرد رضا نوروزی «لحظاتی پیش» با حمله مأموران وزارت اطلاعات به خانه‌اش در سرآسیاب ملارد بازداشت و به «مکانی نامعلوم» منتقل شده است. رضا نوروزی اسبق‌رانی معروف به رضا نوروزی اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ با همسر و دو فرزند خردسالش در تهران و در اوج اخبار ایران‌فروشی جمهوری اسلامی به چین با قرارداد ۲۵ ساله، در یکی از میادین تهران اتومبیل خود را به آتش کشید و طی سخنانی از مردم خواست به جمهوری اسلامی «نه» بگویند.

او در این اقدام اعتراضی فریاد می‌کشید که «برای این سرزمین می‌جنگم. برای بازگشت شاهزاده رضا پهلوی می‌جنگم». همسر جوانش نیز در حالی که دست پسر دو ساله‌اش را گرفته و پسر چند ماهه‌اش را در آغوش داشت، در کنار وی حضور داشت.

همسر و دو فرزند خردسال رضا نوروزی نیز به همراه او بازداشت شدند و برای مدت طولانی همسرش با وجود داشتن یک فرزند دو ساله و یک نوزاد شیرخوار زیر فشارهای سنگین امنیتی و در سلول انفرادی نگهداری می‌شد.

پیش از این رضا نوروزی یکبار در منطقه فلکه دوم گوهردشت کرج در سال ۱۳۹۶ و یکبار هم در محوطه آرامگاه کوروش در پاسارگاد بازداشت شده بود.

این فعال مشروطه‌خواه در بیش از دو سال زندان زیر شدیدترین فشارهای امنیتی و قضایی، و انواع آزار و اذیت از سوی مسئولان زندان قرار داشت و به تازگی از زندان آزاد شده بود.

همچنین بر اساس گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نیروهای لباس شخصی جمهوری اسلامی شامگاه چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۲ حسین حسین‌پور از آسیب‌دیدگان چشمی اعتراضات سال گذشته را بازداشت کردند.

خبرگزاری «کردپا» از بازداشت پارسا قیادی از مجروحان

روایت نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی درباره «خنثی کردن طرح خرابکاری صهیونیست‌ها» چقدر واقعی است؟



عکس یادگاری با موشک «ذوالفقار»

اسلامی، هر دو، خسارت احتمالی به صنایع موشکی کشور را در صورت موفقیت «صهیونیست‌ها» ۱۹ میلیون دلار برآورد کرده‌اند!

این ادعا نیز در حالیهست که قطعاً خسارت ۱۹ میلیون دلاری نمی‌تواند «بزرگترین طرح خرابکاری» علیه رژیم ایران تا امروز بوده باشد!

حملات استاکس نت و انفجار پادگان «مدرس» که منجر به کشته شدن حسن طهرانی مقدم به اصطلاح «پدر موشکی ایران» و نابودی سخت‌افزارهای دفاعی در این پادگان شد، قطعاً بیش از ۱۹ میلیون دلار خسارت داشته است.

همچنین در مقایسه با خسارت‌های ناشی از اختلاس‌های نجومی داخل نظام، ۱۹ میلیون دلار خسارت رقمی ناچیز و حتی خنده‌آور به نظر می‌آید.

۱۹ میلیون دلار در ضمن مبلغ ناچیزی در مقایسه با خسارتی است که ایران در طول این سال‌ها به علت تحریم‌ها متحمل شده. تحریم‌هایی که به خاطر سیاست‌های رژیم در نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی و حمایت از تروریسم علیه جمهوری اسلامی اعمال می‌شود و تاوان آن را ملت و مملکت می‌پردازند. حاکمان جمهوری اسلامی بجای خوشحالی از جلوگیری ۱۹ میلیون دلار خسارت باید به فکر میلیاردها دلار خسارتی باشند که مردم ایران به خاطر حکمرانی فاسد و ناکارآمد آنها پرداخت می‌کنند.

به نظر می‌آید نهادهای نظامی جمهوری اسلامی هر چند گاه باید تلاش کنند تا نشان دهند دستاورد بزرگی نصیب‌شان شده تا کسی نپرسد اینهمه بودجه مملکت که هر سال در اختیار آنها قرار می‌گیرد صرف چه می‌شود! گاهی ادعا می‌کنند دستگاه کروناپاب اختراع کرده‌اند و گاهی نیز صنعت موشکی را از دست کانتکوره‌های وارداتی دستکاری شده نجات داده و جلوی ۱۹ میلیون دلار خسارت را گرفته‌اند!

مختلفی از جمله شرکت‌های روسی و چینی هم این کانتکورها را تولید و عرضه می‌کنند.

از سال ۱۳۹۰ که حسن طهرانی مقدم در حادثه انفجار انبار مهمات پادگان «مدرس» کشته شد، مقامات جمهوری اسلامی ادعا کرده‌اند که در صنعت موشکی خودکفا شده‌اند!

ابراهیم رئیسی در سخنرانی ۱۶ خرداد ۱۴۰۲ نیز هنگام رونمایی از «موشک هایپرسونیک فتاح» در ستاد نیروی هوافضای جمهوری اسلامی گفت: «شهید طهرانی مقدم بعد از شهادتش شناخته شد و کسی خبری از فعالیت‌های او نداشت و روزی که این کار را شروع کرد می‌گفتند با این تحریم‌ها مگر امکان دارد؛ ولی او همه تحریم‌ها را دور زد و آنها را بی‌اثر کرد.»

او همچنین گفت: «در کشور ما این علم و دانش در صنایع موشکی و دفاعی و نظامی بومی شده و وارداتی نیست!»

با توجه به این پیش‌زمینه‌ها، تناقض‌هایی در ادعای «موفقیت بزرگ» سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع جمهوری اسلامی دیده می‌شود که روایت رسمی آنها را زیر سؤال می‌برد.

اگر صنایع موشکی بومی و وارداتی نیستند، پس چرا کانتکورها در خود ایران تولید نمی‌شدند؟ چگونه است که صنایع دفاعی جمهوری اسلامی که جنگنده نسل پنجم «قاهر ۳۱۳»، ماهواره و پهپاد و موشک می‌ساخته، هنوز توانایی ساخت و تولید متصل‌کننده‌هایی را که از سال ۱۹۳۰ میلادی ساخته می‌شوند نداشته است؟ اگر تولید این کانتکورها به صرفه نبوده، چرا از متحدان خود مثل روسیه خریداری نکرده و ترجیح داده از «کشورهای متخاصم» وارد کند؟ کانتکور روسی یکی از کاربردی‌ترین و بهترین کانتکوره‌های نظامی به شمار می‌رود. جانشین وزارت دفاع و سخنگوی وزارت دفاع جمهوری

● چندی پیش مقامات نظامی جمهوری اسلامی ادعا کردند با خنثی کردن یک «طرح خرابکاری صهیونیست‌ها» چنان ضربه‌ای به اسرائیل زده‌اند که هنوز در شوک بسر می‌برد!

● اما این روایت نیز در حد همان اختراع دستگاه کروناپاب سپاه پاسداران است!

پنتکین آذر مهر - هفته پیش سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع جمهوری اسلامی با آب و تاب فراوان اعلام کرد که توانسته «بزرگترین طرح خرابکاری رژیم صهیونیستی» در صنعت دفاعی و موشکی کشور را خنثی کند. به گفته جمهوری اسلامی، خنثی کردن این «طرح خرابکاری صهیونیست‌ها» چنان ضربه‌ای به آنها زده که اسرائیل هنوز در شوک بسر می‌برد!

اما داستان از چه قرار است و روایت نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی تا چه حد به واقعیت نزدیک است؟

روایت رسمی که سردار سرتیپ سید مهدی فرحی جانشین وزیر دفاع در یک گفتگوی تلویزیونی از جزئیات کشف این «بزرگترین طرح خرابکاری موساد» در صنعت موشکی ایران شرح داد و به صورت دیکته شده در بقیه رسانه‌های حکومتی کپی و تکثیر شد، روایتی در حد اختراع دستگاه کروناپاب سپاه پاسداران است.

طبق این روایت، داستان به ۹ سال پیش برمی‌گردد. شخصی که با حروف اختصاری «جیم. الف» به عنوان یکی از دست اندرکاران دور زدن تحریم‌ها و خرید قطعات تحریمی معرفی شده، در دام سازمان جاسوسی موساد می‌افتد. موساد «جیم. الف» را به سه نفر دیگر در اروپا و آسیا مرتبط می‌کند غافل از اینکه سازمان پر قدرت و با اقتدار حفاظت اطلاعات وزارت دفاع جمهوری اسلامی از همان ابتدا این ملاقات‌ها را رصد می‌کرده است!

«جیم. الف» اطلاعات قطعات مورد نیاز برای برنامه موشکی ایران را در اختیار اسرائیلی‌ها می‌گذارد. توجه اسرائیلی‌ها به «کانتکور» ها یا متصل‌کننده‌هایی که با استانداردهای نظامی در موشک‌ها به کار می‌آیند جلب می‌شود.

سردار طلایی نیک سخنگوی وزارت دفاع ادعا کرد که «عوامل موساد در برخی از کانتکورها یک مدار الکتریکی جاسازی کرده بودند تا بتواند ایجاد اختلال کند و به صورت زمان‌بندی شده کانتکور منفجر شود و سیستم هدایت موشک از کار بیفتد.»

کانتکورهایی که به روایت حفاظت اطلاعات وزارت دفاع قرار بود توسط موساد دستکاری شوند، قطعاتی با طول ۷ سانتی‌متر و ۲ تا ۳ سانت قطر و با ۱۰ تا ۳۲ پین سیم‌کشی شده هستند.

تقریباً هر کسی که حرفه‌اش مهندسی الکترونیک یا برق بوده باشد با این متصل‌کننده‌ها در مقطعی آشنایی پیدا کرده. این متصل‌کننده‌ها که با استاندارد نظامی MS نیز ساخته می‌شوند از ۱۹۳۰ میلادی برای کاربردهای هوانوردی توسعه یافتند.

از این متصل‌کننده‌ها در حال حاضر در تجهیزات نظامی، شرایط محیطی سخت، از جمله کاربردهای هوافضایی، نفت و گاز و صنعت اتومبیل استفاده می‌شود. شرکت‌های



عکس هفته | همبستگی جهانی با انقلاب ملی ایران
شنبه ۲۵ شهریور برابر با ۱۶ سپتامبر ایرانیان در سراسر جهان با به نمایش گذاشتن همبستگی ملی و انقلاب آزادیخواهانه‌ی خود برای نجات ایران به خیابان‌ها می‌آیند.